

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حقوق و مسؤولیت‌های زن در نظام اسلامی

(مجموعه مقالات)

اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و مسؤولیت‌های زن در نظام اسلامی

تیرماه ۱۳۸۵

جلد اول

دبیرخانه‌ی هیأت علمی



نام کتاب: حقوق و مسؤولیت‌های زن در نظام اسلامی ج
(مجموعه مقالات)

نویسندگان: جمعی از دانشمندان و اندیشمندان مسلمان

تألیف: دبیرخانه‌ی هیأت علمی کنفرانس

ویراستار: بهزاد تاج‌الدینی

ناشر: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی - معاونت فرهنگی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۵ هـ ش

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

شابک ج ۱: ISBN : (vol1) 964-8889-48-1 ۹۶۴-۸۸۸۹-۴۸-۱

شابک دوره: ISBN : (volset) 964-8889-49-x ۹۶۴-۸۸۸۹-۴۹-x

چاپخانه: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلام (سازمان چاپ و انتشارات)

قیمت: ۱۶۰۰۰ ریال

آدرس: تهران - ص. پ. ۶۹۹۵ - ۱۵۸۷۵ تلفکس: ۴-۸۳۳۱۴۱۱

حق چاپ و نشر محفوظ

فهرست مطالب

مقدمه	۷
پیش نویس منشور حقوق و مسؤولیت‌های زن در نظام اسلامی	۹
وضعیت زن مسلمان و نقش وی در اجتماع / محمد علی تسخیری	۳۱
وظیفه زن در برابر حمایت از هویت خانواده در نظام اسلامی / محمد دسوقی	۶۷
نقش و جایگاه زن در خلقت / اقبال بریشا حدوتی	۸۹
نظریه‌ی عزت نفس زنان و... / محمد سعید عمر اسماعیل	۱۰۳
حقوق و مسؤولیت‌های فردی زنان... / فوزیه بیسعی	۱۱۱
زنان در برهه‌ای از زمان / کارین یاریارا	۱۲۳
نقش و جایگاه زن در خلقت / ک.م. دوسا	۱۵۳
حقوق زن و وظایف او در خانواده و جامعه / رباب صدر	۱۶۱
چالش‌های فراروی زن مسلمان در جوامع معاصر / جعفر عبدالسلام	۱۷۵
خانواده از دیدگاه دین / الطیب سلامه	۱۹۳
جایگاه زن در خلقت / نازنین کریم	۲۱۷

مقدمه

با توجه به تهاجمات فرهنگی جهان غرب و توطئه های دائمی حکومت های استکباری علیه مقام و منزلت والای زن در جامعه بشری و تضعیف بنیان خانواده و لزوم شناسایی این توطئه ها و ترفندهای شیطانی و نیز ضرورت برنامه ریزی و طراحی راهکارهای مناسب برای مقابله و مواجهه با آنها وجستجوی طرح جامع و متفق الرأی بانوان اندیشمند و محقق جهان اسلام که منبعث از دیدگاه های مرفقی جهان شمول اسلام عزیز باشد و در نتیجه منجر به تدوین و تنظیم منشور بین المللی حقوق زن مسلمان در جهان امروز گردد، این کنفرانس بین المللی با مشارکت ارگان ها و سازمان های داخلی و خارجی مرتبط با موضوع برای توجه به مطالب فوق و دستیابی به اهداف زیر برگزار می گردد:

- ۱- تبیین و ارائه عالمانه نقطه نظرات و دیدگاه های نظام اسلامی در خصوص مسؤولیت ها و حقوق زن
- ۲- بسترسازی و ایجاد شرایط و فضای مناسب به منظور برقراری ارتباطات دائمی زنان فرهیخته جهان اسلام
- ۳- استحکام و تعمیق روابط علمی - اجتماعی - سیاسی فیما بین تشکل های موجود زنان در جهان اسلام
- ۴- تلاش برای تأسیس و تشکیل جبهه ای متحد برای مقابله با

توطنه های استکبار جهانی در این رابطه

۵ - دستیابی به متن حقوقی مشرقی و جامع الاطراف در قالب «منشور بین المللی حقوق و مسؤولیت های زن در نظام اسلامی» که مورد توافق و تصویب زنان فرهیخته و صاحب نظر جهان اسلام و مجامع بین المللی مرتبط باشد.

دبیرخانه‌ی هیأت علمی کنفرانس

**پیش نویس منشور حقوق و مسؤولیت های زن
در نظام اسلامی**

نکاتی چند در خصوص منثور:

- ۱- در این منثور حق به معنای توانایی، امتیاز و مصونیت است و مسؤولیت به معنای تکالیفی است که زن نسبت به دیگران بر عهده دارد.
- ۲- در مواردی که تکالیفی متوجه افراد جامعه بوده و زنان از نمره انجام آن تکالیف برخوردار می‌شوند، آن تکالیف به صورت حق زنان ذکر شده و از بیان مستقیم مسؤولیت‌های دیگران نسبت به زنان خودداری شده است.
- ۳- از آنجا که در قوانین اسلامی، افراد نسبت به خدا، خود، جامعه و هستی مسؤول می‌باشند، سعی شده تا مسؤولیت زنان نیز نسبت به موارد مذکور ذکر گردد. بر واضح است که در صورت فقدان شرایط عام تکالیف (عقل، بلوغ، اراده و...)، زنان نیز فاقد مسؤولیت خواهند بود. در ضمن با بکار بردن کلمه حق یا مسؤولیت، نوع ارتباط زنان با مسئله مورد نظر مشخص شده است.
- ۴- سعی شده کلیه حقوق و مسؤولیت‌های زنان اعم از مشترک بین زنان و مردان یا ویژه زنان ذکر شود و دلایل این امر به قرار ذیل است:
الف- از آنجا که در مجامع بین‌المللی بحث و جدال فراوان در زمینه حقوق

انسانی زنان وجود دارد و آنان در صدد اثبات حقوق انسانی منطبق با دیدگاه غربی برای زنان می‌باشند و از طرفی کشورهای مختلف بر اساس فرهنگ‌های متفاوت خود، نظرات و عملکرد متفاوتی در زمینه حقوق انسانی زنان دارند، لازم بود تا در منشوری که نمایانگر دیدگاه باشد، حقوق انسانی زنان، حقوق مشترک بین زن و مرد و نیز حقوق ویژه زنان در موضوعات مختلف بیان شود تا مشخص گردد که نظام اسلامی اساساً چه حقوق و مسؤولیت‌هایی را برای زنان قائل است.

ب - در اندیشه اسلامی زنان و مردان در حقوق انسانی خویش عموماً مشترک می‌باشند، ولی از آنجا که در مراحل اقدام و اجراء ممکن است تبعیض‌هایی صورت گیرد، جهت تأکید، این دسته از حقوق نیز باعتبار حقوق زنان ذکر شده است.

ج - از آنجا که این منشور فقط در صدد بیان حقوق زنان می‌باشد، حقوق سایر اقشار اجتماعی در آن ذکر نشده است؛ هر چند در مرحله اجراء با توجه به سایر قوانین و سیاست‌ها، به حقوق سایر اقشار اجتماعی نیز توجه لازم خواهد شد.

۵- این منشور در صدد بیان نحوه اجرای حقوق نیست، بنابراین لازم است با توجه به ساختار قوانین در جای خود ضمانت اجرا برای آن در نظر گرفته شود.

۶- از آنجا که منشور فقط در صدد بیان قوانین نبوده، بلکه توجه به فرهنگ‌سازی نیز داشته است، لذا برخی موارد اخلاقی لازم‌الاجرا نیز در زمره حقوق و مسؤولیت‌های زنان ذکر شده است.

۷- در منشور سعی شده تا حد امکان، حقوق و مسؤولیت‌های کلی و اساسی ذکر گردد و از بیان مصادیق صرف نظر شود. ولی از آنجا که طرح پاره‌ای از مصادیق حقوقی یا مسؤولیت‌ها در منازعات بین‌المللی یا فرهنگ داخلی نیاز به تأکید و شفاف‌سازی داشته است به صورت مشخص بیان شده است.

۸- در ساختار منشور، حقوق و مسؤولیت‌های زنان با استقراء به صورت ذیل تقسیم شده است:

حقوق فردی؛ حقوق خانوادگی، حقوق اجتماعی (که حقوق اجتماعی بر حسب موضوع به حق سلامت، حقوق فرهنگی، حقوق اقتصادی، حقوق سیاسی و حقوق قضایی دسته‌بندی شده است).

۹- منشور در صدد ارائه دیدگاه‌های اسلامی در زمینه مسائل زنان می‌باشد و می‌تواند محور گفتگو کشورهای اسلامی در خصوص مسائل زنان قرار گیرد و قدمی مؤثر در مسیر تهیه و تدوین سندی دیگر با همکاری و اتفاق نظر کشورهای مختلف اسلامی در سطح بین‌الملل به حساب آید.

۱۰- هر چند موازین شرع بر اطلاق و عموم همه یندهای منشور حاکم است ولی در مواردی که در ارتباط با حق یا مسؤولیتی به دلایلی، تأکید به رعایت موازین شرع لازم بود، این عبارت مجدداً ذکر شده است.

۱۱- از آنجا که منشور فقط در صدد بیان حقوق و مسؤولیت‌های زنان بوده، از ذکر نام فرد یا نهادی که مسؤول اجرای این حقوق است، خودداری نموده، پر واضح است که این سند می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری در امور زنان باشد.

اصول و مبانی:

این منشور با الهام از شریعت جامع و معتدل اسلام به منظور ایجاد زمینه رشد هماهنگ و متوازن ابعاد مادی و معنوی در زندگی فردی و اجتماعی و با عنایت به آزادی مسؤولانه زنان و کرامت انسانی آنها، با توجه به تناسب بین حقوق و مسؤولیت‌ها، شکل گرفته است.

این منشور با تکیه بر شناخت و ایمان به خداوند متعال به عنوان مبدأ هستی و خالق موجودات و اختصاص تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او با بهره‌گیری از قرآن و سنت نظری شریف و عقل با اذعان به نقش بنیادی آنها در استنباط، بیان قوانین و احکام الهی و با توجه به مقتضیات زمان و مکان، با پرهیز از آمیزه‌های فکری مغایر با اسلام^۱ و به دور از تحجر فکری، خرافات و خودباختگی فرهنگی در مقابل بیگانه تدوین گردیده است و بیانگر جایگاه زن بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که این اصول انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد.

مبنای اساسی منشور بر این اعتقاد بنیادین استوار است که در اسلام، زن و مرد در فطرت و سرشت،^(۲) هدف خلقت،^(۳) برخورداری از استعدادها و امکانات،^(۴) امکان کسب ارزش‌ها،^(۵) پیشتازی در ارزش‌ها^(۶) پاداش و جزای اعمال فارغ از جنسیت،^(۷) در برابر خداوند یکسان می‌باشند و فقط بواسطه رشد همه‌جانبه انسانی

۱. «ان الحکم الا لله یوسف ۴۰، انعام ۵۷.
۲. «فطرة الله التي فطر الناس عليها» روم ۳.
۳. «وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» ذاریات ۵۶ - «الذي خلق الموت والحیوة لیبیروکم ایکم احسن عملا» ملک ۲.
۴. الفاء، تکوینی طبیعی: «سخر لکم ما فی السموات والارض» جاثیه، ۱۳ ب) تکوینی معنوی: «جعل لکم السمع والابصار والالئدة» نحل ۱۷۸ «ونفس وما سویها فاللهما فجورها وتقویها» - شمس ۸-۷. «علم الانسان ما لم یعلم» علق ۵. ج) تشریحی: «اذکروا نعمت الله علیکم اذ جعل لکم الانبیاء» مائده ۲۰. «کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور» ابراهیم ۱.
۵. «ان المسلمین والمسلمات والمؤمنین والمؤمنات والقانتین والقانتات والصادقات والصادقات والصابرین والصابرات والخاشعین والخاشعات والمتصدقین والمتصدقات والصالحین والصالحات والحافظین فروجهم والحافظات والذاکرین الله کثیرا والذاکرات اعد الله لهن مغفرة واجرا عظیما» احزاب ۳۶. «من عمل صالحا من ذکر او انسی وهو مؤمن فلنحییته حیوة طیبة» نحل ۹۷.
۶. «ضرب الله مثلا للذین آمنوا امرأة فرعون... و مریم ابنت عمران» تحریم ۱۲-۱۱ «وینا هب لنا من ازواجنا وذریاتنا قرة اعین واجعلنا للمتقین اماما» قرقان ۷۲.
۷. «فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره ومن یعمل مثقال ذرة شرا یره» ززال ۸-۷.

در سایه دانش، علم،^(۱) تقوای الهی^(۲) و ایجاد جامعه‌ای شایسته^(۳) بر یکدیگر مزیت دلرند.

از سوی دیگر زن و مرد از نظر ویژگی‌های جسمی و روانی دارای تفاوت‌هایی می‌باشند که این تفاوت‌ها مبتنی بر حکمت الهی و به عنوان راز تداوم حیات بشری، کلیت منسجمی را تشکیل می‌دهد تا در نهایت، رابطه متقابل ناشی از تناسب فکری و عاطفی میان آن دو، حیات معقول و والای انسانی امکان و تداوم یابد. لذا این تفاوت‌های طبیعی منشأ تفاوت‌های حقوقی می‌شود که مبتنی بر عدالت خداوند متعال است، لذا منجر به کم شدن ارزش زن یا تبعیض ظالمانه بین زن و مرد^(۴) نمی‌گردد.

به جهت اشتراک زن و مرد در حقیقت انسانی، در بیشتر موارد زن و مرد در نظام حقوقی اسلام از حقوق و مسؤولیت‌های یکسان برخوردار می‌باشند. تفاوت در حقوق و مسؤولیت‌ها امری است که نشان دهنده برتری جنسی بر جنس دیگر نمی‌باشد و عمدتاً مولود عناوین حقوقی خاصی است که هر یک از زن و مرد به تناسب نقش‌های ویژه و بدل‌ناپذیر در خانواده پیدا می‌کند. این تفاوت از آن جهت است که امکان وجود سلامت مادی و معنوی خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد جامعه که جایگاه حقیقی پیدایش و پرورش انسان است، تأمین گردد.

۱. «هل یستوی الذین یعملون والذین لا یعملون». زمر ۹.

۲. «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر وانثی وجعلناکم شعوبا وقبایل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقیکم» حجرات ۱۳.

۳. «فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما». نساء ۹۵.

۴. «ان الله یامر بالعدل والاحسان». نحل ۹۰.

بخش اول: حقوق و مسؤولیت‌های فردی زنان

- ۱- حق برخورداری از حیات شایسته و تعامیت جسمانی و مسؤولیت محافظت از آن در مقابل هرگونه بیماری، حادثه و یا تعدی.
- ۲- حق برخورداری از تکریم و مسؤولیت رعایت آن برای دیگران.
- ۳- حق آزادی اندیشه و مصونیت از تعرض و عدم امنیت در داشتن اعتقاد.
- ۴- حق و مسؤولیت فرد در برخورداری از ایمان، تقوا و حفظ آن و تکامل معنوی در عرصه باورها و رفتارها:
- ۵- مصونیت جان، مال و حیثیت زنان و زندگی خصوصی آنان از تعرض غیر قانونی.
- ۶- حق برخورداری از عدالت اجتماعی در اجرای قانون بدون لحاظ جنسیت.
- ۷- حق داشتن نام، حفظ یا تغییر آن، همچنین نسب و حفظ آن.
- ۸- آزادی زنان پیرو مذاهب اسلامی و اقلیت‌های دینی رسمی در انجام مراسم و تعلیمات دینی و احوال شخصی بر طبق آئین خود در محدوده قانون.
- ۹- آزادی زنان در استفاده از پوشش و گویش‌های بومی و اجرای آداب و سنت‌های محلی در صورت عدم مغایرت با اخلاق حسنه، و سنن اسلامی.
- ۱۰- مصونیت زنان از ضررهای مادی و معنوی با توجیه اعمال حق دیگران.
- ۱۱- حق و مسؤولیت حفظ ویژگی‌های خلقی متفاوت زنان با مردان.
- ۱۲- حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم و مسؤولیت محافظت از آن.

بخش دوم: حقوق و مسؤولیت‌های خانوادگی زنان

فصل اول: حقوق و مسؤولیت‌های دختران در خانواده

- ۱۳- حق برخورداری دختران از سرپرستی شایسته توسط والدین.
- ۱۴- حق برخورداری دختران از نفقه شامل: مسکن، پوشاک، تغذیه سالم و کافی

و تسهیلات بهداشتی جهت تأمین سلامت جسمانی و روانی آنان.

۱۵- حق تعلیم و تربیت دختران و ایجاد زمینه شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌های آنان.

۱۶- حق تأمین نیازهای عاطفی و روانی دختران و برخورداری از رفتار ملاطفت‌آمیز والدین و مصونیت آنان از خشونت‌های خانوادگی.

۱۷- حق برخورداری از امکانات خانواده، بدون تبعیض میان دختر و پسر.

۱۸- حق دختران بی‌سرپرست و بد سرپرست در سرپرستی توسط بستگان یا داوطلبان تکفل با رعایت مصلحت آنان و برخورداری از حمایت و نظارت حکومت.

۱۹- مسؤولیت احترام به والدین و اطاعت از دستورات مشروع آنها و رفتار نیکو نسبت به سایر اعضای خانواده.

فصل دوم: حقوق و مسؤولیت‌های زنان در تشکیل و تداوم خانواده

۲۰- حق و مسؤولیت زنان در تحکیم بنیان خانواده و برخورداری از امکانات و حمایت‌های قانونی لازم به منظور پیشگیری از بروز اختلافات و کاهش طلاق.

۲۱- حق بهره‌مندی از امکانات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جهت تسهیل امر

ازدواج در زمان مناسب و مسؤولیت خویشنداری تا آستانه ازدواج.

۲۲- حق آگاهی از حقوق و تکالیف زوجین و آئین همسرداری و برخورداری از امکانات لازم در این زمینه.

۲۳- حق آشنایی با معیارهای مناسب همسرگزینی، شناخت و انتخاب همسر.

۲۴- حق و مسؤولیت آگاهی و رعایت ضوابط دینی و قانونی در ازدواج از

جمله یکسانی زوجین در باور به مبانی اعتقادی و دینی.

- ۲۵- حق تعیین شروط مورد نظر، ضمن عقد نکاح در چارچوب ضوابط شرعی و تضمین اجرای این شروط.
- ۲۶- حق نیت ازدواج، طلاق و رجوع در مراجع رسمی و قانونی.
- ۲۷- حق برخورداری زن از حقوق مالی در ایام زوجیت.
- ۲۸- حق و مسؤولیت تأمین، تخصیص، طهارت و سلامت در ارتباط جنسی با همسر شرعی و حق اعتراض قانونی در صورت نقض آنها.
- ۲۹- حق و مسؤولیت سکونت مشترک و حسن معاشرت و تأمین امنیت روانی در روابط با همسر و حق اعتراض و طرح دعوا در مراجع قانونی در صورت سوءمعاشرت همسر.
- ۳۰- حق و مسؤولیت رشد علمی، معنوی و اخلاقی با همکاری و حمایت اعضاء خانواده.
- ۳۱- حق و مسؤولیت جهت انجام صله رحم.
- ۳۲- حق باروری، بارداری، تنظیم و کنترل آن و بهره‌مندی از آموزش‌ها و امکانات مناسب در این زمینه؛
- ۳۳- حق برخورداری از حمایت‌های مادی و معنوی در ایام بارداری و شیردهی.
- ۳۴- مسؤولیت رعایت حقوق جنین به ویژه محافظت از حیات و رشد آن.
- ۳۵- حق و مسؤولیت حضانت و تأمین امنیت روانی و عاطفی فرزندان و تربیت شایسته دینی و اخلاقی آنان.
- ۳۶- حق برخورداری از حمایت و مشارکت همسر در تربیت فرزند.
- ۳۷- حق برخورداری مادران از امنیت مادی و معنوی خصوصاً در ایام سالمندی

و از کار افتادگی.

۳۸- حق و مسؤولیت زن نسبت به نگهداری و تأمین معاش والدین نیازمند در حد استطاعت او در صورت عدم اسقاط حقوق زوج.

فصل سوم: حقوق و مسؤولیت‌های زنان در صورت انحلال خانواده

۳۹- حق جدایی از همسر در صورت عدم امکان سازش پس از مراجعه به دادگاه و ارائه دلایل موجه و مسؤولیت رعایت قوانین طلاق.

۴۰- حق برخورداری از فسخ نکاح در صورت تدلیس و عیوب مقرر و اخذ خسارات در تدلیس.

۴۱- حق برخورداری زن از حقوق مادی خود هنگام انحلال خانواده و بهره‌مندی از رفتار نیکوی همسر هنگام جدایی.

۴۲- حق و مسؤولیت حضانت فرزند و لزوم برخورداری از حمایت مالی پدر و حق ملاقات با فرزند در صورت انقضای یا اسقاط دوران حضانت.

۴۳- حق بهره‌مندی زن از حقوق خویش در ایام عده و برخورداری از حق ازدواج پس از انقضای عده.

۴۴- حق طرح دعوا در محاکم جهت ممانعت از ازدواج مجدد همسر در صورت عدم توانایی شوهر در تأمین نفقه، اجرای عدالت و سایر حقوق.

۴۵- مسؤولیت مدنی و کیفری پدر و مادر در قبال کوتاهی از محافظت کودک و مسؤولیت والدین نسبت به ممانعت از بهره‌مندی فرزندان از ملاقات با آنان.

بخش سوم : حقوق و مسؤولیت‌های اجتماعی زنان

فصل اول: حقوق و مسؤولیت‌های سلامت جسمی و روانی زنان

۴۶- حق برخورداری از سلامت جسمی، روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی با توجه به ویژگی‌های زنان در مراحل مختلف زندگی و مسؤولیت حفاظت از آن.

۴۷- حق بهره‌مندی از بهداشت (محیط، کار و...)، اطلاعات و آموزش‌های مورد نیاز.

۴۸- حق مشارکت زنان در سیاستگذاری، قانونگذاری، مدیریت، اجرا و نظارت در زمینه بهداشت و درمان، به ویژه در خصوص زنان.

۴۹- حق بهره‌مندی از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی - درمانی مناسب جهت پیشگیری از بیماری و درمان بیماری‌های جسمی و اختلالات روانی زنان.

۵۰- حق زنان در انتخاب فرد و مرکز ارائه‌کننده خدمت در امر سلامت، بر اساس ضوابط اسلامی و استانداردهای علمی - پزشکی و بهره‌مندی از اطلاعات مناسب و کافی برای انتخاب آگاهانه و بهینه آنان.

۵۱- حق آگاهی و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کنترل باروری و تنظیم خانواده.

۵۲- حق دسترسی فراگیر و عادلانه به امکانات ورزشی و آموزشی در زمینه تربیت بدنی و تفریحات سالم.

۵۳- حق پرورش و شکوفایی استعدادهای ورزشی و حضور در میادین ورزشی در سطح ملی و بین‌المللی متناسب با موازین اسلامی.

۵۴- حق برخورداری از بهداشت باروری و بارداری، زایمان سالم، مراقبت‌های بهداشتی پس از زایمان با استفاده از زنان متخصص و پیشگیری و درمان از

بیماری‌های شایع زنان، بیماری‌های مقاربتی و نازایی آنان.

۵۵- حق برخورداری از خدمات مشاوره‌ای و آزمایش‌های پزشکی به منظور اطمینان از سلامت کامل مرد در امر ازدواج و در حین ازدواج.

۵۶- حق بهره‌مندی دختران بی‌سرپرست، زنان مطلقه، بیوه، سالخورده و خودسرپرست نیازمند، از بیمه‌های عمومی، خدمات مددکاری و بیمه‌های خاص به ویژه در بخش بهداشت و درمان.

۵۷- حق بهره‌مندی زنان و دختران آسیب‌دیده جسمی، ذهنی، روانی و در معرض آسیب از امدادسانی و توانبخشی مناسب.

۵۸- حق بهره‌مندی از تغذیه سالم خصوصاً در دوران بارداری و شیردهی و وظیفه مراقبت از کودک و تغذیه مناسب او، با اولویت استفاده از شیر مادر.

فصل دوم: حقوق و مسؤولیت‌های فرهنگی و معنوی زنان

الف: فرهنگ عمومی

۵۹- حق و مسؤولیت در کسب و افزایش آگاهی نسبت به شخصیت، حقوق و نقش خویش در عرصه‌های مختلف زندگی متطبق با آئین مقدس اسلام.

۶۰- حق مصونیت از تعرض گفتاری و رفتاری دیگران و مسؤولیت گفتار و رفتار خویش همراه با احترام نسبت به اعضای جامعه.

۶۱- حق و مسؤولیت برخورداری از امکان عمل به احکام اسلامی در پوشش اسلامی و مسؤولیت رعایت عفاف در جامعه.

۶۲- حق و مسؤولیت ارتقاء بینش، منش، کنش دینی و انسانی و مصونیت از ناهنجاری‌های فرهنگی و اخلاقی و رفع آن‌ها.

- ۶۳- حق شرکت در اجتماعات عبادی، فرهنگی و سیاسی.
- ۶۴- حق تولید برنامه‌ها و کالاهای فرهنگی سالم و منطبق با موازین شرعی و بهره‌مندی از آنها.
- ۶۵- حق تشکیل و اداره مراکز و سازمان‌های فرهنگی - هنری توسط زنان به منظور تربیت زنان متعهد و متخصص جهت توسعه فعالیت‌های فرهنگی آنان.
- ۶۶- حق تبادل اطلاعات و ارتباطات فرهنگی سازنده در راستای اهداف اسلام در ابعاد ملی و بین‌المللی.
- ۶۷- حق و مسؤولیت زنان در ترویج معارف و فرهنگ اسلام و ارائه الگوی زن مسلمان در سطح ملی و بین‌المللی.
- ۶۸- حق و مسؤولیت زنان در ایجاد همگرایی با رویکرد اخلاقی و دینی در مسائل زنان در سطوح بین‌المللی.
- ۶۹- حق مشارکت در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، اجراء و نظارت در امور فرهنگی به ویژه در خصوص مسائل زنان.
- ۷۰- حق و مسؤولیت آگاهی و کسب مهارت‌های لازم در مدیریت خانه و خانواده، تربیت و پرورش فرزند و مقابله با آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی.
- ۷۱- حق بهره‌مندی از نظارت مستمر بر فعالیت‌های فرهنگی مرتبط با زنان به منظور حفظ شخصیت، حرمت و کرامت انسانی زن در محصولات فرهنگی.
- ۷۲- حق بهره‌مندی از مراکز فرهنگی ویژه بانوان با رعایت ضوابط اسلامی، با توجه به خصوصیات روحی و جسمی آنان و با اولویت مناطق محروم.
- ۷۳- حق برخورداری زنان آسیب دیده و آسیب پذیر اجتماعی از حمایت‌های مناسب به منظور بهبود وضعیت فرهنگی خود و جامعه.

۷۴- مسؤولیت زنان در محافظت از استقلال فرهنگی، هویت اسلامی و همبستگی ملی در فعالیتهای فرهنگی - آموزشی.

ب: آموزش

۷۵- حق سوادآموزی عمومی، ارتقاء آموزشی و برخورداری از امکانات آموزش و پرورش برای زنان.

۷۶- حق تحصیل در آموزش عالی تا بالاترین سطح علمی.

۷۷- حق کسب مهارت‌ها و آموزش‌های تخصصی به صورت کمی و کیفی تا

بالاترین سطوح

۷۸- حق برخورداری زنان و دختران مناطق محروم از حمایت‌های خاص در امر آموزش.

۷۹- حق و مسؤولیت در تدوین برنامه‌های درسی و متون آموزشی.

۸۰- حق و مسؤولیت در برخورداری از جایگاه شایسته و متناسب با نقش، شأن

و منزلت زنان در متون درسی و آموزشی.

۸۱- حق مشارکت بانوان در سیاستگذاری و تصمیم‌گیری و مدیریت‌های

آموزشی، علمی و حضور فعال در مجامع فرهنگی - علمی داخلی و بین‌المللی با رعایت شئون اسلامی.

۸۲- حق شناسایی، حمایت و بهره‌مندی از توانمندی‌های بانوان دارای

استعدادهای درخشان و مسؤولیت آنها در تأمین نیازهای کشور.

۸۳- حق بانوان معلول جسمی و ذهنی نسبت به برخورداری از حمایت‌های لازم

در زمینه آموزش و پرورش، دستیابی به آموزش عالی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای متناسب با استعداد و میزان معلولیت آنان.

ج: پژوهش

- ۸۴- حق پژوهش، تألیف، ترجمه و انتشار کتب، مقالات در نشریات عمومی و تخصصی با رعایت صداقت، امانت و مصلحت جامعه.
- ۸۵- حق برخورداری از حمایت‌های لازم نسبت به منابع و امکانات در خصوص تحقیق در مسائل زنان و تربیت نیروی انسانی محقق و حق آگاهی از اطلاعات و نتایج تحقیقات در زمینه‌های مختلف.
- ۸۶- حق بهره‌مندی از حمایت در آثار علمی - پژوهشی زنان و گسترش مراکز تحقیقاتی با مدیریت زنان.
- ۸۷- مسؤولیت زنان پژوهشگر در ارائه دیدگاه و تبیین دستاوردهای مثبت دینی و ملی در زمینه مسائل زنان به جهانیان.

فصل سوم: حقوق و مسؤولیت‌های اقتصادی زنان

الف: حقوق و مسؤولیت‌های مالی در خانواده

- ۸۸- حق بهره‌مندی از نفقه در ازدواج دائم مطابق با شأن زن، توسط شوهر یا توسط پدر و فرزند در صورت نیاز زن و توانمندی آنان.
- ۸۹- حق برخورداری از مال ترک منوفی و وصایای مالی آن طبق قوانین اسلامی.
- ۹۰- حق وقف، پذیرش وقف و رسیدگی به آن.
- ۹۱- حق پذیرش وکالت یا وصایت در امور اقتصادی.
- ۹۲- حق تعیین مهریه و دریافت آن از همسر و هرگونه دخل و تصرف در آن.
- ۹۳- حق برخورداری از مستمری در صورت فوت پدر، همسر و فرزند طبق قانون یا قرارداد.

۹۴- حق برخورداری وراثت قانونی از حقوق بازنشستگی زن کارمند متوفی.
۹۵- حق پذیرش قیمومت مالی فرزندان و مسؤولیت رعایت حقوق اقتصادی
فرزند.

۹۶- حق برخورداری زنان و دختران از حمایت‌های لازم در صورت فقر، طلاق،
معلولیت، بی‌سرپرستی، بدسرپرستی و ایجاد امکانات جهت توانبخشی و خودکفایی
آنها.

۹۷- حق دریافت دستمزد از همسر در برابر انجام امور خانه‌داری در صورت
تقاضا و حق حمایت از تأثیر کار زن در منزل بر اقتصاد خانواده و درآمد ملی.

ب: حقوق و مسؤولیت‌های اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان:

۹۸- حق مالکیت بر اموال و دارایی شخصی و بهره‌برداری از آن با رعایت حدود
شرعی و قانونی.

۹۹- حق زنان در انعقاد قراردادها و ایقاعات.

۱۰۰- حق اشتغال بعد از رسیدن به سن قانونی کار و آزادی انتخاب شغل و
بکارگیری سرمایه‌های فردی و مسؤولیت رعایت قوانین اسلامی در کسب درآمد و
نحوه مصرف آن.

۱۰۱- حق بهره‌مندی زنان از اطلاعات، آموزش‌ها و کسب مهارت‌ها و امکانات
کار جهت اشتغال مناسب و حق برخورداری از حمایت در این امور برای زنان
خودسرپرست و سرپرست خانوار.

۱۰۲- حق برخورداری زنان از مشاوره شغلی و کارایی توسط بانوان.

۱۰۳- حق برخورداری از مزد و مزایای برابر، در شرایط کار مساوی با مردان و

سایر زنان.

۱۰۴- حق بهره‌مندی از امنیت شغلی، اخلاقی و ایمنی و مسؤولیت رعایت عفاف در محیط کار.

۱۰۵- حق معافیت زنان از کار اجباری، خطرناک، سخت و زیان‌آور در محیط کار.

۱۰۶- حق برخورداری از تسهیلات و ضوابط و قوانین متناسب با مسؤولیت‌های خانوادگی (همسری - مادری) زنان در جذب، بکارگیری، ارتقاء و بازتستگی آنان در زمان اشتغال.

۱۰۷- حق برخورداری از تأمین اجتماعی و تسهیلات اقتصادی.

۱۰۸- حق مشارکت زنان در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و ایجاد و اداره شکل‌های اقتصادی و عضویت در آنها.

۱۰۹- حق و مسؤولیت دریافت و پرداخت دیه و خسارات بر اساس قوانین و مقررات.

۱۱۰- حق برخورداری از حمایت‌های قانونی مناسب و کارآمد برای معانعت از بهره‌کشی و تجارت و جلوگیری از بکارگیری زنان و دختران در مشاغل غیر قانونی و غیر مشروع.

فصل چهارم: حقوق و مسؤولیت‌های سیاسی زنان

الف: حقوق و مسؤولیت‌های زنان در سیاست داخلی

۱۱۱- حق و مسؤولیت کسب آگاهی و مشارکت و نقش‌آفرینی در تعیین مقدرات اساسی کشور جهت حفظ و تحکیم نظام اسلامی.

۱۱۲- حق و مسؤولیت مشارکت در امور جامعه و نظارت بر آن جهت هدایت

جامعه به سوی معنویت و فضایل اخلاقی و پیراستن آن از ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری.

۱۱۳- حق آزادی قلم، بیان، اجتماعات با رعایت موازین.

۱۱۴- حق تأسیس احزاب و دیگر تشکلهای سیاسی و فعالیت در آن با رعایت حفظ استقلال کشور و وحدت ملی.

۱۱۵- حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن در مجلس یا شوراهای مختلف و مشارکت در برنامه‌ریزی‌های دولتی و تصدی مدیریت‌های عالی با رعایت موازین.

ب: حقوق و مسؤولیت‌های زنان در سیاست بین‌المللی

۱۱۶- حق و مسؤولیت آگاهی از رویدادها و مسائل سیاسی جهان، به ویژه جهان اسلام.

۱۱۷- حق توسعه ارتباط و تبادل اطلاعات سیاسی سازنده بین بانوان ایران و جهان با رعایت مصالح ملی و ضوابط قانونی.

۱۱۸- حق و مسؤولیت حضور فعال و مؤثر در مجامع اسلامی، منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه در زمینه مسائل مربوط به زنان با رعایت ضوابط قانونی.

۱۱۹- مسؤولیت تلاش جهت تقویت همبستگی در میان زنان مسلمان و حمایت از حقوق زنان و کودکان محروم و مستضعف جهان.

۱۲۰- حق برخورداری زنان پناهنده در تأمین امنیت، سلامت و امکان بازگشت آنها به وطن خود.

۱۲۱- حق برخورداری از حمایت‌های دولت در برابر اتباع سایر کشورها در حدود مقررات و معاهدات.

۱۲۲- حق بهره‌مندی از حمایت‌های قانونی در خصوص ازدواج و تشکیل خانواده با مردان غیر هموطن با رعایت ضوابط.

ج: حقوق و مسؤولیت‌های زنان در امور دفاعی - نظامی

۱۲۳- حق و مسؤولیت زنان در دفاع مشروع از دین و کشور و نیز جان، مال و ناموس خود و دیگران.

۱۲۴- حق و مسؤولیت زنان در مشارکت و تلاش برای تأمین و تحکیم صلح عادلانه جهانی.

۱۲۵- حق برخورداری زنان از حمایت‌های لازم به منظور حفظ تمامیت جسمانی و جلوگیری از هتک حیثیت و ناموس زنان در دوران جنگ، اسارت و اشغال نظامی.

۱۲۶- حق برخورداری از مصونیت خانه و خانواده از تهاجمات نظامی.

۱۲۷- حق برخورداری خانواده شهداء، جانبازان، رزمندگان و آزادگان از حمایت‌های ویژه دولت.

۱۲۸- حق و مسؤولیت مادران در نگهداری، تربیت و اولویت در قیمومت فرزندان در صورت فوت و مفقودالایر شدن همسر.

۱۲۹- حق بهره‌مندی از آموزش و تصدی مشاغل انتظامی.

فصل پنجم: حقوق و مسؤولیت‌های قضایی زنان

۱۳۰- حق برخورداری زنان از آموزش‌های حقوقی.

۱۳۱- حق برخورداری از تدابیر قانونی و حمایت قضایی به منظور پیشگیری از جرم، ستم به زنان در خانواده و جامعه و رفع آن.

۱۳۲- حق برخورداری از محاکم خاص خانواده در جهت حفظ اسرار، ایجاد صلح و سازش در خانواده و تسهیل در حل و فصل اختلافات.

۱۱۳- حق دسترسی زنان به نیروی انتظامی و ضابطین دادگستری زن در صورت تعرض، بزه‌دیدگی، اتهام و ارتکاب جرم.

۱۳۴- حق زنان در تصدی مشاغل حقوقی و قضایی مطابق قانون.

۱۳۵- حق اقامه دعوا و دفاع در نزد محاکم دادگستری و سایر مراجع قانونی.

۱۳۶- حق استفاده از وکیل و مشاور حقوقی در دادگاه یا سایر مراجع قانونی.

۱۳۷- حق برخورداری از حمایت‌های همه‌جانبه دستگاه قضایی در مبارزه با عوامل زمینه‌ساز جرائم علیه زنان و ارتکاب جرائم توسط زنان.

۱۳۸- حق مصونیت زنان متهم از هتک حرمت، اهانت و محرومیت‌های فردی و اجتماعی فراتر از مجازات قانونی.

۱۳۹- حق زنان در معافیت از مجازات در صورت وجود عوامل رافع مسئولیت کیفری.

۱۴۰- حق اعاده حیثیت زنان در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع، حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص و جبران خسارت مادی و معنوی از آنها.

۱۴۱- حق برخورداری از تخفیف قانونی از نظر میزان مجازات و با معافیت از آن و یا نحوه اجرا، در صورت ندامت و اثبات توبه زنان بزهکار و در زمان بارداری، شیردهی و بیماری.

۱۴۲- حق زنان در ملاقات والدین، فرزندان و همسر در دوران حبس طبق قوانین هر کشور.

۱۴۳- حق زنان در برخورداری از امکانات مناسب بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و تربیتی در زندان‌ها جهت اصلاح و بازگشت به زندگی سالم اجتماعی.

۱۴۴- حق دختران در برخورداری از کانون‌های اصلاح و تربیت با

شرایط مناسب.

- ۱۴۵- حق زنان در رسیدگی به شکایات از آئین‌نامه‌های دولتی، مأمورین قضایی و یا واحدهای دولتی جهت احقاق حقوق خود.
- ۱۴۶- حق و مسئولیت شهادت در دادگاه مطابق با موازین شرعی و قانونی.
- ۱۴۷- حق برخورداری از حمایت‌های قضایی از سوی مدعی العموم علیه ولی و سرپرست قانونی فاقد صلاحیت و دیگر متجاوزان به حقوق آنان.

وضعیت زن مسلمان و نقش وی

در اجتماع

محمدعلی تسخیری

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

مقدمه

خداوند متعال می‌فرماید: «من عمل صالحا من ذكرا و انثى و هو مؤمن للنحيه حياة طيبة ولنجزينهم اجرهم باحسن ما كانوا يعملون» (سوره النحل - ۹۷)

هر زن و مردی که کاری نیکو انجام دهد، اگر ایمان آورده باشد زندگی خوش و پاکیزه ای بدو خواهیم داد و پاداشی بهتر از کردارشان به آنها عطا خواهیم کرد.

چنانچه خواسته باشیم یک تعریف عمومی از «توسعه اجتماعی» به دست آوریم می‌توان گفت مراد از آن: «حرکت آگاهانه و سازمان یافته‌ی اجتماعی و هماهنگ با ابعاد گوناگون مادی و معنوی به منظور رسیدن به وضع انسانی بهتر است».

در این تعریف چند عنصر نهفته است:

- ۱- هدف انسانی متمایز از اهداف غریزی و کور حیوانی. حرکت یاد شده زمانی این هدف‌مندی را خواهد داشت که با چشم اندازهای فطرت انسانی و نشانه‌های آن، هم‌سویی و هم‌گونی داشته باشد.
- ۲- پویایی ارادی در جهت این هدف انسانی که به دلیل در هم آمیزی آگاهی، اراده و خردورزی در این حرکت، با حرکت حیوانی تفاوت بارزی دارد.
- ۳- هماهنگی، سازماندهی و تناسب تمامی جنبه‌های مادی و معنوی در چنین حرکتی. این هماهنگی و تعادل شرط اساسی توسعه است. توسعه ای که این عنصر

را نادیده گیرد، دچار تورم و رشد غیر طبیعی در یک یا چند جنبه و مردگی و کم‌رنگی جنبه‌های دیگر می‌گردد؛ امری که کل روند حرکت اجتماعی را دچار اختلال، افراط و تفریط و چند پارگی می‌سازد.

اجتماعی بودن حرکت، بدین معنی که تمامی اجزای سازنده‌ی جامعه باید در این حرکت مشارکت و رشد خود را داشته باشند و نیز بدین معنی است که پیامدهای حاصل از این حرکت باید بر عناصر و عوامل اجتماعی انعکاس یابد، و اگر دید خود را به وسعت جهان اسلام گسترش دهیم، این ابعاد به همان اندازه و به میزان بزرگی توان و نیروهای طبیعی، انسانی، اقتصادی و... آن، گسترش و بزرگی می‌یابند.

پس از این پیش درآمد سعی می‌کنم در موارد چهارگانه زیر باشد:
یکم: اسلام و توسعه.

دوم: نقش زن در روند توسعه اجتماعی.

سوم: اشاره‌ای به نشست‌ها و کنفرانس‌های سازمان ملل متحد در این باره و مواضع ما نسبت به آنها.

چهارم: نقش سازمان‌های غیردولتی (NGOS) در این خصوص.

توسعه از دیدگاه اسلام

اسلام توسعه همه‌جانبه و در تمامی عرصه‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهد تا امت اسلامی، امتی «وسطه» و امتی «شاهده» و حاضر به لحاظ تمدنی و شایسته‌ی عنوان «خیر امت» اخراجت للناس» باشد؛ شایان ذکر است که این وظیفه و مأموریت تمدنی، مستلزم بذل بیشترین تلاش‌ها برای تحقق آن و به مثابه‌ی واجب کفایی با مسؤولیت تمامی امت است. و لزوم حتمی انجام آن از سوی همگان به عنوان یک حقیقت شرعی، بسیار مهم و جدی است. و توسعه در بخش تولید تقریباً مورد اتفاق همه‌ی مذاهب اسلامی و هدفی است که باید با استفاده از ابزارها و وسایلی که اسلام آنها را

می‌پذیرد، تحقق یابد.

می‌توان با توجه به برخورد اسلام با این امر و دستورات رسمی که در این خصوص صادر کرده، این اصل یعنی ضرورت توسعه در تولید را نتیجه گرفت؛ زیباترین فرمان اسلامی در این باره، نامه‌ی مولای متقیان حضرت علی (علیه السلام) به محمد بن ابوبکر است. طبق آنچه در نهج البلاغه و «الامالی» شیخ طوسی آمده است:

«ای بندگان خدا! بدانید که پرهیزکاران بهره‌ی دنیا و سود آخرت را بردند، چه با اهل دنیا در خوش‌ترین جاهایی که سکونت داشتند، مشارکت کرده‌اند و بهترین خوراکی‌هایی که ممکن بود خورده شود، خوردند؛ از آنچه مردم خوش‌گذران از دنیا برخوردار شدند آنها هم برخوردار گشتند و...»^۱

این هدف همچنان‌که در قرآن مجید نیز آمده است، دارای چارچوبی دینی است: «یا ایها الذین آمنوا لا تمرموا طیبات ما احل لکم ولا تصدوا ان الله لا یحب المعصین» (سوره مائده - ۸۷).

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا بر شما حلال کرده است، حرام نکنید و از حد در مگذرید که خدا تجاوزکنندگان از حد را دوست ندارد.)

ابزارهای اسلام برای توسعه‌ی تولید

الف - ابزارهای فکری

اسلام در مورد توسعه، سفارش زیادی کرده و کرامت و ارجمندی انسان را بدان

۱- نهج البلاغه: شرح صبحی الصالح ص ۳۸۳ و الامالی ج ۱ صفحه ۲۵۰.
[ترجمه فارسی از نهج البلاغه با ترجمه آقای محسن فارسی از انتشارات امیرکبیر (م)]

پیوند داده و کسار و کوشش را عبادت و کارگر و زحمت‌کش را که برای روزی خودکار می‌کند، برتر از عابد دانسته است، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) بر دست کارگر زحمت‌کش بوسه زده می‌فرماید: «به دنبال روزی حلال رفتن، بر هر زن و مرد مسلمان، واجب است.»^۱

اسلام عدم بهره برداری از برخی ثروت‌ها و منابع طبیعی را نمی‌پذیرد و خداوند متعال می‌گوید: «ما جعل الله من بحيرة ولا سائبة ولا وصيلة ولا حام ولاكن الذين كفسروا يقترون على الله الكذب واكثرهم لا يعقلون» (سوره مائده - ۱۰۳).

خداوند درباره «بحیره» و «سائبه» و «وصيله» و «حامي» حکمی نکرده است ولی کافران، بر خدا، دروغ می‌بندند و بیشترین آنان بی‌خردند.

و نیز خداوند متعال می‌فرماید: "وهو الذي جعل لكم الارض ذلولا فامشوا في مناكبها وكلوا من رزقه واليه النشور"، (سوره ملک - ۱۵)

اوست که زمین را رام شما گردانید پس بر روی آن سیر کنید و از رزق خدا بخورید چون از قبر بیرون آید به سوی او می‌روید.

اسلام، هزینه‌های تولیدی را بر هزینه‌های مصرفی، ترجیح داده است؛ در این مورد، احادیث و روایاتی وارد شده که از فروش زمین و خانه و مصرف پول آن در خرید کالای مصرفی، نهی کرده‌اند.^۲

۱- اسد الغابه، جلد ۲ - صفحه ۲۶۹. و بحارالانوار، جلد ۱۰۳ - صفحه ۹.

۲- بحیره شتری را گویند که بچه پنجم خود را می‌زاید و این پنجمین نر بود؛ به علامت، گوشش را می‌شکافتند و آزادش می‌کردند تا هر جای که خواهد برود و بچرد. «سائبه» ماده شتری بود که برای بازگشتن مسافر یا شغای بیمار نذر می‌کردند و چون نذر برآورده می‌شد ماده شتر را آزاد می‌کردند تا به هر جای که خواهد برود و بچرخد. «وصيله» نیز ماده شتری بود که پس از زاییدن دو بچه ماده، گوشش را می‌پریدند و آزادش می‌کردند. «حامي» شتر نری بود که چند بار از او برای آبستن کردن ماده شتران سود برده بودند و این شتر را نیز از بسار کشیدن و سواری دادن معاف می‌کردند. (م) به نقل از قرآن مجید با ترجمه دکتر عبدالحمید آیتی.

۳- وسایل الشیعه، جلد ۱۲ - صفحه ۱۴.

ب - ابزارهای تشریحی

که ذیلاً به برخی احکام تشریحی اسلام در این مورد اشاره می‌شود:

- ۱- در صورتی که زمین بدون استفاده بماند و آسیب ببیند، مصادره می‌گردد.
- ۲- معانعت اسلام از عدم بهره برداری بی دلیل* از مراتع و انحصاری کردن آن.
- ۳- کسانی که کار احیای یک منبع طبیعی را آغاز می‌کنند نباید بهره‌برداری از آن را متوقف کنند وگرنه، حق بهره برداری آنها، باز ستانده می‌شود.
- ۴- به ولی امر (حاکم) اجازه داده نمی‌شود بیش از توان بهره برداری* منبع طبیعی* در تیول کسی قرار دهد.^۱
- ۵- کسب درآمد بدون رحمت و کار از جمله اجاره کردن [خانه، زمین و...] به مبلغی و اجاره داده همان (ملک) به مبلغی بیشتر، حرام شده است.^۲
- ۶- بهره‌ریایی حرام گردیده و این خود متضمن دو دستاورد برای تولید است: دستاورد اول: پایان بخشیدن به رقابت تلخ میان بخش بازرگانی و صنعت. زیرا رباخواران (سرمایه‌داران) معمولاً مترصد نیازمندی سرمایه‌گذاران به پول برای بالا بردن نرخ بهره هستند و برعکس سرمایه‌گذاران نیز مترصد کاهش نرخ بهره برای تقاضای سرمایه (پول) بیشتری از سرمایه‌داران هستند؛ ولی هنگامی که ربا حذف شود سرمایه‌داران خود تبدیل به سرمایه‌گذاران (در بخش صنعت) و مشارکت در سرمایه‌گذاری بر اساس سود حاصله، می‌شوند.
- دستاورد دوم: سرمایه‌های آزاد شده [از گردونه ربا] برخلاف زمانی که نظام بهره‌ریایی حاکم باشد در پروژه‌های بزرگ و بلند مدت، به کار گرفته خواهد شد. زیرا صاحب سرمایه ترجیح می‌دهد به جای سرمایه‌گذاری و در واقع وام‌دهی بلندمدت،

۱- "تذکره الفقهاء" جلد دوم - صفحه ۱۰۴.

۲- "جوهر الکلام" جلد ۲۷، صفحه ۲۲۶.

اموال خود را به ربا بگذارد و سود تضمین شده‌ای را برای خود تأمین کند. حال آنکه وام‌گیرندگان نیز ترجیح می‌دهند پروژه‌های کوتاه مدتی را داشته باشند تا بتوانند هر چه زودتر، وام دریافتی خود بربهرمی آن] را، بازپس دهند. از سوی دیگر آنها تنها به طرح‌هایی خواهند پرداخت که نسبت به سودآوری آن، مطمئن شده باشند و این خود مانی بر سر راه توسعه و باعث ایجاد بحران‌ها و عدم ثبات در زندگی اقتصادی است. حال آنکه به دنبال تبدیل رباخواز به تاجر و سرمایه‌گذار او نفع خود را در اجرای طرح‌های اقتصادی می‌بیند هر چند سود کمتری نصیب سازد، همچنانکه به نفع خود می‌بیند که سودهای بدست آمده را نیز در پروژه‌های تجاری به کار گیرد که خود باعث رونق اقتصادی می‌گردد.

۷- اسلام قمار و سحر و جادو را تحریم کرده است.

۸- اسلام از طریق وضع عوارض مشخصی، مانع از انباشت پول شده است. کسانی که پول، طلا یا نقره - که در آن زمان دولت اسلامی بر اساس آن فعالیت اقتصادی می‌کرد - انباشت می‌کنند باید هر ساله مالیاتی (زکات) به میزان ۲/۵٪ از اموال خود به بیت المال واریز کنند و این کار آنقدر تکرار می‌شود که تنها مبلغ بیست دینار (طلا) باقی بماند و بدین ترتیب تمامی اموال به سمت فعالیت‌های اقتصادی سوق داده می‌شوند؛ اسلام با این کار (یعنی با تحریم اندوختن ثروت) موفق به حل مشکل برخاسته از کاهش جریان پول در نظام سرمایه‌داری گردید.

در توضیح مطلب باید گفت: پول یا تقدینگی، ابزاری برای داد و ستد و "جریان" است و در پی مشکلات ناشی از معادلات پایاپای یعنی مبادله مستقیم کالاها و تولیدات، مطرح گردید. در معاملات پایاپای، کسی پشم می‌داد و گندم می‌گرفت. این روند مشکلاتی داشت از جمله اینکه کالای مورد درخواست یکی باید نزد کسی باشد که متقاضی کالای اوست. دیگر مشکل تفاوت قیمت دو کالای مورد معامله و

نیز مسئله ارزیابی این اشیاء یا کالاها است. برای برطرف ساختن این مشکلات پول و "تقد" به عنوان مقیاس و معیاری برای ارزش گذاری و ابزار داد و ستد، مطرح گردید ولی بعدها، این ابزار از هدف اصلی خود خارج شد و برای اندوختن، به کار گرفته شد. با وجود پول، عمل تعویض گندم با پشم، تبدیل به دو عمل مبادله ای گردید و این فرصت را برای صاحب پشم پدید آورد که خرید گندم را به تاخیر اندازد و پول دریافتی را اندوخته کند. سرمایه داری نیز با مطرح کردن سود (یا بهره)، اندوختن پول را تشویق کرد و در نتیجه تعادل تقاضا و عرضه‌ی کلی کالای تولیدی و مصرفی، بر هم خورد حال آنکه در معاملات پایاپای (کالا به کالا)، این تعادل وجود داشت و تولید کننده تنها زمانی تولید می‌کرد که نیاز به مصرف یا تبدیل آن با کالای مصرفی دیگری داشت. ولی در دوره‌ی پول، تولید کننده برای فروش و اندوختن پول آن، تولید می‌کند و در نتیجه عرضه ای ایجاد می‌شود که تقاضایی همراه ندارد که - هم‌چنان که گفته شد - باعث اختلال در تعادل عرضه و تقاضا می‌شود. و این اختلال نیز متناسب با افزایش میل به اندوختن پول، بیشتر می‌گردد و بخشی از ثروت، راکد می‌ماند.

سرمایه‌داری با این پیش فرض که فروشنده کالا گرایش یا رغبتی به خود پول ندارد بلکه در پی فروش کالای خود برای دستیابی به (خرید) کالایی است که نیازش را بر آورده سازد - که در این صورت عرضه و تقاضا، متعادل می‌گردد - وارد فعالیت‌های اقتصادی شد. او با چنین پیش فرضی غافل از چنین رابطه‌ای میان مشکلات و انباشت پول بود. ولی پیش فرض مزبور مربوط به دوره پایاپای (و نه دوران حضور پول) است. از اینجاست که تفاوت اسلام و سرمایه‌داری روشن می‌گردد.

اسلام با در نظر گرفتن مالیات بر انباشت پول با این انباشت، مبارزه می‌کند ولی

سرمایه‌داری با در نظر گرفتن بهره، آن را تشویق هم می‌کند. اسلام ضمن چیرگی بر مهم‌ترین مشکل مطرح شده، می‌داند که جامعه‌ی اسلامی برای توسعه‌ی تولید، نیازمند انباشت پول است و با گرده‌آوری سرمایه‌های بزرگ افراد - همچون جوامع سرمایه‌داری - طرح‌های بزرگ اقتصادی تأسیس و راه‌اندازی می‌شود علاوه بر آن جامعه‌ی اسلامی می‌تواند از عرصه‌های مالکیت‌های عمومی و مالکیت‌های دولتی نیز بهره‌برداری نماید.

۹- اعمال لغو و لهو و بیهوده را به دلیل ضربه زدن به شخصیت جدی انسان‌ها و کاهلی در کار، تحریم می‌کند.

۱۰- در ممانعت از انباشت ثروت، می‌کوشد:

«کی لا یكون دولة بین الاغنیاء منکم» (سوره الحشر - ۷)

تا (سرمایه) میان توانگران دست به دست نشود.

این منع نیز هر چند مستقیماً در پیوند با توزیع [ثروت] است، ارتباط غیر مستقیم نیز با تولید دارد زیرا وقتی ثروت در دست برخی انباشته شود، فقر و تنگدستی عمومیت می‌یابد و توده مردم از مصرف نیازهای خود باز می‌مانند و در نتیجه تولیدات روی هم تلبار می‌شوند و [بازار] دچار رکود می‌گردد و تولید کاهش می‌یابد.

۱۱- کاستن از بازی‌های تجاری^۱

۱۲- اعطای مالکیت اموال افراد پس از فوت‌شان به نزدیکان آنها، که در واقع جنبه مثبت ارث و احکام مربوط به آن است و انگیزه‌ای برای تشویق انسان به کار و تلاش و حتی عاملی اساسی در فعالیت افراد در اواخر عمر بشمار می‌رود.

۱۳- اسلام، تامین اجتماعی را مقرر نموده است؛ موضوعی که به انسان انگیزه و

احساس روانی مثبتی در ورود به عرصه‌های مختلف تولید و خلاقیت می‌بخشد که در غیر این صورت رغبتی به بسیاری فعالیت‌ها نشان نمی‌دهد.

۱۴- اسلام تأمین اقتصادی در مورد افراد توانای کار را حرام ساخته و آنان را از تکدی‌گری نیز منع کرده است.^۱

۱۵- اسراف و تبذیر را حرام دانسته و این خود مصرف را کنترل و اموال را به سمت تولید، سوق می‌دهد.

۱۶- آموزش تمامی فنون و صنایع مورد نیاز زندگی را برای مسلمانان واجب کفایی دانسته است.

۱۷- واز آن مهمتر، تحصیل خبرگی و تخصص هر چه بیشتر در مسایل مختلف را بر مسلمانان واجب گردانده است. "واعلموا لهم ما استطعتم من فوّه" که خود حکمی کلی شامل تمامی آن چیزهایی است که امت را قادر به رهبری جهان می‌سازد.

۱۸- به دولت امکان راهبری و اشراف بر تمامی بخش‌های تولید را بخشیده است؛ دولت می‌تواند با امکانات و مالکیت‌های خود، الگویی برای عرصه‌های دیگر [اقتصاد] ارائه دهد.^۲

۱۹- اسلام به دولت قدرت و امکان گردآوری شمار بزرگی از نیروی کار انسانی مازاد بر نیاز بخش خصوصی را بخشیده و امکان شرکت همه نیروها در حرکت تولید را فراهم آورده است.^۳

۲۰- و سرانجام اینکه [از نظر اسلام] دولت حق دارد بر تولید نظارت داشته و به منظور پیش‌گیری از هرج و مرج در این عرصه، برنامه ریزی متمرکز آن را در اختیار داشته باشد.^۴

۱- "الوسائل" جلد ۶ صفحه ۱۵۹.

۲- همان منبع، جلد ۶، صفحه ۳۷.

۳- "جواهر الکلام"، جلد ۲۷، صفحه ۲۰۴.

۴- "اصول کافی"، جلد اول، صفحه ۴۰۵.

نقش زن در روند توسعه اجتماعی:

گاه به زن به عنوان انسانی فعال در عرصه توسعه و گاه نیز به او به عنوان مادر، دختر، خواهر و همسر و در واقع موجودی با خصوصیات ویژه‌ای می‌نگریم که او را در داشتن نیروهای عاطفی و توان وجودی موثر و در نتیجه وظایف اجتماعی منحصر به فرد، از مرد متمایز می‌سازد.

وقتی او را به عنوان انسانی فعال در عرصه توسعه بنگریم و به این حقیقت اذعان کنیم که:

- ۱- "انسان محور هر گونه توسعه است."
- ۲- "توسعه مستمر، توسعه‌ای است که هماهنگی متعادلی میان مجموعه عناصر توسعه و ساختارهای فرهنگ معنوی فراهم آورنده اسباب آن ایجاد کند."
- ۳- "فطرت انسانی مهم‌ترین و عمیق‌ترین ساختار در وجود انسان است و بدون آن، انسان هویت خود را از دست می‌دهد و تبدیل به سیستمی می‌شود که نمی‌توان از حقوق، رشد اجتماعی، حرکت عادلانه، اخلاقیات و حتی حضور تمدنی او سخن به میان آورد."
- ۴- "دین با ریشه داشتن در سرچشمه‌ی فطرت، کامل‌ترین دستوری است که آفریدگار انسان برای تحقق تکامل هماهنگ و متناسب مادی و معنوی وی در نظر گرفته و این تنها دین است که می‌تواند این روند ثبات هویتی و شخصیتی و نیز آرامش و اطمینان قلبی و امید سرشار به آینده را به او ببخشد و دشواری‌ها و تضادهای بزرگ اجتماعی از جمله تضاد دائمی میان (خودخواهی و خودپرستی) و (کار مفید برای جامعه و فراموش نمودن خویش) در این راه) و نیز تناقض موجود میان گرایش‌های الحادی و گرایش‌های مؤمنانه‌ی مفرط به امور نسبی و آنچه که شرک نامیده می‌شود را حل کند."

وقتی به همه‌ی این داده‌ها و حقایق بزرگ توجه کنیم، درک خواهیم کرد که زن به مثابه‌ی انسان، محور توسعه و از ارکان اساسی آن است و هر روند توسعه‌ای تنها هنگامی می‌تواند با خود و ادعای خود صادق باشد که حسن انسانی و فطری در وجود زن را تکامل بخشد و موقعیت انسانی و طبیعی او را به وی عطا کند و هرگونه عنصر ایجادکننده‌ی تبعیض انسانی میان زن و مرد را بر طرف سازد و در این عرصه نقش انسانی برابری به وی عطا کند و از این نیروی سازنده‌ی انسانی به بهترین روش به سود کل جامعه بهره‌برداری نماید.

این نیز ناگفته نماند که وقتی ثبات شخصیتی زن و اطمینان قلبی او و امید به آینده‌اش در وجود وی ریشه‌دار شود، انرژی و توان بزرگی به کل حرکت اجتماعی می‌بخشد و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی روند تکاملی آن را، فراهم می‌آورد.

زن و نقش متناسب با ویژگی‌های وی

حال اگر مجدداً به ویژگی‌های زن و آنچه او را از مرد متمایز می‌سازد بازگردیم خواهیم دید که این ویژگی‌ها، نه تنها چیزی از ارزش‌های انسانی وی نمی‌کاهد بلکه بر این ارزش‌ها نیز می‌افزاید و تاثیر نهادی خود را بر جای می‌گذارد بدین معنا که رحمت الهی در نقش زن و مرد در روند توسعه اجتماعی و حتی توسعه و تکامل فردی نیز تقسیم کار طبیعی را در نظر گرفته است.

زن به عنوان همسر و مادر بدون تردید دارای نقش‌های متفاوتی نسبت به مرد به عنوان همسر و پدر است ولی این دو نقش در عین حال، کاملاً مکمل یکدیگرند چنان‌که زندگی به همان اندازه که امکان جایگزینی آنها با یکدیگر را ندارد به هر دوی آنها نیاز دارد.

اینک می‌توان نتیجه گرفت که زن به این اعتبار، دارای تاثیر فراوانی بر روند توسعه نیز هست و به رغم تعدد علل و عوامل توسعه (علل فاضلی، علل غایی، علل

صوری و علل مادی)، بیشترین تاثیر را در این میان بر جای خواهد گذاشت. زیرا زن می‌تواند در عرصه‌های مختلف به خوبی ایفای وظیفه نماید. به عنوان مثال به موارد زیر اشاره می‌کنیم:

۱- فراهم آوردن محیط سالم خانوادگی.

اگر زن در این امر موفق باشد می‌تواند شالوده جامعه انسانی سالم، دارای اعتماد به نفس، امیدوار به آینده و مصمم را بنا نهد. در غیر این صورت، جامعه به لحاظ عاطفی ناپایدار و به لحاظ معنوی متزلزل خواهد بود و زمینه‌ی گسترش تبه‌کاری و رخنوت و کاهلی در آن فراهم می‌شود و به تدریج ویژگی‌های اخلاقی خود را از کف می‌نهد. یک همسر خوب و یک مادر خوب، قوام زندگی خانوادگی خوب را تشکیل می‌دهد و این به نوبه‌ی خود قوام و دوام جامعه خوب را (آنچنان که متون اسلامی نیز بر آن تاکید دارند) تضمین می‌کند.

۲- فراهم آوردن فضای مناسب برای تربیت نسل فعال و کارآمد.

پیش از این گفتیم که انسان خوب، محور توسعه است چنین انسانی نیازمند روند تربیتی - پرورشی مداومی است که نیروهای سازنده او را به منصه‌ی ظهور برساند و توان درونی‌اش را عیان کند، این مهم نیز خود بخود صورت نمی‌گیرد بلکه نیازمند روند تربیتی و فضای پرورشی مناسبی است.

تردیدی نیست که زن، مهم‌ترین تاثیر را در پرورش عناصر انسانی دارد و آن‌چنان‌که می‌گویند در فراسوی هر مرد بزرگی، زن بزرگی قرار دارد و چه بسیارند بزرگ‌زنانی که در تاریخ بر فراز و نشیب ما حضور داشته‌اند.

۳- فراهم آوردن فضای شورانگیز عاطفی با استفاده از استعدادهای طبیعی زن در برآوردن این نیاز ضروری انسان از یک سو و ایجاد حالت‌های عاطفی

مورد نیاز برای گذر از دشواری‌ها و موانع و ایجاد توسعه اجتماعی پایدار از سوی دیگر.

جامعه‌ای که فاقد چنین محیط یا فضای عاطفی و گرم باشد، جامعه‌ی خاموش و محیط مرده‌ای است که به رغم پیشرفت احتمالی در برخی عرصه‌های مادی، فاقد جلای انسانی مطلوب و در نتیجه ناتوان از ایجاد توسعه متعادل خواهد بود.

به همین دلیل، آشکارا روشن می‌شود که زن در فراهم آوردن محیط پاک خانوادگی، نقش به‌سزایی دارد و خانواده و سازمان آن به همان مفهوم سستی که نزد همه‌ی جوامع و ادیان، شناخته شده است، سنگ بنای روند توسعه به شمار می‌رود. همچنین روشن می‌گردد که هر ضربه‌ای به نقش زن در ساختار خانوادگی پیش‌گفته و هرگونه کم‌توجهی و کاستن از اهمیت حلقه مقدس خانوادگی یا کوشش در جهت طرح مفاهیم جدید و ادعای مصداق‌های به اصطلاح امروزی برای آن و تضعیف پیوندهای خانوادگی یا ایجاد جایگزین‌های ادعایی و ... همه و همه این تلاش‌ها و کوشش‌ها پیامدهای منفی فاجعه‌آمیزی بر آینده تمامی بشریت بر جای می‌گذارد و بویایی توسعه آمیز و مطلوب را از آن سلب می‌کند و حتی می‌توان گفت توطئه‌ای آشکار علیه تمامی بشریت - هر چند با پوشش خدمت بین‌المللی به توسعه به‌شمار می‌رود.

در اینجا باید توجه کنیم که اسلام، به میزان بسیار بالایی زن را در روند توسعه مشارکت داده است.

زن مسلمان و چالش‌های پیش‌رو در سطح جهانی

امروزه جهت حقوق و آزادی زن شاهد حرکتی ناآرام هستیم که در پی آن نشست‌ها و همایش‌های همه‌جانبه در همه‌جا برگزار می‌شود و این‌ها به خاطر رویارویی با قرن بیست‌ویکم و رقابت‌های گوناگون آن است.

امروزه کشورها با موسسات بی‌شمار و سازمان‌های دولتی حتی - خصوصی یا طرح‌های تجاری و تبلیغاتی - در اندیشه ارزیابی وضعیت خود در قرن بیستم بوده تا به قرن پیش‌رو رهسپار شوند. شاید این حرکت رویه رشد از حالت صده‌گرایی - و بررسی‌های پیرامون یک قرن - خارج و جای خود را به هزاره‌گرایی داده باشد ما ناخواسته وارد هزاره سوم می‌شویم و باید کشورها سرنوشت خود را در این هزاره ارزیابی کنند بدون شک بر همه انسان‌ها واجب است که سرنوشت خود را در هزاره سوم بشناسند. جای آن است که برانسان تأسف بخوریم که در سطحی نیست تا بتواند یک هزاره را ارزیابی کند و هنوز هیچ‌گونه پژوهشی که در آن از ویژگی‌ها و رخدادهای هزاره دوم سخن رفته باشد از طرف او صورت نگرفته است تا بتواند به رقابت‌های هزاره سوم بانهند. گویی سازمان ملل تا به حال به این امر نیندیشیده و با نگاهی سطحی به تحولات و گوناگونی آنها - در انقلاب‌های مفهومی و اعتقادی - نگرسته است و خود را ناتوان از انجام این کار می‌بیند.

حتی رشد جمعیت انسان‌ها که ۱۲۳ سال طول کشید، از یک میلیارد به دو میلیارد تبدیل شد. در مدت ۱۱ سال از پنج میلیارد به شش میلیارد افزایش یافت و اعداد دیگر در حد متعارف خود برای محاسبه سطح تغییرات مالی کفایت نکردند، برای نمونه اعداد و ارقام از مبادله واحدهای سنگین پول و ضرب‌های آن در سطح هزار و یانصد میلیارد دلار در روز صحبت می‌کنند، این قضیه جریان‌های اقتصادی جهان را دستخوش و بازیچه قرار داده و زیاده‌خواه کرده است. حتی اگر مانند یوزپلنگ‌های آسیایی قوی باشند و با استفاده از تکنیک پیشرفته کامپیوتر که حرکت هواپیماها و موشک‌ها را تنظیم کرده و جنبش‌های صنعتی و بازرگانی را محاسبه می‌کند بخواهند این میزان هزینه را محاسبه کنند باز هم می‌شود آن را بازیچه قرار داد و از ابتجاست که جهان توان ارزیابی هزاره

دوم را ندارد و اضافه بر آن نمی‌تواند برای هزار سوم برنامه ریزی کند، لذا نیاز است قدم‌های پرتوان و دوراندیش را با هوشیاری اندیشمندان همراه کرد تا بتوان وارد هزاره سوم شد.

دیدگاه قرآن کریم

ناتوانی انسان در برابر قدرت پروردگار خود حقیقتی است که هر روز بیش از پیش آشکار می‌شود. حتی هزاره‌ها نیز در برابر خداوند کوچک بوده و مانند روزها شمارش می‌شوند. «هر روز نزد خدای تو مانند هزاران سال در حساب تو است» (سوره مبارکه حج، آیه ۲۲) «در روزی که شمار آن پنجاه هزار سال است» (سوره مبارکه معارج، آیه ۷۰) و همه عمر انسان مانند ساعتی از یک روز شمرده می‌شود. «روزی که آنچه وعده داده شده به چشم بیفتد، آن روز پندارند که جز ساعتی از روز درنگ نداشتند». «گویی روزی که آنچه را به ایشان وعده داده شده بودی بینند، بیش از ساعتی از یک روز نمی‌گذرد» (سوره مبارکه احقاف، آیه ۳۵) و به همین دلیل انسان نیازمند وجودی خواهد بود که از هزاره‌های تاریخ گذر کند.

قرآن تاریخ را مانند مرجعی تحلیل می‌کند و دو راهکار پیش رو می‌گذارد: یک راهکار: خلافت انسان است. «ثم جعلکم خلایف الارض» و راهکار دیگر دخیل بودن اراده خداوندی برای هدایت انسان و آن راهکار شهادت (گواهی) است. «بدین گونه ما شما را ملتی میانه قراردادیم. تا گواه بر مردم باشید و پیامبر نیز گواه شما باشد» پس رسول خدا گواه امت مسلمان و امت مسلمان نیز گواه و شاهد جریان تمدن انسانی - جهت تحقق خواسته‌های الهی - هستند و هنگامی که قرآن گرفتاری‌های تاریخ را تفسیر می‌کند، مرجع آن را دو چیز می‌داند: یکی الحاد و بی‌دینی به هر شکلی که بوده و هرطور که برای پیروان آن توجیه

وارزیایی شده باشد. دیگری شرک و آن هم ایمان به خدایی وهمی است که از امور نسی به امور مطلق تغییر می‌کند "آگاه باشید که آنچه غیر از خدا می‌پرستید اسماء بی‌حقیقت و الفاظی بی‌معنی است که شما و پدران‌تان ساخته‌اید و خدا هیچ‌گونه نشانه خدایی در آن خدایان باطل نهاده است" (سوره مبارکه یوسف، آیه ۴۰) و نقش پیامبران این است که این دو مشکل را حل کنند.

خداوند تعالی می‌فرماید: "درهرامتی پیامبری گذاشتیم تا خدا را عبادت کرده و از طاغوت دوری کنند" برای اینکه هر دو مشکل حل شوند. اگر بخواهیم سرنوشت را طوری ارزیابی کنیم که تاریخ را در خود بگنجانند باید مانند مسلمانان بر مبنای قرآن و الامر تبه رفتار کنیم. که اگر این‌گونه به سرنوشت پردازیم می‌تواند هزاره‌های پیش‌رو را در خود بگنجانند.

بعد از این مقدمه به رقابت‌هایی می‌پردازیم که امروزه زن مسلمان با آن رویه‌روست و می‌شود آنها را این‌گونه دسته‌بندی کرد.

چالش‌های اجتماعی خانواده

برای دریافتن این نکته که در سطح جهانی برای کم رنگ کردن نقش زن در خانواده برنامه‌ریزی‌هایی صورت می‌گیرد نیازمند هیچ‌گونه دلیلی نخواهیم بود و این اتفاق در خلال با شعار آزادی و پیشرفت و ضرورت تغییر تعریف خانواده و نقش اجتماعی زن صورت می‌گیرد. تغییر روابط زن و مرد در محیط خانواده به گونه‌ای رخ می‌دهد که در هر حالی آن را به عنوان مقیاسی مادی و عددی پیش رو قرار می‌دهند و گوشه چتعی هم به اعتبارات دیگر ندارند و گویی برابری و مساوات ملاک تشخیص آنهاست و هیچ ارزش دیگری قابل سنجش با آن نیست حتی زمانی که ما در بعضی نشست‌های بین‌المللی پیشنهاد می‌دادیم که این برابری را با عدالت و انصاف مقید کنند، برنامه‌ریزان آنها را با اصرار تمام رد می‌کردند و می‌گفتند که این

بهبادهای است با نام عدالت تا در حق زن ظلم شود -

اما حقیقت قرآنی به این نکات تاکید می کند:

نکته اول : ساختار خانواده نزد ادیان حوامع گوناگون - به مفهوم متداول آن - سنگ بنای ساختار اجتماعی است و ممکن نیست جامعه انسانی بدون سنگ بنای خانواده برپا گردد . سرنوشت بشری با آن آغاز شده و با آن ادامه می یابد و براساس آن قوانین اجتماعی حاصل می شود و بنای مستحکمی به وجود می آید که جامعه باید از آن حمایت کرده و آن را رشد دهد و مانع اشباع غریزی در خلال آن شود. "او همان کسی است که انسان را از آب آفرید و برایش خویشاوند و انساب قرار داد" (سوره مبارکه فرقان . آیه ۵۴) "از نشانه های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنها آرام گیرید" (سوره مبارکه روم . آیه ۲۱)

نکته دوم : زن سنگ بنای زندگی خانوادگی را تشکیل می دهد و بهشت زیر پای مادران است و می باید باید نقش عاطفی خود را در تربیت دپگران ایفا کند و خانه را به بهشتی از رحمت و آسایش و پاکدامنی برای همسر و فرزندان خود تبدیل کند .

نکته سوم : بدیهی است که مسؤولیت ها بر مبنای عدالت انسانی بین افراد خانواده تقسیم می شود و مناسب با تصور و ارزش مذهبی هر عضو خانواده، نقش هر عضو تصور می شود و با نظریه کامل اجتماعی و اسلامی انجام پیدا می کند - این مسؤولیت در یک مرحله اقتصادی و در یک مرحله تربیتی و در مرحله سوم مربوط به رهبری خانواده می باشد . زن مسلمان باید همواره و در هر زمان ارزش های خانوادگی را بالا برده ، آنها را پرورش داده و بر هر ارزش دیگری برتری دهد . تا زمینه رشد همیشگی خانواده فراهم شود .

چالش های فرهنگی خانواده

با نگاهی به تعریف جامع فرهنگ یعنی "تهذیب علمی اخلاقی و فکری" و با

نگرش به طبیعت زن و قدرتی که در زمینه مسائل انسانی دارد و با این اعتبار که او یک انسان است باید پذیرفت که او می‌تواند براساس فطرت خود کامل باشد و فضای خانواده را از عاطفه و ایمان و پرهیزکاری لبریز کند. ایمان قلبی او به وجدان و حتی وجود انسانی تعریف شده و در می‌یابیم که همه این‌ها این گفته خداوند تعالی را محقق می‌سازد که "آیا نوبت آن نرسیده که گرویدگان (ظاهری) دلهاشان به یاد خدا خاشع گردد و به آنچه از حق نازل شد بسذل توجه کنند و مانند کسانی که پیش از این برایشان کتاب آسمانی تورات آمد نباشید که دوری طولانی زمان قدرت بر آنها گذشت و دلهایشان زنگ قساوت گرفت و بسیاری فاسق و نایکار شدند؟" (سوره مبارکه حدید، آیه ۱۶)

زن تاثیر فراوانی در زمینه فرهنگ دارد

از طرف دیگر زن دارای قدرتی است که می‌تواند جامعه را از مسیر اصلی خود خارج نموده و آن را به فسق و انحراف و لجام گسیختگی بکشاند. دشمنان امت اسلامی می‌خواهند شخصیت زن را از او بگیرند و او را دستاویزی برای خواسته‌های شوم خود قرار دهند. همان طور که در قرن گذشته دیدیم زن مسلمان باید برای تکامل علمی فرهنگی و اخلاقی خود کوشیده و برسرنوشت اجتماع تاثیری مطلوب نهاده و دنیا را رو این کلام شریف باشد که "از خداوند برای کسانی که ایمان آورده‌اند همسر فرعون را مثال می‌زند زمانی که گفت خداوند! برای من در کنار خود خانه‌ای در بهشت بساز و مرا از فرعون و کارهایش آسود کن" و این اتفاق با ذوب شدن در عشق الهی و رهایی یافتن از فرعون درون و لذت‌ها و خواهش‌های نفسانی در سایه دشمنی خدا محقق خواهد شد این زن پاک نمونه الگویی تمام کسانی خواهد شد که در طول تاریخ ایمان آورده‌اند.

به همین خاطر قرآن کریم بر برابری زن و مرد در مسیر تکامل تاکید کرده و در

جملهای گوناگون از آن سخن گفته و خداوند تعالی می‌فرماید: "من عمل هیچ عمل کننده ای از شما را چه زن و چه مرد ضایع نمی‌کنم" (سوره مبارکه آل عمران، آیه ۳) "هرکس که کار نیکی انجام دهد، چه زن و چه مرد در حالی که مؤمن باشد به بهشت داخل می‌شود"، "ای رسول ما روزی را به یاد آر که زنان و مردان مؤمن شعله‌های نورشان پیش روی آنها باشد" (سوره مبارکه حدید، آیه ۱۲) "کلیه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان اهل طاعت و عبادت و مردان و زنان راستگوی و مردان و زنان صابر و مردان و زنان خداترس و خاشع و مردان و زنان خیرخواه و مسکین‌نواز و مردان و زنان روزه دار و مردان و زنان خوددار از تمایلات حرام و مردان و زنانی که یاد خدا بسیار می‌کنند بر همه آنها مغفرت و پاداشی بزرگ ساخته است" (سوره مبارکه احزاب، آیه ۳۵)

این همه تأکید و اصرار صرفاً جهت بیان حقیقت و برابری زن و مرد از راه تکامل انسانی و نفی هرگونه تبعیض بین زن و مرد و تأکید بر نقش مشترک آن دو در فعالیت ساختاری است، پس زن مسلمان دعوت به این شده که نقش فرهنگی خود را بپذیرد و با هر ابزاری که در دست دارد در پربار نمودن اندیشه اسلامی جهت ساخت ملتی بلندمرتبه بکوشد.

چالش‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی

با وجود همه قدرت‌هایی که زن در طول تاریخ در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی از آن بهره‌جسته و با توجه به شواهد قرآنی که برای روشن ساختن آن آوردیم زن همچنان در سطح بین‌المللی محروم بوده و نمی‌تواند از حقوق انسانی و اجتماعی خود استفاده کند و به خاطر شرایط و اوضاع خاص متأسفانه در سایه حکومت اسلامی نیز محروم مانده است، هرچند که اسلام حقوق اقتصادی کاملی به او بخشیده و مانند حق ولایت مردان و زنان مسلمان، بعضی اولیای بعضی

دیگرند. "ایشان را به مشورت با یکدیگر دستور می‌دهیم" همواره در کنار برادران و مردان دیگر از زمان حضرت آدم و حوا (بر آنها درود باد) زن نیز مسؤول خلافت انسان بر روی زمین بوده و به خاطر بعضی میراث‌های تاریخی و استدلال‌هایی که به نظر اشتباه هستند از تصمیم‌گیرهای سیاسی دور بوده است. اما امروزه زن می‌باید از حق طبیعی خود برای مشارکت در ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه استفاده کند و این موضوع هیچ‌گونه منافاتی با وظایف اجتماعی او نداشته و جانب پاکدامنی و عفت را نیز خدشه دار نمی‌کند.

امت اسلامی امروزه از لحاظ فرهنگی و اجتماعی دچار فقدان نیروهای کارآمد زن می‌باشد که می‌توانند آینده‌ای روشنی را رقم بزنند. زن مسلمان باید با چالش‌های گسترده سیاسی و اقتصادی روبه‌رو شده و خود را با تمام نیرو و انرژی وارد معرکه نموده تا قبل از آنکه به حقوق قانونی خود توجه کرده باشد، قبول مسؤولیت نماید

چه کسی زن اندیشمند مسلمان را از تصمیمات سیاسی باز می‌دارد و چه کسی نمی‌گذارد که در ایجاد بازار اقتصادی بکوشد و تولید را پیش ببرد؟ تاریخ اسلام ما گنجینه‌ای از زنانی است که تاریخ را ساخته‌اند و برای زن مسلمان همین بس که آنها توانستند فضای مناسب جهت ترویج رسالت پیامبر از مکه به مدینه ایجاد کنند و اگر آنها نبودند نهال اسلام پا نمی‌گرفت تا رشد و نمو کند.

قرآن برای ما از بلقیس ملکه سبا و حکمت و اندیشه و تصمیمات حکیمانه او سخن می‌گوید. زن پیش‌رو تغییر سیاسی ایران نیز بوده و بر زنان مسلمان واجب است که در ساختار بنای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جامعه شرکت کنند و در کنار مردان جامعه سختی‌های ولایت و سرپرستی را به دوش بکشند تا خلافت انسان که هدف اصلی است محقق شود.

چالش بین المللی

امروزه باید ضرورت مسؤولیت جهانی را درک کرد. قرآن از آغاز این حرکت بزرگ به قضیه مظلومین و مستضعفین پرداخته و حتی در زمانی هم که خود مسلمانان در سخت‌ترین وضع ممکن بودند رسالت در سطح جهانی انجام می‌شد و مسلمانان در تمام جهان درگیر این مسئله بودند. "وان یکاد الذین کفروا لیزلفونک یا بصرهم لما سمعوا الذکر و یقولون انه لمجنون و ما هو الا ذکر للعالمین" خداوند انسان را خطاب قرار داده و او را مسؤول حفظ کیان بشری بر پهنه روزگار به شمار می‌آورد.

تشکیل موسسه‌های بین المللی رویداد جدیدی است که شاید به خاطر ضرورت‌های استعمارگرانه (و شاید هم ضرورت عمرانی) برای بقای توازن موجود میان نیرو و خدمات طبق نظر جهانی و با همان‌طور که در بیانیه جهانی حقوق بشر آمده به این خاطر ایجاد شده‌اند که از انقلاب مردم محروم جلوگیری کنند و همچنان دیده می‌شود که دولت‌های بزرگ از محافل و سازمان‌های بین المللی برای مسلط کردن اراده خود بر ملت‌ها سوءاستفاده کرده و در مشروع جلوه دادن شعارهای پرزرق و برقشان از آنها کمک می‌گیرند.

اما مطلبی که در این زمینه برای ما مهم است این است که آنها شروع به سوءاستفاده از موضوع زن و حقوق غصب شده‌ی وی نموده‌اند و از قدرت اقتصادی و نفوذ بین‌المللی خود نیز استفاده می‌کنند تا مفاهیم تحلیلی آن را در همه ملت‌ها و به‌ویژه کشورهای جهان سوم اصلاح نمایند آنها از اخلاقیات زوال یافته آن سخنی به میان نمی‌آورند تا به بسیاری از اهداف ضدانسانی خود مانند تغییر مفهوم خانواده و گسترش عرصه آن - برای آنچه آزادی جنسی نامیده می‌شود - و تعمیم حقوق جنسی برای جوانان جامعه عمل ببوشانند و همان‌طور راه را برای

آمورش‌های جسی پوچ‌گرایانه و امثال آن باز کنند.

زن مسلمان در گذار از این تلاش‌های سازمان یافته به شکل سازمان‌های غیردولتی و بومی و محلی و یا حتی دولتی در این عرصه، ناچار است در برابر این جنبش نابودکننده و سوءاستفاده از جنبه‌های مثبت آن مبارزه کرده و از حقوق خود دفاع کند. همچنین منزلت و شأن خود را به همه شناساننده و فضایی مناسب برای فعالیت‌های خود در جهت ساختن سرنوشت تمدن ایجاد کند. پس زن مسلمان مسؤولیتی انسانی را برای فعالیت و تغییر کوشش‌های جهانی در جهت اصلاح جامعه متمدن انسانی به دوش می‌کشد.

۴- کوشش‌های بین‌المللی در عرصه توسعه اجتماعی

تردیدی نیست که روند توسعه، به‌ویژه در سال‌های اخیر به میزان زیادی تحت تاثیر فعالیت‌های سازمان ملل متحد قرار داشته و کنفرانس‌های بین‌المللی چندی در سطوح مختلف برگزار شده است. از جمله: کنفرانس بخارست در ۱۹۷۴م، کنفرانس مکزیکوسیتی در ۱۹۸۴م، کنفرانس قاهره در ۱۹۹۴م، کنفرانس کوپنهاگ در ۱۹۹۵ و دیگر کنفرانس‌های بین‌المللی که به منظور بررسی حقوق زن، برگزار گردیده است مانند کنفرانس نایروبی و پکن؛ در تمامی این نشست‌ها و گروه‌های بین‌المللی تاکید بر نقش خانواده در روند توسعه کاملاً مشهود بوده است.

ولی با نگاهی به اسناد پیشنهادی و یا قطعنامه‌های پایانی آنها، ملاحظه می‌شود که این اسناد طوری تنظیم و تدوین شده‌اند که آنها را از روند متعادل دور می‌سازد و نقش دین در زندگی را به فراموشی می‌سپارد و تاثیر عناصر معنوی در این عرصه را نادیده می‌انگارد و حتی فرصتی برای سوءاستفاده از زن به عنوان کالا یا بازیچه برای سوق دادن جامعه به لابی‌گیری و از هم گسستن روابط خانوادگی و هموار کردن زمینه سقط جنین، فراهم می‌آورد.

سند پیشنهادی قاهره به کنفرانس جمعیت و توسعه، بمب بزرگی بود که اوضاع

را متعجب کرد بطوری که دلسوران، آشکارا توطئه‌ی استعماری علیه ارزش‌ها و مقدسات بشریت را در آن منعکس دیدند زیرا سعی در از هم یاشاندن خانواده و طرح مفاهیم متنوعی از آن و هموار ساختن راه برقراری روابط و پیوندهای خارج از چارچوب ازدواج و خانواده داشتند، من خود در راس هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در این کنفرانس حضور داشتم تا مگر تاثیر مثبتی بر نتایج آن بر جای گذارم که چنین نیز شد و به رغم عدم هماهنگی‌های قبلی میان مواضع کشورهای اسلامی - که شمار اندکی از آنها، حضور در کنفرانس را تحریم کرده بودند - و نیز فشارهای غربی علیه اسلام، موفق شدیم مجموعه‌ی اسلامی نیرومندی را تشکیل دهیم که با مجموعه‌ی دینی مسیحی همکاری خوبی داشته و به تغییر در دهها اصطلاح و موضع این سند از جمله: حذف اصطلاح "حق جنسی" و "روابط خارج از چارچوب ازدواج" و حذف جنبه‌ی الزامی سند و نیز تعدیل سند مربوط به سقط جنین و جز آن، توفیق یافتیم. و خود من نیز طی سخنرانی در نشست بین‌المللی آن، بر حقایق زیر انگشت گذاردم:

یکم: اگر درصدد سازمان‌دهی و کنترل حرکت‌های جمعیتی در چارچوب توسعه‌ی مطلوب هستیم باید پیش از هر چیز به همه‌ی ابعاد مادی و معنوی انسان بنگریم تا برنامه‌ریزی‌های ما هم‌سو و هماهنگ با فطرت انسانی و موقعیت وی در جهان هستی باشد. در این راستا، برآنیم که این مشکل اجتماعی نه در عدم پاسخ‌گویی امکانات و منابع طبیعی به نرخ رشد جمعیت بلکه برخاسته از عدم بهره‌برداری بهینه و مثبت از این امکانات و انواع ستم‌هایی است که در توزیع آنها، صورت می‌گیرد؛ قرآن کریم پس از یادآوری نعمت‌های فراوان الهی، می‌گوید:

"وَأَنآكُم مِّن كَلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَأَن تَعْلَمُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ"

(سوره ابراهیم - ۳۴).

و هر چه از او خواسته‌اید به شما ارزانی داشته و اگر خواهید که نعمت‌هایش را شماره کنید، نتوانید، که آدمی ستمکار و کافر نعمت است.

دوم: واقعیت انسانی در طی تاریخ و آنچه که شریعت‌های آسمانی در دیدگاه‌های اجتماعی خود مقرر می‌دارند، تاکید دارند که کیان خانواده، سنگ بنای جامعه را تشکیل می‌دهد و هر حرکتی که استحکام آن را خدشه دار سازد یا جایگزینی برای آن در نظر گیرد، ضربه‌ای به حرکت اصیل انسانیت وارد آورده است. البته این، مطلقاً به معنای نفی تنظیم خانواده به شیوه‌های مشروع - که خود بخشی از اقدامات توجیهی و تقویتی آن است - نمی‌باشد.

سوم: زن به مثابه نیسی از بیکره‌ی جامعه‌ی انسانی، نقش اساسی در شکل‌دهی به بنای اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کند و حتماً باید این نقش را با اطمینان کامل و بدون هرگونه خدشه به کرامت یا تحقیر استعدادهای انسانی‌اش، ایفا نماید.

چهارم: هر برنامه‌ی واقع‌بینانه‌ای برای برقراری توسعه‌ی پایدار، نباید از نقش ارزش‌های اخلاقی و اعتقادات دینی در تحکیم و تقویت پایه‌های توسعه و برآوردن متعادل نیازهای انسان به عنوان محور این آبادانی و توسعه، غفلت ورزد؛ این ارزش‌ها حتماً باید مورد تاکید قرار گیرند و در جهت تقویت آنها و تقی هر آنچه در برابر آنها قرار می‌گیرد، عمل شود.

پنجم: اصل تساوی در امکان بهره‌برداری از ثروتهای طبیعی که خود هدیه‌ای از سوی خداوند متعال است، همگی ما را بدان فرا می‌خواند تا در راستای تحقق نزدیکی هرچه بیشتر سطح زندگی‌های مختلف در سرتاسر جهان تلاش کنیم؛ هدف بزرگی که تحقق آن، بار سنگینی بر دوش کشورهای ثروتمند می‌گذارد و اگر در پی تحقق نوعی ادغام انسانی مطلوب هستند، نمی‌توانند از زیر آن شانه خالی کنند.

ششم: حقوق بشر آن‌چنان‌که در اعلامیه‌ی جهانی و دیگر اعلامیه‌ها از جمله

اعلامیه اسلامی حقوق بشر مطرح شده است باید بطور دقیقی مراعات گردد. گو اینکه طبیعی است تاکید شود که هیچ کشور یا مجموعه کشورهای حق ندارند برداشت خود از آن را بر کشورهای دیگر تحمیل کنند یا عناصر فرهنگی و دینی دیگران را به بهانه برداشتی که خود دارند، مورد خدشه قرار دهند.

در این میان باید به تعریف مشترک و قابل قبولی دست یافت که بتوان از طریق آن حقیقت را بی هیچ تحمیلی، تشخیص داد و اسناد مورد نظر (و اعلامیه ها و ...) آنچنان دقیق و آگاهانه و با دوراندیشی تدوین شوند که امکان سوء استفاده از آنها به سادگی، میسر نباشد.

چهارمین کنفرانس جمعیت و توسعه در پکن به رغم هدفهای اعلان شده خود مبنی بر توجه به زن و سهم ساختن وی در روند توسعه و با طرح شعار: "برابری، توسعه و صلح"، رسالت ویرانگرانه کنفرانس قاهره را تکمیل کرد و از آن بالاتر، همه ی اصلاحاتی را که مطرح ساخته بودیم، نقش بر آب کرد و مجدداً بر چیزی انگشت گذارد که "حقوق جنسی" نام دارد. در حقیقت چیزی جز تلاش برای از هم گسیختن پیوندهای خانوادگی و حذف عنصر اصلی روند توسعه، نبود.

جنبه های مثبت:

الته تاکید بر ضرورت توجه به زنان و لزوم سلامت بارداری فی نفسه مسئله ی کاملاً درستی است و باید به آن توجه جدی مبذول داشت زیرا سالانه:

- ۵۸۵ هزار زن بر اثر عوارض حاملگی، می میرند.

- ۳۰۰ هزار زن به علت عدم استفاده درست از قرص های ضد بارداری تلف

می شوند.

- ۱۲۰ تا ۱۵۰ میلیون زن به این نوع قرص ها دسترسی ندارند.

- ۷۵ میلیون زن، بطور ناخواسته باردار می‌شوند.
- و از ۱۷۵ میلیون زن باردار، ۴۵ میلیون سقط جنین می‌کنند.
- ۷۰ هزار زن از سقط جنین غیر قانونی و شمار نامعلومی نیز از عوارض آن رنج می‌برند.
- یک میلیون زن بر اثر التهاب مجاری تناسلی، فوت می‌شوند.
- ۳۳۳ میلیون مورد بیمار مبتلا به بیماریهای واگیردار جنسی وجود دارد و در بسیاری از کشورها چیزی حدود ۶۰٪ از زنان حامل بیماریهای جنسی واگیردار هستند که آمادگی ابتلا به بیماریهای مختلف، دارند.
- در سال ۱۹۹۶ م سه میلیون نفر مبتلا به ویروس ایدز شدند و شمار بیماران ایدزی به ۴۰ میلیون نفر رسید.
- تعداد ۶۰ میلیون دختر در آمارگیری‌ها به دلیل ترجیح پسر بر دختر، نادیده انگاشته شدند.
- هم‌چنان‌که همه ساله دو میلیون دختر وارد بازار خودفروشی می‌شوند.
- و ۶۰۰ میلیون زن از بیسوادی رنج می‌برند حال آنکه آمار بیسوادان مرد ۳۲۰ میلیون نفر است.
- آمارهای دیگری نیز وجود دارد^۱ که توجه ویژه‌ای به این موضوع را می‌طلبد. واقعیت آن است که تائید این جنبه به معنای رعایت حق زندگی است که اسلام توصیه و تاکید فراوانی در مورد آن دارد. از این روست که بند چهارم از سند قاهره را کاملاً درست و سازنده می‌دانیم آنجا که می‌گوید:
- تحکیم برابری و عدالت جنسی و اقتدار زنان و حذف انواع خشونت در حق آنان

۱- نگاه کنید به مقاله دکتر ملک افضلی در مجله (بهداشت خانواده) شماره ۱۴ سال چهارم - چاپ ایران.

در برخورداری ایشان از حق تنظیم بارگذاری خود، از بنیادهای اساسی برای کنترل جمعیت و توسعه است.^۱

از اینجاست که جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده که جنبه های مثبت این سند را به مورد اجرا گذارد ضمن آنکه پیش از آن نیز برنامه‌هایی برای میدان دادن به زنان برای کسب حقوق طبیعی خود و مشارکت فعال در روند سازندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره، در نظر گرفته بود.

نمونه‌هایی از برنامه های اجرایی جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌ی بهبود شرایط خانواده و بهداشت زنان و کودکان از این قرار است:

۱- توجه به امر زایمان و اجرای برنامه های متنوع بهداشتی درباره‌ی آن که منجر به کاهش نرخ مرگ و میر سالانه از ۹۰ در هزار در سال ۱۹۷۸ م به ۲۸ در هزار گردیده است.

۲- اجرای برنامه های اجتماعی داوطلبانه‌ی کنترل موالید برای کاهش نرخ رشد جمعیت از ۳/۳ درصد به ۱/۴ درصد طی یک فاصله‌ی بیست ساله.

۳- وارد کردن برنامه تنظیم خانواده در نظام مراقبت‌های بهداشتی کشور. تشویق مردم به سوادآموزی و تحصیل و رسیدن به رقم ۷۰٪ باسوادی در میان زنان بالای پانزده ساله.

اجرای این برنامه‌ها، باعث اختصاص جایزه‌ی کنترل جمعیت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۸ م به جمهوری اسلامی گردید.^۱

علاوه بر این برنامه‌هایی برای حضور هرچه جدی‌تر زنان در عرصه‌های مختلف رسانه‌ای، سیاسی، اجتماعی، پارلمانی و مدنی و جز آن در نظر گرفته شده است.

۴- نقش سازمانهای مردمی در تحقق هدفهای بین‌المللی

بشریت گام‌های گسترده و بزرگی در راه ایجاد نهادهای جامع بین‌المللی در جهت حل مشکلات و تحقق تفاهم میان اعضای خود برداشته و سعی در نیل به اجرای برنامه‌هایی جهانی دارای پیامدهای سازنده و سراسری دارد.

سازمان ملل متحد به‌مثابه‌ی گسترده‌ترین سازمان بین‌المللی با آن همه سازمان‌های فرعی در عرصه‌های متفاوت فرهنگی، اقتصادی، بهداشتی، تجاری و غیره، در همین راستا شکل گرفته و تاسیس شده است.

جنبش عدم تعهد در گستره‌ای محدودتر و نیز سازمان کنفرانس اسلامی در چارچوب جهان اسلام نیز به همین ترتیب، شکل گرفته است.

سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی بزرگ دیگری نیز هستند که تاثیر بسزایی در این روند بر جای گذارده‌اند ولی به هر حال بیشتر سازمان‌های بین‌المللی هم‌چنان گرفتار مشکلات بزرگی هستند که مانع از تحقق اهداف انسانی آنها می‌گردد ما به برخی از این مشکلات اشاره می‌کنیم:

۱- تصمیمات این سازمان‌ها، در بهترین حالت در خدمت منافع و گرایش‌های دولت‌هاست و هیچ ضمانتی برای تحقق هدف‌های توده‌های مردم، وجود ندارد. در واقع آنها اگر نگوئیم منافع تنها قدرت مسلط بر جهان، حداقل منافع قدرت‌های مسلط بر خود را تحقق می‌بخشند.

۲- واقعیت عیان در این سازمان‌ها، حاکی از آن است که در بیشتر مواضع، تحت تاثیر جریان‌های ضد بشری از جمله: صهیونیسم و گرایش‌های مادی و الحادی و ... قرار دارند و این روند، زیان‌های بزرگی بر حرکت بشریت، وارد می‌آورد.

۳- هم‌چنان‌که تأمل در این تصمیمات یا قطعنامه‌ها، نشانگر آن است که این سازمان‌ها، بی‌آنکه شعارهای مطرح شده شان پشتوانه واقعی داشته باشد، اقدام به

ایجاد نیازهای کاذب برای نوده‌های مردم می‌کنند؛ قطعنامه‌های مربوط به حقوق بشر، مبارزه با نژادپرستی و دفاع از حقوق زن و سامان‌بخشی به روند توسعه اجتماعی و جز آن، در این مقوله قرار می‌گیرند حال آنکه می‌بینیم در این عرصه، بنا به منافع تنگ نظرانه، معیارهای دوگانه‌ای مطرح می‌شود و تصمیمات حقیقی آنچه که واقعا باید دنبال شود در صورتی که با منافع قدرت‌های بزرگ، هم‌خوانی نداشته باشد، به صورت نوشته‌ای روی کاغذ باقی می‌ماند

و نیز بسیاری کاستی‌های دیگر ...

لذا به نظر ما عرصه گسترده‌ای برای مشارکت سازمان‌های غیردولتی (NGOS) در نشست‌های بین‌المللی و ایراد فشار بر طرف‌های رسمی برای اتخاذ تصمیمات هماهنگ تر با هدف‌های مطلوب، وجود دارد.

مشارکت این سازمان‌ها، می‌تواند پیامدهای متعدد و مثبتی هم‌چون موارد زیر داشته باشد؛

۱- از آنجا که سازمان‌های مردمی آشنایی بیشتر و نزدیک‌تری با مشکلات اجتماعی مردم دارند، درک بسیار مطلوب‌تری نیز نسبت به راه‌حل‌های مردمی، دارند و در نتیجه می‌توانند تصمیمات اتخاذ شده را به این اهداف نزدیک‌تر سازند و آنها را به تمامی اقشار و طبقات جامعه‌ی مدنی برسانند.

۲- و از آنجا که این سازمان‌ها در تحلیل‌های خود آزاد و فارغ از قید و بندهای رسمی هستند، می‌توانند به راه‌حل‌های واقعی رسیده و آنها را با قدرت، در محافل بین‌المللی مطرح سازند.

۳- حضور این سازمان‌ها، بیان‌گر پیگیری‌های گسترده‌ی مردمی و تا حدودی تشکیل‌دهنده‌ی افکار عمومی بین‌المللی است از مقامات رسمی جز پاسخ مثبت به خواست‌های آنها، کار دیگری ساخته نیست و همین امر آنها را تشویق به برداشتن

گام‌های واقع‌بینانه‌تری در راه تحقق عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه و احترام به محیط زیست می‌نماید.

۴- این سازمان‌ها در تنظیم رابطه میان توسعه و دولت، مشارکت می‌کنند زیرا ضمن وحدت بخشیدن به تمامی نیروها، فعالیت‌های بهداشتی، رفاهی، حرفه‌ای، خیریه و... را سر و سامان می‌بخشند.

۵- هم‌چنان‌که محیط مناسبی را برای فعالیت‌های انسانی غیر انتفاعی و داوطلبانه و با هزینه‌های اندک تأمین می‌کنند.

۶- و در هم‌سویی و همکاری با سازمان‌های مشابه خود در کشورهای مختلف، جریانی جهانی را تشکیل می‌دهند که قادر به طرح مایل مختلف [انسانی - جهانی] است.

نتیجه‌گیری:

در پرتو آنچه گفته شد، حقایق زیر نتیجه‌گیری می‌شود:

۱- روند توسعه اجتماعی، روندی انسانی است که به مرزهای جنسی، جغرافیایی یا مادی محدود نمی‌شود و در دیدگاه اسلامی زن عنصر اساسی این حرکت به شمار می‌رود و بدون حضور او، این روند ناقص و غیر موثر خواهد بود.

۲- جهان خیلی دیر به این حقیقت دست یافت حال آنکه اسلام بیش از ده قرن زودتر وهنگامی که زن را هم‌تراز مرد در روند "ولایت اجتماعی" قرار داد و همه گونه حق مشارکت در تصمیم‌گیریهای سیاسی - اقتصادی و اجتماعی را به وی بخشید، به چنین باوری رسیده بود.

۳- دولت‌ها و مقامات و نهادهای رسمی نقش بزرگی در تحقق چنین مشارکتی

۱- "العولمة والدولة" (جهانی شدن و دولت)، قسان میر و اکرم احمد، صفحه ۱۹۶

دارند ولی این امر زمانی به نتایج مطلوب خواهد رسید که سازمانهای مردمی، جایگاه خود را در سوق دادن این روند به پیش و تاثیرگذاری مثبت بر آن به دست آورند.

۴- سازمان کنفرانس اسلامی در همگامی با نگاه اسلام به زن، آنچه که باید، انجام نداده و نقش اساسی و مطلوب را به وی بخشیده و متأسفانه نسبت به طبیعت پیشگامانه اسلام، عقب مانده است و اکنون باید در تحقق این هماهنگی، عقب ماندگی‌های خود را سریعاً جبران کند.

حقیقت آن است که تصمیمات اتخاذ شده از سوی نهمین کنفرانس مسران اسلامی در تهران، سابقه‌ی بسیار خوبی در این زمینه بر جای گذارد، گو اینکه همچنان بر آنم که این سازمان در همگامی یا پیشرفت‌های مطرح بین‌المللی در این عرصه عقب مانده است.

در اینجا است که یاد آوری می‌کنم نباید فراموش کنیم چالش‌هایی که در آغاز قرن بیست و یکم در ابعاد سیاسی، اقتصادی، یا اجتماعی، با آنها روبرو هستیم از جمله: چالش‌های جهانی شدن، سلطه فرهنگی، دهکده کوچک اطلاعاتی و شعارهای پر زرق و برقی که دشمنان روابط سالم انسانی در پس آن پنهان می‌شوند و در صدد دگرگون ساختن حتی قوانین عادی ما برای رسیدن به منویات خویش هستند، همه و همه، چالش‌هایی است که همواره باید مد نظرمان باشند. (و برای مقابله با آنها) در همهٔ زمینه‌ها دست به خلاقیت و ابتکار بزنیم.

به عنوان مثال، در عرصه‌ی ورزش، نباید اجازه دهیم زن [در جامعه‌ی کشورهای اسلامی] همچون عنصری فرجه و بیمار باقی بماند بلکه باید ضمن رعایت عفت و اخلاق والای اسلامی، شیوه‌های سالمی به عنوان جایگزین شیوه‌های شناخته شده و جهانی کنونی - که با تمامی ارزش‌ها و سنت‌ها و عرفهای ما منافات دارند - ابداع

کنیم.

این تنها یک مثال برای اشاره به ضرورت تغییر و پیشرفت در همه عرصه‌هاست. در عرصه سیاسی نیز نباید نقش فعال زن در شکل‌دهی به تصمیمات سیاسی را به فراموشی بسپاریم. و این چیزی است که برخی مناطق اسلامی ما واقعا به آن نیاز دارند و حتی شاهد آنیم که برخی گروه‌های متحجر بر اساس اجتهادهای قشری و بیگانه با روح اسلام و نیز روایات و احادیث ثابت شده، زن را به دور از آموزش و پرورش - چه رسد به - مشارکت در زندگی اقتصادی، زندانی خانه ساخته‌اند. این کار علاوه بر خدشه دار ساختن چهره‌ی اسلام، مانع از حرکت امت در رویارویی با چالش‌های اشاره شده است.

نیاز مبرم ما نه تدوین استراتژی فرهنگی در عرصه‌های مختلف، یا موافقت با اعلامیه‌ی رسمی حقوق بشر از دیدگاه اسلامی و نه حتی تدوین استراتژی تبلیغاتی یا اجتماعی برای جهان اسلام - که اینها همه سرانجام و پس از بحث‌های فراوان، تدوین شده و تقریبا در ذهن هرکس که شناختی از گرایش‌های اسلام دارد، روشن هستند - بلکه فعالیت منظم و به هم پیوسته و جامع در سطح جهان اسلام - در عمل به استراتژی‌هایی است که در کنفرانس بین‌المللی اسلامی از جمله ششمین کنفرانس سران اسلامی در داکا (بنگلادش) یا هیجدهمین کنفرانس وزرای خارجه اسلامی در قاهره و جز آن، مورد تصویب قرار گرفته است.

جای تأسف است که اعلام شود جهان اسلام در سطح سازمان کنفرانس اسلامی و به رغم وجود شیوه‌های مختلف اجرایی در اینجا و آنجا، در خصوص راه حل عملی مشترکی برای اجرا، به توافق نرسیده است.

در اینجا تاکید می‌کنم که امت اسلامی، دارای ویژگی‌های مشخصی است که هویت آن را تعیین و نشان‌های قرآنی آن را ترسیم می‌کند از جمله مثلا، ویژگی

الهی، و انتساب به خداوند متعال در اعتقادات و احکام و قوانین و نیز ویژگی‌های اخلاقی - انسانی متبلور در نظام اخلاقی اسلام و رهایی از هرگونه فساد و صحنه‌های غیراخلاقی که غرایز جنسی در آن نقش ایفا می‌کنند و چهره واقعی آن را خدشه دار می‌سازند - چنین امتی تنها زمانی می‌تواند به انتساب خود به اسلام، افتخار ورزد که این تصویر والای اسلامی را تحقق بخشد و روابط خود را بر اساس معیارهای اسلامی، بنا نهد و توده‌های خود را با آگاهی‌های مطلوبی که به آن می‌دهد، مصونیت بخشد و حتی در میان افراد آن - که نسبت بالایی از آنها را زنان تشکیل می‌دهد - انگیزه‌های نیرومندی برای رویارویی با چالش‌های یاد شده، فراهم آورد. خیزش اسلامی تنها گزینه‌ی ماست و گزینه چالش‌ها، ما را فرا خواهند گرفت و همه‌ی ویژگی‌های ما را به یغما خواهند برد.

در اینجاست که رسالت علما - زن و مرد - برای ایفای نقش وارثان انبیاء روشن می‌گردد.

در پایان مایلم مجدداً تاکید کنم که ما ناگزیریم بپذیریم که اولاً زن مسلمان امروز و در بعد واقعی و عملی، فاقد نقش شایسته در روند توسعه اجتماعی است. ما به یک برنامه‌ی همه جانبه توسعه‌ای نیاز داریم که مبتنی بر پایه‌های زیر باشد:

یکم - گسترش آگاهی مسلمانان (زن و مرد) نسبت به حقوق زن و نقش ضروری وی در روند توسعه.

دوم - فراهم آوردن مساوات عادلانه و منطقی میان زن و مرد در فرصت‌های توسعه‌ای از جمله فرصت کار، برنامه‌ریزی، مدیریت و هدایت سرمایه و ثروت و تحقق مشارکت سیاسی - اداری، فرهنگی و غیره.

سوم - تاکید بر حرکت آموزشی و ارتقای آن در مورد بانوان.

چهارم - تاسیس سازمان‌های غیردولتی زنان و پشتیبانی جدی از آنها.

پنجم - حل ریشه‌ای مشکل مهاجرت‌های داخلی و خارجی و توجه به پیامدهای آن زیرا بیشتر مهاجرت‌ها که به دلیل عوامل گوناگون انجام می‌شود در میان زنان است.

ششم - ایجاد راه‌های موثر برای حل مشکلات اجتماعی زنان و کوشش در تغییر دیدگاه جامعه نسبت به زنان شاغل.

هفتم - کوشش در جهت تقویت جسمی زنان و نجات آنها از ضعف و بیماری و تشویق تربیت بدنی و ورزش‌های مناسب به دور از هر گونه سوءاستفاده و بی‌بندوباری.

**وظیفه زن در برابر حمایت
از هویت خانواده
در نظام اسلامی**

دکتر محمد الدسوقی
استاد دانشگاه الازهر مصر
عضو مجمع عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

مقدمه

خانواده و جامعه:

جامعه شناسان علیرغم اختلافات مذهبی همگی براین مطلب اجماع دارند که خانواده اساس و بنیان زندگی بشری است و اگر بر پایه‌های استوار و محکمی بنا شود، به نفع آن جامعه نیز مستحکم می‌گردد. اگر پایه‌هایی که خانواده بر آن بنا شده دچار لغزش گردد وزمینه استواری این پایه‌ها - علیرغم تفاوتشان - فراهم نشود؛ اوضاع جامعه متزلزل می‌گردد.

خانواده الگوی اساسی تشکیل و تکوین شخصیت انسان است و اولین مکانی است که برنامه‌ریزی تکوین شخصیت را پی‌ریزی می‌کند. اهمیت خانواده و اثر آن در جامعه تا حدی است که ادیان الهی اهتمام و توجه بسیار زیادی نسبت به آن مبذول داشته‌اند.

و خاتم‌الانبیاء محمد مصطفی (ص) - با رسالت خود، آیتی و بنا نهاد که استواری خانواده ضامن آن بود و دین مبین اسلام رکن اساسی جامعه و سنگ بنای جوامع اسلامی می‌شد که احکام آن قادر بود، عقب‌ماندگی و انحطاط را از جامعه اسلامی دور کند.

۱- ینگرید دور الأسرة؛ كاذاته للضبط الاجتماعی فی المجتمع : دكتور عبدالمجید سید احمد منصور، ص ۱۱۱ چاپ ریاض

اساس ساختار خانواده:

ازدواج شرعی و قانونی اساس ساختار خانواده است و بدون ازدواج امکان ایجاد خانواده وجود ندارد. پس ازدواج معیاری اجتماعی است که به خانواده رنگ و بوی قانونی و انسانی می‌بخشد. اسلام به مسأله ازدواج توجه ویژه و خاصی دارد، که به هیچ رابطه انسانی دیگری چنین توجهی نداشته است. عقد زوجین و گرفتن جشن لازمه رسمیت بخشیدن به ازدواج است.

مفهوم پیوند ازدواج برای انسان است. انسانا گرامی‌ترین مخلوقات می‌باشد. پس عقد ازدواج گرامی‌ترین پیمان‌هاست، چرا که در آن ارتباطی مشروع بین زن و مرد ایجاد می‌شود. قرآن آن را پیمان محکم نامیده است و اسلام برای آن مقدماتی قرارداده است که در رأس آن حسن اختیار و رغبت مشترک می‌باشد تا این میثاق، دائمی و محکم بماند.

منزلت و جایگاه زن در اسلام:

زن ستون فقرات خانواده است و به تعبیری، همانند ناخدای کشتی است در دریای عظیم و عمیق که در حمایت از این خانواده خود در تمامی خطرهای غافل نمی‌ماند و چشم برهم نمی‌گذارد و اگر به مملکتش بلای نازل شود، خیالش آسوده نمی‌گردد و همه تلاش و همتش را مبذول می‌دارد تا خانواده‌اش علاوه بر خوبیهای فرد، از احسان و نیکی زن نیز بهره‌مند شود. این گفتار که در وراء هر بزرگی و عظمتی قرار دارد، گفتاری نیک و پسندیده است. جز اینکه هم اوست که برای خانواده اسباب و موفقیت، پیروزی، برتری و تواندیشی را مهیا می‌سازد و همه عوامل ناکامی، عقب ماندگی و تقلید را از آن دور می‌گرداند.

به همین دلیل و با توجه به حدیث شریف "کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیت" زن در خانه‌اش سرپرست و مسئول همه افراد خانواده است. این سرپرستی دو

جنبه دارد، جنبه مادی و جنبه معنوی. جنبه مادی آن در تهیه مایحتاج همه افراد خانواده از جمله نظافت لباسها، خورد و خوارک و مسکن تجلی پیدا می‌کند. و جنبه معنوی آن در حسن همسررداری وی متبلور می‌شود که معادل جهاد در راه خدا است! جنبه معنوی آن در مدیریت نوأم با عشق، راهنمایی فرزندان، احسان به والدین و صلح ازحام و پرس و جو از احوال نزدیکان ظهور پیدا می‌کند.

مسئولیت زن در دو جنبه مادی و معنوی کامل می‌گردد و بوسیله آن رابطه خانوادگی استوار و محکم می‌شود زیرا این مسئولیت، یک نقشی مهم در حفظ و نگهداری اجتماع دارد و بر روابط همیاری در محیط خانواده اصرار می‌ورزد.

بخاطر همین مسئولیت است که اسلام، زن را مورد تکریم و بزرگداشت قرار داده است. و برای او شخصیت و جایگاه ویژه‌ای قائل شده است، آن را از ناتوانی، که ریشه در اعماق تاریخ دارد دور ساخت و به او نیکی‌ها عطا نموده و او را از هر شر و بدی دورنگه داشت. اسلام به زن حق اختیار همسر، حق تملک، حق اظهار نظر و مشاوره را داده، و برای او حق ارث بردن را قائل شده است در حالیکه اعراب تا قبل از آن فقط به مردانی که سلاح بدوش می‌گرفتند و به میدان جنگ می‌رفتند ارث می‌دادند و زنان و کودکان را از این حق محروم بودند. اسلام زن را از آراستن خود برای دیگران و با عشوہ سخن گفتن بر حذر داشته و او را از هر چیزی که عفت و نجابت وی را لکه‌دار می‌نماید، بر حذر داشته است.

زن مکمل مرد، یا تیمه دیگر جامعه است، او سرپرست تیمه دیگر نیز می‌باشد به همین دلیل نقش او در خانواده بالاتر از نقش پدر می‌باشد چرا که او با فرزندان، خصوصاً در دوران طفولیت زمان طولانی‌تری را می‌گذراند، لذا تأثیر زیادی بر شخصیت فرزندان دارد و می‌تواند آنان را به هر سویی که می‌خواهد هدایت نماید

حتی اصولی که می‌خواهند به آن ایمان آورند. در قدیم گفته می‌شد که: زنی که گهواره شیرخوار را با دست راستش تکان می‌دهد، می‌تواند که همه دنیا را با دست چپش به حرکت درآورد.

آماده‌سازی زن برای حمایت از خانواده:

تا زمانی‌که زن در خانواده دارای منزلت و اهمیت است، تأکیدی بر مسئولیت و وظیفه او در قبال خانواده، مقابل خطرات اجتماعی است، پس آماده نمودن زن برای انجام این مسئولیت یک ضرورت اسلامی است که در درجه اول باید که ایمان و اعتقاد، به بزرگی و عظمت این مسئولیت به زن مسلمان داده شود و او از این پندار اشتباه که باعث شده تا فکر کند که اگر خارج از خانه کار نکند از دیگر زنان کارمند مقامی پائین‌تر دارد، آزاد و رها نماید بداند که او در داخل منزل کار بزرگی را انجام می‌دهد که هیچ کس دیگری قادر به انجام آن نیست و کوتاهی و تقصیر او در این کار نه فقط به خانواده‌اش آسیب می‌رساند بلکه به همه جامعه نیز سرایت می‌کند. اگر بپذیریم که زن اولین معلمی است که فرزند دروس اولیه زندگی را از او می‌آموزد و آموزشهایی که مادر در سالهای اولیه در جان و روح فرزندان می‌نشانند، در تمامی یا در طول زندگی‌شان همراه آنان است. لذا زن باید با فرهنگ دینی، اسلامی کاملاً آگاه باشد، تا بتواند فرزندان را در جهت ارزشهای اسلامی پرورش دهد.

برای ایجاد فرهنگ دینی زن باید در زمینه علوم دینی و اسلامی آگاه داشته باشد لازم است که بر خصوصیات و ویژگی‌های تصویر اسلامی اشراف و احاطه داشته باشد بطوریکه وی در حد معقولی حفظ و تفسیر قرآن را بداند و از سنت و سیره زنان و مردان سلف صالح آگاه و مطلع باشد و قداکاریهایی آنان در راه اسلام در قالب داستان و قصه برای بچه‌ها بیان دارد تا آنان فرزندان نمونه‌ای از تربیت خوب

اسلامی بوده و مایه افتخار مادرشان باشند. زن باید نسبت به حلال و حرام و هرآنچه اختصاص به امور زندگی روزانه فرزندان در درون و بیرون خانه دارد، آگاه باشد تا اگر زمانی آنان منحرف شدند، بتواند آنها را به راه راست هدایت و در مقابل کارهای خوب و پسندیده اسلامی به آنها پاداش و جایزه بدهد.

زن علاوه بر فرهنگ دینی، تا حد کمی نیز به علوم تربیتی نیاز دارد که بتواند فرزندانش را در امنیت و سلامت از مرحله طفولیت عبور دهد. این مسأله اقتضا می‌کند که زن یک آگاهی قابل قبولی نسبت به حل مشکلات فرزندانش در مراحل زندگی داشته باشد، تا بینش عقلی و روانی آنان رشد و نمو طبیعی خود را طی کند و بدین وسیله آنان را از خطر ایجاد عقده‌های روانی و انحرافات رفتاری که حتی ممکن است تا آخرین مرحله زندگی با آنان همراه گردد، دور نماید.

اگر رشد همراه با سلامتی یک علم مستقل باشد آن وقت اصول و قواعد خاص خود را می‌خواهد، در این صورت برزن مسلمان واجب می‌شود تا حدی نیز به مسائل امور تغذیه‌ای آشنایی داشته باشد. پس وی باید مواد تشکیل دهنده یک غذای کامل را بشناسد و اثر کمبود بعضی از آنها را بر رشد و نمو بداند. همانگونه که باید بداند چگونه برای خانه یک غذای کامل و کم هزینه را تهیه نماید تا در ساختار اقتصادی وی سهم گردد. هنگامیکه غذای کامل، سلامت بدن را تأمین می‌کند، به تبع آن سلامت عقل نیز تأمین می‌شود چرا که عقل سالم در بدن سالم است.

زن علاوه بر مراعات مسائل بهداشتی ضروری خود، باید فرزندانش را پای بند به رعایت قوانین بهداشتی نماید. اسلام دین نظافت و پاکیزگی ظاهر و باطن و یا هم است. اضافه بر آنچه بیان کردیم، زن باید فرزندانش را منظم بار بیاورد و سعی کند که خاتمه‌ای زیبا و مرتب داشته باشد و بداند ریایی دانستی نیست که آموخته شود بلکه یک حس فرهنگی است که ریشه در آغاز زندگی انسان دارد که این آرام آرام

جزیی از شخصیت انسان می‌گردد. زن مسلحان باید فرهنگ زیبایی را کسب کند و بر اساس آن فرزندانش را بر پایه‌ی دوست داشتن زیبایی و ارزش نهادن به آن بزرگ نماید " خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد".

بی شک زن مانند مدرسه‌ای است که اهمیت و اثرش از مدارس قانونمندی که امروزه از هر لحاظ پیشرفت کرده‌اند کمتر نمی‌باشد، از این جاست که توجه به آماده نمودن زن در اولویت امور است زیرا او بهترین ضامن برای موفقیت در پیشرفت روند تمدن می‌باشد. اما آنچه بدان اشاره شده، پایین ترین حد موضوع مورد بحث ماست و زن باید از آن عدول کند و بتواند وظیفه‌اش را به بهترین وجه انجام دهد. ضرورت ایجاد یک روش جدید در برنامه‌های آموزشی به گونه‌ای که در آن خصوصیات هر یک از دو جنس پسر و دختر جداگانه لحاظ شده باشد، احساس می‌گردد و این برنامه‌ها می‌توانند موجب فعال شدن اندیشه‌های راکد اسلامی در مقابل جریانهای ویرانگر و مسموم کننده غرب باشد این آماده سازی و تجهیزات که موجب حمایت خانواده و ایجاد یک تسلط پاکیزه و پاک سرشت می‌شود، بدان معنی نیست که مرد خانواده یک نقش حاشیه‌ای دارد و نقش او در فراهم نمودن ضروریات و نیازهای مادی خانواده و فرزندانش کمتر است بلکه مرد در دو مرحله نوجوانی و جوانی مکمل زن است و هر دو در سرپرستی خانواده شریکند و نقش مرد مهمتر از نقش زن می‌باشد، چرا که مرد در سرپرستی و هدایتگری در این مرحله توانا تر است؛ به همین دلیل نگهداری فرزندانش از آغاز کودکی تا رسیدن به سن نوجوانی به عهده زن است و بعد از آن این حضانت و سرپرستی به مرد داده می‌شود لذا مرد نیز نیاز دارد که به یک بینش دینی و تربیتی در حد معقولی مجهز شود تا بتواند برای فرزندانش یک سرپرست و مربی توانمندی باشد تا هر آنچه را که مادر در دوران کودکی انجام داده است، تکمیل و

کامل می‌نماید.

نقش خانواده در دریای زندگی شبیه به سفر قایقی است که از اقیانوس می‌گردد و در دست هرکدام از زن و مرد پارویی برای هدایت این قایق وجود دارد، تا آن را به ساحل امنیت و سلامت برسانند و اگر هریک از آنها پارویش را کنار بگذارد، قایق راهش را گم می‌کند و آب او را می‌بلعد و عاقبت سرنشینان آن غرق می‌شوند. بدین ترتیب هر یک از زن و مرد مسئولیت مشترکی برای زندگانی یا حیات خانواده در مقابل گردبادهای ویرانگر به عهده دارند.

شیخ محمد غزالی رحمه الله می‌گوید: "دنیای اسلام بر فداکاریهای بزرگ و با ارزشی استوار شده است که خانواده‌ها بر همان پایه‌ها بنا نهاده شده‌اند؛ در این خانواده‌ها مردان و زنان را حق‌گرایی و صبر سفارش می‌نماید."^۱

در جامعه اسلامی یک خانواده مؤمن و شجاع لازم است که رسالت و وظیفه خود را بداند و در راه آن فداکاری نماید و همه افراد جامعه را در جهت حمایت از آن سفارش کند تا سدی باشد برای دفاع از جامعه اسلامی و فردایی بهتر.

خطرات خانواده امروزی :

خانواده مسلمان در جامعه کنونی با خطرات بزرگی مواجه می‌باشد، استعمارگران بی‌برده‌اند که ایجاد شکاف در ساختار خانواده مسلمان منجر به فروپاشی آن می‌شود و از مدتهای بسیار دور راه دست‌یابی بر منابع قدرت مسلمانان را از طریق سیاست تجاوزگرانه برنامه‌ریزی کرده‌اند تا مسلمان را به تدریج از اصالت و هویت اصلی‌شان نمایند. جای تعجب نیست که خانواده مسلمان در حال حاضر از این خطرات رنج می‌برد و دائماً از خطراتی که استواری و امنیت آن را تهدید می‌نماید،

۱ - بنگرید به قضایا المرأة بین التقالید الراقدة والوافدة، ص ۱۳۰

شکایت دارد.

برنارد لولیس شرق شناس می‌گوید: "غرب برای ایجاد یک تغییر کامل در غربی نمودن خاورمیانه به سه عامل وابسته است که عبارتند از: اسرائیل، ترکیه و زن^۱ غرب هنوز مصمم است تا از زن به عنوان سلاح اصلی در جهت فساد جامعه استفاده کند و این کار را از طریق گسترش و ترویج بی بند و باری - دعوت به اختلاط زن و مرد - تحمیل آموزش به دختران جوان در مؤسسات آموزشی مختلط - ترویج و سرپرستی روشهای آرایش به شیوه غربی - تشویق جریانهای ادبیات فلتشوف (بی پرده‌گی) و هنرهای تحریک برانگیز - بیرون آوردن زن از خانه - که موافق و مطابق با طبیعت و فطرت زن نیست، انجام می‌دهد و عاقبت موجب ایجاد پدیده سرگردانی و سردرگمی و ازهم پاشیدگی خانواده مسلمان بخصوص زن متعهد می‌گردد".

کنفرانس‌های بین‌المللی:

اگر جهان اسلام بخواهد از چنگال استعمار و رهایی یابد، باید تا حدی حیات و زندگی مستقلی را آغاز نماید. در این حیات جدید، علائم و نشانه‌های آگاهی و بینش اسلامی مشاهده می‌شود. تمایل توده‌های مردم مسلمان برای مرکزی اسلامی که بتوانند رهبریت امور را به آن بسپارند، احساس می‌شود. غرب احساس می‌نماید دچار یک آسیب شدیدی شده است و به خوبی درک کرده که تنها خطر جهانی که منافع او را تهدید می‌کند اسلام است و سایر اعتقادات و ادیان خطری محسوب نمی‌شوند که از آن‌ها بترسد یا به آن‌ها توجه نماید.

کنفرانس‌های بین‌المللی تقریب مذاهب زمینه‌های ایجاد گفتگوهای تازه‌ای را

۱- بنگرید به مجله المجتمع شماره ۱۳۵۹، ص ۹

در باره درگیری بین اسلام و ادیان دیگر بر پا کرده است. کنفرانس‌ها بینگ رنگ جهانی دارد گویا آنها منعکس کننده یک پیمان بین‌المللی‌اند، برای نجات بشریت و مخاطب آن گروهی خاص نمی‌باشند. کسانی که با این کنفرانس‌ها مخالفند، افرادی هستند که بر نظام جهانی جدید معترض و با آن مخالفند. آنها زندگی در یک دایره منطقه‌ای کوچک (تنگ) را می‌پسندند و به پیشرفت‌های جدید برای همکاری دولتها در جهت دفع خطرها و مشکلات فکر نمی‌کنند. کنفرانس‌های بین‌المللی، از سال ۱۹۵۷ با کنفرانس مکزیک آغاز شدند، سپس - کنفرانس مکزیک دو در سال ۱۹۱۸ در جهت مسیحی نمودن مسلمانان از طریق ایجاد شکاف درونی در میان آنها - کنفرانس (کپنهاگ) در سال ۱۹۸۰ میلادی - کنفرانس ناپروبی در سال ۱۹۸۵ میلادی - کنفرانس سران کشورها در ریودوژانیرو برزیل در سال ۱۹۹۲ میلادی - کنفرانس حقوق بشر در فنیا در سال ۱۹۹۳ میلادی - کنفرانس جهانی برای جلوگیری از آلودگیهای طبیعی در یوکوهاوای ژاپن در سال ۱۹۹۴ میلادی - کنفرانس رشد جمعیت در قاهره - کنفرانس سران جهانی در جهت رشد و توسعه اجتماعی در کپنهاگ سال ۱۹۹۵ میلادی در استانبول منعقد و برپا گردیدند^۱.

این کنفرانس‌ها موجب برپایی کنفرانس جهانی بررسی خطراتی که زنان قرن ۲۱ را تهدید می‌نماید گردید این کنفرانس در سال ۱۹۹۹ با مشارکت ۲۴ کشور در صحنه برگزار شد که اکثر شرکت کنندگان کسانی بودند که به تفکرات سکولاریسم و مخالف با اسلام مشهور بودند^۲.

شرکت کنندگان این کنفرانس، علیرغم تنوع طرحها و تعدد روش‌هایشان، انواع و اشکال جدیدی از زندگی اجتماعی را تبلیغ کردند که این اشکال موانع اخلاقی

۱- بنگرید به مجله الوعی الاسلام، شماره ۴۰۵، ص ۵۵ و مقدمه کتاب وثیقه مؤتمر السكان والتنمية شماره ۵۴ از کتاب الأمة ص ۱۲.

۲- بنگرید به مقدمه وثیقه مؤتمر السكان والتنمية ص ۱۳، ۱۴، ۱۷.

را زیر پا می‌گذاشت و با ارزشهای دینی در تعارض بود و به اسم آزادی موجب ترویج بی بند و باری می‌شد، بطوریکه برنامه ریزان این کنفرانس در سرشعردن خانواده به عنوان واحد اساسی یک جامعه - در حد شک و تردید- نیز اکتفا نکردند. و از والدین تقاضا کردند تا از فعالیت جنسی نوجوانان به جز راه ازدواج چشم پوشی نمایند. آنان بیشتر قوانین و ارزشهای دینی دیگر را نیز زیر پا نهاد تا بیان دارند که مفهوم خانواده بدان معنایی که دین بیان می‌دارد، مفهوم عقیم و ناکارآمد است و قید و بندی است بر آزادی شخصی، چرا که دین روابط جنسی آزاد بین سنین مختلف را نمی‌پذیرد و رابطه بین دختر و پسر را مشروط بر یک چهارچوب شرعی و قانونی می‌داند و به همجنس بازان حق تشکیل خانواده را نمی‌دهد و به اصول روشمند مانند روابط زن و شوهری در چهارچوب خانواده پای بند می‌باشد. این در حالی است که آنان می‌خواهند این نوع ازدواج را تغییر دهند و معتقدند که این روش فقط شکلی از انواع ازدواجهایی است که مردم به آن عادت کرده‌اند و با آن الفت گرفته‌اند بطوریکه این گونه ازدواج‌ها، در ضمن تقلید از آداب و رسوم گذشتگان فراگرفته شده است، به همین علت آنها سعی در ترویج و ایجاد روشهای انسانی جدیدی بودند که به مسائل شرعی و قانونی و اخلاقی توجهی ندارد مانند ازدواج هم جنس بازان و معاشرت (جنسی) بدون ازدواج و اعطاء حقوق مساوی به همگان و وضع سیاستها و قوانینی که به حمایت از این نوع خانواده‌ها بیانجامد. علاوه بر این آنها به بهانه محدود نمودن جمعیت، تنظیم خانواده و زنان را به سقط جنین دعوت می‌نمایند.

ملاحظه می‌شود که این کنفرانس‌ها در پایتخت‌های کشورهای مسلمان مانند قاهره استانبول و صنعاء برگزار شده است و بسیاری از مفاهیمی که منکر و عجیب و غریب بوده‌اند در ذیل آن مطرح گردیده‌اند اما این کنفرانس‌ها سعی نمودند تا به

تدریج این مفاهیم را عادی سازند و آن‌ها را مورد قبول مردم قرار دهند. طرح این مسأله در مرحله اول به عنوان یک دستاورد فرهنگی است، علیرغم اینکه چنین ادعا می‌شود که دولتهای شرکت کننده ملزم به پیاده نمودن آن و مراقبت نمودن از عکس العملها در مقابل آن هستند. بررسی دقیق این عکس العملها و نشان می‌دهد که راهی درست برای برخورد با آن در دست نمی‌باشد. این فرهنگ پلید به تدریج پیشرفت می‌نماید و هر روز در ذهنیت اسلامی جایگاهی پیدا می‌کند و طرفداران تمدن و فرهنگ غربی در جهان اسلام آن را ترویج می‌دهند.

چنین کنفرانس‌های غیر اسلامی، یک خطر جدی برای خانواده مسلمان محسوب می‌شود چرا که خانواده، از آخرین دژهای اسلامی است که اگر در هریک زمینه های فرهنگی یا اجتماعی و یا قانونی سقوط کند بدنبال آن بنیان خانواده در تعدن غرب غرق خواهد شد.

هنوز هم خانواده تنها کانون اساسی است که دین را از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌سازد به جهت نقش متمایز و برجسته زن این کنفرانس‌ها به موضوع زن اهتمام و توجه خاصی ورزیده اند و سعی کرده‌اند که اولاً نقش خانوادگی زن، و ثانیاً نقش مری گری وی را از او بگیرند و ثالثاً او را به سوی بازار کار برای صرف نظر نمودن از ایجاباتش بکشانند. و بالاخره از طریق اشاعه آزادی فردی می‌خواهند همه ارزشهای وی را از او بگیرند. بعد از جریان قمیتسیم از راه انحلال ارزشها سعی بر آن بود تا زن را از دایره دین خارج نمایند. قمیتسیم یعنی: مرگ مرد، مرگ تاریخ، مرگ مسائل غیبی. همه اینها بدان معنا است که زن همان هدفی بوده است که این کنفرانسها تلاش می‌کرده‌اند تا آن را از بین ببرند و نابود نمایند. چرا که نابودی زن یعنی ایجاد شکاف در خانواده مسلمان و تسلط بر ارزشهای شرعی و قانونی آن.

در کنار خطرات فراوانی که بدان اشاره شد خطرات داخلی دیگری در بیسوادی دینی و فرهنگی جامعه وجود دارد که اثرات مخرب آن در خانواده متجلی می‌گردد. اضافه بر آن اینکه مجلات خانواده از جهت محتوایی با مجلات خانواده غربی فرقی ندارد. همچنین تبلیغات، خصوصاً تبلیغات بصری معمولاً کامپانی تبلیغات بیگانه را ترسیم مینماید.

ماحصل کلام آنکه هر خطری که زن را تهدید می‌کند به نوعی کل جامعه را تهدید کرده است. چرا که تهاجم به زن، یعنی شبیخون به خانواده و می‌دانیم که جامعه، بک خانواده بزرگتر است.

خطرات خانوادگی امروزی

نیک می‌دانیم که اگر بعضی تهدیدات از قبل برنامه‌ریزی شده بیگانگان در هنگام عدم حضور اندیشه اسلامی، محقق می‌شود، بدان معنی نیست که این برنامه‌ها به طور کامل به اهدافشان نائل آمده‌اند. فطرت پاک و آگاه به دست فرزندان مسلمان خود سلاح استواری از علم و آگاهی است که مانع انتشار و پخش بیماری واگیر مادی‌گری در جسم و جان امت اسلامی می‌شود.

امروزه بیماری ایدز و بی‌بند و باری‌های آن هنوز نتوانسته که جهان اسلام را از هم بپاشد و بندهای آن را از هم باز نمایند و آزادی رایج امروز که در همه دنیا وجود دارد هنوز نتوانسته ارزشهای نیکوی جهان اسلام را از او بگیرد. بادهای مسموم که امروزه در همه دنیا وزیدن گرفته است نتوانسته درخت ارزشهای نیکوی جهان اسلام را از ریشه برکند. با این وصف خطر وجود دارد و هرروز تهدید آن برای هویت و کین اسلامی بیشتر می‌شود. وهمه کسانی که نسبت به حل این مشکل اهتمام می‌ورزند، براین مطلب اجماع دارد که راه مبارزه و مقابله با آن محکم نمودن پیمان‌هاست. چرا که ضعف عقیده در بین مسلمانان علت اصلی عقب‌ماندگی آنها و

موفقیت دیگران در نبرنگ هایشان می‌باشد.

راه درمان وحل ضعف عقیده، رواج درک و بینش اسلامی صحیح و محکم سازی (واکسینه نمودن) امت مسلمان برعلیه ویروس‌های آن می‌باشد. این بینش امت را از بی‌سوادی دینی و آثار آن حفظ می‌نماید و همه مشکلات درونی که مانع تربیت اسلامی و بیداری تمدن بشری است از سرراه برمی‌دارد و مانند دژ محکم و استواری در مقابل همه دسیسه‌ها می‌ایستد تا جایی که دیگر امکان شیخون به آن وجود ندارد، چرا که پایه‌های امور معنوی ملتها را به راحتی نمی‌توان متزلزل نمود، ارکانی که بر اساس اندیشه و آرمانهای خاص بنا نهاده شده است. دشمنان باید بدانند، زمانی که قصد تجاوز به چنین فرهنگهایی را دارند جز ناکامی و خسران، دست آورد دیگری نخواهند داشت.

اگر تهدیدات خارجی یا بیرونی که خانواده را تهدید می‌کند، بر روی زن متمرکز شود و موجب فساد همه افراد خانواده شود، عاقبت این خطرات به یک سمت و سوی واحدی هدایت می‌شوند. هدف آنان کشتن زن مسلمان به سوی آزادی و رهایی از پای بندی به ارزش‌ها و مفاهیم دینی می‌باشد و اینجاست که زن مسلمان نباید حرف بیگانه را بپذیرد و بر آن گردن نهد. با این حال لازم است که این آگاهی اسلامی برای خانواده از زن شروع شود و آن از راه بازگرداندن شایستگی به زن است. همانطور که در بحث آماده سازی زن برای حمایت از خانواده بیان کردیم به وجود رهبران دینی زن که ملتزم و پای بند اصول اسلامی هستند نیازمندیم تا آنها قادر باشند که در صحنه اسلامی در همه زمینه‌های فکری و اجتماعی حضور یابند و تلاش نمایند تا از تونل و نقشه فکری استکبار که بیشتر از یک قرن است که بر آنها تحمیل شده با سربلندی بیرون بیایند.

زن با فرهنگ اسلامی و درک و بینش صحیح می‌تواند نسبت به مشکلات جامعه با بهره‌مندی از مبانی اسلامی مسؤولیت خود را در قبال خانواده انجام دهد و در جهت اصلاح آن گام بردارد و خطرات جانی که ارزشهای اخلاقی خانواده اسلامی را تهدید می‌کند، از میان بردارد.

کنفرانس‌های پزشکی غربی، خانواده‌ها را به هم جنس‌بازی و بی‌بندباری دعوت می‌نماید. در بیشتر کشورهای اروپایی قوانینی وضع شده است. تا آن را مانند یک پدیده طبیعی و یک وضعیت اجتماعی عادی تلقی کرده تا امکان مقاومت و تعرض بر آن وجود نداشته باشد. همچنانکه مسؤولیت زن در حمایت از کیان خانواده فقط در رویارویی با مشکلات بیرونی و مقاومت در برابر آنها محدود نمی‌شود، بلکه این مسؤولیت شامل مشکلات درونی نیز می‌باشد.

زن مسلمان می‌تواند با اتکا به فرهنگ و ایمانش نسبت به رسالتش، با این خطرات مبارزه کند. پس او می‌تواند فرزندانش را از برنامه‌های خنده دار کمدی که رسانه‌های گروهی بصری با جنبه بدآموزی ارائه می‌کنند با یک روش علمی برخورد دارد. گویا که او فرزندانش را با چنین کلامی مورد خطاب قرار می‌دهد که آیا راضی می‌شوید که مادر و خواهرتان آرایش کرده در مقابل مردان ظاهر شوند؟ کودکان نیز باید با قوه تمیز برنامه‌های مفید و خوب رسانه‌های جمعی بصری را ملکه ذهن خود کنند و بتوانند بین منفعت و ضرر تفاوت قائل شوند.

زن می‌تواند زمینه را برای ازدواج جوانان و اطرافیان خود آماده کند. مثلاً مهریه‌های سنگین، مهمانیهای پرخرج و جهاز بسیار از موانع ازدواج جوانان می‌باشد. این مساله موجب کناره‌گیری و امتناع بسیاری از جوانان برای ازدواج است. چرا که از آنان چیزی را می‌خواهند که ندارند (از عهده‌اش بر نمی‌آیند) لذا بعضی از آنان با

زنان اهل متاب یا اجنبی (بیگانه) ازدواج می‌کنند و این نوع ازدواج یک تهدید دیگری است برای خانواده مسلمان و جامعه اسلامی^۱ و راه حل این کارکاشتن ارزشهای اسلامی به همراه مهر و محبت در ضمیر فرزندان از زمان کودکی می‌باشد. در این نقش، مرد که مکمل زن می‌باشد می‌تواند با فداکاری کردن در راه فرزندان و با مساوات رفتار نمودن بین آنان، الگویی برای فرزندان باشد. چرا که تفاوت قائل شدن در رفتار موجب ناراحتی و تأثیر منفی در ضمیر آنان می‌شود و این مساله باعث ایجاد گوشه‌گیری فرزندان در داخل خانواده می‌شود که عاقبت هر کسی به فکر خود است و دیگر از عاطفه و اخلاص و وفاداری و عشق و بخشندگی خبری نیستند.

از هم پاشیدگی خانواده‌ها یک پدیده جدیدی است که زندگی خانواده‌ها را تهدید می‌نماید. و موجب ایجاد نگرانی، از هم پاشیدگی و پرورش نامساوی فرزندان می‌شود پس زن با توجه به تجاربتش برای حل همه خطرات می‌تواند پرنده صلح و دوستی در داخل خانواده باشد و از لغزشهایی که سهل و آسان است بگذرد تا رابطه او با همسر و فرزندانش صمیمی بماند و مفهوم مودت و رحمت و آرامش در خانه‌اش محقق گردد. پس این ارتباط معنوی در زندگی خانوادگی می‌تواند یک فضای پاکی را بوجود می‌آورد که خانواده از درگیری و سرکشی بدور باشد و این نوع زندگی موجب حاکمیت صلح و محبت و عاطفه عمیق و محکم می‌شود و بدین ترتیب خانواده نسل‌های صالحی را برای هدایت جامعه در زمینه‌های مختلف زندگی پرورش می‌دهد.

برای اینکه زن در انجام مسئولیتش در حمایت از کیان خانواده موفق شود، به

۱ - بنگرید به منارالاسلام شماره ربیع الأول الآخر سال ۱۴۰۸ هـ و حکم شرعی در ازدواج مسلمانان با غیر مسلمانان دکتر محمد عبدالحکیم ص ۲۷

یک فضایی نیاز دارد تا جهاد زن در آن نقش آفرینی کند و آثار مفید و پسندیده‌ای به جای بگذارد. اگر این فضا، زن را برای مقابله با انواع خطراتی که خانواده را تهدید می‌نماید ایجاد نشود، زن نمی‌تواند رسالتش را عملی سازد. چرا که هر عمل و کار صالحی که زن در فضای فاسد و آلوده انجام می‌دهد، در نهایت به هدفش نمی‌رسد شاعر می‌گوید:

حتى يبلغ البنیان يوماً تمامه اذا كنت بشیته وغیرک یهدم

هیچ ساختمانی به پایان نمی‌رسد تا زمانی‌که یک نفر آن را می‌سازد و دیگری آن را خراب و ویران می‌کند. پس مقام و مسئولیت زن در حفاظت از کیان خانواده مهم است زیرا که خانواده ستون و پایه زندگی بشری است که اصلاح آن جامعه اصلاح می‌گردد و با فاسد شدن آن انحلال و نابودی جامعه رخ می‌دهد. زن نقش مهمی در سرپرستی از خانواده و حفاظت از کیان آن دارد نه اینکه نصف جامعه را زنان تشکیل می‌دهند. خلاصه کلام اینکه خطراتی که خانواده با آن مواجه است متعدد و فراوان است و مقابله و مبارزه با آن کار ساده‌ای نمی‌باشد و احتیاج به تلاش مستمر و پشتکار دارد، و زن می‌تواند با آگاهی از فرهنگ اسلامی، نقشش را در حمایت از خانواده علیرغم موانع موجود ایفا کند چرا که زن با احساسات و عواطف سرشارش نسبت به خانواده دائماً در حال سعی و تلاش است.

مفهوم عبادت:

اگر زن شرعاً مکلف به عبادت خدای یگانه باشد، پس مفهوم عبادت در اسلام، فقط محدود به عبادتی مثل نماز و روزه و زکات و حج می‌شود. عبادت در اسلام یک مفهوم کلی است که شامل همه رفتارهای بزرگ و کوچک انسان می‌باشد. انسان خلیفه و جانشین خداوند در روی زمین است. و وظیفه او این است که دستورات الهی را اجرا کند و حدود خداوندی را رعایت نماید و برای او عبادت

کند. و بدنبال آن همه اعمالش رنگ خدایی به خود می‌گیرد و همه اقوال، حرکات و سکنانش عبادت خداوند رب‌العالمین محسوب می‌شود.^۱ پس حمایت زن از کيان خانواده فقط یک وظیفه و مسئولیت نیست که باید آن را انجام دهد، بلکه یک عبادت و تکلیف شرعی به مفهوم عبادت در اسلام است. اضافه بر اینکه در قانون اسلامی باید بین زنان و مردان مؤمن دوستی و مؤدّت وجود داشته باشد. و خداوند متعال می‌فرماید: * *والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر ویمونون بالصلاة ویتون الزکوة ویطیعون الله ورسوله، اولئک سیرحهم الله، ان الله عزیز حکیم**^۲

این آیه بیان می‌دارد که سرپرستی همان یاری و مؤدّت و اتّحاد و همبستگی در انجام امور خیر است. و این از مهمترین خصائص مردان و زنان امت اسلامی است این آیه بر چهار صفت از صفات امت مؤمن تأکید دارد که عبارتند از: امر به معروف و نهی از منکر به پاداشتن نماز و دادن زکات، و این همان صفاتی همانی هستند که خداوند متعال به مؤمنین وعده نصرت و پیروزی و تسلط بر زمین در پرتو سفارش‌های هدایتگرانه‌اش به بشریت، داده است.^۳

پس زن در حین انجام وظیفه خانواده، خداوند را عبادت می‌کند و ایمان او به این موضوع، اخلاصش را مضاعف می‌گرداند و او را نسبت به این حمایت و پشتیبانی حریص می‌گرداند. پس کوتاهی کردن در انجام این مسئولیت در مقابل خانواده گناه و معصیت است چرا که (در حقیقت) کوتاهی کردن در امر بمعروف و نهی از منکر عدم اهتمام به امر مسلمین است.

آنچه در باره مسئولیت زن گفتیم، اسباب و زمینه انجام این مسئولیت را به

۱ - بنگرید به عبادت در اسلام، شیخ یوسف القرضاوی، ص ۱۵۲ قاهره

۲ - آیه ۷۱ سوره توبه

۳ - بنگرید به خلال القرآن شهید سید قطب، مجلد ۴، ص ۲۵۲، چاپ بیروت.

بهترین وجه بیان می‌دارد. زن به خاطر عاطفه و احساسات سرشار نسبت به خانواده و فداکاریش نسبت به هر یک از افراد، ضرب‌المثل اینار و فداکاری است. از این جاست که او کیان خانواده را دائماً حمایت می‌کند این حمایت محقق نمی‌شود مگر اینکه صاحب هدایت و سرپرستی یک سطح زندگی شایسته شود. اگر زن شوهرش فوت نموده باشد، نیاز است در این حالت زن خود را کفیل فرزندان بداند و نمی‌تواند نسبت به این کار بی‌تفاوت باشد. او به خاطر زن بودنش، راحتی را فدای فرزندان می‌کند. لذا ازدواج مجدد را رد می‌کند تا باعث، آوارگی و تباهی فرزندان نشود.

اما مسئولیت زن در حمایت از خانواده بدان معنا نیست که محدود به خانواده خاصی باشد بلکه به حکم موالات و دوستی بین زنان و مردان مؤمن، به خانواده‌های دیگری که نیاز به همیاری و همکاری دارند تسری پیدا می‌کند. با توجه به همه اینهاست که خانواده مسلمان علی‌رغم همه خطرات، ستون جامعه و پایه زندگی بشری می‌شود و یک چشمه جوشان و لبریزی از محبت می‌گردد تا نسل‌های جدیدی را شجاعانه تحویل جامعه دهد.

خلاصه مقام مسئولیت زن در حفاظت از کیان خانواده که ستون جامعه و پایه زندگی بشری است روشن می‌گردد و با گمراهی زن انحلال و نابودی جامعه فراهم می‌شود. علاوه بر این او خصوصیتی دارد که وی را برای انجام این مسئولیت شایسته ولایت می‌گرداند. زن از یک عطف‌ساز، توأم با عشق و مهربانی بهره‌مند است که این عشق را نثار خانواده‌اش می‌کند.

برای زن این امکان وجود دارد که وظایفش را انجام دهد و در مقابل خطراتی که دوام و استقرار واقعی او را تهدید می‌نماید ایستادگی نماید خطراتی که در طول کنفرانس‌های بین‌المللی ضربی سعی می‌شود تا خصائص و هویت اسلامی او را

بگیرند لذا او باید یک آگاهی فرهنگی اسلامی صحیح داشته باشد تا بتواند در مقابل این خطرات بایستد و مانع تحقق یافتن این اهداف مسموم گردد. اضافه بر این انجام وظیفه زن در مقابل حمایت از کیان خانواده با توجه به مفهوم کلی عبادت در اسلام یک واجب شرعی است.

با توجه به مفهوم کلی عبادت در اسلام، این فریضه به مسئولیت زن قداست و اهمیت ویژه‌ای می‌بخشد و ایجاب می‌کند که زن برای انجام این مسئولیت خود را فدا کند و از آن کوتاهی و تفریط ننماید. از آنجائی که مسئولیت زن یک مسئولیت مادی و معنوی است، شامل خانواده خاصی نمی‌شود بلکه بخاطر مؤدت و دوستی بین زنان و مردان مؤمن شامل خانواده‌های دیگر نیز می‌شود.

فهرست مطالب مقاله:

۱. خانواده و جامعه
۲. اساس ساختار خانواده
۳. جایگاه زن در خانواده.
۴. آماده سازی زن برای حمایت و پشتیبانی از هویت خانواده.
۵. خطراتی که خانواده جدید را تهدید می‌کند
۶. چگونگی رویارویی زن با خطراتی که وی را تهدید می‌کند.
۷. مفهوم عبادت.

**نقش و جایگاه زن
در خلقت**

القبال بریضا حدوتی

مقدمه

نظرات و پیشنهاداتی که در این مقاله ارائه می‌شود، برگرفته از مبانی اسلامی است که مؤمنین مخلص، با دقت به آنها عمل می‌کنند و برای تحکیم، عقل، روح و اخلاق تمامی مخاطبین مفید خواهد بود. هدف اصلی ما در چنین فعالیت‌های علمی، فرهنگی، انتخاب موضوعاتی است که بتواند راه گشای مشکلات زن در جوامع امروزی باشد.

نقش زن و جایگاه وی در خلقت:

نقش زن

نقش زن در جامعه حوزه بسیار وسیعی را در برمی‌گیرد، به این معنا که اگر فعالیت‌های زنان در جامعه چنانکه بر مبنای فقه اسلامی باشد برای جامعه پیشرفت و چشم اندازی جهانی به ارمغان می‌آورد، خداوند تبارک و تعالی نقش زن را ترفیع داده و با ارائه دلایل و مباحث قرآنی ما را از آن آگاه گردانیده است.

از طرف دیگر انفعال و بی‌زاری زن نسبت به نسل‌های آینده و بطور کلی جامعه، وی را در مسیر پیشرفت ناتوان کرده و وی به تدریج، گذرگاه آشوب طلبی برای نسل‌های خود می‌سازد. بعد از پشت سر نهادن سختی‌ها برای زندگی بهتر و

داشتن نقشی والاثر در جامعه، زن مسیر آشوب طلب یا مخربی را به دست خویش مهیا نمود که این راه زمانی غرور وی را از طریق خشونت، استثمار، سوءاستفاده‌های گوناگون، محروم شدن از حقوق و نادیده گرفته شدن امتیازات وی و غیره خواهد ستاند.

بطور کلی باز تاب نقش زن از دیر باز در مکان‌های مختلف جهان، بیش از همه منتج به موقعیت بسیار وحشت‌انگیز و اندوهناکی برای طبیعت و خلقت وی شده است. با معرفی مختصری بر آنیم درباره جایگاه زن از زمان‌های کهن در مکان‌های گوناگون جهان سخنی داشته باشیم و بعد از آن نتایج حاصل از بررسی تحلیل‌های مختصر و مفید راجع به نقش زن بعنوان مخلوق الهی را خواهیم دید و سپس به تعیین نقش زنان در قرن ۲۰ و قرن ۲۱ یعنی قری که در آن زندگی می‌کنیم، خواهیم پرداخت. در حین بررسی تاریخ به شواهدی از شرایط و جایگاه مرعوب شده زن در تمدن‌های موجود دست خواهیم یافت.

زن در یونان باستان

- هیچ نوع ازدواج معمولی وجود نداشت.
- در صورت نداشتن قیم زن باید تابع پادشاه می بود.
- همسر وی با او مانند یک برده رفتار می کرد و وی مجبور بود شوهرش را آقا صدا بزند و هرگز با اسم او را نمی خواند.
- در طول زمان قاعدگی زن کثیف قلمداد و زندانی می شد و از راه یک سوراخ کوچک به وی غذا داده می شد.

زن در استرالیا

- به منزله یک حیوان اهلی بود.

- وسیله ای برای دفع شهوت و رشد جمعیت بوده.
- زمان قحطی زن را کشته و گوشت وی را برای رفع گرسنگی می‌خوردند.
- وی حق نداشت با همسرش غذا بخورد بلکه باید از مانده غذای وی تناول می‌کرد.
- زمان مرگ از هر گونه مداوای پزشکی و مراقبت از سوی اقوام محروم بود.
- در صورت داشتن عمر طولانی باید با خفه شدن یا محروم شدن از غذا کشته می‌شد.
- عشق والدین اینگونه بود، زمانی که وی به سن ۲۰ سالگی می‌رسید و اگر بیمار می‌شد، زنده بگور می‌گردید.
- در نیوزلند از زنان برای حمل بارهای سنگین استفاده می‌کردند.

زن در آفریقا

- خوراک زنان در آفریقا کمتر از دیگران در نظر گرفته می‌شد.
- تمام کارهای روستایی، کاشت و آبیاری کار زن بود.
- زنان آرایشگر، جمال و جراح بودند، در حالیکه مردان لباس فروش و گاهی اوقات معامله فلز می‌کردند.
- جنگ افزار و کلاه مرد مقدس بود و نمی‌بایست بوسیله زنان لمس می‌شد.
- در جزایر مارکویز گوشت، جوجه، نارگیل و گردو تنها، غذای مردان بود.

زن در آمریکای جنوبی

- زنان از غذا مراقبت می‌کردند در حالیکه مردان تفریح می‌کردند.
- مردان زنان مس را که توان کار کردن نداشتند می‌کشتند.
- زنان در موقع وجود خطر حمله نهبانی می‌دادند.

زن در عربستان

- خانواده‌های سرشناس دختران را هنگام تولد زنده بگور می‌کردند.
- شوهردرنده‌ای وحشی‌تر از حیوانات بود؛ هیچگونه رحمی به فرزندان و همسرش نمی‌کرد.

- زنان همانند حیوانات خرید و فروش می‌شدند.

پس از ارائه این تجزیه و تحلیل راجع به نقش زنان در دوران باستان، حال باختصار مقایسه‌ای خواهیم داشت درباب جایگاه زن در جامعه قدیم و جامعه امروز تا به بسیاری از تفاوت‌های عظیمی که بی تردید وی را به موجودی مبدل کرده که بیرحمانه مورد استثمار و سوءاستفاده قرار گیرد، پی خواهیم برد.

الف) نقش زن در زمان پیامبر اکرم (ص)

مفاد بکار برده شده در تحلیل این موضوع، درگیری زنان در تمام زمینه‌های زندگی را در زمان پیامبر اکرم (ص) تصدیق می‌کند. بخش عمده‌ای از مفاهیم صحه بر این واقعیت می‌گذارد که وقتی زنان در اجتماع شرکت داشتند دارای سنین مختلف بوده و حتی برخی مجرد، جوان و کم سن و سال بودند. کلیه جمعاتی که در فضای اسلامی بوسیله زنان و مردان انجام می‌شد هیچ‌گونه مشکلی که منجر به جداسازی زن و مرد از یکدیگر شود، ایجاد نمی‌کرد.

در ضمن آیاتی وجود دارند که قبل و بعد از آیه حجاب نازل شده و متونی داریم که به همسران پیامبر اکرم (ص) مربوط می‌شوند. این متون تجمع زنان دیگر با پیامبر اکرم (ص) یا تجمع ایشان در حضور صحابه دیگر یا دیدار زنان با یک یا چند مرد یا گروهی از زنان در ملاقات با گروهی از مردان را برای ما نقل می‌کند.

چنانکه آیه: "در خانه بمانید، این برای شما بهتر است" بعنوان دستور برای عموم بندگان در نظر گرفته می‌شد آنگاه ما اینگونه مصلحت می‌دیدیم که به

همسران پیامبر اکرم (ص) مربوط می شود و مصلحت اندیشی های دیگری اعم از یادگیری، اعانه و کمک به دیگران، جهاد و غیره را به خودمان اختصاص می دادیم. زنانی که می گویند: "در خانه ماندن برای ما بهتر است" مخالف با زندگی و مفهوم زندگی می باشد و این مسئله باعث بروز مصائب، عواقب و مشکلات اجتماعی خواهد بود.

پیامبر اکرم (ص) نمونه ای کامل از بی آلاشی و بهنجاری برای همه چیز بودند. ایشان بدلیل اخلاق و تربیت اسلامی میانه رو بودند و در طول مدت پیش از نزول آیه حجاب، تعداد بسیاری زن و مرد به خانه ایشان می آمدند؛ پیامبر اکرم (ص) به زنان به دیده یک انسان مسئول دارای حقوق مساوی در پیشگاه خداوند تبارک و تعالی می نگریستند.

مدینه شهری بود که اسلام در آنجا حاکم بود و آن زمان برخی تصور می کردند که زن در آنجا ایمن است اما فراموش نکنیم که در مدینه افرادی بودند که خیانتکار از آب در می آمدند یا برخی در ظاهر اسلام را پذیرا می شدند در حالی که قلب هایشان تغییری نکرده بود با این حال این دلیلی نمی شد که زنان در خانه زندانی باشند؛ برعکس آنها به مساجد می رفتند و در فعالیت های مختلف که در آنجا سازماندهی می شد، شرکت می کردند، اجازه دهید تأکید بر این مسئله داشته باشیم که مسجد پایگاه کلیه فعالیت ها بود.

تجمعات زنان و مردان که مورد بحث ماست تجمع مسلمانانی بود که در آن پنج بار در روز نماز می خوانند، یعنی اجتماعاتی که بر طبق تعلیم و تربیت اسلامی برگزار می شد. گرچه امروز شرایط طوری است که تشکیل اجتماعات امری ممنوع تلقی شده اما این بدان معنی نیست که هرگونه از تجمعات ممنوع است و تنها کاری که ما باید انجام دهیم این است که بیشتر بهوش باشیم.

اگر پیامبر (ص) مخالف تجمع زن و مرد در یک مکان بود و جداسازی زن و مرد را بهتر می‌دانست آنگاه این کار را در زمان خود و در همان ابتدا در مساجد آغاز می‌نمود و برای زن و مرد بطور جداگانه سخنرانی می‌نمود.

ب) نقش زن در جامعه امروز

در حقیقت امروزه در جامعه اروپایی که زن آلبانیایی مسلمان نیز در آن زندگی می‌کند وارونه شده و نقش زن در چارچوب جامعه تقریباً تنزل پیدا کرده است. چه دلیلی برای این گفته خود داریم؟ زیرا غیر ممکن است یک زن خارج از منزل کار کند و رفتار افراد بی‌ایمان برای وی خطر ساز نباشد و اتفاق افتاده که وی مورد حمایت تعدادی از افراد با ایمان نیز قرار نگرفته است، زیرا ایشان از روی نا آگاهی ترجیح می‌دهند یا شعار حمایت از زنان، آنها را در خانه حبس کنند و در نتیجه وی اسیر مقررات خانه شده و امکان این را ندارد تا توانایی‌های خود را در اختیار جامعه قرار دهد.

می‌دانیم که زن غالباً در خطر دانی می‌باشد ولو اینکه وی تحصیل کرده باشد نه به سبب ارزش‌های اخلاقی بلکه برای ارزش‌های ظاهریش - مانند زیبایی و اندام ظاهری خود - مورد تمجید قرار می‌گیرد، در حالیکه در زمان پیامبر اکرم (ص) زن دارای همان حقوقی بود که مردان داشتند، در عین حال امروزه ما با عکس آن مواجه هستیم. امروزه زن به بدترین شکل غیر انسانی مورد استثماری قرار می‌گیرد و وی را وادار می‌کنند در کلوب‌های شبانه بعنوان پیشخدمت و بعنوان یک مانکن نیمه برهنه سیار کار نماید.

بنابراین به نظر من: درگیری زن در جامعه امروز امری اجتناب ناپذیر است. تتبع دانش از مسیر اسلام می‌باشد، پس زن مسلمان باید تحصیل علم نماید تا دین اسلام را درک نموده و به انتشار و ترویج آن کمک نماید. امروزه زندگی بطرز نوبنی در آمده تا

اندازه ای که نمی توان بطور انفرادی آن را سپری نمود اما بدون تردید باید با افراد مختلفی که می تواند مرد نیز باشد تشریک مساعی کرد.

امروزه حقارت و مادونی جامعه مشکلاتی جدی بیار آورده که ما بعنوان مسلمان نیز با آنها مواجه هستیم، بنابراین وظیفه ما ایجاب می کند بیشتر فعال و موثر بوده تا بتوانیم از بروز این مشکلات پیشگیری نماییم. وضعیت موجود بسیار پیچیده و حیرت آور است چه کاری باید انجام دهیم؛ آیا تسلیم شده و در خانه محبوس شویم تا زنده بمانیم؟ از طرفی دنیای امروز مملو از مشکلات مختلفی مانند جنگ و تهاجم بسوی مسلمانان و غیره است، و زمان ماندن در خانه و آرایش کردن و منتظر شوهر ماندن نیست.

این مسئله باید روشن شود که در زمان صحابه نمونه های منفی نیز وجود داشتند، منافقین سست ایمانی که می توانستند برای زنانی که خارج از خانه بودند مشکل آفرین باشند اما با این وجود زندگی سیر طبیعی خود را طی می کرد و پیامبر اکرم (ص) زنان را از مشارکت در زمینه های مختلف زندگی منع نمی ساخت.

جایگاه زن در خلقت

اینگونه اظهار می شود که حوا از دنده آدم خلق شده است. "دنده" تفسیر بسیار ضعیفی است. معنی درست این کلمه در زبان های عبری و عربی "طبیعت" می باشد. بنابراین تفسیر درست این است که حوا (زن) از طبیعت مرد خلق شده، نه از دنده ی وی.

خلقت ما توسط خداوند یک دلیل دارد و نشان دهنده اقتدار و اختیار مطلق او می باشد. خداوند همه ما را از یک تن خلق کرد و سپس از آن جفت وی را آفرید چنانکه در قرآن سوره نسا آیه اول آمده:

"بنام خداوند بخشنده مهربان ای مردم! برسید از پروردگار خود، آن خدایی

که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن جفت او را خلق کرد و از آن دو تن، خلقتی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن برانگیخت؛ و بترسید از آن خدایی که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید (حقوق خود را)، و در باره ارحام کوتاهی نکنید؛ که همانا خدا ناظر و مراقب اعمال شما است.^{۶۵}

به حقیقت خلقت بیش از یک میلیارد انسان از یک تن با قیافه‌ها و رنگ‌های متفاوت: سفید، سیاه، آبی، زرد، سرخ، زیبا و نازیبا نشان می‌دهد که آفریدگار حاکم مطلق و فاعل بالذات است و در نتیجه ما باید به وظایف خود عمل نموده و تابع مطلق خداوند باشیم درست همانگونه که الله در قرآن کریم سوره ذاریات آیه ۵۶ می‌فرماید: "و ما جن و انس را نیافریدیم مگر برای اینکه مرا پرستش کنند."^{۶۶}

انسان بعنوان یک مخلوق دارای روح الهی است که خدای سبحانه و تعالی به وی ارزانی داشته است. انسان بواسطه برخی خصوصیتی که به وی اعطا شد پذیرفت به خداوندی تعالی وفادار بماند. همچنین خلقت انسان با در نظر گرفتن اینکه وی بار تکلیفی را که نه آسمان‌ها و نه زمین و نه کوه‌ها توانستند بپذیرند، قبول نمود؛ پدیده‌ای عظیم می‌باشد!

پروردگار تعالی در سوره احزاب آیه ۷۲ چنین می‌فرماید: "ما بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌های عالم عرض امانت کردیم، همه از تحمل آن امتناع ورزیده و اندیشه کردند، تا انسان پذیرفت و انسان هم بسیار شکرکار و نادان بود." از آیه فوق‌الذکر در می‌یابیم که اگر بشر و دیگر مخلوقات خداوند را با هم مقایسه کنیم خواهیم دید که انسان - اعم از مرد و زن - میل به قدرت دارد، اوست که می‌تواند مخالف غریزه، نیازها و طبیعت خود عمل نماید، حیوانات و نباتات چنین قدرتی را ندارند.

خداوند تبارک و تعالی مالک یا فاعل مطلق این توانایی را به نوع بشر ارزانی داشته است. از تمام این‌ها در می‌یابیم که انسان دارای بارقه‌ای از روح خداوند است

این منبع همان روح الهی است. بنابراین انسان قادر است به طریقی مشابه نه درست همان طریق الهی عمل نماید. خالق متعال هر دو جنس را در یک زمان و یک مکان و با ترکیبی همانند، از گل و روح، آفرید، مخلوقاتی که در همه ابعاد از وی ارث می‌برند از یک نوع هستند و درست مانند فرزندان یک والدین می‌باشند.

انسان دارای قدرت فزونگرایی در درون خویش می‌باشد. وی با کشف استعداد خود شروع به شناخت خویش نمود و همان گونه که امام علی (ع) فرمود: "من عرف نفسه فقد عرف ربه" هر کس خود را شناخت، خدای خود را شناخت. لحظه‌ای که می‌خواهیم خدا را بشناسیم و صفات خداوند سبحان و تعالی را در روح خود جمع کنیم آنگاه می‌فهمیم که این تمایزات و اختلافات، نوع جنس و چهره بیرونی نقش مهمی در وجود و هستی ما ایفا نمی‌کنند.

شباهت‌ها و تفاوت‌ها

زن در نظام اسلامی درست دارای همان حقوق و مسئولیت‌هایی است که یک مرد دارا می‌باشد، زن یک شریک و یک همسراست. درارتباط با پیشرفت معنوی وی با شوهرش در نماز، روزه، زکات، حج، و غیره شریک است. زن حق امر به معروف و نهی از منکر دارد. این‌ها از جمله فعالیت‌های مربوط به تشابهات در عبادت می‌باشند، در ضمن می‌خواهیم تشابهاتی همراه با فعالیت‌های متقابل و درجانه متذکر شویم که برای شروع این مسئله که زن قادر است تاجری موفق، نماینده پارلمان، دکتری خوب، مشاور عالی باشد کفایت کند، از همه اینها گذشته زن مخلوقی است که پروردگار وی را با سپردن امانت متولد نمودن و رشد و تربیت نسلی جدید به بالاترین درجه ترفیع داده است.

دین اسلام زن را همانند مرد موظف به آموختن کرده تا در حد امکان کل دانشهایی که خداوند در قرآن به ما آموخته را فرا گیرند. سوره لیل آیات ۱، ۲، ۳:

قسم به شب تار هنگامیکه جهان را در پرده سیاه بپوشاند. و قسم به روز هنگامی که عالم را به ظهور خود روشن سازد، و قسم به مخلوقات عالم که خدا همه را جفت نر و ماده بیافرید.^۱

اما چیزهایی وجود دارند که در مرد و زن ایجاد اختلاف کرده و آن‌ها را از هم متفاوت می‌کند، چنانکه خداوند متعال مرد را موظف کرده کار کند و از خانواده خود نگهداری نماید. زن وظیفه‌ای ندارد تا برای نگهداری از خانواده خود از منزل خارج شود. با این وصف می‌توان تفاوتی که بر اساس طبیعت خلقت بسیار منطقی جلوه می‌کند را حس نمود. هنگامی که خداوند سبحانه و تعالی دو جنس را آفرید نقش‌های متفاوتی به هر یک داد که تغییر پذیر نیست، بعنوان مثال زن امکان باروری چنین را داراست، و این چیزی است که مرد هرگز نداشته و نخواهد داشت.

نقش تکمیلی

خداوند متعال همانگونه که زندگی را با آمد و شد روز و شب هستی بخشیده؛ زن و مرد را نیز برای کامل کردن یکدیگر آفریده است. همان گونه که زندگی نمی‌تواند کامل شود مگر با روز و شب، زن و مرد نیز نمی‌توانند بدون دیگری کامل شوند. خداوند سبحانه و تعالی می‌فرماید: "و از هر چیزی دو نوع آفریدیم تا مگر متذکر حکمت خدا شوید." (الذاریات، آیه ۴۹)

زن مسلمان هرگز نمی‌تواند دشمن شوهر خود باشد. به همین علت خداوند سبحانه و تعالی می‌فرماید: "و خدا دعاهای ایشان را اجابت کرد (و گفت): البته من عمل هیچ کس از زن و مرد را بی‌مزد نگذارم" (آل عمران، آیه ۱۹۵). این بدان معنی است که شوهر برای زن و زن برای شوهر است. زندگی آنها بدون دیگری هیچ معنایی نمی‌تواند داشته باشد. زمانی که خداوند سبحانه و تعالی آدم (ع) را خلق کرد و در بهشت اسکان داد، و به این دلیل که زندگی برای او بی‌معنی بود خداوند

سبحانه و تعالی جفتی برای او آفرید که با هم زندگی کنند. ای آدم تو با جفت خود در بهشت جای گزین. (بقره، آیه ۳۵)

در ضمن در سوره اعراف آیه ۱۸۹ می گوید: "اوست خدایی که همه شما را از یک تن آفرید و از او نیز جفتش را مقرر داشت تا به او انس و آرام گیرد." (اعراف، آیه ۱۸۹) شوهر برای زن است و بر عکس زن برای شوهر است. زن اجازه ندارد با شوهرش ضدیت داشته باشد. بنابراین زن مسلمان فردا نباید در مقابل شوهر خود قرار گیرد و بخواهد همان کاری را که شوهرش می کند انجام دهد و هر لباسی که وی می پوشد به تن نماید.

متأسفانه در قرن حاضر که ما زندگی می کنیم نقش و خصوصیات هر دو جنس از مخلوقات خداوند قادر به هم آمیخته شده است. تمایل زن به مرد شدن بیشتر و بیشتر شده در حالی که پسران جوان خود را با جلوه‌های زنانه ظاهر می کنند. زاین در ذهن متصور می شود که می خواهند به ستخ زن درآیند. پیامبر اکرم (ص) جایز نمی دانستند که مرد ملبس به لباس زنانه شود و برعکس. وی مردی که خود را شبیه زن و زنی که خود را به شکل مرد درآورد را نفرین می کند. او این کار را به این دلیل انجام می دهد که هر دوی آنها موظفند خصوصیات خاص خود را همچنانکه خداوند سبحانه و تعالی به آنها ارزانی داشته حفظ نمایند.

به عقیده من زن مسلمان یعنی زن مسلمان فردا با تمام توانی که دارد از جنسیت خود حمایت خواهد کرد. وی از مردی مردان تقلید نخواهد کرد بلکه به وی کمک خواهد نمود یعنی درگیر کارهایی خواهد شد که با طبیعت وی سازگاری دارد؛ حرفه معلمی و پرستاری را پیش خواهد گرفت و از نظر پزشکی خواهران خود را پیش از آنکه برای معالجه زیر دست مرد نامحرم قرار گیرند مداوا خواهد نمود یا حتی در فروشگاه های لباس زیر زنانه به کار مشغول خواهد شد.

بنابراین مسلمانان مکلفند برای متحد شدن و نزدیکی به یکدیگر دنبال راهکارهایی باشند. ما افرادی هستیم که باید فکر کنیم و به این یکی سازی در گذرگاهی که اسلام بتواند بدرخشد کمک کنیم، تا جایی که مقام زن محترم شناخته شود و مورد ارزیابی بیشتر قرار گیرد و با همکاری که زن خواهد کرد جامعه مسلمان به جامعه‌ای نمونه، برای نشان دادن اینکه چگونه آزادی و حقوق زن مورد تکریم و احترام قرار گیرد، تبدیل خواهد شد.

منابع:

ترجمه قرآن کریم از آقای فتی مهدوی
حقوق زنان در اسلام از مرتضی مطهری

**نظریه‌ی عزت نفس زنان
و سهم آن در دفاع از
حقوق زنان**

محمد سعید اسماعیل
روانشناس

هدف از این مقاله ارائه تعریف مختصری از عزت نفس می‌باشد و در ادامه بررسی نظام‌های اعتقادی گوناگون به منظور رسیدن به این نتیجه که کدامیک در توسعه حس سلامت ارزش نفس رساتر بوده و در نهایت می‌تواند به آگاهی سالم از حقوق زنان کمک نماید.

عزت نفس محصول عقاید و اعمال درست است که فی نفسه دارای موجودیت نیست، "خوش قلبی" در ارتباط با عزت نفس نتیجه‌ای از این افکار و اعمال درست است. اکثر مردم سوء تعبیر نموده و عزت نفس را بعنوان یک احساس تلقی می‌کنند و آن را بی‌ارتباط با اعمال و افکار می‌دانند. مردم می‌خواهند خوب باشند بدون ارزیابی این که چگونه به آن دست پیدا کنند. بطور کلی یک چنین حس عزت نفس برای مدت طولانی پایدار نمی‌ماند زیرا اگر در یک نظام اعتقادی استوار توسط اعمال همراهی نشود، اثر ثابت نداشته و توخالی است.

تاریخ نشان داده که تقریباً در تمام تمدن‌ها به زنان بسیار ظلم شده است. در واقع حتی واژه‌ی "زن" موهن بوده است. درحقیقت کلمه‌ی «woman» از کنار هم گذاشتن دو کلمه‌ی کوچکتر یعنی «woe» و «man» تشکیل شده که دلالت می‌کند که زن «woe» یعنی بدبختی، اندوه، مصیبت برای «man» یعنی مرد آورده است، زیرا طبق کتاب مقدس حوا آدم را فریب داد تا از میوه‌ی درخت ممنوعه بخورد و در نتیجه باعث رانده شدن وی و نوع بشر شد. رومی‌ها زن را بهتر از بنده و غلام

نمی‌دانند در حالیکه مسیحیان اولیه حتی مطمئن نبودند که آیا زن را انسان بنامند یا نه. کلیسای ارتودوکس یونان منکر این بود که زن دارای روح است و اسقفی در شورای ماکن شدیداً ادعا می‌کرد که زن از نوع بشر نیست. (Western arch ص: ۶۶۳)

برخورد با زنان در آسیا بهتر از بقیه جاها نبود. هندو، که یکی از کهن‌ترین ادیان جهان می‌باشد زن را اینگونه توصیف می‌کند: "نسوان (زنان) در کودکی باید تحت نفوذ پدر، در جوانی تحت نفوذ شوهر، بعد از فوت شوهر تحت نفوذ فرزندان باشند؛ زن نباید هرگز مستقل باشد (Manu جلد ۱۴۰) بدبختانه بسیاری از زنان را مجبور می‌کردند که خودشان را روی هیزم شعله‌ور شوهرانشان در هنگام تشییع جنازه وی بیندازند زیرا به آنها یاد داده بودند که زندگی بدون شوهر برای آنها بوج بی‌معنی است. حتی در اروپای غربی و آمریکا تا همین چند دهه‌ی اخیر زنان حق مالکیت، عقد قرارداد، ارث یا رای نداشتند. نویسنده‌های بزرگ زن بریتانیایی مانند "جین آستن و فنی برنی" در زمان‌های خود شخصیت‌های وراثت زن ثروتمندی را خلق کردند که تمام ثروت خود را از طریق قمار یا و تخرجی شوهرانشان از دست داده بودند. برنی در کتابش "سیسیلیا" خاطرات یک ورثه زن را بیان می‌کند که چگونه سیسیلیا به دلیل نداشتن جهیزیه کافی نتوانست با مرد دلخواه خود ازدواج کند به این دلیل که جهیزیه وی برای جلب توافق خانواده اشرافی مرد دلخواهش کافی نبود. و این به آن دلیل بود که در انگلیس، فرانسه و دیگر کشورها تمام دارایی و پول زن بواسطه ازدواج از آن شوهر وی می‌گردید. قانون آنها نیز از این حکم دفاع می‌کرد زیرا زنان دارایی مردان محسوب می‌شدند و به همین دلیل زنان را مجبور می‌کردند بعد از ازدواج نام همسر خود را به روی خود بگذارند و تمام مایملک خود را به آنها واگذار کنند. در کتاب دیگر جین آستن می‌خوانیم یک زن بیوه و سه

دختر وی مجبور می‌شوند خانه خود را بدلیل فوت پدر ترک کرده و رکود مالی فاحشی داشته باشند زیرا دارایی وی متعلق به برادر بزرگتر ایشان و خانواده آنها بود. هنگامی که کوچکترین خواهر علیه این ظلم فریاد برمی‌آورد خواهر بزرگتر جواب می‌دهد: عزیز من در انگلیس املاک از پدر به پسر می‌رسد نه از پدر به دختر. قانون این را می‌گوید.

اصول اسلام از بالا بردن عزت نفس دفاع و حمایت می‌کند زیرا عزت نفس افکار، احساسات و اعمال ما را اصلاح می‌کند؛ به ما یاد می‌دهد روح خود را از درجه پایین‌تر از پایین تا حس بصیرت ارتقاء داده و به (احسان) زیباترین راه وجود متمایل گردانیم. با ترسیم آرمانی هدایت کننده که ممکن، عملی و قابل دسترس باشد؛ اسلام اختلاف بین آن آرمان و نفس مدرک را کاهش می‌دهد. هدف از ترکیه و اداری کردن شخص به درست بودن و درست عمل کردن به بهترین طریق است. جهاد کردن برای فضیلت می‌باشد با اعتقاد به اینکه نیت شخص از انجام آن کار، خشنودی خداوند باشد. ترکیه انسان را تشویق می‌کند که توانایی خود را برای خلیفه الهی شدن - که خلقت انسان با این هدف بوده - تشخیص دهد. این عقیده به اندازه‌ی کافی قدرت دارد که انسان را به ارتقاء عزت نفس ثابت خود وادار کند. تنها این آرمان که خلقت بشر برای هدف والاتری است و می‌تواند ما را به انتخاب یک زندگی سالم تر و والاتر وادار نماید. به گفته قرآن کریم انسان با کرامت، عزت و با توانایی بالقوه در برترین برترها شدن آفریده شده است.

"همانا ما کرامت و عزت را به فرزندان آدم اعطا کرده‌ایم" (سوره اسراء،

آیه ۷۰)

"همانا ما انسان را به بهترین شکل خلق کرده‌ایم" (سوره التین، آیه ۴)

مقابل نظریه اسلامی عزت نفس با نظریه غرب در این باب جالب می‌باشد. زنان

در غرب ارزش درونی با ظاهر فیزیکی خود ارزیابی می‌شوند. این مسأله باعث می‌شود زنان توسط صنعت مد به تمام اشکال استثمار بصورت برهنه ظاهر شوند. هر ساله بیش از ۳۳ میلیارد دلار تنها صرف لوازم آرایش و برنامه‌های کاهش وزن می‌شود، قطع نظر از ۱۱ میلیون دلار که صرف عطریات می‌گردد. آیا این مبهوت کننده نیست؟ خوب، این ارقام تنها برای غرب است. با یک چنین آرایش و صنعت مد یک میلیون دلاری حقیقتاً تعجبی ندارد که زنان هر آینه برده‌ی این صنعت مصرفی شوند. بسیاری از زنان بیشتر درآمد خود را صرف لوازم آرایش، کرم و لوسیون می‌کنند تا زیبا جلوه نمایند. بی شک میلیون‌ها زن وجود دارند که با عمل جراحی زیبایی هزینه‌های مفروضی صرف می‌کنند. طبق آمار جامعه‌ی امریکایی جراحی پلاستیک زیبایی (ASAPS)، بیش از ۵/۷ میلیون پروسه جراحی زیبایی در سال ۲۰۰۰ انجام شده است؛ که این جراحی‌ها ۲۵٪ از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰ و ۱۷۳٪ از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ افزایش داشته است. ۲/۵٪ از کل جراحی‌ها را افراد زیر ۱۸ سال انجام داده‌اند. در سال ۲۰۰۲، ۶/۹ میلیون پروسه وجود داشته که از سال ۱۹۹۷ به بعد افزایشی معادل ۲۲۸٪ داشته است. این بواقع فاجعه است که زنان احساس می‌کنند نیاز به جراحی دارند و تمام این درد‌ها و مصیبت‌ها را متحمل می‌شوند فقط برای اینکه "زیباتر" یا "مورد قبول‌تر" شوند.

حجاب اسلامی بالا بردن حسن عزت نفس زنان را برمیانی احترام خاص تضمین می‌کند. من حجاب را می‌پذیرم و روشن می‌کنم که چگونه حجاب می‌تواند حسن زیبایی عمیق تر و سالم‌تری را پرورش دهد. حجاب کلمه‌ای عربی است که در لفظ یعنی پوشاندن یا استتار کردن؛ امروزه برای توصیف پوشش یک زن مسلمان بکار برده می‌شود. بسیاری از افراد احساس می‌کنند که حجاب بی احترامی و ظلم نسبت به زنان است و آن به این دلیل است که آن را درست درک نکرده‌اند. حجاب در اصل

هدیه ای است به زنان تا بوسیله آن خودشان را از گزند اشراری که امروز جامعه را آزار می دهند حفظ نمایند. وقتی زنی لباس های تنگ و مد روز را رها می کند و لباس متعادل و روسری که سمبل بسیاری از زنان مسلمان است بر تن می کند احساس تازه ای از آزادی به وی دست می دهد. چرا؟ زیرا دیگر این دسته از زنان در مورد اینکه مردم از روی ظاهر آنها را ارزیابی کنند، نگرانی ندارند.

وقتی زنی حجاب داشته باشد می تواند انتظار داشته باشد که مردم به وی به عنوان سمبلی از جاذبه جنسی نگاه نمی کنند، بلکه بعنوان زنی مورد توجه قرار می گیرد که بدن وی کالای عمومی نیست که در انظار مردم قرار گیرد. هنگامی که او می خواهد خانه را برای گردش کوتاه ترک کند نیازی ندارد نیم ساعت جلوی کمد لباس خود صرف کند تا تصمیم بگیرد چه بپوشد تا بیشتر جذاب گردد. همچنین نیازی نیست ساعتی دیگر را برای مو درست کردن و آرایش صرف کند تا به بهترین صورت جلوه نماید زیرا او واقعا اهمیت نمی دهد که مردم چگونه به ظاهرش نگاه می کنند و مهمتر اینکه او نمی خواهد از روی ظاهر مورد قضاوت قرار گیرد. او مجبور نیست نگران یافتن وسایل مناسبی که به چهره اش بیاید باشد یا نگران باشد چه رنگ رژ لبی استفاده نماید که با پوستش هارمونی داشته باشد. در نتیجه، کلی وقت آزاد خواهد داشت. در اسلام دستیابی به عزت نفس زنان از طریق رد پرستش هر چیزی مگر خالق یکتا میسر است زیرا تنها خداوند ارزش عبادت و پرستش دارد نه چیز دیگر. این عقیده اساسی اسلام است و آنچه مسلمانان به آن معتقدند. وقتی که شخص بطور کلی مفهوم این عقیده را درک کند از هر گونه بردگی رهایی پیدا خواهد کرد. آنها بردگی هر چیز با هر شخص از جمله بت درست کردن خواننده ها و هنرپیشه ها، پرستش پول، یا در اسارت صنعت مد گرفتار شدن و غیره را رد می کنند.

من بر این باورم که وقتی بحث آگاهی از حقوق زنان باشد، زنان مسلمان می‌توانند عزت نفس مبنی بر درک معنوی و ارزش درونی عمیقی از حقوقشان داشته باشند زیرا این نوع آگاهی از رشد معنوی ایشان گرفته شده است. از آن جایی که زنان در کلیه ابعاد اجتماعی بسیار مهم هستند داشتن عزت نفس درست و سالم می‌تواند مسئولیت ایشان را نسبت به خود و جامعه سازنده‌تر نماید. برای دستیابی به این امر زنان مسلمان باید آگاهی خود را در ارتباط با معنای آن بالا ببرند یعنی درک درستی از عزت نفس داشته باشند. بنابراین زنان مسلمان باید بسیار محتاط باشند تا قربانی مفهوم غربی عزت نفس نشوند مفهومی که در دراز مدت می‌تواند با مفهوم حقوق آنها در یک جامعه اسلامی فاجعه ببارآورد. یک راه فرار از قربانی شدن برای زنان مسلمان این است که بطور معقولانه به دین حقیقی خویش در تمام ابعاد و بویژه در ارتباط با جایگاه خود آشنایی پیدا کنند. زیرا این آشنایی می‌تواند ارزش درونی مورد نیاز را پرورش دهد، یعنی به جلو پیش بردن جامعه اسلامی.

**حقوق و مسؤولیت‌های
فردی زنان در جامعه‌ی
چند فرهنگی استرالیا**

فوزیه بیسنی

توسعه رو به رشد بشر در جهان امروز گویای این حقیقت است که زنان نقش مهمی را در این پیشرفت به عهده دارند. کانون خانواده نهاد بنیادین جامعه بشری است و خانواده شامل نسلی جدید می باشد، یعنی نسلی که خودش حرکت می کند و اجتماع را تحت تأثیر قرار می دهد. این مسئولیت یعنی تشکیل خانواده باید ابتدا در هر جامعه و سنی در ذهن پرورش یابد. اساساً خانواده سرچشمه اصلی توسعه، دارایی و قدرت یک جامعه است.

اسلام مدعی است که با پیوستن به قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) و خاندان مطهرش بنیان خانواده مستحکم تر شده در نتیجه به سوی جامعه‌ای بهتر سوق پیدا می کند. اسلام خانواده بی بنیان و از هم گسیخته را نمی پسندد. به همین جهت دستورالعملی برای حمایت از نهاد خانواده تنظیم کرده است. به هر یک از اعضای خانواده نقشی محول شده است و اسلام مشخص می کند که بهترین شخص برای انجام مسئولیت چه کسی می باشد. مسئولیت مرد در چارچوب خانواده حمایت از اهل خانواده است و زن مسئولیت‌هایی در ارتباط با تربیت فرزندان را بر عهده دارد. به همین دلیل است که اسلام قوانینی برای اصلاح اخلاق و رفتار وضع می نماید. پیامبر اکرم (ص) فرمود: "به فرزندان خود سه چیز بیاموزید: عشق به پیامبر (ص)، عشق به اهل بیت (ع) و خواندن قرآن کریم".

زن مسلمان در جامعه چند فرهنگی بی استرالیایی

زندگی در یک جامعه چند فرهنگی مانند استرالیا که مردم با فرهنگ‌های گوناگون به زبان‌های مختلف صحبت می‌کنند، پیرو قوانین گوناگون دینی هستند؛ جایکه یک سوم از ازدواج‌ها به طلاق منجر می‌شود، بیش از پنجاه درصد از بچه‌های متولد شده بخشی از دوران کودکی خود را در خانه‌های تک والدینی سپری خواهند کرد. زندگی در چنین شرایط اجتماعی خانواده‌های مسلمان را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. لذا ضرورت برقراری نهاد خانواده با ثبات احساس می‌شود که این نیاز هیچگاه تا این حد مهرم نبوده است.

ترکیب فرهنگ اولیه و تاثیر فرهنگ غربی

مسلمانان فرهنگ هایشان را به همراه خود به استرالیا آورده اند. آنچه لازم و ضروری است این است که بین جایگاه زن در کشورهای اسلامی و جایگاه وی منطبق بر قوانین، ارزشهای اسلامی و وجه تمایز قائل شویم. بدبختانه این مسئله از طرفی باعث کشمکش بین فرهنگ اولیه برخی رسوم اجتماعی و سنن به جا مانده از نسل‌های گذشته شده است. از سوی دیگر رفتار جنسی نامحدود و غیراخلاقی وجود دارد که مرحله به مرحله همراه تهاجم فرهنگی و تربیتی غربی در جوامع ما نفوذ کرده است. این تصورات درباره زن و اینکه وی بعنوان یک فرد چگونه در خانه و اجتماع ارزیابی می‌شود ارتباطی با اسلام و ارزش‌ها و آرمان‌های پسندیده آن ندارد. این بی‌انصافی است که اسلام را مسئول عقب ماندگی مسلمانان بدانیم.

مسئله حجاب

نجابت و عفت از نشانه‌های یک مسلمان است. هدف از نجابت حفظ منزلت زن

و مرد در هنگام تعامل با یکدیگر است. حجاب زن را از چشم نامحرم می‌پوشاند و برای وی احترام می‌آورد. حجاب زن را از تعامل با مرد برای اهدافی چون تحصیل، کار و انجام کارهای خوب باز نمی‌دارد. در واقع زمانی که حجاب دو جانبه متقابلاً رعایت شود چنین تعاملاتی با صدق و خلوص و دور از ناشایستگی صورت می‌پذیرد.

در جو کنونی جامعه مسلمان اقلیت با مقدار زیادی عذاب، ترس و فشار ناشی از رویدادهای ملی و بین‌المللی مواجه می‌شوند. این مسئله باعث می‌شود مسلمانان بویژه زنان مسلمان با نژاد پرستی و تبعیض در سطوح مختلف روبرو شوند. یکی از دلایل می‌تواند این باشد که یک زن مسلمان بواسطه پوشش حجاب در بین مردم شناخته می‌شود.

در عصر حاضر در استرالیا نیز مانند فرانسه حجاب توسط برخی سیاستمداران با وضع قانون منع حجاب دفع شده است. خصومت و مخالفت شدیدی نسبت به حجاب بوجود آمده و رسانه‌ها اینگونه تبلیغ می‌کنند که حجاب اشاره به ظلمی است که از سوی مردان خانواده و جوامع مسلمان به زن می‌شود. زنان مسلمان که با پوشش حجاب در خیابان ظاهر می‌شوند تا سر کار روند خوار شمرده شده و با اسامی پست مخاطب قرار گرفته‌اند. برخی از این زنان حتی با وجود مشکلات حجاب خود را حفظ کرده‌اند. اینها از جمله اتفاقات وحشت‌انگیزی بوده که زنان و دختران دچار گشته‌اند. زنان مسلمان بویژه آنهایی که حجاب اسلامی را رعایت می‌کنند در محل کار با تبعیض احتمالی روبرو شده و در یافتن شغل مشکل پیدا می‌کنند.

اتفاقات گوناگونی که در استرالیا برای مسلمانان رخ داده باعث شده سازمانهای مسلمان به نمایندگی از جوامع مختلف سراسر جهان پی ببرند که برافراشتن پرچم

اسلام ضروری می‌باشد. از این طریق آنها سعی می‌کنند که این پیام را به عموم ابلاغ کنند که حجاب اسلامی از نظر اجتماعی برای زنان خفگان آور نبوده و مانع شرکت آنها در جنبش‌های آزاد و ضروری، بیان عقیده، تحصیل و برخورداری از مراقبت‌های بهداشتی و دیگر حقوق انسانی نیست. بسیاری از این سازمان‌ها از طریق شرکت در گفتگوی بین‌الادیانی و آموزش میان فرهنگی اقدامات پیش‌گستر اتخاذ نموده‌اند.

زن به عنوان معلم بشریت

به عنوان یک معلم و مربی وی تنها در صورتی می‌تواند به بهترین روش به دیگران آموزش دهد که خودش با دانش و مهارت‌های مربوطه آشنایی داشته باشد. بنابراین وی به کسب دانش با هدف خودسازی و ارتقاء تواناییهای خویش مکلف می‌شود. این تنها راهی است که بتواند عضوی کارآمد و سازنده از جامعه باشد. اسلام زن را از نگرانی در مورد کسب درآمد برای حمایت از خانواده رهایی بخشیده و وی را به کسب دانش در تمام زمینه‌ها ترغیب می‌نماید. زن مسلمان می‌تواند برای خودش درآمد کسب کرده و آنرا پس انداز و به داری خود اضافه نماید. چنین مسائلی نباید وی را تحت فشار قرار داده و زیبایی، غرور و عزت وی را که همواره در ارتباط با آرامش فکری اوست از بین ببرد.

به عنوان یک همسر

حدیث زیر از پیامبر اکرم (ص) که به دخترش حضرت فاطمه (س) فرموده چکیده‌ای عالی از مسئولیت‌های یک زن نسبت به شوهرش می‌باشد:

«ای فاطمه، بر زن لازم است که آنچه را شوهرش دوست ندارد پیش روی او

نیارود؛ باید از خود به عنوان امانت وی حفاظت کند؛ باید نسبت به شوهر در حضور و غیاب وی خلوص داشته باشد؛ زخم زبان نزند؛ باید از او در زمان نیاز مراقبت نماید؛ باید نیازهایش را برآورده کند و باید به حالات وی توجه کند؛ زیرا نگاه کردن زن به شوهر عبادت است؛ و نباید کسی را سر سفره وی دعوت کند مگر با اجازه وی؛ و باید به رزقی که خدا به وی داده راضی باشد، و نباید شوهرش را ترک کند و اگر ترک کرد پس نه نماز، نه روزه و نه خیرات وی قبول درگاه خداوند نخواهد بود تا زمانی که شوهرش او را ببخشد.

موفقیت زندگی خانوادگی به دل‌بستگی متقابل زن و شوهر بستگی دارد اما اگر زمانی اختلافی در طرز تفکر مرد و زنی وجود داشته باشد خداوند کلید عشق متقابل ایشان را در کنترل مرد قرار داده است. به گفته قرآن کریم مردان و زنان برای یکدیگر آفریده شدند. در سوره بقره آیه ۱۸۷ می‌فرماید: "آنها لباسی برای شما (مردان) و شما لباسی برای آنان هستید." این به آن دلیل است که مرد نیازمند بدن یک زن و زن نیازمند قلب یک مرد است. قرآن کریم تذکر خاصی از این واقعیت که زن برای مرد نعمت بوده و مایه آرامش و تسلی قلب وی است دارد.

روح واقعی زندگی زناشویی تفاهم و احترام متقابل است. اگر زن موظف است از شوهر اطاعت کند به مرد نیز گفته شده امتیازاتی برای رفاه خانواده در نظر بگیرد و نسبت به زن رفتاری توأم با عشق و محبت داشته باشد. به قول یک روانشناس برجسته محبت مادرانه‌ای که یک زن به فرزندان خود نشان می‌دهد به طور عمده تحت تأثیر عشقی است که شوهرش به او ابراز می‌کند. این نشان می‌دهد که چرا اسلام تعام سعیش را بکار می‌گیرد که احساس دلسوزی و عشق را بین زن و شوهر حفظ کند تا بچه‌ها نیز به نوبه خود از این سازگاری نفع ببرند.

یک مادر تحصیل کرده

مادر موثرترین شخص در زندگی کودک است چنانکه امام خمینی (ره) فرمود:
 «دامن زنان مهد پرورش مردان و زنان بزرگ است».

نقش مادر مسلمان پرورش فرزندانی سالم از نظر معنوی، احساسی و جسمی است. بنابراین وی خودش باید نه تنها در مدرسه رسمی آموزش و پرورش کسب تحصیلات عالی نماید بلکه در یادگیری قرآن کریم، تعلیمات پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) در درجه نخست باشد.

ما مجبوریم به عنوان یک مادر از نظر جسمی و فکری برای فرزندان خود حاضر باشیم. حضور فیزیکی ما برای بخت غذا، شستشو، و اتو کردن لباس‌ها و کمک کردن در تکالیف مدرسه فرزندان نیاز است. اما مهم‌تر از همه این است که به آنها درباره اسلام، تاریخ آن، ارزش‌های آن، اقامه و محافظت از نماز، قرائت و یادگیری قرآن، القا کردن عشق خدا و پیامبر و بخاندان مطهرش و خواندن روایات درباره پیامبران و امامان آموزش دهیم.

مشکلاتی که خانواده‌های مهاجر نسل اول با آنها رویه رو هستند

اکثریت نسل اول و دوم زنان مسلمان مهاجر نمی‌توانند مانند زبان اول خود به انگلیسی صحبت کنند. حتی اگر آنها برای رفتن به سر کار در کشورهای خود آموزش دیده باشند قوانین کاری استرالیا آنها را ملزم به بازآموزی و کسب تجربه کاری استرالیایی می‌نماید. در چنین شرایطی آنها برای اینکه به طور موثر با بقیه افراد جامعه که به انگلیسی صحبت می‌کنند تعامل داشته باشند در یافتن شغل مشکل دارند. به علاوه زنان مسلمانی که دانش انگلیسی آنها محدود است در ارتباط با مدارس فرزندان خود با مشکل مواجه هستند. آنها در کمک به تکالیف فرزندان نیز مشکل دارند. سطح درس‌های آنان ممکن است مشکلتر از سطح تحصیلات والدین

باشد یا حتی روش تدریس متفاوتی با روش تدریس آنها داشته باشند. در خانواده های مهاجر جدید ممکن است والدین هردو درآمد داشته باشند و ساعات طولانی در روزهای هفته روزهای نیز تعطیل کار کنند. اکثر خانواده ها زیر بار سنگین بازپرداخت وامهای بانکی که برای رهن خانه یا اتومبیل که دهها سال طول می کشد تا تسویه شده دست و پا می زنند. این مساله منجر به این می شود که زمان کمتری با فرزندان خود بگذرانند. متأسفانه این آموزش اسلامی است که توسط والدین از آن چشم پوشی می شود و زمانی برای گنجاندن آموزش اسلامی در زندگی پر مشغله خود ندارند.

مدارس اسلامی

دولت استرالیا امتیازاتی برای جوامع جهت تاسیس مدارس قومی قائل است. تعداد مدارس و مراکز اسلامی که تعلیمات اسلامی را در سطح ایالات مختلف ارائه می کنند کم است و فاصله رفت و آمد بین چنین مراکزی زیاد است. همه نمی توانند به این تسهیلات دسترسی داشته باشند. والدین باید سعی وافر کنند تا فرزندان خود را جهت یادگیری زبان عربی، خواندن و فرانت قرآن کریم در کلاسهایی که توسط افراد در خانه های ایشان یا مدارس اسلامی که در آخر هفته تشکیل می شود، ثبت نام کنند.

بزرگترین خطر

فرزندان ما با بزرگ شدن در اجتماع غربی تحت تاثیر فرهنگی متفاوت روبرو هستند که با فرهنگ والدین خود که انتظارات بسیار متفاوتی از آنها دارد در تضاد است و این بیانگر بزرگترین خطر است. محیط مخرب و فشارهای واقعی که فرزندان ما امروزه مجبورند با آن دست و پنجه نرم کنند باور نکردنی است. آنها می خواهند

همچون جوانان بحد رشد رسیده بزرگ شوند اما به اندازه کافی بالغ نشده‌اند که تصمیمات درستی بگیرند. از آنجایی که ایشان می‌خواهند در میان دوستان خود پذیرفته شوند تسلیم فشار همسالان خود می‌گردند (فشار از سوی دوستان و همسالان و گروه‌هایی که در آنها حرکت می‌کنند). اختلاط و بی‌بندوباری جنسی، مد لباس، مد مو، برهنگی، سالتن مد، مواد مخدر، برنامه‌های تلویزیونی، سینما، موسیقی و غیره از مشکلات اصلی فرزندان امروز است. دنیای فرزندان ما با دنیایی که اکثر ما در آن بزرگ شدیم مشکلتر است زیرا رفتن به راهی دیگر و دور شدن از اسلام امروز برای آنان آسانتر شده است.

زندگی دردنیایی که بیان نظرات آزاد را مجاز می‌داند به طوری که بچه‌های امروز قادرند با افرادی مانند معلمین، والدین، و بزرگترها آسان‌تر از دوستان خود سر و کله بزنند. ما موظفیم دائماً هوشیار باشیم، ارتباط نزدیک با فرزندان خود را بوسیله سؤال کردن درباره آنچه در مدرسه یا دوستانشان رخ داده و با گوش دادن به آنچه باید بگویند، حفظ کنیم. ما باید بعنوان والدین الگوهای خوبی باشیم تا رسالت صحیح را به نسل بعدی خود منتقل نماییم.

درصد طلاق میان مسلمانان

باعث تأسف است که تعداد زیادی زن مسلمان نیز وجود دارند که در دادگاه‌ها برای گرفتن طلاق سرگردانند. این مسئله شاید به دلیل فشارهای اقتصادی و روحی مربوط به اقامت و استقرار در یک جامعه نو بویژه برای مهاجرین نسل اول باشد. بی‌شک تأثیر جامعه‌ای آزادتر که ما در آن زندگی می‌کنیم همراه اثرات اخلاقی بی‌ثبات، اختلاط جنس‌ها، مواد مخدر و دیگر فسوق، اسباب فقدان تعهد نسبت به مسئولیت‌هایی که هر یک از اعضا خانواده سهمی در آن دارند را بوجود می‌آورند. اینجا برنامه‌های حمایتی رفاهی دولت، مراکز داوری و مشاوره خانوادگی برای

خانواده‌های متارکه کرده وجود دارد. نمایندگی‌های دولتی برای اداره، جمع‌آوری و اجرای نفقه در جاهایی که زوج‌های دارای بچه طلاق گرفته یا متارکه کرده‌اند، وجود دارد. دسترسی به پلیس و حمایت قانونی برای خشونت داخلی آسان است و بنابراین حتی زنان مسلمان می‌توانند براحتی این خدمات را بدون نیاز به مشورت با عالم یا رهبران مذهبی کشورهای مربوطه خود طلب نمایند. این امر منجر به جدایی فرزندان از یک یا هر دو از والدین شده و سبب از هم پاشیدگی زندگی بیشتر افراد خانواده‌ها می‌شود.

خدماتی برای تأمین نیازهای مسلمانان

دولت امکان تشکیل جمعیتها وانجمنها را با گروههای مختلف می‌دهد و علاوه بر آن، برای چنین گروههایی برنامه‌های آموزشی در جهت ارتباط با گروههای درگیر ترتیب می‌دهد. تعدادی سازمان غیرانتفاعی توسط انجمن‌های مسلمان تأسیس شده است تا نیازهای اولیه استقرار زنان مسلمان بویژه جوانان، مهاجرین تازه وارد از کشورهای جنگ‌زده و پناهندگان دارای پیشینه فرهنگی گوناگون را تأمین نمایند. خدماتی که این انجمن‌ها ارائه می‌کنند نیازهای آموزشی، حرفه‌ای، مذهبی، فرهنگی، رفاهی و تفریحی زنان مسلمان را پوشش می‌دهد. هدف توسعه دسترسی زنان مسلمان به بهداشت، و خدمات تفریحی از طریق مشارکت در برنامه‌های آموزشی جهت شیوه زندگی بهتر در دست اقدام می‌باشد. این برنامه‌ها موارد دسترسی و تساوی حقوق زنان مسلمان در مشارکت و فعالیت‌های آموزشی، استخدامی و پرورشی را نشان می‌دهد.

در دهکده جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم مشکلاتی که زنان مسلمان در استرالیا با آنها روبرو هستند مشابه مشکلاتی است که زنان بی‌شماری در جوامع اقلیت سرتاسر جهان با آن مواجه می‌باشند. پاداش الهی برای زن وعده داده شده

است، اگر زن وظایف خود را انجام دهد پاداش وی کمتر از بهشت نیست.
"بهشت زیر پای مادران است".

منابع:

- گزارش فصلنامه انجمن مسلمانان الزهرا، مجله *Al-Balagh*، 2005 صفر ۱۴۲۶ هجری
حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، سازمان جهانی خدمات اسلامی، تهران
ایران چاپ اول، ۱۹۸۱
خانواده مسلمان، بنیاد البلاغ، چاپ دوم، ۱۹۸۰
زندگی خانواده اسلام، سید سعید اختر رضوی، ۱۹۸۰
نشانی از ظلم، شفا مصطفی، ۲۰۰۵

زنان در برهه‌های از زمان

در آسیای مرکزی

«از رفاه تا فشار»

کارین ناصیف باربارا

استاد دانشگاه فرانسه

طرح کلی:

بازسازی کشورهای آسیایی مرکزی - برخی عوامل

الف) بازسازی (reconstruction) یا نوسازی (state-building)

ب) مسئله زنان و بازسازی

تصویر زنان: از همسر نا الهه

الف) تصویر زنان قبل از تشکیل شوروی: افسانه تا واقعیت

ب) دوران حاکمیت شوروی: افسانه‌های گم شده

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی: پیامدها

الف) وظیفه در جامعه: محافظان سنت‌ها

ب) وظیفه کنونی: همسران در برابر کارگران

ده سال قبل مباحث مربوط به جنسیت، اگر نگوییم در تمام کتب علوم سیاسی، در اکثر آنها به چشم می‌خورد. امروزه اجتناب از چنین تحلیل‌ها و مقایساتی در بین تمام جوامع رفته رفته دشوارتر می‌شود. به هر حال زنان بخشی از جوامع، ملت‌ها و کشورها هستند. تئوری‌های بسیاری درباره مقام و موقعیت زنان در جامعه وجود دارد، همچنین در مورد نقش آنها در گروه‌های مختلف و این نقش و موقعیت اجتماعی خود موضوع بسیاری از مقایسات است. از جمله سئوالاتی که برای مطرح

شدن جالب به نظر می‌رسد این است که چرا مباحث مربوط به جنسیت تنها این اواخر موضوع بسیاری از مطالعات قرار گرفته است.

نوعی همزمانی بین تعریف و یا تعاریف دوباره با شرایط متفاوت کشورها و تعریف دوباره نقش و وظیفه زنان به چشم می‌خورد. تولد دوباره کشورها باعث تفاوت دوباره نقش و وظیفه زنان شده است. تولد دوباره کشورهای خواهان دموکراسی به دنبال فروپاشی شوروی سبب، شکل‌گیری یک مرکز سیاسی اروپایی و گسترش اتحادیه اروپا شده است. گسترش مباحث جهانی سازی از قبیل دادن آزادی و جامعه مدنی، تضعیف و کاهش مرزها، بحران دولت‌های از جهت هزینه درمان، بیمه‌های اجتماعی و بیمه بیکاری، بی‌ثباتی کشورهای درگیر در پاکسازی قومیت و تمام این دلایل، باعث افزایش علاقه به بررسی نقش تمامی عوامل اجتماعی شده است. این تحلیل و بررسی، نقش آفرینان اجتماعی را از هم جدا کرده و دوباره آنها را بر اساس مقولات از پیش تعریف شده جنسیت، مذهب، سن، قومیت، ناهل و تجربه و غیره گروه‌بندی می‌کند.

آسیای مرکزی یکی از نمونه‌های جدید این تحولات است. جایی که سنوالاتی درباره ارکان بازسازی کشور مطرح شده است. حرکت به سوی دموکراسی و اقتصاد آزاد همراه با کشوری مبتنی بر قانون از جمله مسائلی است که ساختارهای قانونی آنها بیان شده است. در واقع از سال ۱۹۹۱ میلادی همانطور که در بازسازی کشورها معمول است، استقلال تمام کشورهای آسیای مرکزی، مهمترین موضوع مورد بحث آنها بوده است. علاوه بر مسئله بحران و شرایط کشور، برخی اینطور تشخیص داده‌اند که در مقابل تمام عوامل اجتماع (افراد اجتماع) نقشی دارند که باید به آن پردازند. دلایل اصلی برای رو نقشی که زنان می‌توانند در بازسازی کشور برعهده

گیرند مبتنی بر محدودیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌باشد. به منظور درک بهتر نقش زنان در جوامع آسیای مرکزی، بررسی ساختار جامعه در دوران حکومت شوروی می‌تواند برخی پیامدهای را بهتر مشخص کند. آنچه در ابتدا حائز اهمیت است درک اوضاع سیاسی در آسیای مرکزی است. با فروپاشی شوروی، برخی تحلیل‌ها، در مورد پنج کشور جدید آسیای مرکزی، صورت گرفت و نظریه‌ی‌های بازسازی کشور یا نوسازی کشور (آغاز) شد. آراء متفاوت درباره بازسازی کشور و یا نوسازی کشور بر نقش زنان تأثیر گذار بوده است. این تأثیرات شامل هماهنگی زنان با جامعه و دخالت آنها در امور جامعه می‌باشد. نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت است تمرکز بر حوزه جدید این عملکرد در مقایسه با دوران قبل از شکل‌گیری اتحاد شوروی و زمان استقرار این حکومت است.

۱- برخی عوامل در بازسازی کشورهای آسیای مرکزی

در سال ۱۹۹۱ میلادی هنگام دستیابی کشورهای آسیای مرکزی به استقلال ایده‌آل آنگونه که در جمهور افلاطونی توصیف شده، موضوع اصلی نبود. به همین دلیل بحث درباره نظریه کشور «Perse» در این متن محدود به یک سری عوامل کلاسیک از قبیل قلمرو، حکومت و جمعیت است. و عوامل دیگر از جمله روان‌شناختی یا، به رسمیت شناخته شدن توسط سازمان ملل و... را، موضوع بحث این مقاله نیست. تجزیه و تحلیل این مقاله بریک جنبه متمرکز می‌شود و آن نقش عوامل انسانی (جمعیت) در بازسازی کشورها و به ویژه نقش زنان در این راستا می‌باشد.

الف) بازسازی کشور یا نوسازی کشور؟

استین روکن (Stein Rokkon) یکی از مهمترین نویسندگان در زمینه

جامعه‌شناسی تاریخی- تطبیقی چهار مرحله برای ایجاد یک کشور مطرح می‌کند:
 ۱- تشکیل یک مرکز سیاسی از طریق نفوذ نظامی و قانونی در یک قلمرو مشخص
 ۲- یکسان سازی فرهنگی مردم ۳- گسترش مشارکت و تابعیت سیاسی ۴- توسعه سیاست‌های تقسیم رفاه

کاردنل بیلدت (Carl Bildt) نخست وزیر سابق سوئد که به عنوان اولین رئیس جامعه بین‌المللی در بوسنی و هرزگوین قبول مسئولیت کرده، بود، مشکلات پیش‌روی دولت ائتلافی تحت نظر آمریکا در بازسازی عراق را مورد بررسی قرار داد و هفت اصل را در ایجاد یک کشور بیان می‌دارد. این توصیحات بیشتر مبتنی بر این عقیده است که ایجاد یک کشور فرایندی است که اساساً در موقعیت بعد از بحران صورت می‌گیرد.

هفت اصل پیشنهادی وی از این قرارند: ۱- ایجاد یک محیط امن ۲- چالش اصل بازسازی نیست بلکه نوسازی است (بازسازی در مورد اثرات نامطلوب فیزیکی به کار می‌رود) ۳- برای اینکه یک کشور بسازید لازم است بدانید که چه کشوری قرار است بسازید. بنابراین تیار به یک توافق صلح با اساسنامه دارید ۴- باید شرایط لازم برای رشد اقتصادی درازمدت متمرکز شود و تأثیرات سوء فیزیکی ناشی از جنگ بی شک حائز اهمیت است: ایجاد یک زیربنای سیاسی که نیروهای داخلی را متحد و اجرای برخی دستورات را تضمین کند همواره باید مورد توجه باشد. باید پیشاپیش مقولاتی نظیر نقدینگی، گمرکات، سیستم مالیاتی، قوانین بازرگانی، بانکداری، بازپرداخت بدهی‌ها و نیز رفع تمام موانع قانونی جهت دستیابی به بازارهای بزرگ جهانی مورد توجه قرار گیرد. ایجاد فرصت‌های شغلی و بازگرداندن طبقه متوسط جامعه به سوی شور و هیجان ملی. بدون آنها، به زودی حتی بلند

پروازانه ترین تلاش‌ها برای ایجاد کشور به ناکامی تبدیل می‌گردد. ۵- باید که سعی همکاری دوستانه‌ی منطقه‌ای با همسایگان وجود داشته باشد. ۶- هرچه پشتیبانی بین‌المللی بیشتر باشد، مراحل آسان‌تر می‌شوند. ۷- ساخت یک کشور (به معنی ایجاد یک دولت و ملت مستقل) نیازمند زمانی طولانی است و منابعی بیش از آنچه در ابتدای کار تصور می‌شود، مورد نیاز است.

بیلدت تفاوت میان دو عقیده مبنی بر نوسازی یک کشور و بازسازی یک کشور را مشخص می‌کند. بازسازی کشور (reconstruction) را می‌توان اینطور توضیح داد:

فرآیند است که طی آن کشوری که اعلام استقلال کرده است به عنوان یکی از اعضای جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته می‌شود. به عنوان مثال کشورهای اتحاد جماهیر شوروی به تدریج فرایند بازسازی کشور را تجربه کردند و بعد از دست‌یابی به استقلال و پذیرش در سازمان ملل سری جدیدی از روابط بین خود ایجاد کردند که همان روابط بین کشورهای مشترک‌المنافع بود. در حالی که نوسازی کشور (State -building) عموماً به فرایندی اشاره دارد که بعد از یک دوره درگیری و نزاع اتفاق می‌افتد. بنابراین بازسازی کشور یکی از ارکان نوسازی کشور نیست.

با فروپاشی شوروی پنج کشور جدید آسیای میانه از این فرصت برای ایجاد مسیر مورد نظر خود و تعقیب گامهای بعدی استفاده کردند. در میان این پنج کشور ازبکستان بیشترین نارضایتی خود را در بکارگیری تمام عناصر بازمانده از گذشته ابراز کرد. به جای رویارویی با تغییرات بنیادی گوناگون و گنجاندن آنها در اساس کار خود فرهنگ به جای مانده از شوروی را عنوان قسمتهای منفی بازمانده از گذشته

قلمداد کرد و از آنچه که به ارث رسیده بود جدا شد که این شامل بخش‌هایی از تاریخ و فرهنگ این کشور نیز می‌شود.

همسایگان ازبکستان به این نکته توجه داشتند که گذشته را نمی‌توان پاک کرد و کشورهای آسیای مرکزی باید نمونه‌هایی از تلفیق نوشته در آینده باشند. اما ازبکستان به نظر بسیار ناراضی می‌رسید و در صدد بود، تا به عنوان مثال، بخش اعظمی از کتابهای بازمانده از شوروی سابق را دور بریزد و بسوزاند. همچنین این کشور تصمیم گرفت تا زبان ازبک را به عنوان تنها زبان رسمی حفظ کند. نتیجه سریع این اقدام این بود که بخش عظیمی از جمعیت ازبکستان که تنها زبان روسی آموخته بودند کنار گذاشته شدند و البته زنان نیز دستخوش این تغییر سریع و افراطی قرار گرفتند این اصلاحات همانند دوران شوروی سابق، محدودیتهای شدیدی بر فرهنگ، سنت و مذهب آنها اعمال کرد.

ب: مسئله زمان و بازسازی

زمان یک عنصر ضروری در بازسازی کشور است دگرگونی انتقال و ظهور کشورهای جدید ایجاب می‌کند که نقش این عامل (زمان) یا عدم دخالت آن مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. کشورها در حوزه‌های متعددی از جمله حوزه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی... درگیریهایی دارند. به همین دلیل تعاریفی که از زمان ارائه می‌شود نیز متعدد است.

این تعاریف از زمان بیان از تحركات و دگرگون‌های مختلف دارد به ویژه زمانی که نظر به یک دوره یا مدت زمان مشخصی دارد. در مورد کشورهای جدید بعد از کمونیسم، در مسیر ایجاد کشورهای جدید و سازگاری با آنها، مراحل مختلفی مشخص شده است.

کشورهای شوروی سابق برای برقراری اتحاد میان خود می‌توانستند قدم اول را کنفدراسیون شروع کنند و این معقول به نظر می‌رسد ولی به سرعت متوقف شد تشکیل کنفدراسیون می‌توانست اولین راه به سوی استقلال طلبی و سپس راهی به سوی دموکراسی باشد. عنصر زمان از طریق یک سلسله حرکت‌های منظم و متوالی است که منجر به انتقال وضعیت جدید می‌شوند. اتحاد و هم‌پیمانی (کنفدراسیون) می‌توانست یکی از این حرکت‌های منظم باشد. اتحادیه کشورها، در وحدت اقتصادی و تجاری و... می‌توانست از دیگر حرکت‌های منظم به سوی استقلال باشد.

زمان لازم است تا اظهار شود که چطور محدودیت‌های عوامل تأثیرگذار در فرایند بازسازی کشور باید در نظر گرفته شود. فاصله زمانی بسیار کوتاه برای دستیابی به استقلال و استقرار قانون اساسی در کشورهای جدید کشورهای آسیایی مرکزی اجازه نداد که چرخه زمانی منظمی بر امور حاکم شود. توجه به میزان زمان مورد نیاز از شرط لازم برای یک انتقال موفقیت آمیز (به مرحله‌ای جدید) می‌باشد.

در شوروی سابق تصمیم‌گیری درباره گذر از وضعیتی به وضعیتی دیگر توسط همان عوامل همیشگی قدیمی صورت می‌گرفت. در پاسخ به این سؤال که چرا بعد از فروپاشی شوروی این انتقال اینقدر سریع و بدون توجه به زمان صورت گرفت. می‌توان این سؤال را مطرح کرد که اگر در آن دوره زمانی که این گذر در حال صورت گرفتن بود، خلای قدرت وجود می‌داشت آیا این امر باعث ایجاد هماهنگی زمانی نمی‌شود؟

تمام تغییرات اساسی در داخل کشور می‌تواند توسط خود کشور صورت بگیرد و از این طریق است که می‌توان در ساره هدایت ابعاد دیگر مانند تأسیس حکومت تصمیم گرفت. در حقیقت تأسیس حکومت به عنوان پایه و اساس واقعی

جامعه‌ی جدید ارزش دائمی انتقال وضعیت است در اثر فقدان زمان لازم و عدم هماهنگی مورد نیاز آن با شرایط کشورهای درگیر این قضیه بیش از آنکه دموکراسی دست یابند بازسازی شده‌اند. مراحل دستیابی به دموکراسی در آسیای مرکزی محدود است، این فرایند با نارضایتی محافظه‌کاران روبرو و مخالفت آشکار آنان به دلیل مغایرت با روش کار شوروی سابق است. تمام عوامل مورد نیاز برای ایجاد دموکراسی و حکومت آماده شده است اما فرصت لازم به آنها داده نشده تا به صورت اصول دموکراسی آنچنان که در قانون اساسی از آن یاد شد سازماندهی شوند. به همین دلیل است که مواردی که در قانون اساسی آمده باید که عامل اصلی هر انتقالی باشد که البته در آسیای مرکزی اینچنین نبود.

کشورهای کمونیستی سابق در ابعادی گوناگون در مسیر انتقال به وضعیتی جدید می‌باشند. یکی از ابعاد، گذر به سوی یک ساختار حکومتی جدید، انتقال یا نوعی حرکت است که در آن تمام اقدامات، از جنبه مثبت و منفی، به گذشته و آینده وصل شده باشد؛ یعنی گذر از یک حکومت به حکومت دیگر.

انتقال در کشورهای شوروی سه‌گانه است: ۱. به مبارزه طلبیدن بنیاد گراهای سوسیالیست این حرکت که به عنوان یک نیروی جدید مناسب برای اصلاحات سازماندهی انتخابات چند حزبی آغاز می‌شود. ۲. انتقال قدرت که مجلس بجای آن یک قانون اساسی غیر سوسیالیستی تصویب می‌کند. ۳. تحکیم روند دموکراتیک کردن قوانین جدید قابل اجرا باشند.

عملکرد نهادها، از نظر ضوابط قانونی و تضمین آزادیهای عمومی، نشانگر مقداری احساس تعهد نسبت به مخالفت‌های اجتماعی و کشمکشهای کنترل شده می‌باشد. آنها شاخص‌های میزان استحکام روند دموکراتیک کردن می‌باشند.

پویایی و تحرک اجتماعی گنجانده شده در قانون اساسی کلیدی در مقایسه با زمان است. انتقال به وضعیت جدید خود، سیستم قانونی جدیدی ایجاد می‌کند که از طریق واقعیت اجتماعی و سیاسی نشان داده می‌شود. عوامل انتقال تمام اختیارات قانونی می‌طلبند تا راه را برای رسیدن به قانون جدید آماده کند. تمام کشورهای جدید گذشته‌ای مشترک اما تاریخی متفاوت دارند. تاجیکها و ازبکها در مکانهای مشخص مستقر هستند و کوچ نمی‌کنند در حالیکه سایر اقوام آسیای مرکزی چادر نشین نیستند. تمام این مردم بر اساس سیاست تابعیت شوروی و کشورهای جدید با هم تلفیق شده‌اند. یا وجود این قبل از اتحاد شوروی می‌شد به خوبی مشخص کرد که چگونه نقش و تاریخ زنان از کشوری به کشور دیگر متفاوت بوده است. در قرقیزستان زنان جنگجو و حکمران بودند؛ در قزاقستان زنان می‌توانستند انجمن‌ها را اداره کنند. در ازبکستان و تاجیکستان آنها ملا بودند. آنچه معمولاً قابل تشخیص است این است که در تمام این جمهوری‌ها زنان نقش مهمی به عنوان شفا بخش به عهده داشته‌اند.

۲- تصویر زنان: از همسر تا الهه

الف) تصویر زنان قبل از تشکیل شوروی: افسانه تا واقعیت

در قزاقستان و قرقیزستان زنان محور اصلی خانواده هستند زندگی چادر نشینی می‌تواند بیانگر این واقعیت باشد. خانواده برای بقا به زنان نیاز دارد به همان اندازه که زنان نیاز دارند که شجاع بوده و برای محافظت از خانواده‌شان بجنگند. در قرقیزستان زنان به عنوان پایه و اساس کشور تلقی می‌شوند یک افسانه قدیمی که در آن کلمه قرقیز به معنی «چهل دختر» آمده بیانگر همین واقعیت است بر اساس این

افسانه در زمان‌های خیلی دور پادشاهی زندگی می‌کرد که تنها یک دختر داشت. دخترش احساس تنهایی می‌کرد بنابراین او تصمیم گرفت چهل خدمتکار دختر به عنوان ندیمه‌های شخصی در اختیار دخترش قرار دهد. وی قصری نیز ساخت و به آنها اختصاص داد.

کلمه ازبک از دو واژه‌ماز، به معنی خود و، بک، به معنی سرور مشتق شده است. بنابراین ازبک به معنی سرور خود، می‌باشد. کلمه، قزاق، به معنی مستقل، آزاد و آواره زندگی چادرنشینی آنها خیلی قبل از آنکه معنی صحنی قوم و قبیله از آن برداشت شود، توصیف می‌کند. در کلمه ترکمن واژه‌ای من به صورت مجازی بیسانگر شجاعت است. بنابراین کلمه ترکمن را می‌توان اینطور توضیح داد که من یک مرد ترک هستم یا ما مردان ترک شجاه هستیم. در مورد کلمه تاجیک گفته می‌شود که از قبیله‌ی عرب بنام Tay گرفته شده است شکل اصلی آن، تازیک، یا، تزیک، بوده که تلفظش برای اعراب آسیای مرکزی راحت بوده است. بعدها برای مستمره‌های ایرانی عرب‌ها به کار می‌رفت. بر طبق یک باور عمومی تاجیک‌ها در اصل ایرانیانی هستند که خودشان با خون مغول‌ها و ترک‌ها مخلوط شده است. کلمه تاجیک همچنین به عنوان معاول کلمه، آریان، که معنی، از تبار شریف، می‌باشد تلقی می‌شود. در زمان جدید تاجیکی کلمه، تاجیک، به معنی، تاجدار، از جنس اصیل آمده است. مانند خود کلمه، تاجیک، زبان، تاجیک، هم تاریخی پر بار و پرهیجان دارد.

یک روز که آنها نزدیک دریا قدم می‌زنند مقداری گلف داخل آب دیدند و تصمیم گرفتند که شنا کنند. بعد از مدتی یک نفر متوجه شد که تمام دختران باردار شده‌اند. پادشاه دستور داد تا آنها را به کوهستانی دوردست برده و در آنجا رها کنند. مردم قرقیزستان از نسل این دختران هستند. علاوه بر اهمیتی که زنان در پیدایش

کشوردارند سهمی نیز در کیش و آیین مردم این سرزمین دارند. بنابراین در ترکمنستان، آیین رب‌النوع‌هایی نظیر آن‌هایت (Anahit)، اومایی (Um ai) (m am ak)، الهه‌های نعمت و فراوانی، آب، سلامتی، زمین و خانه، کاملاً شناخته شده است.

رب‌النوع (m ai EN e) از ماداران و فرزندانشان در برابر بدشانی محافظت می‌کند. با (Tengri (Sky-God) خدای آسمان که برترین الهه درهستی شناسی ترک می‌باشد برابری می‌کند. برخی از شخصیت‌های زن واقعاً در تاریخ وجود داشته‌اند. برخی زنان رهبری قبایل را به عهده داشتند. یکی از آنها کافی کی (kanykei) معروف و سومین همسر ماناس (m anas) است. او یک زن باهوش یک دوزنده ماهر و همسری ایده‌آل (حتی دشمنانش او را تحسین می‌کردند) و سخاوتمند و مهمان نواز تلقی می‌شد. اپوس (Epos) تاریخ مردم قرقیزستان را بیان می‌کند. بخشی از آن مربوط به مافی کی می‌باشد که حتی در برنامه آموزشی مدارس ابتدایی نیز گنجانده شده است.

اینک نمونه‌ای از آن را در اینجا می‌آوریم:

کافی کی

کمرش چو کمر بچه شتر

ابروانش به هم پیچیده چو چمن های استپ

فراخ و چشم سیاه

کلامش چه شیرین

پشتش لرزفته، سینه‌اش چون قوچ وحشی

پوستش سفید، چشمانش چو چشمان بچه شتر

چهره گلگونش می‌درخشد
 کمرباریکش به نرمی تاب می‌خورد.

ازدواج با ماناس

ساترابیگا (Saarabige)

دختر جان

با ماناس

خان کاراکرکیز (K a R a K y r y z) (قاراقریز)

ازدواج کرد

مردم خبردار شدند

که او وارد خانواده حال شد

قرقیزی کند و ذهن

اسم دختر را خوب نمی‌فهمید

پس بعداً بهش

یک اسم تازه دادند

کافی کی

در قرن شانزدهم خان جوگل مورساز (khan Jougil m oursar) زنانی قدرتمندی را به تصویر کشید که خالق پیروزیهای بسیاری در برابر خانهای محلی بودند. اما مشهورترین فرد در این راستا به خاطر همجواری با تاریخ مردم قرقیز کورمان جان داتکا (khan k u m a n j a n) می‌باشد که بخشی از ساختار ملی و هویت زنان قرقیز امروزی است. در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم کورمان جان داتکا زنی است که بخاطر طبع نیرومندش کاملاً شناخته شده است بعد از آن او

تبدیل به الگویی برای زنان قرقیزی شد.

تسارینا (Tsaarina) زن دیگری است که در سال ۱۸۱۱ در یکی از قبایل چادر نشین شرق دره فرگاما (Fergana) متولد شد. در اوایل هجده سالگی از گردن نهادن بر رسومات سنتی و اسلام سرباز زد. همانطور که در بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی مرسوم است او اولین بار همسرش را در روز ازدواجش دید و از زندگی با او امتناع ورزید. این بیانگر این واقعیت است که او حاضر نشد با کسی که نمی‌شناخت و دوست نمی‌داشت همراه شود. طی دو سال آنها با یکدیگر ازدواج کردند اما جدا از هم زندگی می‌کردند تا اینکه مرد شناسی به نام علیکم بک دانکا فرمانروایی الای (A Jai) با او ازدواج کرد. زمانی که فرمانروا فوت کرد کورمان جان قدرتمندانه کنترل الای را در دست گرفت. حکام کوکند (Kokand) با وجود تعصب ذابشان در مورد زنان لازم دیدند وی را که با جای دانکا که حکومت می‌کرد به عنوان فرمانروایی بزرگ کوکند که به غرور و خودپسندی شهره بود، برگزیندند. تساوینا بر آن شد که با کورمان جان ملاقاتی داشته باشد چرا که کورمان جان شخصی بود که بیش از هر کس مورد توجه بود. در سالهای ۱۸۷۰ روسیه با سربازانش وارد سرزمین کوکند خانات (Kokand Khanat) شد. ابتدا کورمان جان در برابر قوای تراز سفید در منطقه مقاومت کرد و قبل از مرگش از طرف تزار بخاطر اقداماتش مورد تقدیر و تمجید قرار گرفت.

ب: دوران حاکمیت شوروی: المسائله‌های گم شده

سیستم حکومتی شوروی نقش و موقعیت زنان در آسیای میانه را کاملاً تغییر داد و زنان را عمدتاً به عنوان سادّه آشپز، مسئول شستشو و نظافت و همسر تصور می‌کردند. علاوه بر این تصورات رایج، گروه‌های خاصی دامنه وسیعتری برای حضور

زنان - حتی بطور محدود- در نظام شوروی ایجاد کردند که فروپاشی نظام شوروی پاره‌ای از تحولات را متوقف کرد.

یکی از ابعادی که شورویها تغییر دادند مربوط به تصویر بصری زنان بود. بالحاظ به نظام شوروی آنها مجبور بودند که از رسوم و لباس‌های سنتی خود چشم پوشی کنند. در دوره استالین نهضت زنانه‌ی هجوم (Huzum) یکی از نتایج مبارزه شوروی بود.

۳- نهضت هجوم: (Huzum) :

در سال ۱۹۲۹-۱۹۲۷ یک مبارزه شوروی صفت در آسیای مرکزی در صدد بود تا تمام لباس‌های سنتی از قبیل چادر (Veil) و بورکاس (Burkas) با سنت‌های قدیمی آسیایی مرکزی را از تن زنان در آورد. این نهضت در نظر داشت تا پسران آیینی زنان (parandja) را از تن آنها خارج کند و نقاب را از چهره زنان در آسیای مرکزی بردارد تا آنها را روانه کارهای دسته‌جمعی کند. در سال ۱۹۲۵ برای اولین بار زنان در یک روادید عمومی شرکت کردند. در ۲۱ مارس ۱۹۲۷ در جشن سال نو نو روز اولین زنان بی‌حجاب در انظار ظاهر شدند.

این پدیده چند سال قبل از ایجاد جماهیر شوروی رخ داد. به این ترتیب در ازبکستان در سال ۱۹۱۶ حتی قبل از ایجاد اتحاد جماهیر شوروی رخ داد. به این ترتیب در ازبکستان در سال ۱۹۱۶ حتی قبل از ایجاد اتحاد جماهیر شوروی اولین زنان تصمیم گرفتند که لباس‌های ملی رنگ خود را از تن خارج کنند تا نام و سرنوشت آنها کاملاً ناشناخته باقی ماند. گرچه بی‌شک آنها کسانی بودند که آغازگر قطع ارتباط با گذشته شدند. به منظور اینکه مفهوم این حرکت گستاخانه و پیشرفتی را که نشان می‌دهد واقعاً درک کنیم، مجبوریم به این نکته توجه کنیم که تنها چهار

سال قبل از این جریان در ۱۹۲۱، گروه کوچکی از زنان در بخارا که تحت رهبری (Otm ar Shtane) فمینیست فعال و شناخته شده بودند، در یک تعطیلی مذهبی مسلمانان از منزل خارج شده بودند، که همگی دستگیر شدند. با این اقدام، آن زنان یک قانون قدیمی و مهم را زیر پا گذاشتند. بر اساس این قانون زنان مسلمان اجازه نداشتند در چنین رویدادهایی شرکت کنند. آنها می‌توانستند فعالیت‌های عمومی را تنها از پشت بام خانه‌ها تماشا کنند.

در واقع از سال ۱۹۲۲ بود که با تأسیس رسمی اتحاد جماهیر شوروی، زنان مجبور شدند برای همسان شدن با چند زبان و چند فرهنگ و دست و پنجه نرم کنند. دیگر برای یک زن کاراکال پاک (Karakalpak) کافی نبود که فرزندانش را با زبان و فرهنگ کاراکال پاک تربیت کند. او مجبور بود که فرهنگ و زبان روسی را نیز با آن ترکیب کند. او باید در کل خز (Kolkhoz) شرکت می‌کرد کار می‌کرد و یاد می‌گرفت که چگونه از همسرش طلاق بگیرد؛ هویت کاراکالپاکی او ناگهان تبدیل به یک هویت ملی شد که مجبور بود تابعیت شوروی را به آن اضافه کند. ورود فرهنگ و سنت شوروی نوعی تجانس، میان هویت‌های گوناگون ملت‌های شوروی ایجاد کرد.

علاوه بر این شورویها نوعی برابری مطلق بین زن و مرد را به شهروندان خود تحمیل کردند. بنابراین زنان کار می‌کردند و به اندازه مردان مزد می‌گرفتند و از همان مزایای اجتماعی برخوردار بودند؛ حقوق مدنی یکسان داشتند و از نظر قانون با مردان برابر بودند و این مورد در همه جمهوری‌های شوروی یکسان بود. این همسانی در نحوه‌ی برخورد با همه، نشأت گرفته از آرمان (hom o-sovieticus) بود که در دهه بیست شکل گرفته بود. تحقق این ایده امکان مهار تبعیض را که یکی

از شعارهای حزب کمونیست شوروی بود، فراهم می‌کرد. در سال ۱۹۲۷ بنا بر گزارش حزب کمونیست ازبکستان، فعالیت گسترده زنان همراه با مشارکت عمیق آنها در زندگی اجتماعی در سراسر منطقه آسیای مرکزی مشهود بود. شورویها از زنان جلوه‌ای ارائه می‌کردند که اگر با وجهه‌ای که قبل از دوران شوروی وجود داشت مقایسه شود می‌توان دریافت می‌شود تصاویر آنها چندان هم جدید نبود. در واقع شوروی‌ها خیلی ساده همان تصاویر را جزء سیستم اجباری قرار دادند و به ترویج و انتشار آنها کمک کردند. تفکر مارکسیسم - لنینیسم، زنان آسیای مرکزی را برده سنت‌های قدیمی و وحشیانه‌ی گذشته کرده یعنی برده‌ی مردان خانواده و قبایلی که بر او تسلط کامل دارند. به همین دلیل برای عوض کردن این سنت‌ها، خواندن و فهمیدن روسی برای همه اجباری شد. در دوران استقرار اتحاد جماهیر ۹۷٪ زنان خواندن و نوشتن آموختند. میزان مشارکت زنان در دم و دستگاه جدید شوروی از طریق سهمیه‌های که برای هر شغلی اجباری بود، تعیین می‌شد. بنابراین تنها راه گریز از شوروی، زندگی کردن در خانه بود. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بار دیگر بازسازی جدیدی برای هر یک از کشورهای استقلال یافته‌ی آسیای مرکزی آغاز شده است.

۴ - بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی: پیامدها

الف: وظیفه در جامعه: محافظان سنت‌ها

در این فاصله فرهنگ و سنت‌ها هیچ وقت کاملاً در اتحادیه جماهیر شوروی ناپدید نشدند در حالیکه تمام زنان شوروی با فروپاشی شوروی ناپدید شدند. در واقع آنها به سوی تشکیلات اجتماعی و مذهبی ایجاد شده در کنار سازمانهای دولتی برگشتند. تمام این زنان مذهب مشترکی داشتند یعنی اسلام و اسلام مشخصاً مذهبی

جامعه محور است. از این جهت شبیه کمونیسم است که یک نظام سیاسی جامعه-محور است. حزب کمونیست از تمام اشکال گروه‌های زنانه نظیر کلوب‌ها و انجمن‌ها و جایی که زنان می‌توانند کمک و حمایت شوند پشتیبانی می‌کند. امروز اسلام برای آنها فرصت ملاقات با یکدیگر در گروه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های و در میان گذاشتن، گرفتارها و دل مشغولی‌های زندگی شخصی و روزمره را فراهم آورده است.

آنها می‌توانند در مراسم گپ (Gāp) یا تمام مراسم مذهبی (عید، نوروز، ازدواج و...) یکدیگر را ملاقات کنند. امروزه زنان در تمام مراسم نظیر تولد، ازدواج، ختنه سوران و تشییع جنازه که اغلب به شیوه معمول اسلامی ترتیب داده می‌شود دخالت دارند این بدان معنی است که بر انتقال بخشی از فرهنگ و سنت‌ها کنترل دارند.

۵- گپ (Gāp): به معنی گفتگو می‌باشد نوعی دوره بین گروه دوستان یا اعضای خانواده است. یکی از افراد گروه بقیه را به صرف غذا دعوت می‌کند.

۶- در عوض او مقداری پول که از قبل مشخص شده از طرف بقیه اعضا دریافت می‌کند. همراه یک نفر همه را دعوت می‌کند. مبلغ مشارکت بستگی به توان مالی افراد دارد اما همه باید به یک اندازه پرداخت کنند. زنان مراسم گپ خودشان را دارند. فرصتی است که مشکلاتشان را مطرح کنند و از برخی حمایت‌ها (مالی و...) برخوردار شوند و به همین دلیل است که گاهی شوهران موافق این مراسم نیستند. این روش معمولاً جایگزین برای وام است که در اتحاد جماهیر شوروی وجود نداشت.

گرچه کشورهای آسیایی مرکزی، اسلام را به عنوان دین رسمی کشورشان به

رسمیت شناخته‌اند، رفته رفته رسوم اسلامی را محدود کرده‌اند. مدت زمان جشن‌ها به چند روز محدود شده است. در حالیکه قبلاً یک هفته طول می‌کشید، مدت زمانی که برای مراسم ازدواج صرف می‌شود نیز کنترل شده. زنان ناراضی خود را درباره این مسئله ابراز می‌دارند و مقابل سعی دارند که خود را از مذهب رسمی کشور کنار بکشند. برای آنها این جشن‌ها از آنجایی که در زندگیشان هماهنگی ایجاد می‌کنند، اهمیت دارند. این اتفاقات همچنین فرصت‌های بیشتری برای تحکیم دوباره حلقه‌های ارتباطی این زنان با دنیای اسلامی فراهم می‌کند. علی‌رغم این واقعیت که کشورهای جدید بدون اینکه شهروندان زن را وارد جریان کنند، ایجاد شدند، زنان آسیای مرکزی از طریق فعالیت‌های مذهبی خود تأثیر به‌سزایی در جامعه خود دارند. تجلیات فرهنگی و مذهبی اساس همبستگی اجتماعی هستند. ارتباطاتی که زنان در این شرایط پایه‌گذاری می‌کنند، پیوندهای اجتماعی همانند آنچه در مراسم دیگر نظیر گپ دیده می‌شود، به وجود می‌آورند.

از زمان پرستوریکا (Perestroika) (بازسازی) روابط خانوادگی تغییر کرده است. آمار ازدواج کاهش یافته در حالیکه آمار طلاق افزایش یافته است. در آسیای مرکزی سن متوسط ازدواج برای دختران ۲۰ و برای پسران ۲۴ سال است که نسبت به دوران اتحاد شوروی رقم کمتری است. تعدد زوجات در دوران شوروی ممنوع شده است و تنها به صورتی سنتی باقی مانده است. این پدیده اغلب به عنوان راهی برای افزایش امکانات خانواده یا یک روال سنتی برای مردم ثروتمند توضیح داده می‌شود. در آسیای مرکزی نقش زنان بعد از فروپاشی

۷- پرستوریکا: در بیست و هفتمین کنگره حزب در ۱۹۸۶ درباره آن تصمیم گیری شده و تا ۱۹۸۹ به اجرا گذاشته شده است. برخی اصلاحات سیاسی و اقتصادی

انجام گرفته است تا سیستم را به یک بازار اقتصادی تغییر شکل داده و صورت‌های مختلفی مالکیت به وجود آورد.

اتحاد جماهیر شوروی کاهش یافته و وظیفه آنها به کارهای خانه و یا کارهای کشاورزی نظیر پنبه چینی محدود می‌شود در هر پنج کشور آسیای مرکزی، وظایف زنان و مشارکت آنها در بازسازی متفاوت است. در قزاقستان زنان بر اساس ارتباطات مذهبی سازماندهی می‌شوند و آن تنها کشوری است که به این طریق عمل می‌کند. مقایسه نقش رهبری زنان میان جمهوری‌های آسیای مرکزی کار دشواری است. آنها تاریخ مشترکی دارند اما روش آنها در دوباره اسلامی سازی و مشارکت در ساخت جامعه متفاوت است. در تاجیکستان و ازبکستان این کار به طور غیررسمی در مناطق یا همان محله‌ها صورت می‌گیرد. جلسات عمومی که در محله تشکیل می‌شود عالی‌ترین اجتماع خودگردان مردمی است که به نمایندگی از طرف مردم قدرت تصمیم‌گیری دارد. اهداف زنان همان اهداف سابق است: ایجاد پایگاه‌های اجتماعی مستقل به منظور ایجاد حلقه‌های اتصال در جامعه اسلامی. علی‌رغم فضای حاکم در دوران شوروی، سنت اسلامی و فرهنگ مردم جان سالم به در برد، به این دلیل بود که زنان خود به عنوان محافظین زندگی مذهبی عمل کردند. گرچه در عمل کار ساده‌ای نبود.

برای زنان زندگی خانوادگی با ساختارهای اجتماعی تلفیق شده است. ازدواج آنها در خانواده شان ترتیب داده می‌شود. زندگی خصوصی هم هنوز چیزی است که در محله تقسیم می‌شود. آنها مقام این لحظات را با هم سهیم می‌شوند که این امر به زندگی اجتماعی نظم می‌بخشد. در هر محله دو شخصیت زن مهم وجود دارد: یک اتنی (O tin) و یک شفابخش اتنی ایی (O tin ayi) یا زنی که به عنوان پیشروی

مذهبی شناخته می‌شود، آموزش مذهبی خانواده شامل زنان، کودکان و همسایگان می‌شود، آنها همچنین به عنوان مشاور در مورد مسائل خصوصی عمل می‌کنند و اختیار دارند که برای حل مشکلات شخصی و خانوادگی پا در میانی کنند. در مورد اختلافات جدی آئین اجازه دارد که شوهر را نصیحت کند و حتی به او توصیه کند که خانواده را ترک کند.

دوران شوروی سابق، کمیته‌های منطقه‌ای به مسائل منطقه رسیدگی می‌کردند. امروزه جلسات عمومی محلی جایگزین این کمیته‌ها شده است. در این مناطق زندگی گروهی کم و پیش کنترل می‌شود. مجموعه‌های کوچکتری به عنوان زیر مجموعه‌ی اجتماعات عمومی فعالیت می‌کنند. این زیر مجموعه‌ها می‌توانند رسیدگی به اموری از قبیل ازدواج یا تشییع جنازه را برنامه‌ریزی کنند. نایب رئیس همیشه یک زن است که زیر مجموعه را به نفع زنان و خانواده‌ها پشان رهبری می‌کند. در مقابل آنها حمایت می‌کند. زنان این تشکیلات اجتماعی را به کار می‌گیرند تا از سنت‌هایشان محافظت کنند گرچه گاهی این کار باید مخفیانه انجام شود. مثلاً در ازبکستان آنها به رسالت خود در جهت ایجاد یک هیئت جدید اجتماعی پرداختند تا در بازسازی جامعه خود شرکت کنند.

در قزاقستان و قرقیزستان زنان موفق شدند مقام آزادی به ارث رسیده از سنت‌های سیریبایی را برای خود حفظ کنند. اسلام و دولتی‌سازی این سنت‌ها را نابود نکرد، بر عکس این ساختارهای خانوادگی و قبیله‌ای توسط این سیستم‌ها که خود جامعه محور بودند، تقویت شدند. برعکس سنت‌های قدیمی در جوامع فعلی به قوت خود باقی می‌مانند. به عنوان مثال "بانو سه‌شنبه" (Tuesday Lady) و حلال مشکل بانو (Lady over Lady) موجودات نامرئی هستند، و به

عنوان محافظین خانواده تلقی می‌شوند این‌گونه با «بهاء‌الدین نقش‌بند» (Napshband Bahaud - din) شخصیت‌های عرفانی با مکتب صوفی نقش‌بندی که در فاصله سالهای ۱۳۸۹ - ۱۳۷۱ ایجاد شد، پیوند خورده است.

آرامگاه وی نزدیک بخارا در ازبکستان است و مقام نقش‌بندی به معنی حک کردن طرح خدا بر قلب شخص آمده است. برخلاف بیشتر مسلمانان که با صدای بلند عبادت و دعا می‌کنند، یک صوفی نقش‌بندی دلگرمی را به درون برد که به ذکر صوفیه (Zekt Huffia) نامیده می‌شود (نوعی دعا و نیایش در سکوت است). شاید همین ویژگی (سکوت) بود که فرقه نقش‌بندی را از نابودی در دوران حکومت شوروی حفظ کرد، و این زمانی بود که کمونیست‌ها پاکسازی ویرانگر مذهبی را میان مردم خود و ملت‌هایی که از قوانین مسلمانان آسیای مرکزی تبعیت می‌کردند آغاز کرده بودند. زنان اهل فرقه اغلب به عنوان قدیسین و افرادی که قدرت معجزه دارند، تصور می‌شوند. اما مقام سنت‌ها به جای اینکه به ایجاد استراتژی‌هایی برای دوباره اسلامی شدن کمک کنند به استقرار مکانیزم‌هایی برای بازسازی جامعه کمک می‌کنند. در حقیقت فقدان تعهدات دولتی آنها نتایجاً باعث جایگزینی ساختارهای سنتی و مذهبی به جای (دیگرساختارها شد و مذاهب اسلامی کنند دوباره بازسازی شد. این امر با مسئله ممنوعیت حق بیان، نگره داشته شود، توأم می‌شود (مخصوصاً در ازبکستان و ترکمنستان قضیه به این صورت است).

ب) نقش کنونی: همسران در برابر کارگران

بعد از سال ۱۹۹۱، کار گروهی، رفاه اقتصادی و سیاست‌های فوق‌العاده متمرکز نیز مانند اتحاد جماهیر شوروی کنار گذاشته شده‌اند. برخی بدنامی‌ها باقی مانده. کارعام‌المنفعه در برابر دریافت هیچ (در مزارع پنبه) و (Subbotnik) هنوز هم زنان

در آن فعالیت می‌کنند. مقام اجتماعی زنان و مقام کشورهای اتحاد جماهیر شوروی تغییر کرده است. عمدتاً زنان به طور مستقیم در معرض نتایج حاصل از فروپاشی قرار گرفتند. به خاطر پیوندهای بد اقتصادی، اول زنان هدف قرار گرفته شدند. در ۱۹۹۷ نرخ بیکاری و در آسیای مرکزی بین ۷۰ تا ۸۰ درصد بوده است. بنابراین اینطور گفته شد که زنان باید خود را وقف خانواده و شوهرانشان کنند تا به این ترتیب فرصت شغلی یک مرد را تصاحب نکنند.

در روسیه به معنای شنبه کوچک است. با انقلاب روسیه، کارگران کمونیست مردم را به کارهای عام‌المنفعه در روزهای شنبه تشویق می‌کردند. کارهایی نظیر نقاشی، تمیز کردن باغ‌ها و پارک‌های کشور. امروزه این رسم به صورت یک شنبه درهرماه باقی مانده است.

در دوران حکومت شوروی انجمن‌های رسمی زنان ایجاد شد. به عنوان یک بخش از اعتصابات زنان برای عدالت اجتماعی، این کمیته‌ها و سازمانها در مبارزه‌ی دائمی خود بر علیه تعدد زوجات و قمار عروس (Bride - napping) موفق شدند. آنها به افزایش آگاهی در باره حقوق زنان مطلقه و بیوه و به همان اندازه به کاهش بی‌سوادی کمک کردند. امروزه نمایندگان انجمن‌های اسلامی نیز تا حدی از آنها حمایت می‌کنند. مقام نمایندگان جدید انجمن‌ها در هر دو سیستم رشد کرده‌اند و می‌کوشند تا بین آن دو آشتی برقرار کنند. هدف آنها این است که تأثیر تغییرات اجتماعی و اقتصادی را کاهش دهند که این به نوبه‌ی خود مقام شخصیتی زنان را از قبیل: تبعیض، بی‌اطلاعی از حقوق زنان، بیکاری و خشونت‌های نیز یکی و خانوادگی، را کاهش می‌دهد.

نقش زنان در حوزه سیاست همچنان در حال رشد است. برخی زنان در

قرقیزستان در رده‌های بالای سیاسی به مقاماتی منصوب شده‌اند نظیر (Rosa Chalpon Isakovna O tubaeva) وزیر سابق امور خارجه و (Tutunovna Baekova Tokon) A sanovna) نماینده دادگاه عالی و (Chilieva) که نماینده حزب دموکرات زنان در پارلمان قرقیزستان است. این حزب سیاسی زنان با هدف انتقاد از انحطاط شیوه زندگی زنان و بی ثباتی موقعیت اجتماعی آنها بعد از دستیابی کشور به استقلال رسیدند.

از زمان فروپاشی شوروی، کار کمتری برای زنان در نظر گرفته شده است. این شاید نتیجه مستقیم کنار گذاشتن سهمیه‌ها باشد. آمار و ارقام مربوط به زنان زمامدار امور در موضوع علایق شخصی باقی مانده است در زبکستان دو بانو در دفتر رئیس جمهور (Karimov) در مسکو تحصیل می‌کنند. تا برای جایگزینی پدرآمدگی پیدا کنند. بانوی اول قرقیزستان (Mattiya Akaeva) نماینده بسیاری از مؤسسات خیریه است. رئیس (Meerim) صندوق خیریه است و ((Meerim که نماینده بسیاری از مؤسسات خیریه است. صندوق بین‌المللی برای حمایت از کودکان و مادران که از طریق خود او در سال ۱۹۹۳ شکل گرفت - نماینده صندوق بین‌المللی کودکان روستا SOS در قرقیزستان و نماینده انجمن از مدارس و کلوب‌های یونسکو در جمهوری قرقیزستان.

به طعنه می‌توان گفت که غیبت چشمگیر زنان در صحنه عمومی به نوعی با این واقعیت که شخصیت‌های زن در جایگاه اجتماعی نین، استالین و مارکس جایگزین شده‌اند، جبران می‌گردد. در عین حال رهبران سیاسی اهمیت زنان را یادآور می‌شوند. سال ۱۹۹۹ سال زنان نامیده شد و با این وضعیت بد زنان، جشن روز زن به عنوان اتفاق بزرگ برای همه در میان کشورهای شوروی سابق باقی می‌ماند. روز

هشتم مارس می‌توان مردان گل به دست را در مقام خیابان‌ها دید. گلها برای زنان خانواده است، اما برای همکاران و در محل کار نیز واقعاً اهمیت دارد.

مکو داشت سیاست برابری دو جنس (زن و مرد) را در سراسر جمهوری‌های شوروی سابق ارتقا می‌داد. زنان تشویق می‌شدند که درس بخوانند و کار کنند. بعد از فروپاشی، گرچه تمام کشورهای آسیای مرکزی حمایت از آن سیاست را با برنامه هفت‌ماهه و جشن‌ها ادامه می‌دادند ولی سیستم اقتصادی کاملاً تغییر کرده است. در واقع در سال ۲۰۰۱ در ازبکستان ۶۲٪ زنان بیکار بودند، این رقم در مورد مردان ۳۷٪ بود به منظور گریز از محرومیت رویه رشد، آنها مجبور شده‌اند انواع مختلفی از فعالیت‌ها را سازماندهی کنند. به منظور بقای اعضا تلاش می‌کنند تا از قوانین کاری که محدودیت بسیاری به آنها تحصیل می‌کنند اجتناب کنند و به داد و ستد با نزدیکترین همسایگان به ویژه روسیه، چین، هند و ترکیه بپردازند. آنها کالا و محصولات از قبیل لباس و لوازم آرایش را خریداری کرده و جداگانه در کشورشان هنگام جشن‌ها و کپ‌ها (gaps) می‌فروختند. در ازبکستان به منظور اجتناب از این تجارت غیر قانونی، مسئولین اغلب نقاط مرزها را مسدود کردند. از این رو آنها با مشارکت مشتری‌ها و شوهرانشان، با کالاهای مورد نیازشان از نزدیک‌ترین جمهوری‌ها و در قبال مقدار کمی پول یا محصول خریداری شده‌اند، از مرزها عبور می‌دادند. بار دیگر به نظر می‌رسد شروع نوعی بهره‌گیری از زنان است به منظور تسهیل تجارت غیر قانونی و مجانی باشد.

زنان کمتر بازرسی و بازرجویی می‌شوند. نزدیک مرزها می‌توان همه جور داستان در باره بهترین راه‌های پنهان کردن کالاهایی نظیر تلویزیون و یا جوجه‌ها را شنید. به خاطر افزایش بیکاری آنها مصمم هستند تا در امر معاش خانواده شرکت کنند. اما

به خاطر محدودیت ابزار و روش‌هایی مورد نیاز است تا آنها را بهتر و کارآمدتر کند، «آینده گرفته به نظر می‌رسد».

در دوران حکومت شوروی، آموزش ابزاری برای تبلیغات بود. بنابراین دسترسی به آموزش آسان بود و مدارس به خوبی به معلمان و کتابها تجهیز می‌شدند و نوازم از طریق مسکو فراهم می‌شد. یکی از نتایج فروپاشی شوروی و ناکامی دولت‌های جدید در ادامه این سیاست، تبعیض در حق دختران است. طبق گزارش سازمان ملل تبعیض در قسمتهای آسیای مرکزی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بوده است. گلنار، دانش‌آموزی در شهر دوشنبه اینطور توضیح می‌دهد که بسیاری از والدین باید پول زیادی را برای فراهم آوردن فرصت تحصیل پسران و دختران خود فراهم کنند و این موضوعی است که آنها را نگران و فکرشان را مشغول کرده است.

برخی والدین فکر می‌کنند بهتر است به جای اینکه پول را صرف دختران کنند، آن را روی پسرها سرمایه‌گذاری کنند. چرا که پسرها مجبور خواهند بود از والدین و خانواده خود محافظت کنند. بنابراین علاوه بر افزایش رو به رشد تعداد زنان بی‌سواد از آغاز دهه ۹۰ سهم زنان در تمام سطوح من جمله دکتری کاهش یافته است. یک تحقیق انجام شده در سال ۱۹۹۷ نشان می‌دهد که تعداد زنانی که برای تحصیلات بالاتر ثبت‌نام می‌کنند رو به کاهش است. به عنوان مثال ثبت‌نام زنان در موسسات بانکداری و امور مالی از ۶۵٪ در سال ۱۹۹۱ به ۲۵٪ در سال ۱۹۹۷ کاهش یافته است. کاهش بودجه‌ی اختصاصی دولت برای دانشگاهها و در نتیجه لزوم تأمین درصد بالاتری از هزینه‌های تحصیلی از طرف خانواده‌ها، بسیاری از خانواده‌های را در وضعیتی قرار داده که تنها می‌توانند هزینه‌ی تحصیل یک فرزند

خود، یک دختر یا یک پسر، را تأمین کنند. گزارش‌ها حاکی از آن است که همیشه علمی دانشگاهها زنان را به سوی کارهایی که به طور سنتی توسط آنها انجام می‌شده هدایت می‌کنند و معتقدند که بهتر است مسئولین سیاسی اتخاذ کنند تا عمداً مانع از ورود زنان به برخی رشته‌های تحصیلی شوند.

عمیق‌ترین شکاف آموزشی بین دختران و پسران در تاجیکستان و ازبکستان در حال شکل‌گیری است. در دانشگاه ازبکستان زنان ۳۰٪ و در تاجیکستان یک چهارم کل دانشجویان را تشکیل می‌دهند. در ازبکستان خانواده‌ها تمایلی ندارند دخترانشان تحصیل کنند به ویژه که دختران قادرند مستقیماً و سریع‌تر در کشورهای همسایه کسب درآمد کنند. آنها همچنین نگرانند که کنترل اعضای خانواده از دستشان خارج شود از طرف دیگر شرایط موجود خانواده را به پیگیری این رویه تشویق می‌کند. مخصوصاً در ازبکستان، دانشگاههای دولتی یکی بعد از دیگری تعطیل می‌شوند و این درحالی است که دانشگاههای خصوصی خارجی در حال تأسیس هستند. همان‌طور که مدیرکل یونسکو (Koichiro Matsuura) نتیجه‌گیری کرده است: تساوی زن و مرد در آموزش یک اولویت است چرا که نابرابری در این زمینه نه تنها یک تخطی بزرگ از حقوق اساسی بشر است بلکه مانع بزرگی در مسیر رشد اقتصادی و اجتماعی ایجاد می‌کند، با این تفاسیر اکنون می‌توان توضیح داد که چرا آمار ازدواج دختران در سنین پایین در برخی جمهوری‌های آسیای مرکزی در حال افزایش است. بر اساس قانون ازبکستان، تنها افرادی که هفده سال داشته باشند می‌توانند رسماً ازدواج کنند. اما والدین حداقل به منظور حل دوشکل پرداخت هزینه‌های دانشگاه و یافتن شغل بعد از تحصیلات، موافقت می‌کنند که دخترانشان هرچه زودتر ازدواج کنند. گاهی نیز خانواده‌ها به خاطر فقر و بیکاری تدارک ازدواج

می‌بینند. بنابراین می‌توان توضیح داد که چرا رسم (Kashym) معروف به شیرها دوباره در حال زنده شدن است. شاید در واکنش به این مشکلات فزاینده است که سنت‌ها باقی می‌مانند و تشدید می‌شوند.

نتیجه‌گیری:

آزادی انجمن‌ها، تعداد سازمانهای غیردولتی و فعالیت‌هایشان را می‌توان به عنوان شاخص سطح دموکراسی در نظر گرفت. آنها همچنین نماد بیماری یک نظام‌رستی همگانی (Welfare State) هستند. در کشورهای آسیای مرکزی تعداد سازمانهای غیردولتی و آزادی انجمن‌ها بسیار محدود است. قرقیزستان جایی است که ایجاد انجمن‌ها در آن آسان‌تر است که از آن طریق آنها می‌توانند نقش رو به کاهش زنان را آشکار کنند.

هنوز مشخص نیست که آیا گسترش و تقویت نقش زنان در نوسازی جامعه می‌تواند سطح توسعه و صنعتی شدن پنج کشور منطقه را ارتقاء دهد یا خیر. از زمان فروپاشی شوروی دخالت زنان در امور کشور به شدت کاهش یافته است. نظریه برابری کامل نقش و وظیفه زنان با مردان که در دوران استقرار شوروی گسترش یافته دخالت زنان را در امور کشور به شدت کاهش یافته داده است این نظریه که در دوران استقرار شوروی گسترش یافت، در دوره بازسازی کشورهای آسیای مرکزی کاربردی ندارد. البته در شوروی سابق عملکرد همیشه منطبق بر عقیده نبود اما این واقعیت را نمی‌توان انکار کرد که دامنه وسیعی از فرصت‌ها مرتبط با وظایف اجتماعی زنان اعم از آموزش، مشارکت سیاسی و غیره در پیش روی آنها قرار می‌گرفت و در مقایسه با دهه گذشته، سطح آموزش و مشارکت در بازسازی زندگی عمومی هر روز محدودتر می‌شود.

۸- رفاه استیت (Welfare state)

کشوری که دولت آن عهده‌دار تأمین خدمات رفاهی و رایگان برای همه مردم است.

نقش ووظایف زنان از کشوری به کشور دیگر بسیار متفاوت است. البته آموزه‌های رژیم شوروی واصل برابری زن و مرد در کشورهای مختلف، به عنوان مثال در قرقیزستان وازبکستان به صورت‌های متفاوتی درک و تعبیر می‌شد. اما نتایج فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی برای تمام زنان در قسمتهای مختلف آسیای مرکزی یکسان بود و آن دسترس کمتر به آموزش، کار، عدالت و غیره بود. فروپاشی شوروی بر تمام اقشار جامعه تأثیری متعدد داشته اما بلا تکلیفی و بی‌ثباتی که برای زنان به همراه آورد بیش از مردان بوده است. در این راستا آموزه‌های حکومت شوروی طی ۶۷ سال موفق نشد تا بر سنت‌های خاصی را به مردان محول کرده و زنان را از آنها محروم می‌کرد، به ویژه در شرایطی غیر از بازسازی، فائق آید.

**نقش و جایگاه زن در خلقت
و اشتراکات و تفاوت‌های بین زنان
و مردان از نگاه روانشناسی
و زیست‌شناسی**

ک.م. دوسا

انسانها دارای حقوق و آزادی‌هایی هستند که لاینجزا و غیرقابل انتقال می‌باشند. طبیعت، خود، اساس تمام حقوق طبیعت انسانها است. انسان دارای حقوق خاصی می‌باشد که دیگر مخلوقات مانند اسب، گوسفند، پرنده و ماهی نمی‌توانند داشته باشند، این برمی‌گردد به طبیعت وی و طریقی که او خلق شده است. اگر کلیه انسان‌ها در مسئله حقوق طبیعی مساوی باشند بنابراین همگی باید زندگی آزادی را پیش بگیرند و این به آن دلیل است که این نظم بخشی از همان سرشت ایشان می‌باشد. مسئله وجود تفاوت بین دو جنس از نقطه نظر تحقیقات علمی و کشفیات روانشناختی و زیست‌شناختی به اثبات رسیده است. زنان و مردان بعنوان نوع بشر آزاد می‌باشند یعنی هر یک با نشان‌های اختصاصی، منش و قوه ذهنی خاص آفریده شده‌اند. این تفاوت ناشی از عوامل جغرافیایی، تاریخی و اجتماعی نیست بلکه پدیده‌ی همان سرشت ایشان است. طبیعت عمداً آنها را متفاوت خلق کرده و هر اقدامی که علیه این قصد طبیعت به کار گرفته شود نتیجه مصیبت باری بوجود خواهد آورد. چنانکه الهام را از طبیعت برداریم، به همان طریق، در خصوص آزادی و تسلوی انسان‌ها از خود طبیعت باید در باره اینکه آیا حقوق زن و مرد از یک نوع است یا از دو نوع و آیا جامعه خانوادگی حداقل جامعه‌ای بظاهر طبیعی است،

راهنمایی بگیریم. تصور اینکه آیا دوگانگی جنسی در حیوانات اصم از انسان اتفاقی است یا بخشی از زمینه خلقتی آنهاست نکته ارزشمندی می‌تواند باشد. بعنوان مثال تفاوت‌های جنسی آیا صوری و مربوط به اندام است یا همان گونه است که الکسیس کارل اشاره نموده: تمام سلول‌های بدن انسان با جاذبه‌های جنسی مهرخورده است. چه زن و مرد تکالیفی مجزا برای انجام دادن را دارا می‌باشند یا دارا هستند، چه حقوق یک جنسی باشد یا دو جنسی. همین سؤال ممکن است در مورد آموزش اخلاقی، مجازات‌ها، مسؤولیت‌ها و تکالیف مطرح شود.

زنان طبیعتاً دارای استعداد کمتری در نوع آوری هستند و مصرف ثروت در آنها از مردان بالاتر است. موقعیت‌هایی مانند قاعدگی، بارداری، دردهای ناشی از زایمان و شیردهی آنها را در وضعیتی قرار داده که به حمایت مردان نیاز پیدا می‌کنند. این وضعیت تنها در انسان‌ها صادق نیست بلکه در حیواناتی که به صورت دو لغری زندگی می‌کنند نیز عملی است.

مردان از نظر نیروی بدنی از زنان قوی‌ترند. زن و مرد دو سناره‌ای با مدارهای مشخص هستند که در محدوده آنها می‌توانند حرکت کنند.

شادی آنها و شادی کل جامعه انسانی به این شرط بستگی دارد که ایشان در مدارهای مربوطه خود حرکت نمایند. آزادی و تساری تنها در صورتی می‌تواند مفید باشد که هر دو جنس از مسیر طبیعی خود پیروی کنند.

منظور ما از اینکه می‌گوییم مسئله جامعه زنان باید دوباره ارزیابی شود و نباید محدود به ارزش‌های پیشین باشد این است که ما باید از طبیعت راهنمایی بگیریم و تمام تجربیات تلخ و شیرین گذشته را تحت توجه قرار دهیم.

قرآن کریم در زمان وحی گامی طولانی سوی بهبود شرایط زنان و برگرداندن حقوق ایشان برداشت. قرآن حقوق زنان را بعنوان یک انسان و همسر مرد، در

حقوق بشر و بشریت احیا نمود اما از زن بودن (زنی) و یا مرد بودن (مردی) چشم پوشی نکرد و به همین علت است که سازگاری بین دستورات طبیعت و دستورات قرآن وجود دارد. زن در قرآن درست همان زن در طبیعت است.

اولین تفاوت به روانشناسی زن و مرد مربوط می شود اسلام زنان را از حقوقشان مطلع کرد و به ایشان شخصیت، آزادی و استقلال بخشید؛ آنها را به طفیان و بداندیشی علیه مردان تحریک و وادار نکرد.

تفاوت های بین زن و مرد

مرد	زن
عموماً از زنان بخشنده ترند.	عموماً از مردان خسیس ترند.
از نظر جسمی بزرگتر و در نتیجه قوی ترند. خشن هستند.	از نظر جسمی کوچکتر و در نتیجه ضعیف ترند. و اعلیف تر هستند.
صدای خشن و کلقت دارند.	صدای نازک و شکسته دارند.
از نظر بدنی رشد کمتری دارند. چنین ثمر رشد کمتر دارد.	از نظر بدنی رشد سریعتری دارند. چنین ماده رشد سریعتری دارد.
سایز مغز و حجم شش ها بزرگتر است.	سایز مغز و حجم شش ها کوچکتر است.
دیرتر به حرف می آیند.	سریعتر به حرف می آیند.
دیرتر به سن بلوغ می رسند.	زودتر به سن بلوغ می رسند.
توانایی باروری را از دست نمی دهند.	توانایی باروری را زودتر از دست می دهند.
ضربان قلبشان کندتر است .	ضربان قلبشان تندتر است .
نسبت به زنان از زیبایی کمتری برخوردارند.	نسبت به مردان از زیبایی بیشتری برخوردارند.

احساسی ترند.	منطقی ترند.
توانایی پرستاری و مراقبت در آنها بیشتر است.	توانایی پرستاری و مراقبت در آنها کمتر است.
درباره فرزندان از صبر بیشتری برخوردارند.	درباره فرزندان از صبر کمتری برخوردارند.
در تحمل درد مثلاً درد زایمان قویتر هستند.	در تحمل درد ضعیفتر هستند.
اجتماعی تر هستند.	کمز اجتماعی هستند.
از قدرت نفوذ بیشتری در خانواده و جامعه برخوردارند.	از قدرت نفوذ کمتری در خانواده و جامعه برخوردارند.
عشق برای آنها در اولویت بالاتری قرار دارد.	روابط جنسی برای آنها در اولویت بالاتری قرار دارد.
زودبایورند.	خوبه تطبیح دارند.
قدرت بیشتری در کنترل و گمان خواسته های خود دارند.	تحت تسلط خواسته های خود قرار دارند.
سعیی از عشق و احساس هستند.	سعیی از عقل هستند.
دارای خوبی آرام هستند.	احساس مبارزه طلبی داشته و دعوائی هستند.
روحیه ای آرام و ساکت دارند و در نتیجه تمایل به خودکشی ندارند.	روحیه تهاجمی دارند و در نتیجه تمایل به خودکشی دارند.
احساساتی ترند و به آسانی به هیجان می آیند.	از نظر فکری خونسردند.
علاقه ای وافر به زیورآلات، آرایش و مد دارند.	چندان علاقه ای به زیورآلات، آرایش و مد ندارند.
احساسات پایداری ندارند. استوار نیستند.	عموماً استوارند.
پرحرف ترویجناک بوده و بیشتر پای بند تشریفات می باشند.	کمتر حرف می زنند و کمتر پای بند تشریفات می باشند.

احساس مادری در آنها ذاتی است.	احساس پدری را پرورش می دهند.
احساسات خود را آشکارا نشان می دهند و در نتیجه کمترین بیماری های درون گزایی مبتلا می شوند	در رازداری قدرت بیشتری دارند و ناراحتی را در خود می ریزند و در نتیجه اغلب بیشتر به بیماری های درون گزایی مبتلا می شوند.
حساس تر و خوش قلب هستند.	از حساسیت کمتر برخوردار و خوش قلب هستند.
بیراحتی به گریه پناه برده و گاهی از گریه بیهوش می شوند.	بندرت گریه می کنند.
در هنرهای ادبی مثل نقاشی بهتراند.	در علوم قیاسی و موضوعات منطقی بهتراند.
مردانی را دوست دارند که ارزش آنها را درک کرده و عشق خود را ابراز نمایند.	زناتی را که خوششان بیاید دوست دارند.
می خواهند قلب مردان را تسخیر کنند.	احساس مالکیت نیست به زنان خود دارند.
می خواهند در قلب مردان نفوذ کنند.	می خواهند بر زنان خود غلبه داشته باشند.
دوست دارند اسیر مردان شوند	شواهان به مساوت در آوردن زنان هستند.
زنان می خواهند مردان شجاع و شیک پوش باشند.	می خواهند زنان زیبا و جذاب باشند.
خواسته های خود را می توانند به کنترل در آورند.	بنده ی خواسته های خود هستند.
انگیزه جنسی غیر فعال و بر انگیزشی دارند.	انگیزه جنسی فعال و نهاجمی دارند.
بهترین جمله یک زن 'به تو افتخار می کنم' .	بهترین جمله یک مرد ' عزیزم دوست دارم' .
خوشبختی برای زن بدست آوردن قلب یک مرد و حفظ آن در طول زندگی	خوشبختی برای مرد یعنی امنیت یک موقعیت آبرومند در جامعه
زنان برای حکمفرمایی بر مردان خلق شده اند.	مردان برای حکمفرمایی بر جهان خلق شده اند.
زنان ترجیح می دهند تحت نظارت و زیر دست رئیس کار کنند.	موسسین، قضات و کارگردانان بهتری هستند.

از ریسک کردن می‌ترسند.	رشته افکاری کاربردی دارند.
زنان برای نفع جسمی صحبت می‌کنند.	مردان برای نفع فردی صحبت می‌کنند.
نقش آنها خدمت به حفظ نوع بشر است.	نقش آنها خدمت به عسر و قرض‌اندیشان است.
از ریسک کردن می‌ترسند.	شهادت بیشتری در رویارویی با مشاغل حساس و پرخطر دارند.
از طاقبت بیشتری برخوردارند و در درگیری با مسائل فرعی زندگی روزمره شکایت می‌باشند.	در درگیری با مسائل فرعی زندگی روزمره ناشکیبا می‌باشند.
زنان به پول بیشتری برای آراستن و زیبا جلوه نمودن نیاز دارند و پک لباس را تا زمانی که ظاهر خوبی داشته باشد می‌پوشند.	از لباس های خود تا زمانیکه از آنها خسته نشده باشند استفاده می‌کنند.
زنان مجبورند از نظر نیازهای مادی و مالی به مردان وابسته باشند.	مردان مجبورند از نظر اخلاقی و روحی به زنان وابسته باشند.

منابع:

- زن و حقوق وی نوشته م. مطهری

**حقوق زن و وظایف
او در خانواده و جامعه**

ریاب صدر شرف الدین

سپاس خداوندی که پروردگار جهانیان است^۱ سلام و درود خداوند بر بهترین بندگانش حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و خاندان پاکش باد!

زن، سازنده میهن و آینده

ما با پدیده جهانی شدن دست به گریبانیم و پیوسته بیانیه‌ها و شعارهایی از کنفرانس‌ها و راهپیمایی‌های منطقه‌ای و جهانی صادر می‌شود. قضیه زن در منطقه خاورمیانه همانند جاهای دیگر همچنان مهم و سرگردان است زیرا تمدن جدیدی که شعار آزادی زن را سر داده، آن را با رسانه‌های گروهی، تجارت، لباس‌های مختلف و مهمانی‌ها محدود نموده است. درست است که درصد زنان بسی سواد در منطقه بسیار پایین آمده است و کار بیرون از خانه آنها معضل تلقین می‌شود ولی بحران‌های اقتصادی ما را وادار کرده است در حرکت تولید از زنان نیز یاری طلبیم؛ ولی راه از آنچه که گمان می‌کنیم طولانی‌تر است.

دین اسلام بر میانی تأکید دارد که پایه آن مساوات است و ما در این زمینه بهترین قانون را به‌ویژه در حقوق شرعی و واجبات داریم "لهن مثل الذی علیهن" بالمعروف^۲ و در کلام امام موسی صدر این معنا را می‌بینیم که می‌گوید: "اگر بخواهیم آزادی به معنای حقیقی را به زنان بدهیم در تعالیم دینی اسلام این آزادی را می‌بایم^۳. و در جای دیگر می‌گوید: "دین به هیچ وجه مانع شرکت زن در فعالیت‌های مختلف اجتماعی نمی‌شود." وی نظر قرآن را درباره زن بیان می‌دارد و

می‌گوید: "قرآن در حقیقت و ذات، زن را مثل مرد می‌داند." و من آیات آن خلق لکم من انفسکم ازواجاً (سوره‌ی روم، آیه‌ی ۲۱). سپس بیان می‌کند که زن در شکل‌گیری نسل بشر، نقش حیاتی دارد، اما نه چون مزرعه‌ای که در آن بذر می‌کارند: "یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحد و خلق منهما رجالاً کثیراً و نساء" (سوره نساء آیه ۱۰). امام صدر این نکته را گوشزد می‌کند که تکرار عبارت "بعضهم من بعض" بر مساوات تأکید می‌کند.

قرآن به کار انسان چه زن و چه مرد احترام می‌گذارد و تحمیل کار بر زن را حتی از طرف شوهرش حرام می‌داند یعنی هیچ‌کس حق ندارد که آزادی زن و مرد را بگیرد و مانع کار کردن آنها بشود یا پاداش کار آنها را نادیده بگیرد. آنجا که می‌فرماید: "انّی لا اُضیح عمل عامل منکم من ذکرٍ او انثی" (آل عمران، ۱۹۵) و از نظر اقتصادی از زنان حمایت می‌کند و می‌فرماید: "للرجال نصیب مما کسبوا وللنساء نصیب مما اکسبن" (سوره نساء، آیه ۳۲) و از لحاظ سیاسی آنجا که می‌گوید: (یا ایها النبی! اذا جاءک المؤمنات یتابعنک علی ان لا یشرنک بالله شیئاً ولا ینسرفن ولا یرینن ولا یقتلن اولادهن ولا یأینن ینهتان یتفرینن بین ایدیهن رازجلهن ولا یغصبنک فی معروف فباعتنن واستغفرن لهن اللّه ان اللّه غفورٌ رحیم) (الممتحنه: آیه ۱۲). در همه زمین‌های زندگی مرد حق ندارد حتی بعد از ازدواج در اسواول زن تصرف کند همانطور که بدون رضایت زن نمی‌توان او را وادار به ازدواج کرد. با این وجود جریانی فعال وجود دارد که سعی می‌کند احکام و قوانین را در مورد برخورد با زن بازنگری کند در حالی که بین مبانی و اصول و معاملات تفاوت وجود دارد و بیشتر این معاملات را فقها وضع کرده‌اند که این معاملات باید پیوسته با نیازها و شرایط روزمره ما تغییر کند. چرا که مانی دینی بهترین راهنمای ما هستند. از اموری که معاملات را با خطر مواجه می‌کند این است که معاملات در ذهن جامعه نفوذ

می‌کشد و ارزش‌ها از نردبان ترقی بالا می‌روند و به مبادی می‌رسند و ضرب‌المثل‌هایی مثل "المرأه بربع عقل" بهترین گواه بر این مسأله است. خطر مفاهیم تقلیدی از آن جهت است که تفکر را اسیر می‌کند و سلوک اجتماعی را به بند می‌کشد. نتیجه این مفاهیم انبوه و سنتی این است که در راه تحقق عدالت اجتماعی و مساوات بین جنس زن و مرد مانع ایجاد می‌کند.

زمان آن رسیده که زن را به عنوان عنصری فاعل و مثبت بنگریم چرا که او موجودی منفی و انفعالی نیست. با این دیدگاه موقع آن رسیده خط‌مشی کاملی را در برخورد با چالش‌های موجود با تمام حقایق تلخ و شیرین آن دنبال کنیم که این استراتژی سعی دارد تغییرات کمی و کیفی زیادی را ایجاد کند که منجر به عدالت اجتماعی شود. باید از این طرح همه‌جانبه برای مبارزه با بی‌سوادی در بین زنان استفاده کنیم مشکلاتی را که لازم است از سر راه برداریم از این قرار است:

- از بین بردن بی‌سوادی در زمینه‌ی مسائل تولیدمثل و بارداری (قصه‌های مادران و آغوش گرم مادر در هنگام شیردادن می‌تواند تصویری زیبا در ذهن کودک نقاشی کند.)

- از بین بردن ناآگاهی در زمینه مسائل تربیتی مثل مسئولیت پرورش کودک که بر عهده مادر است و اگر این مسائل در ارتباط با زندگی و واقعیت‌های موجود در خانواده و جامعه نباشد زندگی بی‌معنی خواهد شد و تعلیم و تربیت با شکست مواجه می‌شود، لذا اگر نظام پیشرفته‌ای وجود نداشته باشد زندگی با تغییر نیازها و شرایط دچار مشکل می‌شود.

- از بین بردن ناآگاهی اقتصادی در مسائلی که مرتبط با بیداری شغلی است.

- از بین بردن ناآگاهی حقوقی

به این ترتیب بی‌سوادی در این چهارچوب از راه تحصیل حاصل می‌شود.

هوشیاری زن و برخورد مثبت با خودش شرط اساسی و لازم است تا بتواند درباره کارکردهایش به گفتگو بنشیند. این بیداری (اعتماد به نفس) تضمین کننده بیداری جسمانی می‌شود چرا که با این خودباوری زن می‌تواند در زندگی خود تغییراتی ایجاد کند و اگر اعتماد به نفس متزلزل باشد هرگز نمی‌تواند به دیگری اعتماد کند. زن به عنوان مرکز ثقلی در بازسازی وطن و صنعت آینده مؤثر بوده و خواهد بود و تا هنگامی که زن زمام امور را در زمینه خویش‌سازی و تربیت فرزندان در دست نگیرد کشور بحران رده و آینده در گرو شرایط کنونی می‌ماند، بین گذشته‌ای که باز نمی‌گردد و آینده‌ای که به جای ساختن آن همیشه نگرانش خواهیم بود. اجازه بدهید که به آیه کریمه قرآن برگردیم که فرمود: *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَاعِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يَشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَمْسُصْنَكَ فِئْتًا مَعْرُوفًا فَبَاعِعْهُنَّ وَاسْتَفْرِقْهُنَّ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ* آنچه ما بیعت می‌نماییم در واقع تلاش برای به دست آوردن حق سیاسی است اما این تلاش باید از تمام عوامل زندگی دنیا همچون هواوهوس یا مادیات آزاد باشد. ارتباط با هر یک از عوامل مادون دنیا نوعی بیعت شرک به خداست و خداوند خواسته که از طریق ارتباط با او عقل و درون ما از هر چیز غیر از او آزاد باشد و این امر زمینه را برای زنان فراهم می‌کند که از همه عوامل خارجی آزاد شوند. پس گزارش به عوامل دنیوی ایمان به خدا را کم‌رنگ می‌کند.

ایمان به خدا یعنی رهایی از همه فشارهایی که آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از این نکته که بگذریم ما در عهد بیعت و عدم شرک زندگی می‌کنیم و در محیط اخلاقی که زن را از هواوهوس دور می‌کند و او را به صفای درون رهنمون می‌سازد و هر قدر که زن بتواند از بدی‌ها دور شود به آزادی در تصمیم‌گیری و موضع

گیریش نزدیک می‌شود و می‌تواند نیکی کند و نیکی هر کاری است که رضای خدا و صلاح مردم در آن باشد. و به تعبیری دیگر نیکی هر عملی یا سخنی است که از فتناعت به منافع پیش می‌رود.

از معنای کلی آیه بالا در می‌یابیم که زن باید اول خود را آزاد کند و نکته اصلی این آزادی آن است که به غیر از خدا دلبستگی نداشته باشد و در همه حال به خدا توجه کند و معبودی دیگر را پرستش نکند و در مقابل خدا خودش، شوهرش، فرزندان، مالش، هواهوس و خواسته‌هایش را نادیده بگیرد.

بعد از این مفاهیم که عنوان کردیم درون زن پاک شد و با دوری از زشتی‌ها به تربیت نفس خود می‌پردازد و بعد از این خودسازی دست به اعمال نیکی می‌زند و خود را انسانی کامل فرض می‌کند که دارای عقیده و نظر است یعنی او شایستگی لازم را برای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و زمینه‌های مختلف زندگی دست آورده است و اینجا خداوند بر پیامبر اکرم امر کرد که بیعت زنان را بپذیرد یا به عبارتی دیگر فعالیت‌های اجتماعی آنها از قیدوبندها آزاد کند و بتوانند نقش خود را در برپای نیکی ایفا کنند و نیکی همان عمل صالح است و نتیجه آن زندگی شرافتمندانه و پر مهر و خالی از ترس است و در بردارنده رستگاری و درجات والای انسانی و مفاهیمی دیگر است که در ۶۰ آیه از قرآن وارد شده است و در بیشتر این آیات زن و مرده در کنار یکدیگرند و این با هم بودن با ایمان و عمل صالح همراه است.

رشد اقتصادی و توسعه انسانی

با وجود تعریف دوباره توسعه و وارد کردن انسان در آن به عنوان یک عنصر اساسی و با توجه به شدت یافتن معضل فقر در بسیاری از کشورهای منطقه، رشد اقتصادی همچنان اولویت نخست در این جوامع است که شامل ایجاد فرصت‌های

شغلی و کمک به مجموعه‌های ضعیف و توزیع عادلانه درآمدهاست تجربه در کشورهای مختلف ثابت کرده است که گردش چرخش اقتصاد هر کشوری تا حد زیادی بستگی به ارزش افزوده دارد و صاحبان آن در همه زمینه‌ها و کارهای خیریه - برای کمک به رشد جامعه‌شان - می‌توانند موفقیت زیادی را کسب کنند. بخش خصوصی از رشد و غنی‌سازی کشور سود می‌برد و گروه‌های جامعه قدرت توانایی خرید و رفاه را به دست می‌آورند مسئولیت اجتماعی صاحبان مال و اصحاب مشاغل دیگر این نیست که رفاه را فراهم کنند بلکه شرط لازم و مهم پیشبرد اهداف و موفقیت طرح‌هایشان در درازمدت است.

گفتمان اجتماعی و رشد سه محور اساسی دارد:

- ایجاد توانایی کار یعنی توانمند ساختن زنها برای شرکت و ایضای نقش در تصمیم‌گیری در همه سطوح؛
- ایجاد توانایی همکاری با دیگران و توانمند ساختن زنان برای سازماندهی گروه‌های اجتماعی هدفمند و فعال.
- ایجاد اعتماد به نفس یعنی توانمند نمودن زنان در اعتماد به نفس و ایمان به این که می‌توانند تغییر ایجاد کنند.

توسعه و کارکرد بخش بومی

امام موسی صدر تأکید بسیاری بر ایجاد چارچوب‌های مناسب برای فعالیت‌های افراد داشت و شاید اولین شخص بود که در مناطق محروم بحث کارهای سازمانی و توسعه‌ای را مطرح کرد. البته این بحث‌ها بر پایه پژوهش‌های آکادمیک و علمی و مبتنی بر شیوه‌های دینی دگراندیش بیاد نهاده شده بود و از همین رو انجمن‌های داوطلب و بومی که امام موسی صدر بنا نهاده بود گام‌های مهمی را در راه مشارکت فعال در تغییرات اجتماعی و تشویق بخش‌های بومی و ملی و ادغام آنها

در روند توسعه برداشتند. از این رو انجمنها توانستند از نقش‌های سنتی خود که تنها محدود می‌شد به حمایت از اقشار مستضعف و قربانیان جنگ گذر کنند و نقش مهم‌تری را در جامعه ایفا کنند که مهم‌ترین زمینه‌های آموزش و همکاری برای دستیابی به عدالت اجتماعی و رشد پایدار برداشته شد. با نظر به توسعه طرح انجمن‌های یادشده، مؤسسات امام موسی صدر به این مسأله پی‌بردند که در حال حاضر نیاز به آن است که درآمدهای خود را افزایش داده و اجرای طرح‌های درآمد زا را آغاز کنند و طرح‌هایی که اجرای آن بهره‌ای افزوده دارد را دنبال کنند که البته این درآمدها در اجرای طرح‌های دیگر و یا گسترش طرح‌های موجود مورد استفاده قرار می‌گرفت.

زن و توسعه

در دهه‌های گذشته تلاش ملت‌های منطقه برای رشد و توسعه ملی با ناکامی‌ها و چالش‌هایی روبرو بوده است و شاید دلیل اصلی این مسأله را بتوان در برنامه‌هایی جستجو کرد که به طور کلی نقش محوری زن در آن نادیده گرفته می‌شده است. زن بیشترین مهارت در شکوفایی پتانسیل‌های جامعه و ایجاد تغییر مطلوب را دارد باید برای دستیابی به هر گونه رشد ابتدا به بازبینی رشد زنان و مردان پرداخت و در فرصت‌های شغلی و در عرصه‌ی قانون‌گذاری این امر احساس می‌شود. به طور کلی در بخش‌های مختلف زندگی نقش‌ها به صورتی عادلانه تقسیم می‌شود و همانگونه که می‌دانید زنها توانسته‌اند قدرت فائق خود را در عرصه‌های مسئولیت‌پذیری، تصمیم‌گیری، اجرا، مدیریت و طرح‌های موفقیت‌آمیز به اثبات برسانند. رسیدن به فردای بهتر یک مأموریت سخت و وظیفه پیچیده و طولانی مدت است ولی دستیابی به آن امکان‌پذیر و ضروری است. برای دستیابی به آن تنها نباید چشم امید به مسئولان و فوه قانونگذار جامعه داشت بلکه مهمتر از آن وضعیت و کارکرد

طبقات عامه جامعه در تمام سطوح خانواده، محله، خیابان، مدرسه و رسانه‌های جمعی است. در تمام عرصه‌های که از آن یاد کردیم زن نقش محوری دارد و اگر بخواهیم این مساله را نادیده بگیریم در واقعه یک‌پای مساله می‌لنگد!

زن در موسسات امام موسی صدر

حضرت زینب(س) در سنین اولیه زندگی اش مادر را از دست داد ولی به هیچ وجه از آموزش‌ها و شیوه‌های زندگی که مادر برای او ترسیم کرده بود عدول نکرد و روزی در زندگی ایشان رخ داد که به طور کلی زندگی وی را دستخوش تغییر کرد. امام حسین غصه خروج از مکه را داشت حضرت زینب(س) تمام زندگی را رها کرد تا از زنان و کودکان محافظت کند. مسائل مدیریتی جنگ را کنترل می‌کرد و حتی نهایت امر امور امامت را نیز به عهده داشت بعد از شهادت امام حسین(ع)، اصحاب و یاران پاکش، حضرت زینب(س) مسئولیت حمایت از علی بن حسین(ع) یا همان امام همام را برعهده داشت. و هنگامی که ماجراها و رخدادهای مناسبت عاشورا و برخورد حضرت زینب(س) با ابن سعد، ابن زیاد، و یزید و همچنین نقش ایشان در لحظات انتقال اسرا به شام و بازگشت به مدینه را مد نظر قرار می‌دهیم، یک تصویر کامل از فعالیت‌ها و عملکردهای زنان اهل بیت را به وضوح در می‌یابیم. حضرت خدیجه(س) حامی حضرت پیامبر گرامی(ص) بود. حضرت زهرا(س) حدود حقیقت را در مساله امامت ترسیم می‌کرد و حضرت زینب(س) حامی امامت و ولایت بود و آری این زنان از تمام لذائذ دنیوی گذشتند تا آنکه ثواب افزونی را در یابند. امام موسی صدر در پی آن بود که زنان را تشویق کند تا به رفتار و کردار حضرت زینب(س) و زنان اهل بیت پیروی جویند. امام موسی صدر می‌خواست که زن یکی از ستون‌های جامعه فضیلت محور باشد

جامعه‌ای که در آن دانش و ایمان در مرکز آن قرار دارد. موسسات امام موسی صدر از همان آغاز تاسیس راه امام موسی را پیمودند که واقع ترکیبی میان تعهد دینی و مصالح دنیوی بود. سازمان‌های امام موسی صدر از کارنامه‌ای درخشان در عرصه حل مشکلات زنان و رفع نیازهای آموزشی و بهداشتی و حرفه‌ای آنان برخوردار بودند و توانستند جایگاهی بسیار والا در اذهان و افکار جامعه زنان به عنوان بانوان فقیر و کم درآمد اختصاص دهند که البته همه این‌ها به خاطر برنامه‌های ارزشمندی بود که آنها در زمینه‌های کمک‌های اجتماعی، مبارزه با بی‌سوادی، کمک به یتیمان، نیازمندان، مقابله با مشکلات اجتماعی و اقتصادی زنان جنوب لبنان داشتند.

موسسات امام موسی صدر علاوه بر فعالیت‌های بومی پیوندهای عمیقی با سازمان‌های مربوط به امور زنان در جهان دارند و از همین رو می‌بینیم که در کنفرانس‌ها و همایش‌های داخلی و خارجی در مورد زن شرکت می‌کنند و فعالیت‌های آنان در راستای مقابله با هر گونه تبعیض بر ضد زنان قرار دارد. گفتمان موسسات مذکور به وضوح از تاکید آنها بر مشارکت زنان در حیات عمومی جامعه حکایت دارد. موسسات امام موسی صدر از طریق روابط محلی منطقه‌ای و بین‌المللی که دارند در زمینه تبادل تجارب و مهارت‌ها و در زمینه امداد رسانی و رشد و توسعه در لبنان فعالیت می‌کنند و این موسسات اخیراً توانسته‌اند در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد به عنوان عضومشورتی انتخاب شوند که این امر نیز با هدف افزایش فعالیت‌ها و تأثیر در دو سطح داخلی و بین‌المللی صورت گرفته است. موسسات امام موسی صدر تمام تلاش خود را برای تحکیم فرهنگ گفتگو و تلافی میان فرهنگ‌های مختلف - برای تعمیق فرهنگ تسامح - به کار می‌گیرند. شاید بتوان گفت که زن و توانمند ساختن یکی از محورهای اصلی شکل‌گیری موسسات امام

- موسی صدر و اهداف آن می‌باشد که دستیابی به آن از راه‌های زیر امکان پذیر است:
- افزایش توانمندی دینی اخلاقی و روحی تسان که زن بتواند به "معروف" بپردازد و "معروف" یعنی هر عملی که رضای خدا و صلاح مردم در آن نهفته باشد
- افزایش توانمندی‌های آموزشی روانی و اجتماعی
- افزایش توانمندی‌های بهداشتی روانی و اجتماعی از طریق برنامه‌های مربوط به حمایت از مادران، کودکان، جلسات گفتگو، آگاهی بخشی و خدمات مراکز بهداشتی و اجتماعی.
- افزایش توانمندی‌های حرفه‌ای در مرکز آموزش پرستاری و برنامه‌های فشرده آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.
- افزایش توانمندی حقوقی و سیاسی که این مساله نیز بنا هدف تغییر عمیق اجتماعی صورت می‌گیرد که برای رسیدن به این منظور باید تقسیم عادلانه‌ای میان نقش زن و مرد صورت بگیرد و با هرگونه تبعیض علیه زنان مقابله شود.
- تهیه یک نمونه سازماندهی شده و عالی که بتوان در زمینه حضور فعال زنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری و مدیریتی ارائه داد و این همان چیزی است که چارت سازمانی موسسات امام موسی صدر از آن برخوردار است.

اهداف عمومی امام موسی صدر

موسسات امام موسی صدر دلیل شکل‌گیری و تدام فعالیت خود را پیاده کردن تفکر امام موسی صدر می‌داند یعنی تفکر اصلاحی اجتماعی توسعه‌پذیر که بر اصول زیر استوار است:

- ۱- بهبود شرایط زندگی طبقات آسیب پذیر (محرمان و زنان و غیره...)
- ۲- مشارکت دادن اعضاء از طریق توسعه توانایی‌های آنان

۳- ایجاد فضای گفتگو میان ادیان، فرهنگ و سازمان‌ها مختلف

فعالیت‌های عمومی موسسات امام موسی صدر

- ۱- مراقبت از کودک یتیم
- ۲- آموزش آکادمیک و تخصصی و همچنین ایجاد یک مهد کودک
- ۳- آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
- ۴- ایجاد مراکز درمانی ثابت و موقت
- ۵- خدمات اجتماعی و توسعه‌ای (رستوران خیریه، شیرینی‌پزی، و تولید فرآورده‌های لبنی، تهیه وسایل زندگی برای محرومان)
- ۶- خدمات متنوع فرهنگی (برگزاری کنفرانس‌ها، ایجاد مراکز پژوهشی، انتشار کتاب‌ها)

خلاصه:

- مقاله در ذیل یکی از بندهای کنفرانس با عنوان: "حقوق زن و مسئولیت‌های اقتصادی او در خانواده و جامعه" می‌آید.
- عنوان مقاله: زن سازنده آینده و میهن
- مقدمه مقاله بر مبنای اسلام تأکید می‌کند که پایه آن برابری همه انسان‌هاست.
 - به کارگیری طرحی همه جانبه برای مبارزه با بی‌سوادی بین زنان و مقصود بی‌سوادی در خواندن و نوشتن نیست، بلکه منظور ناآگاهی در زمینه تولید مثل و ناآگاهی تربیتی و اقتصادی و حقوقی است.
 - رشد اقتصادی و توسعه بشری و ایجاد توانایی انجام کار یعنی توانمند ساختن زنان در تصمیم‌گیری و مشارکت همه جانبه.
 - توسعه و کارکرد بخش عمومی و حرکت امام موسی صدر در این زمینه و

کمک او در تشویق بخش‌های ملی و مشارکت ایشان در جریان توسعه
- چرا زن؟ زن و توسعه؛ نقش محوری زن در ایجاد نقش‌هایی که در روابط
کاری - عادلانه تر است.

- زن در مؤسسات امام موسی صدر؛ نقش زنان اهل بیت و نقش حضرت
زینب(س) به عنوان الگویی که امام موسی صدر در جامعه می‌طلبد به طوری که در
آن اختیار و پایبندی دینی یا اختیار در زندگی یکی می‌شود.

- هدف‌های عمومی انجمن

- فعالیت‌های عمومی انجمن

**چالش‌های فراروی زن مسلمان
در جوامع معاصر**

جعفر عبدالسلام

استاد حقوق بین‌المللی

مقدمه:

در حال حاضر زن مسلمانانی که در جوامع کشورهای اسلامی زندگی می‌کند با چالش‌های متعددی روبروست علت اصلی آن نیز غرب زدگی و گسترش سایه آن بر زندگی آنها می‌باشد. برابری حقوق زن و مرد را بشارت داده است که و بسیاری از اندیشمندان ما از جمله: "قاسم امین"، "طه حسین" و "محمود عزمی" بدنبال این جریان یا اندیشه به راه افتادند و بیرون آمدن زن از خانه و کنارگذاشتن حجاب را تشویق کردند دیری نپایید که زن دوش بدوش مردان یا بدون آنها در انقلاب ۱۹۱۹ میلادی شرکت جست و بتدریج شعار زیادی از پست‌های اداری دولتی را به اشغال خود درآورد انقلاب ژوییه مصر نیز این روند را به شدت تقویت کرد بگونه‌ای که پس از آن زنان وارد عرصه‌های زندگی سیاسی شدند و کاندید احراز پست‌های عمومی گردیدند و به مجالس قانونگذاری نیز راه یافتند و از آن مهمتر انقلاب آنان را به مقام وزارت هم رساند و فرصت‌های شغلی زیادی از جمله شغل قضاوت را در برابرشان گشود و در جاهایی چون دستگاه پلیس آنانرا به کارگمارند که تاپیش از آن کار کردن زنان در آن مکانها میسر نبود. اینک تقریباً در همه بخش‌های دولتی زنان حضور فعالی دارند.

هم اکنون شاهد آنیم که قوانینی در راستای تثبیت حقوق زنان حرکت می‌کند و

در کشور ما از سال ۱۹۲۵ میلادی به بعد در جهت تسهیل امور زنان شکل می‌گیرد در آن سال قوانینی به تصویب رسید که تابع مذهب معینی نبود و با مذهب حنفی که عمده قوانین مسایل احوال شخصی بر اساس فقه آن بود همخوانی نداشت. پس از آن قوانین متعدد دیگری همین جهت گیری را داشتند و آخرین آنها قانونی بود که در سال ۲۰۰۳ میلادی تصویب شد و مردم به آن نام "قانون خلع" دادند این قانون براساس یکی از باب‌های فقه اسلامی به زن حق برابر با مرد می‌دهد در پایان بخشیدن به زندگی زناشویی با صدور حکم قاضی به نظر مرد توجه‌ای نمی‌شود. می‌توان گفت در حال حاضر در بیشتر کشورهای اسلامی، در سرخورداری از حقوق و آزادی‌ها، تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد.^۱

با اینحال غرب با دخالت در خصوصی‌ترین مسایل زندگی ما کاملاً بی‌رحمانه عمل می‌کند. ایالات متحده آمریکا از ما می‌خواهد اصلاحات سیاسی را در سه محور بیگیری کنیم:

محور اول: آموزش اصلاح نظام آموزشی و بویژه آموزش‌های دینی در جهان اسلام، زیرا که به نظر او این آموزش‌ها مبتنی بر نفرت به دیگری و تشویق جهاد علیه اوست. این نگاه غرب بیشتر آیات قرآنی را دارای روح جهاد و دشمنی با دیگری و نفرت از او می‌بیند.

محور دوم: مربوط به زن است می‌گویند با زنان در کشورهای اسلامی رفتار

۱- بسیاری از برادران روشنفکر و حقوقدان، سخنی را تکرار می‌کنند که ای بسا درست هم باشد و آن اینکه بخش اعظم هر چیزی که نصیبشان می‌شود از "مصر" می‌آید همچنانکه هر شری که بر سرشان می‌آید نیز از مصر است؛ استدلال آنها هم مربوط به انتحال نجدخواهی از مصر به سوی آنهاست. "قانون وقف"، "قانون ارث"، "قانون خلع" و بیشتر مسایل احوال شخصی از این جمله‌اند. چنین چیزی در لبنان، اردن و تا حدودی سوریه اتفاق افتاده است.

ناخوشایندی می‌شود و زن همان چیزی را به فرزندان خود می‌دهد که با آن خو گرفته و پرورش یافته است. او فرزندان خود را به دلیل ظلم و ستم و سرکوبی که در جامعه نسبت به خود می‌بیند به افراط‌گرایی و تروریسم می‌پروراند.

محورسوم: مربوط به تربیت سیاسی و رژیم‌های حاکم در کشورهای اسلامی است که جعلگی مستبدانه است در کشورهای اسلامی هیچ‌گونه مشارکت سیاسی و نمود دموکراسی یافت نمی‌شود.

شگفت این‌که متأسفانه کسانی‌که درباره وضع کشورهای اسلامی چنین نظریه پردازی کرده‌اند اندیشمندی چون: "برنارد لوئیس"، "فوکویاما"، "لوئیس هنتینگتون" هستند که تألیفاتی در اسلام و تاریخ آن و نیز کین توری آشکاری نیست به اسلام دارند و چرایش را هم نمی‌دانم!

آنها براین عقیده‌اند که در حال حاضر تمدن غرب دشمنی جز اسلام و مسلمانان ندارد و اگر تمدن اسلام ریشه کن نشود نتایج وخیمی در انتظار آنهاست ضربهای قوی به رژیمهای اسلامی، کلید سلامت تمدن معاصر اروپا و آمریکا و ازنابود کننده‌ی چیزی است که آنرا "تروریسم اسلامی" می‌خوانند.

واقعیت آنست که آمریکا و به تبع آن غرب برنامه‌هایی برای تربیت زن مسلمان آنگونه که می‌خواهند ارایه داده‌اند و از سوی برخی رژیم‌های عربی بویژه در کشورهای خلیج فارس و شماری از کشورهای ما نیز پاسخ مثبت دریافت کرده‌اند بطوری که بانوانی را به آنجا فرستاده‌اند تا در ایالات متحده به سبک آمریکایی پرورش یابند. غرب زدگی به شدت در دانشگاهها و مدارس ما نفوذ کرده و مدرک دانشگاهی آمریکایی معتبرترین مدرک تحصیلی در کشورهای ما بشمار می‌رود. صدها مدرسه و دانشگاه تأسیس یافته که زبان انگلیسی را تنها زبان تدریس در کشورهای اسلامی در نظر گرفته‌اند.

این گرایش دگرگونی‌هایی را در برابر زن مسلمان قرار داده و او را با چالش‌ها و مشکلاتی مواجه کرده که متأسفانه می‌رود تا اساس بنیاد خانواده را در جوامع ما با خطر مواجه سازد. ناگزیر باید زنگ خطرهای جدی که خانواده‌ها و جامعه‌های ما با آن روبرو شده‌اند به صدا درآوریم. گردهمایی ما در ایران فرصتی برای چنین کاری است زیرا به نظر من کشور ایران از جمله مهمترین کشورهای اسلامی است که پیشاپیش و در طلیعه دریافت کننده امواج حملات غرب علیه موجودیت و اصول نایب ما بشمار می‌رود. لذا دردنباله مطلب به چالش‌هایی که زن مسلمان بر اثر غرب زدگی و سلطه جریان‌های آمریکایی در جوامع اسلامی با آن مواجه است خواهم پرداخت و بخش اول را به چالش‌های مربوط به خانواده و بخش دوم را به چالش‌های متعلق به کار اختصاص خواهد داد.

بخش اول

چالش‌های مربوط به خانواده

اسلام خانواده را هستی بنیادی جامعه اسلامی می‌داند این سلول از زن و شوهر و فرزندان تشکیل شده و بر اساس مسائل شرعی، شماری از روابط میان آنها برقرار می‌شود و مهر و محبت و مودتی که قرآن کریم از آن یاد کرده میان افراد آن سایه افکنده است: «ومن آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها وجعل بینکم مودةً ورحمةً ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون»^۱

۱. سوره روم - ۲۱ و از نشانه‌های او این است که از خودتان همسرانی برایتان آفرید تا کنار آنان آرامش یابید و میان شما دلبستگی پایدار و مهر پدید آید بی‌گمان در این نشانه‌هایی است برای گروهی که می‌اندیشند.

از جمله شالوده‌های خانواده علاوه بر مودت و مهر:

۱. مرد عهده دار سرپرستی زن و سرپرست خانواده است مقتضیات خانواده و پیشبرد آن نیز ایجاب می‌کند که مرد سرپرستی آن را بر عهده داشته باشند این سرپرستی سلطه‌ای خانوادگی است که حق توجیه تربیت و ارشاد خانواده را به وی می‌بخشد.

۲. این مرد است که شرعاً مکلف به تأمین هزینه‌های همسر و خانواده خویش است. سرپرستی خانواده بدینگونه کامل و دارای اساس می‌گردد. خداوند متعال می‌فرماید: «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بمصهم على بعض وبما انفقوا من اموالهم»^۱

۳. سرپرست خانواده حق سیاست همسر و اعضای خانواده‌اش را دارد این حق از جمله فنون زندگی زناشویی است بطوریکه موفقیت در امور خانواده مرهون بکارگیری درست این حق و عدم افراط یا تقریط در آنست.

۴. پدر خانواده دارای نقش اساسی در تربیت و تعلیم و اعتلای شأن خانواده است.

۵. فرزندان تا پشت سر گذاردن سن بلوغ و توان ایستادن روی پاهای خود در کنف حمایتی خانواده قرار دارند و به سادگی از آن جدا نمی‌شوند.

دختر تا زمانی که ازدواج نکرده با خانواده می‌ماند پدر عهده دار ازدواج او و ندرکی خانه و جهیزیه اوست و البته در انتخاب همسر کمکش می‌کند. روابط بین زن و شوهر نیز رابطه‌ای دائمی است و اگر مشکلاتی در خانواده میان زن و شوهر پیش آید ناگزیر باید وسایلی برای رفع اختلافهای درون خانوادگی وجود داشته

۱. سوره نساء ۳۴ مردان سرپرست زنانند بدان روی که خداوند برخی از آنها را بر برخی دیگر برتری داده است و برای آنکه مردان از دارایی‌های خویش، می‌بخشند.

باشد. می شود از میانجیگری خویشان بهره گرفت همچنانکه امکان دارد پیوند ازدواج با طلاق گسیخته شود که اساساً این کار در اختیار و به دست مرد است و گاهی نیز به دلایل قانونی مشخصی که در قوانین مدنی مصر مطرح شده به دست قاضی است. اختیار طلاق از اینرو اساساً به دست مرد است تا رابطه زناشویی به دلایل واهی در معرض گسیختگی و فروپاشی قرار نگیرد. در ایام اخیر آثار غرب زدگی بر خانواده مسلمان کاملاً آشکار شده است چه بسا مهمترین جنبه های منفی پورش های ددمنشانه علیه مسلمانان را بتوان به صورت زیر خلاصه بندی کرد:

الف: ضربه زدن به ثبات خانواده ها از طریق قوانینی تدوین شده که رهایی از پیوند مقدس زناشویی را آسانتر می سازد. ما هرچند با مطرح بودن دلایل برای طلاق از طریق دادگاه مخالفتی نداریم ولی برآنیم که نظامی در "قانون خلع" مصر نظامی مطرح شده که اساس خانواده را در معرض خطر قرار داده و با کمترین بهانه ای زن را بر آن می دارد که به این قانون مراجعه کند استفاده از "قانون خلع" همچون شمشیری است که زن، شوهر و خانواده حتی جامعه اش را مرتب تهدید به استفاده از آن می کند!

ب: به رغم استقرار قاعده شرعی که حق اختیار شوهر را به زن می دهد ما شاهد جلوه های متعددی از ازدواج های غیررسمی هستیم که از سوی دختر بدون اجازه

۱- طی بحث و بررسی "قانون خلع" در "مجمع پژوهش های اسلامی" نظر ثاقبی در فقه و به قوت خود را مطرح کرد که می گفت: در حالت خلع، اراده شوهر برای وقوع طلاق، عنصری اساسی است و به این استناد می شد که پیامبر اکرم (ص) در تنها حالتی که در خصوص "خلع" به وی مراجعه شد، از زن خواست تا باغچه ای را که شوهر به هنگام ازدواج به وی هدیه کرده بود، به وی بازپس گرداند و از شوهر نیز خواست تا زینش را طلاق دهد. ولی وزارت دادگستری (مصر) به آن گرایش داشته که در طلاق خلع، حق طلاق را به رغم اراده شوهر، به قاضی اعطا کند تا در ایفای طلاق، به اراده شوهر، مراجعه نشود.

پدر صورت می‌گیرد^۱ و شدت شیوع پیدا کرده است و بسیاری فتوا به درستی این ازدواج‌ها داده‌اند. گفته می‌شود اغلب دانشجویان دختر و پسر با شهادت دوستان خود و به صورت عرفی و نانوشته اقدام به ازدواج با یکدیگر می‌کنند که حتی اگر ثبت هم شود روی برگه ساده‌ای است که بیشتر مورد انکار شوهر نیز قرار می‌گیرد و مشکلات متعددی را در پی دارد.

ج: در بسیاری از کشورهای اسلامی، و از جمله مصر که درباره آن صحبت می‌کنیم موارد طلاق به شدت بالا رفته است علت آن نیز غروب زدگی است. تبلیغات غربی که احترامی برای خانواده قایل نیست به زن کمک می‌کند تا خود را از بند اسارت خانواده برهاند و مسئولیت خانواده را برعهده نگیرد.

د: می‌بینیم که استقلال اقتصادی زنان، نقش بسزایی در فروپاشی خانواده ایفا کرده است. زن کار می‌کند و گاهی نیز درآمدش بیش از درآمد شوهر است و اندیشه‌های سلطه طلبانه‌ای که بیاری از مردان را به استبداد کشانده به زنان نیز این احساس دست می‌دهد که دیگر نیازی به شوهران خود ندارد و عاقبت باعث سستی پیوندهای زناشویی می‌گردد.

از جمله چالش‌های دشواری که زن و خانواده مصری و بطورکلی دولت از آن

۱- در حال حاضر مسئله حقوقی معروفی بنام مسئله "هندالحنای" در برابر افکار عمومی مصر قرار دارد؛ او مدعی است که فرزند یکی از هنرپیشه‌های معروف مصر با او ازدواج کرده و دختری از وی بدنیا آورده است. این خانم و خانواده اش ادعا می‌کنند که ازدواجی عرفی صورت گرفته که در برگه‌ای نیز ثبت شده ولی مرد آنرا ریهوده است، این مرد به وجود رابطه نامشروع میان خود و مدعی اعتراف کرده و می‌گوید که به صورت ازدواج نیوده است، دادگاه زیر بار اثبات نسبت فرزند بر اساس قاعده شرعی: «فرزند متعلق به زن همبستر است و زن زناکار را باید سنگسار کرده ترفیق؛ این حکم، نقض شد. گواهی جدی وجود دارد که ضرورت اثبات نسبت را از طریق آزمایش DNA - به جای راههای اثبات شناخته شده فعلی - توصیه می‌کند؛ این نیز از مظاهر غرب زدگی است که زنان و خانواده‌های مسلمان را فرا گرفته است.

رنج می‌برند خودداری جوانان از ازدواج و تشکیل خانواده است این پدیده دلایل بسیاری دارد از جمله و مهمترین آنها علت مادی است چه بیشتر جوانان از درآمد کافی برای تأمین مخارج ازدواج و برآوردن نیازهای مادی زنانشویی برخوردار نیستند. همچنانکه در جامعه عادات و سنت‌های عجیبی در خصوص هزینه‌های ازدواج و تشکیل خانواده مثلاً جشن‌های آنچنانی که نه خدا و نه پیامبر بدان راضی نیستند همه امکانات و اختراعات جدید غرب نیز در کشورهای ما یافت می‌شود و عرفاً انتظار می‌رود داماد آنها را تهیه کند. این دلایل باعث اختلالات اجتماعی در درآمدها و ایجاد طبقات بالا و فقیر می‌شود که هیچ سخیت و سازگاری با هم ندارند.

از دیگر دلایل خودداری جوانان از ازدواج بیرون کار کردن زن و اعتقاد او به اثبات هویت خود با اشتغال به کار حتی به بهای نابودی زندگی اجتماعی خویش است. تردیدی نیست که زن از اینهمه تنهایی مسؤولیتی که جامعه بر دوش نهاده و رنج می‌برد. اینک خیلی طبیعی است که شاهد زندگی زنانی تنها در یک، خانه باشیم و حوادث بسیاری نیز در خصوص تجاوز به چنین زنانی به گوشمان می‌خورد. از آن مهمتر اینکه فراوان دیده شده که زنان و احیاناً مردانی درخانه سالمندان بسر می‌برند که دلیل آن نیز سستی بنیان خانواده‌ها و نبود همبستگی در آنهاست.

خانواده، کیان اجتماعی مهمی است ولی ریشه‌های فراوانی از هر سو به جان آن افتاده است بیم آن می‌رود آنچه که باعث فروپاشی خانواده و نبود همبستگی‌های خانوادگی که اینک گریبانگیر غرب است گریبان ما را نیز بگیرد.

پدیده‌ی عدم روی آوری به ازدواج در غرب جامعه وحشتناکی را در آنجا پدید آورده و نرخ رشد جمعیت را در شماری از کشورهای غربی به صفر یا زیر صفر رسانده است جوامع غربی پسر شده‌اند زیرا بخش اعظم جمعیت آنانرا افراد

سالخورده تشکیل می‌دهند و ما اگر چه به این درجه نرسیده‌ایم ولی چنددان فاصله ای نیز با آن نداریم.

گسترش فحشا در کشورهای ما، به مرزهای وحشتناکی رسیده است. جوانان وقتی ببینند راههای ساده ای برای ارضای غرایز خود بدون هزینه های بالا و تحمل مسؤولیت وجود دارد، تن به ازدواج نمی‌دهند و این عیناً همان بیماری می‌باشد که در غرب گسترش یافته و به نتایج بدی که بدان اشاره کردیم، انجامیده است.

چالش‌هایی که در خصوص زن و خانواده از آنها سخن گفتیم در همه جوامع اسلامی هریک به نسبتی با آنها روبرو هستند: چالش عدم ازدواج، چالش تنهایی، چالش عدم تداوم خانواده ها و گرایش به زندگی آزاد بدون خانواده یا رهایی سریع از مسئولیتهای خانوادگی و ازدواج تحت تأثیر عوامل بسیاری چون: تبلیغات و سلطه غربی که هرازگاه اندیشه‌هایی در مورد ازدواج های ایده‌آل از آنجا به ما درز می‌کند و نیز بی بند و باری جنسی، آزادی سقط جنین و جابجایی نقش زندگی زن و مرد با یکدیگر از راه نظام جنسیتی و دور شدن تدریجی از نهاد خانواده و ازدواج و آسان‌گشتن ویرانی روابط زناشویی، که متأسفانه در منشور جمعیتی سازمان ملل مورد ترویج هم قرار می‌گیرد و چندین کمیته از کمیته های سازمان ملل اقدام به تبلیغ و گسترش آن می‌کنند و حتی کشورهای را که بدان عمل نکنند مورد تهدید قرار می‌دهند. همه این عوامل و دلایل به گسترش و اشاعه بی بند و باری زنا و فساد می‌انجامد چیزی که قرآن کریم خطرات آنها را گوشزدمان کرده است خداوند متعال می‌فرماید: « والله یرید ان یتوب علیکم و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلا عظیما^۱»

۱- سوره نساء: ۲۷: خداوند می‌خواهد توبه شما را بپذیرد و آنان که از شهوت ها پیروی دارند، می‌خواهند که شما به کجروی سترگی بیفتید.

بخش دوم

چالش‌های مربوط به کار زنان

در اغلب کشورهای اسلامی زنان در خارج از خانه به کار مشغولند و همچنان خواستار حقوق برابر عددی با مردان هستند یعنی آنها بی توجه به تفاوت‌هایی که میان مرد و زن وجود دارد، همان حقوقی را می‌خواهند که مردان از آنها برخوردارند که بی تردید، این امر مشکلات و چالش‌های متعددی را فرا روی زنان قرار داده است. در جوامع شرقی، به هر حال مسؤولیت‌های تربیت کودکان و توجه به آنها و نیز اداره منزل و تدارک زندگی مشترک خود و شوهر و به عهده زنان است. برعهده گرفتن قسمتی از بار این مسؤولیت‌ها از سوی مردان، دشوار است و با کار کردن زن در بیرون هماهنگی میان نیازها و مقتضیات کار بیرون و اداره منزل دشوار می‌گردد. و این خود مشکل بزرگی است که به صورت مانع اصلی تداوم زندگی سالم در خانواده‌های ما درآمدہ است. البته در قوانین مدنی ما، سوادکی هست که به زن کمک می‌کند که تا حدودی بین کار بیرون و کارهای خانه هماهنگی ایجاد کند از جمله: کاهش ساعات کار در نظر گرفتن زمانی برای شیردادن به نوزاد مرخصی‌های دوران بارداری و مرخصی دوساله برای بزرگ کردن بچه و... ولی اینها همه به نوع کار بستگی دارد، لذا بخش خصوصی به سادگی حاضر به پذیرش بانوان به عنوان کارمند نیست و برعکس در بخش دولتی ما با تراکم خانم‌ها مواجهیم که به نوبه خود مشکل دیگری است.

از آن گذشته اندک اندک به راه‌حلهای دیگری نیز اندیشه شده است از جمله راحت‌ترین آنها بازگشت زنان به خانه و کنار گذاشتن فکر کار کردن در خارج از

منزل که البته ناکافی بودن درآمد مرد در برخی حالتها مانع از تحقق آن می‌گردد به علاوه وقتی زنان هم به مناصب بالایی می‌رسند به دشواری حاضر به رها کردن کار خود می‌شوند و در اینجاست که اختلاف‌های خانوادگی شروع می‌شود و فرزندان و خانه اولین قربانی‌انند.

ما نیاز به آن داریم که کمک مردان به زنان در کار خانه تبدیل به فرهنگ جامعه شود زنان هم در صورت انتخاب کار بیرون باید کارهای ساده‌ای را انتخاب کنند که وقت چندانی نگیرد و بتوانند میان کارهای منزل که دارای اولویت است و کار بیرون با هماهنگی ایجاد کنند. و چه خوب است اگر کارهایی باشد که بتوان آنها را در منزل هم انجام داد کارهایی که با سرانگشتان ظریف زنانه باید انجام شود که در کشورهای شرق آسیا و بخصوص چین قابل مشاهده است و نیز کارهایی چون: مونتاژ ماشین حساب‌های دیجیتالی، ساعت، لوازم منزل و حتی اغذیه، چالش اصلی که زن مسلمان در کشورهای ما با آن مواجه است، خروج زن از منزل جهت انجام کارهای دولتی یا اداری در بخش خصوصی و... است که مردان نیز انجام می‌دهند در نتیجه کار زنان در تعارض با کار مردان قرار دارد و در همه جا از سوی مردان در معرض آزار و اذیت قرار دارند، در رفت و آمد، در وسایل نقلیه، در نشستن کنار مردان در دفاتر کار و ادارات، در اختلاط کامل با مرد در کار و در هر جا زنی که در بیرون از منزل به کار می‌پردازد، نمی‌داند چگونه باید غذای خانواده را بپزد و برای همین بیشتر از غذاهای بیرون و آماده، استفاده می‌کند. کودکان بدون مراقب می‌مانند و کسی نیست مواظب آنها باشد. کلید خانه را بالای درب جاسازی می‌کنند تا هرکس اول رسید درب منزل را باز کند. نقش خدمتکاران خانگی در کشورهای ما

خیلی پررنگ شده است. علاوه بر اداره خانه و تهیه غذا و پخت و پز، تربیت فرزندان هم بر عهده آنهاست و در نتیجه خانه شرقی برخی بنیادهای اصلی خود از جمله نقش برجسته بانوی خانه در تربیت فرزندان و انتخاب غذا و پخت آن بگونه‌ای که مایه سعادت شوهر و فرزندان را فراهم آورد از دست داده است.

این دگرگونی‌ها چالش تازه‌ای در برابر جامعه و زنان قرار داده است. اینک زنان دیگر آن موجود ظریف و لطیف و جذاب برای مرد و کسی که در پی آسایش و آرامش اوست نیستند. زنان وضعیتی پیدا کرده‌اند که آنها را بیشتر شبیه مردان می‌سازد. قاطعیت و جدی بودن در کار برای انجام بهتر کارها و نیز برای دور کردن آدمهای بیماری که دور و بر آنها قرار می‌گیرند که در حال حاضر چه زیاد هم هستند، هم نشینی زنان و مردان در محیط کار و انتشار افکاری در اهمیت این همکاری‌ها جوامع ما را دچار تنگناهای شدیدی کرده است. چه بسیار خانواده‌ها که به دلیل ضعف زن در برابر مرد فریبکاری که او را وسوسه می‌کند تا همسر و خانواده‌اش را ترک گوید و به ازدواج رسمی یا غیر رسمی‌اش درآید از هم پاشیده شده است و متأسفانه این گونه حوادث از پدیده‌های ثابت زندگی ما گشته است.

از جمله چالش‌هایی که زن در کار خود با آن روبروست چالش آرایش خود برای نامحرمان است. برای زن نیز آسان نیست که آراستگی و زینت خود را پنهان سازد یا از صحبت با مردان بهنگام کار خودداری ورزد. بویژه زمانی که کار ساده باشد و وقت چندانی بخود اختصاص ندهد و سوسه مردانی که در کنار او می‌نشینند نیز جای خود دارد. این امر هزینه هنگفتی برای خانواده دارد و خانه خراب کن است چرا که طبیعت زن و مرد کشتن متقابل آنها به یکدیگر است و موانع و

دیوارهای آنچنانی نیز مانع از اظهار یا پذیرش این کشش نیست.

در حال حاضر چالش جدی تری نیز فرا روی زنان مسلمان قرار دارد و آن جهانی شدن و قابلیت خرید و فروش همه چیز در این مکاره بازار است. جهانی شدن مصرف گرایی و پیروی جوامع مختلف از این گرایش به علت تبلیغ کالا و باعث وابستگی کامل موضوع به کم و کیف تبلیغاتی شده است و زن خود کالایی است که در این تبلیغات و آگهی های تبلیغاتی مورد سوء استفاده قرار می گیرد.

جذابیت اندام زن به صورت مهمترین ابزار تبلیغاتی درآمده است و تردیدی نیست که برای سرمایه گذار و فروشنده غربی جسم زن اهمیتی ندارد و نقاشی و عکاسی زنان عربیان در کمال بی شرمی با توجه به وجود تابلوهای معروف نقاشان و مجسمه سازان غربی مسئله ای کاملاً عادی شده است حال آنکه اسلام جسم آدمی را مصونیت و تقدس بخشیده و همه آنرا عورتی تلقی کرده که جز دو دست و صورت نمی توان آنرا عیان نمود؛ دراین میان زن مسلمان در برابر چنین چالشی چه کند؟ او باید از کالا گشتن خود و عرضه آن به عنوان یک کالا خودداری و در برابر رسانه هایی که از زن در تبلیغات خود استفاده می کنند بایستد. زنان با اوضاعی روبرو هستند که دوره بردگی سفید را بخاطر می آورد در آن زمان باندهایی به خرید و فروش زنان می پرداختند. جوامع اسلامی باید هر نوع تجارت فحشا و نیز بهره گیری از جسم زن به عنوان ابزاری تبلیغی برای ترویج کالا را رد کنند و زیر بار آن نروند.

خانمه:

در صفحات اندک بالا، آنچه را که خانواده‌ها در جوامع ما با آن روبرو هستند و چالش‌ها و مشکلات ناشی از غرب زدگی را از نظر گذرانیدیم. اسلام شالوده‌های وضع خاص زنان در جوامع اسلامی را بگونه‌ای پی ریزی کرده که تعادل میان حقوق و وظایف زن و مرد و فرزندان را تحقق می بخشد. ولی این تعادل با دخالت‌های غریبی دچار اختلال گردیده است. غرب همواره زنان مسلمان را به گونه‌ای تصویر می کند که گویا موجود ستم‌دیده‌ای هستند و در جوامع اسلامی ما برخورد بدی با آنها می شود. غرب زنان مسلمان را تشویق به تمرّد و خروج از روال اسلامی کرده و خواستهای اصلی او را در نیل به پست‌های بزرگ دولتی از جمله نخست‌وزیری، وزارت و مقام قضایی، رقم زده است. از همه مهمتر چالش‌هایی است که به زندگی خانواده و انجام وظایف اصلی وی مربوط می گردد.

هماهنگی میان کار و وظایف خانواده از مسایل دشواری است که زنان در حد بسیاری در آن ناکام بوده‌اند و در نتیجه فروپاشی خانواده‌ها به پدیده خطرناکی در جوامع اسلامی ما تبدیل شده است. همچنانکه نشانه‌های فساد روابط مرد و زن خود را نشان می دهند و حالت‌های ازدواج‌های غیر رسمی که زن و مرد هیچگونه مسؤولیتی را در آن نمی‌پذیرد و تنها به اهداف جنسی خود در این روابط می‌اندیشند فزایش پیدا کرده و این وضع در پدیده‌های اجتماعی و بویژه بر خانواده مسلمان تأثیر خود را برجای گذارده است.

اختلاط زن و مرد در محیط کار و در اماکن آموزشی نیز به نوبه خود مشکلات متعددی را در پی داشته است که بهتر است خانواده مسلمان و جامعه مسلمان از آن

اجتناب ورزند پدیده ترشیدگی دختران و فساد و روابط گناه آلود و نیز طلاق و فروپاشی خانواده تبدیل به مهمترین نمودهای اجتماعی شده که خانواده‌ها را در بر گرفته‌اند.

بر این اساس چشم انتظار توصیه‌هایی هستیم که از این کنفرانس صادر گردد و نقشی در اصلاح ناهنجاری‌های زندگی اجتماعی ما که ناشی از سلطه غرب است ایفا کند. سلطه‌ای که با اسناد بین‌المللی خود ما را به بی بند و باری هرچه بیشتری فرامی‌خواند.

"الازهر" و "کلیسا" هر دو زیر بار روابط جنسی نامشروعی که خارج از چارچوب ازدواج برقرار می‌گردد، نرفتند ازدواج‌های مبادله‌ای و سقط جنین را نیز بدون دلیل قاطعی که پزشکان تجویز کنند نپذیرفته‌ند. جوامع ما باید پیوندهای خود در روابط اجتماعی را هرچه مستحکمتر سازد و راه‌حلهایی برای مشکلات دختران ازدواج نکرده و سنله‌یکاری بیابد و جوانان دختر و پسر را به نیروهای معنوی برگرفته از آموزه‌های آسمانی و نیز به توان‌های مادی که لازمه برقراری زندگی سالم خانوادگی است مجهز سازند. باید خانه‌هایی قابل سکونت در حد وسیع جوانان ساخته شود و در این راه دولت و توانمندان کمک کنند تا بر این مشکلات فائق آییم.

اوضاع اجتماعی ما نیازمند مطالعات دقیق و مرشکافانه‌ای است که هم مشکلات را تشخیص دهد و هم درمان لازم برای آنها ارائه کند اگر چنین نکنیم بحرانهای زمانه بیش از پیش زندگی ما را در خواهد درید.

آخرین چیزی که توصیه می‌کنم نفی سلطه غربی است که هم اینک ما را احاطه

کرده است، سلطه ای که نه تنها از برای درهم شکستن اراده و دین با نیروی انتظامی و اقتصادی یاری می‌جوید بلکه به دعوی اصلاح در امور تعلیم و تربیت و زندگی اجتماعی و سیاسی ما دخالت می‌کند. حال آنکه خود غریبان با داشتن جامعه‌ای متزلزل و درهم شکسته، بیش از همه نیازمند اصلاحند.

خانواده
از دیدگاه دین

الطیب سلامه
عضو شورای عالی اسلامی - تونس

مقدمه:

وقتی می‌گوییم خانه، در حقیقت گفته‌ایم خانواده و اگر بگوییم خانواده، در واقع گفته ایم زن و شوهر یا پدر و مادر و وقتی نام پدر و مادر بمیان آید اسم فرزندان آنان نیز مطرح می‌شود. خانه به لحاظ لغوی، دراصل مسکنی بوده که ممکن است از سنگ، گل یا موی بز ساخته شده باشد و آنگاه تسامحا به شرافت اطلاق شده است گفته می‌شود بیت تعیم در حنظله است یعنی حنظله شرف آنها بشمار می‌رود. بدین ترتیب، واژه بیت در معنای خانواده به مفهوم شرف، فراگیری و حمایت است و خانواده‌ی فلان یا بت فلان، بکسان نیست زیرا بت فلان اگرچه در حقیقت به معنای مسکن است ولی مجازاً معنای شرف را می‌دهد و در مجموع، خانواده شریف را می‌رساند.

خانواده از دیدگاه دین بدین معناست که روشن سازیم شریعت اسلامی چه تصویری از مفهوم خانواده‌ی شرافتمند دارد و چگونه زن خوشبخت را محور آن قرار داده است. این شریعت آسمانی و مطهر، چه احکام و تزییاتی برای تضمین زندگی شرافتمندانه چنین خانواده‌ای در نظر گرفته است، برای تحقق رسالت آن در جامعه‌ای که شکل و رشد یافته است.

خانواده، ترکیبی اجتماعی است که با ازدواج آغاز می‌گردد.

خانواده با ازدواج شروع می‌شود و آنگاه با تناسل و زناشویی، گسترش می‌یابد.

و تبدیل به ترکیبی اجتماعی یا عضوی از جامعه می‌گردد. برای تصور این عضو مرکب، باید پیش از هر چیز از عناصر تشکیل دهنده آن سخن به میان آوریم. خانواده پیش از تولد فرزندان از زن و شوهر تشکیل می‌شود و سپس بدنبال تولد فرزندان، همین زوج تبدیل به پدر و مادر می‌شوند. هر کدام از زوج‌ها تنها به دلیل پیوند ازدواج میان آنهاست که چنین نامی یافته‌اند. با شناخت ازدواج در اسلام خانواده با دست کم بخشی از خانواده یا یکی از چهره‌های آنرا خواهیم شناخت.

ازدواج در شریعت اسلامی

ازدواج اولین پیوند میان دو انسان است و از این پیوند است که پیوندهای دیگر نشأت می‌گیرد. اگر آدم و حوا ازدواج نمی‌کردند و رابطه زناشویی میان آنها برقرار نمی‌شد، هیچکدام از روابط بشری از دورترین زمانها تاکنون وجود نمی‌داشت. بنابراین، ازدواج نیز یکی از آیات بزرگ الهی و گویای حکمت و حسن تدبیر و تقدیر هستی از سوی اوست.

آیه ازدواج خود شامل چندین آیه نشانه بزرگی خداوند است: *ومن آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها وجعل بینکم موده^۱* ازدواج مردان با زنان که از خودشان آفریده شده اند یک نشانه آیه بزرگ الهی است و اینکه این ازدواج آرامش و اطمینان بخش است خود آیه دیگری از آیات اوست. و اینکه باعث دلستگی پایدار و مهر و محبت میان زن و شوهر و نیز میان خویشان آنها شده است، آیات دیگری از نشانه‌های بزرگ خداوندی در امر ازدواج است.

از دیگر آیه‌های ازدواج نکاتی است که در آیه زیر انعکاس یافته است: *واھ جعل*

۱. سوره روم ۲۱: و از نشانه‌های او این است که از خودتان همسرانی برایتان آفرید تا کنار آنان آرامش یابید و میان شما دلستگی پایدار و مهر پدید آورد.

لکم من انفسکم ازواجاً و جعل لکم من ازواجکم بنین و حفدة و رزقکم من الطيبات^۱
 بنابراین فرزندان، زینت زندگی و ثمره پیوند مقدسی هستند که خداوند جهانیان
 بدگانش را بدان ارزانی داد و آنها به عنوان یک نعمت و بمناسبت انگیزه‌ای از
 انگیزه‌های فطرت بشری در پی آند اسلام به پیوند ازدواج اینگونه می نگرد و آنرا
 چنین پوششی می دهد تا مردم با حقیقت آن آشنا شوند و اهمیت آنرا در تأسیس
 خانواده خوشبخت درک کنند چرا که خانواده خوشبخت جز با ازدواج سعادت‌مندانه
 شکل نخواهد گرفت.

ازدواج موفق برای مرد به چه معناست؟ آیا ازدواجی است که زن زیبایی در یک
 سوی آن قرار دارد؟ یا زن ثروتمندی؟ یا زنی با بست لثلی مهم و یا بالاخره زنی
 با حسب و نسب؟ و ازدواج موفق و سعادت‌مندانه برای زن به چه معناست؟ آیا
 ازدواجی است که در آن با مردی خوش سیما، مردی تومنند و صاحب کاخ و
 اتومبیل گرانبیست و یا با مردی دارای پست دولتی و موقعیت اجتماعی بالا در
 جامعه، همسر گردد؟

اگر در انتظار پاسخ از سوی من هستید، من پاسخی به این پرسش نخواهم داد.
 زیرا هرگز در برابر پاسخ پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و بر آموزه‌هایی که برای
 همه ما به ارمغان آورده و از آنچه از پروردگارش آموخته و جز وحی الهی بر زبانش
 جاری نیست و از پیش خود سخنی نمی گوید حرفی نخواهم زد. پیامبر خدا
 (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ضمن تشویق جوانان به ازدواج و دعوت از آندسته جوانانی
 که هنوز امکان ازدواج نیافته اند به شکیبایی و انتظار تا زمانی که خداوند امکانات
 آنرا برایشان فراهم سازد. خطاب به آنان می فرماید: ای گروه جوانان هرکس از شما

۱. سوره نحل ۷۲: خداوند از خودتان برای شما همسرانی آفرید و برای شما از همسران،
 فرزندان و فرزندان‌زادگانی پدید آورد و از چیزهای پاکیزه، روزیتان داد.

توانایی و امکانات یافت ازدواج کند زیرا ازدواج راهی برتر برای پرورش چشم و دوری از معصیت است و هرکس نتوانست، روزه بگیرد که روزه چون دژی او را پاس خواهد داشت.^۱

توانایی و امکانات بنابه نظر اهل ذکر توان بدوش کشیدن مسؤولیت‌های زندگی مشترک و خانواده شامل مسؤولیت‌های مادی، قدرت تربیت و ارشاد و حمایت بی دریغ و پرتوان از خانواده در برابر هرگونه خطری است.

پیامبر اکرم (ص) به کسانی که قادر به ازدواج نیستند توصیه فرمود که در پناه روزه، شهوت غریزی خود را کنترل کنند و این عینا همان نکته‌ای است که در آیه زیر وارد شده است: *ولیتعفف الذین لا یجدون نکاحا حتی یغنیهم الله من فضله*^۲.

و این پیامبر گرامی (صلی الله علیه و سلم) است که معیار درست انتخاب را در برابرمان قرار می‌دهد تا مرد، زن شایسته‌ای را که دوسوم زندگی خانواده و شکل‌گیری خانواده سعادت‌مند در اختیار اوست برگزیند آنحضرت (صلی الله علیه و سلم) می‌فرماید: زن را به چهار چیزش به نکاح در می‌آورند: برای ثروتش، نسبش، جمالش و دینش، پس تو خدایت عاقبت خیر دهد آن زن دیندار را برگزین!^۳

کسی که دین ندارد، دنیا ندارد.

دین مرد و زن ریشه هرگونه اصلاحی است که پیامبر خدا (صلی الله علیه و سلم) در این درمورد، زن خوب و شایسته چنین فرمود: می‌خواهید شما را به بهترین گنجی که آدمی می‌تواند داشته باشد رهنمون کنم؟ زن وقتی شوهر به او نگاه

۱. حدیث عبدالله بن مسعود و دیگران، متفق علیه است.

۲. سوره نور ۳۳: کسانی که توان زناشوئی نمی‌یابند باید خویشان داری کنند تا خداوند به آنان از بخشش خویش، بی‌نیازی دهد.

۳. حدیث ابوهریره (رضی الله عنه) جز ترمذی، همه جماعت اهل سنت آنرا روایت کرده‌اند.

می‌کند شاد گردد و چون از او دور می‌شود پاسش دارد و اگر فرمانش داد اطاعتش کند^۱ و این همان زن دیندار است.

اسلام زن را در عرش خانواده نشانیده زیرا کلید اصلاح خانواده در دستان اوست. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) نقل شده که فرمود: هر زنی که بعیبرد و همسرش از وی راضی باشد وارد بهشت می‌گردد^۲ این سخن از باب خریدن ناز زنان از سوی مردانشان نیست بلکه بیانگر قدرت زن و تأثیر وی بر رئیس خانواده یعنی مرد است. در این مورد مثالی می‌زنیم که تأثیر زن بر همسرش را بیشتر روشن سازد:

از همسر مرد همزم فروشی پرسیدند: چگونه به چنین جایگاهی در دل همسرت دست یافته‌ای؟ زن پاسخ داد: رنجی را که بهنگام همزم شکنی در گوه می‌کشد حس می‌کنم تشنگی‌اش را آنگاه که تیشه می‌زند و عرق می‌ریزد درک می‌کنم و بنابراین برایش غذا و نوشیدنی خنک آماده می‌کنم خانام را مرتب می‌سازم و با پوشیدن زیباترین لباسهایم به انتظارش می‌نشینم و زمانی که به درب منزل می‌رسد، به استقبالش می‌روم آنگونه که عروسی، دامادش را استقبال می‌کند به او محبت و مهربانی می‌کنم و بدین کار، خشکی‌ها و کار طاقت فرسایش را از یادش می‌برم. کاملاً حق با زن همزم شکن است که جایگاه خود را ناشی از خوش برخوردی با شوهر می‌داند دشمنان تربیت و اخلاق اینرا بردگی زن و خوارساختن شخصیت اومی دانند و به نام مدرنیته و با دعوی باوری زن و رفع منزلت او و زدودن ستم‌های مرد بر او، چنین می‌گویند و فطرت خداوندی نهفته در السانها زن و مرد را بفراموشی می‌سپارند؛ همین فطرت است که مرد را بر آن می‌دارد تا تیشه بر دست از گوه بالا رود و همزم شکنی کند و خانواده‌اش را تأمین و همسرش را سعادت‌مند

۱. حدیث ابن عباس که ابوداود و ترمذی و الحاکم آنرا روایت کرده‌اند.

سازد و این نیز از فطرت است که زن برای همسرش آرایش کند و به بهترین صورت به استقبالش آید و خستگی را از تنش بگیرد و نشاط و زندگی بخشد و دردهایش را حس کند؛ مگر او نیمهٔ مکمل مردش نیست؟

اهمیت نقش زن دلیل اصلی توصیه‌های کتاب و سنت است

بنابر اهمیت نقش زن در خانواده و جامعه است که در کتاب و سنت اینهمه به او توصیه شده است در قرآن مجید خداوند متعال مردان را متوجه مسؤولیت‌های خویش قرار داده و عهد و پیمانی را که در برابر زنان برعهده آنهاست یادآور شده است: **وعاشروهن بالمعروف فان کرهتموهن فمی ان نکرهوا شیئا ویجعل الله فیہ خیرا کثیرا**، و نیز آیه: **وقد افضی بعضکم الی بعض واخذن منکم میثاقا غلیظا**،^۱

در سنت نیز در خطبهٔ **حجة الوداع** سخن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) را داریم که فرمود: **زنان اسیرانی هستند که چیزی برای خود ندارند آنها را به امانت از خدا گرفته اید و با کلمه الله بر شما حلال گشته‌اند. در مورد زنان از خدای بترسید و در مورد آنان رفتار نیکو داشته باشید آیا ابلاغ کردم؟ خداوند تو خود گواه باش.** همچنانکه همین توصیه در خصوص زنان، در سخن دیگری از آنحضرت (صلی الله علیه و سلم) آمده است: **کاملترین مؤمنان به لحاظ ایمان، خوش اخلاقترین آنهاست و بهترین شما، بهترین برای زنان خویشند**،^۲ و فرمود: **بهترین شما، بهترین برای**

۱. سوره نساء: ۱۹؛ و با آنان شایسته و بنابر عرف رفتار کنید و اگر ایشان را نمی‌پسندید بدانید بسا چیزی را ناپسند می‌دارید و خداوند در آن خیری بسیار نهاده است.

۲. سوره نساء: ۳۱ در حالیکه با یکدیگر آمیزش کرده اید و آنان از شما پیمانی استوار نمانده‌اند.

۳. حدیث عبدالله بن عمر، مسلم آنرا روایت کرده است: **مشکات العصابیح**، حدیث شمارهٔ

خانواده خویش است و من بهترین شما، برای خانواده ام هستم. و مگر حکمتی را که می‌گوید: وقتی علت چیزی را نمی‌دانی از زن پرسش نشنیده ای؟ و در این صورت اگر علت خوشبختی یا بدبختی خانواده را نمی‌دانید از زن پرسید جز با زن شایسته ای که پیامبر اکرم (ص) آنرا بهترین متاع دنیا قرار داده، و فرموده است: دنیا سرشار متاع است و بهترین متاع آن، زن شایسته است! خوشبختی خانواده، معنایی ندارد.

دین حنیف ما در خصوص نقش ازدواج در ساخت خانواده خوشبخت، چنین آموزه هایی دارد. حال اگر خانواده ای با ازدواج موفق و مبتنی بر تقوای الهی و حسن معاشرت و درک متقابل زن و شوهر از نقش و مسئولیت های خویش، شکل گیرد، تنها بخشی از راه را طی کرده و حتی می‌توان گفت تنها در آغاز راه است، بقیه‌ی راه، مهمتر و دشوارتر است؛ بخش مهمتر و دشوارتر راه کدام است؟

پس از ازدواج

وقتی کشاورزی نهالی می‌کارد بدون انتظار به گل نشستن و میوه دادن درخت کارش معنا و مفهومی ندارد و اگر مراقب میوه اش نباشد که بهترین لذیذترین و زیباترین میوه ها باشد و با کوشش و خیرگی هرچه تمامتر به مراقبت از درخت کاشته شده نپردازد و سعی جدی و تلاشی پیگیر در خصوص انتخاب نوع بذر و خاک و اصلاح آن بعمل نیاورد، کارش را تمام و کمال انجام نداده است. به نظرم متوجه بقیه کارهایی که ما پس از شکل گیری خانواده و ازدواج باید

۱. حدیث ابوهریره که ترمذی آنرا نقل کرده و آنرا "حسن صحیح" توصیف کرده است.
 ۲. به نقل از هایشه که "ترمذی" و "دارمی" آنرا نقل کرده اند و "ابن ماجه" به نقل از "ابن عباس" نیز آنرا آورده است.

انجام دهیم، شده‌اید ما باید مراقب شرع‌های این ازدواج یعنی فرزندان باشیم و هرچه در توان داریم برای پرورش نیکوی آنها بکار گیریم چهل ما به موضوع نیز عذر موجهی بشمار نمی‌رود.

فرد مسلمان در تمام زندگی فعالیت می‌کند و می‌آموزد تا عموماً عهده دار مسؤولیت باشد و امانتش را به نیکویی ادا کند.

محیط اولیه یا پیشتازی زن به عنوان مادر

پژوهشگران علوم اجتماعی و جامعه‌شناسان این خانواده را که شامل پدر و مادر و فرزندان و گاهی برخی خویشان نزدیک هم گشته است محیط اولیه می‌نامند و دست اندرکاران آموزش و پرورش مدرسه اولیه‌اش می‌گویند؛ این محیط یا مدرسه اولیه مشت نمونه خروازی است^۱ که خبر از حال و روز امت می‌دهد، آگاهی افراد آنها نشان می‌دهد امت نیز چیزی جز مجموعه این خانواده‌ها نیست ملت نیز جز این خانواده‌هایی که در سایه آن زندگی می‌کنند نیست.

بنابراین اگر این خانواده و این نمونه، اصلاح نشود و چنانچه مادری که بیشترین و گسترده‌ترین تأثیر را داراست، اصلاح نشود؛ فرزندان بجایی نخواهند رسید. گفته‌های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) آنجا که سخن از فرزندان و تربیت و شکل‌گیری آنها بمیان آورده است در این باره بسیار گویا و رساست می‌فرماید: هر مولودی، بر فطرت زاده می‌شود یعنی با همان خوی پستندیده‌ای که خداوند متعال او را آفریده است و این پدر و مادر اویند که یهودی، مسیحی یا زرتشتی‌اش می‌سازند^۲. و چه زیبا سروده است حافظ ابراهیم درباره نقش زن در تربیت نسل‌ها آنجا که می‌گوید: مادر مدرسه‌ای است که چنانچه آنها در جای خود نشاندی ملتی

۱ - حدیث ابوهریره (رضی الله عنه) که "مالک" در "الموطأ" و "احمد" در "مسند" خود و دو صحیح و "ابوداود" و "ترمذی" (المشکا شماره ۹۰)، آنها با سند نقل کرده‌اند.

با نژاد و خلق و خوی نیکو، فراهم آورده‌ای.

پیش از شکل دهی و تشکیل خانواده ها، باید ببینیم زنان و مردانی که قرار است با هم تشکیل خانواده دهند کدامند تا خانواده واقعا موفق را پرریزی کنیم نه اینکه ظاهرش موفقیت و خوشبختی و باطنش ناکامی و عذاب باشد. بنابراین خانواده نقش فرزندآوری و نیز نقش توجه و عنایت مداوم به این فرزندان و ثمره بقای خود را دارد.

فرزندان فوق العاده ارزشمند هستند و شریعت اسلام درست بر خلاف تمدنهای پیش از خود است که فرزندان خود را قربانی خدایان و طبیعت می کردند؛ همچنانکه در میان سرخپوستان اکوادور و قبایل مکزیک و مصریان باستان و نیز بنی اسرائیل در زمان پادشاه یازدهم (اکاز - Achaz) و پادشاه سیزدهم (منصه - Manasse) - که به گواهی سفر ارمیا^۱ متداول بود که فرزندان خود را به عنوان قربانی بت های خود به آتش می انداختند - به کشتن می دادند. "فیتقیسها" و "کارناژها" و "رومیها" نیز از اینگونه رفتارها داشتند.^۲

چینیان باستان نیز فرزندان خود را برای رفع دردمرها، می کشتند. یونانی ها نیز فرزندان بی بیه یا متولدین از پذیر و مادر ضعیف یا سالخورده را می کشتند. افلاطون هم خود این قبیل کارها را تشویق می کرد.^۳

شریعت اسلامی شدیداً با این وضع مخالفت کرد چنانکه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) از مسلمانان خواست تا همچنانکه در خصوص عدم شرک و دیگر گناهان کبیره دست بیعت می دهند در مورد عدم قتل فرزندانشان نیز بیعت کنند. از عبادۀ بن

۱- اصحاح : ۳۲

۲- استاد محمد التومی، "نظام الأسرة فی الاسلام" صفحات ۲۳- ۱۸.

۳. همان مرجع، صفحه : ۲۱. درباره هیتلر هم می گویند شیوه چینیان باستان را می پسندید.

الصامت (رضی الله عنه) نقل شده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در حالیکه گروهی از یارانش بر او حلقه زده بودند، فرمود: با من بیعت کنید که خداوند یکتا را شریکی نگیرید، دزدی نکنید، مرتکب زنا نشوید، فرزندان خود را نکشید و به کسی تهمت نرود. **تزیید!**

اسلام نه تنها از کودکان در برابر مرگی حمایت کرد بلکه "عقیقه" را هم در نظر گرفت که به رسم شادی و خوشحالی از تولد نوزاد - دختر یا پسر - مایه جشن خانوادگی می شود.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) محبت و لطف و رحمتش را نثار فرزندان و نوادگان کرد که در این باره احادیث و روایات فراوانی نقل شده که این مقال گنجایش نقل همه آنها را ندارد.

از جمله و به عنوان مثال: حدیث عایشه صدیقه (رضی الله عنها) که گفت: هیچ کس را چون فاطمه (س) ندیدم که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به او گرایش داشت و عزیزش می داشت وقتی او وارد می شد پیامبر برمی خاست و دستانش را می گرفت و بر آنها بوسه می زد و کنار خود می نشاند و اگر آنحضرت بر فاطمه وارد می شد، بر می خاست و دستش را می گرفت و می بوسید و کنار خود می نشاند. حدیث ابوهریره که در آن الأقرع بن حابس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را دید که دست حسین (رضی الله عنه) را می بوسید. به حضرت (ص) گفت: من خود ده پسر دارم که در مورد هیچکدامشان چنین نکرده ام. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پاسخ داد: کسی که رحم نکند رحم نمی شود. ^۱ و حدیث البراء که

۱. این روایت را بخاری آورده است: "کتاب الايمان"، باب: ۱۱.

۲. ابوداود این حدیث را روایت کرده است: شماره ۵۲۱۷.

۳. ابوداود روایت کرده است: شماره ۵۲۱۸.

می گوید: « پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را دیدم که امام حسن (ص) را بر شانه حمل می کرد و می فرمود: خداوند! من دوستش دارم، تو هم دوستش یدار! »^۱

تربیت اسلامی با توجه به الگوی برتر

نقش ما در رسیدگی به فرزندان، تنها منحصر به مهربانی، مراقبت و تقبل مخارج آنها نیست اینها برای تشکیل یک خانواده خوب و صالح، لازم است اما کافی نیست باید الگوی برتری وجود داشته باشد تا تربیت فرزندان براساس آن صورت گیرد شیوه تربیت نبوی که بکار افراد، خانواده ها، امت و همه نسلهای پیاپی آمده نیز چنین بوده است در قرآن کریم نیز به این روش اشاره شده است: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ.

بنابراین بر ماست و وظیفه داریم که اگر بدنیاال تشکیل خانواده‌ی شایسته‌ای هستیم، برای فرزندان خود پدر و مادر نمونه‌ای باشیم و برای اینکه چنین شویم باید همه چیزمان را با قرآن و سنت وفق دهیم. اِزَامَ الْمُؤْمِنِينَ عَاشِيَةً (رضی الله عنها) درباره اخلاق رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسیدند گفت: اخلاقش قرآنی بود. این پاسخ در عین اختصار بسیار دقیق است زیرا منظورش آن بوده که آنحضرت (ص) در رفتار و کردار خود گویای روح قرآن بود و همچون قرآن نوری فیض رسان به دلها و هستی بود و راه مردم را روشن ساخت و آنها را به مسیر هدایت رهنمون شد.

در نتیجه هیچ جای شگفتی نیست که چرا پیامبری که خداوند جهانیان او را مژده رسان و شاهد و هشداردهنده و فراخوان به خدای بزرگ و چراغ راهش قرار داده

۱. البخاری در "الادب المفرد این حدیث را آورده است.

۲. (سوره احزاب - ۲۱) (بی گمان برای شما در فرستاده خداوند، سرمشقی نیکوست).

۳. مسلم و ابوداود و انسایی و امام احمد و دیگران، این حدیث را آورده اند.

است، اینهمه دلها را شیفته خود کرده باشد. شگفت نیست که به او همچون به نور عشق بورزند و میلادش را چنین شکوهمندانه و با عظمت به جشن بنشینند. همه^۱ مراحل تربیت فرزندان مهم و شایسته هر گونه عنایت و پیگیری است مرحله خردالی در آغوش مادر یا در مهد کودک مرحله کودکی در دبستان، مرحله نوجوانی در دبیرستان و سپس در دانشگاه و آنگاه که از سوی پدر و مادر تحویل جامعه و زندگی می شود تا از جامعه بهره مند گردد و به آن خدمت نماید و تربیت و پرورش او از سوی خداوند جهانیان، کار نیکو و پیوسته‌ی برای پدر و مادرش منظور گردد. حاصل آنکه خانواده خوشبخت آنچنانکه اسلام می خواهد و می بند خانواده‌ی است که با ازدواج موفق و ایجاد رابطه میان دو شخص شایسته‌ی که مسؤولیت زندگی را می شناسند، آغاز می گردد و به نسل صالح و مؤمنی که برای خیر خود و دیگران گام برمی دارد می انجامد.

آیا می توان گفت خانواده خوشبختی را بدون وجود همسر و مادر شایسته و مسؤولی به تصور درآورد؟ در حدیث عبدالله بن عمر (رضی الله عنه) به نقل از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز آمده است: همگی چوپانید و همگی مسؤول رعیت خویشید فرمانروا چوپان است، مرد نسبت به خانواده اش چوپان است، زن نسبت به منزل همسر و فرزندان اش چوپان است بنابراین همگی چوپان و جملگی مسؤول رعیت خویش هستید^۱.

در خصوص زن شایسته نیز احادیث شریف متعددی از آنحضرت وارد شده که علاوه بر آنچه گفته آمد، به این موارد نیز می توان اشاره کرد: از عبدالله بن عمرو بن العاص (رضی الله عنه) نقل شده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

۱. حدیثی که به اتفاق نقل شده است، نگاه کنید به: "ریاض الصالحین"، باب حقوق شوهر بر زن، شماره حدیث: ۲۸۵.

دنیا جملگی کالامت و بهترین کالای آن زن شایسته و نیکوست.^۱
 به نقل از امامه از قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده که فرمود:
 استفاده مرد مؤمن از همسر شایسته اش، بهره گیری نیکو از قدرت خداوندی است.
 همسر شایسته ای که چون فرمانش دهد فرمان برد و هرگاه نگاهش کند، شادش
 نماید و هر چه به او دهد خوشنود گردد و هرگاه غیبت کند، جان و مالش را پاس
 دارد.^۲

زن در اسلام وجودی منحصر بفرد

زن در خانه پدری دختری دردانه و ناز و گلی شکفته و مالا مال زیبایی و طراوت
 و جمالی بوده که اطرافیانش را با مهر و محبت واحسانات پاک و لطیف سرشار
 می سازد. و سپس دختر جوانی که در سایه پدر و مادر، قرار دارد و دانش و تجربه می
 آموزد تا برای نقشی که قرار است در گردش ایام و در زندگی و جهاد و مسؤولیت
 بر عهده گیرد آماده گردد چرا که بدون سلاح پیروزی در هیچ عرصه ای میسر نیست.
 او پس از آن همسری است که با پیمانی سخت با مردی که با کمال رضا و رغبت به
 همسری برگزیده و حتی پدرش در صورتی که دختر بالغ و عاقلی باشد و
 خواستگارش از لحاظ دینی و اخلاقی شایسته باشد حق واداشتن او به پذیرش
 شریک زندگی را نداشته پیوند زناشویی بسته است.

چه پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمان داده، که دختران به عقد
 خواستگارانی که به ایمان و اخلاق و دینشان اطمینان داریم، در آیند؛ در حدیثی از
 پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که ابوهریره (رضی الله عنه) آنرا نقل کرده، فرموده

۱. ابن حدیث را 'سلم' روایت کرده است. نگاه کنید به: 'العشکاة'، حدیث شماره ۳۰۸۳.

۲. ابن ماجه آنرا آورده است. نگاه کنید به: 'العشکاة'، حدیث شماره ۳۰۹۵.

است: هرگاه خواستگاری آمد که از دین و اخلاقیاتش راضی هستید، او را دختر دهید اگر چنین نکند فتنه‌ای بزرگ و فساد بزرگی در روی زمین پدید خواهد آمد.^۱

همچنانکه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پذیرش خواستگار را به خود زن وا گذاشته است در حدیثی از عبدالله بن برید به نقل از عایشه ام المؤمنین (رضی الله عنها) آمده که می‌گوید: دختری به حضور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رسید و گفت: ای رسول خدا پدرم مرا به ازدواج برادرزاده‌اش در آورده تا وضع خود را بهبود بخشد. می‌گوید: پیامبر (ص) موضوع را بر عهده دختر گذارد. دختر گفت: من با کاری که پدرم کرده موافقم ولی می‌خواهم زنان بدانند که پدران در این خصوص تصمیم گیرنده اصلی نیستند.^۲

قرآن کریم از این رو پیوند زناشویی را پیمان سخت نام نهاده که اساس دیگر پیمانهای موجود میان انسانها تلقی می‌شود و از آن گذشته پیوند متمایزی است که در پناه آن زن و شوهر یکدیگر را سرشار محبت خود می‌سازند و منحصرأ مربوط به انسانهاست و شامل هیچ موجود زنده دیگری نمی‌شود.

زن همان مادری است که مسؤول و چوپان و همه کاره دولت قلمرو کوچک و در عین حال مهم خویش یعنی خانواده است که منهای چنین دولتی، دولت قدرتمندی برای امت شکل نخواهد گرفت.

۱. آنرا «ترمذی» روایت کرده و «حدیث حسن» توصیف کرده است: نگاه کنید به: «المشكاة»، شماره حدیث: ۳۰۹۰.

۲. «النسائی» این حدیث را در باب دختر باکره ای که پدرش او را به زخم میلش شوهر می‌دهد نقل کرده است: «احمد» نیز آنرا نقل کرده است (نگاه کنید به: «نصب الرایة» ج ۳، ص ۱۹۲، شماره ۸۸۸۱).

زن مسلمان و زنان پیش و بعد از اسلام

زن پیش از اسلام همچنانکه روشن خواهیم ساخت در منتهای حقارت و توهین و بی‌اختیاری و بدور از انسانیت زندگی می‌کرد.

بهنگام ظهور اسلام زن در چنین وضعی می‌زیست و اسلام او را از پستی بدر آورد و قدر و منزلت و انسانیتش را به وی بازگرداند و او را همچون مرد و البته با رعایت فطرت و خوی ویژه‌ای که به عنوان جنس زن از جنس مردان متفاوتش می‌سازد ارج و اعتبار بخشید.

آنگاه تمدن غرب یعنی تمدن پول و ثروت و اشباع غرایز مطرح شد که زن متدین، عقیب و باحیای مسلمان را موجود عقب مانده‌ای تلقی می‌کند که شایسته زندگی نیست و نسبت به الگوپذیری از او هشدار داد و او را به ترقی و پیشرفت و به عرضی جلوه‌های زنانگی خود و اعمال شگردهای فتنه‌انگیزی دلریا فراخواند. زن امروزی در تمدن غرب به همان دوره سابق بازگشت و تقریباً با آنچه که پیش از اسلام بود مطابقت یافت اینک توضیح مطلب:

زن پیش از اسلام

با پژوهش‌های انجام یافته از سری پژوهشگران و مطالعه کنندگان در احوال قبایل عشایر و مجموعه‌های کوچک انسانی پیش از اسلام و با بررسی خلاق و خوی و اخلاق و نظام‌های اجتماعی زندگی این اقوام نمونه‌هایی بدست آمده که می‌تواند وضع زنان در آنروزگار را روشن کند. از جمله:

در برخی قواین و سنت‌های هند، در باره زن می‌گوید: وبا و سرگ و جهنم و سم و مارها و آتش جملگی بهتر از زن هستند.

از نظر هندیان باستان، زن به کاری که آنرا فحشای مقدس می‌نامند می‌پردازد و اینکار را به نام معبد و بنام الهه و بنام مقدسات انجام می‌دهد و این کار از انواع

عباداتی تلقی می‌گردد که باعث نزدیکی به الهه می‌شود و توجه و عنایت آسمان را بسوی خود جلب می‌کند زنان یونان باستان نیز این نوع فاحشگی را در معبد افرودیت انجام می‌دادند. در میان ازمینان و میان زنان مصری نیز این وضع متداول بود و تا قرن نوزدهم در برخی معابد هند، همچنان بچشم می‌خورد.

در دوره بودا نیز سردهسته فاحشه‌ها در شهر (فیزالی - *Visali*) مورد احترام و تقدیر بود و خود بودا نیز از وارد شدن به خانه‌اش ابایی نداشت.

نزد برخی عشایر (تودا - *Todas*) در سرزمین هند جنوبی، زن خودبخود همسر برادران شوهرخود و خواهرانش همسران آنان می‌گردیدند و فرزندان برحسب سن میان آنها تقسیم می‌شد. فرزند اول برای برادر بزرگتر و فرزند دوم برای بعدی و به همین ترتیب...

در تمدن یونان لیکورگوس قانونگذار اسپارت، همبستری با دیگران را از تصویب گذراند. در این نوع همبستری مرد از زنش می‌خواهد. با بزرگان و مردان حسب و نسب دار و با هوش همبستر شود تا از آنان فرزندان باهوش و زیبا بدنیا آورد. خود لیکورگوس نیز پیرمردان را تشویق می‌کرد تا با هدف دستیابی به نسلی زیبا و نیرومند و در جهت خدمت به وطن تن به اینکار دهند و همسرانشان را در اختیار چنان مردانی قرار دهند.

در تمدن بابل، کار فاحشگی مقدس چنانکه از مورخ یونانی هرودوت نقل شده است در معبد‌های الهه (میلینا - *Mylitta*) صورت می‌گرفت. هرودوت می‌نویسد: هر یک از دختران این سرزمین باید یکبار در طول زندگی خود به معبد بروند و خود را در اختیار مرد بیگانه‌ای قرار دهند. اگر مرد بیگانه‌ای گذشت و روی زانویش قطعه پولی گذاشت و دعایش کرد که الهه میلینا تبرکش کند برمی‌خیزد و همراهش می‌شود تا کام از او بگیرد سپس دختر خوشحال از تبرک الهه به خانه باز می‌گردد.

افراد خانواده و خویشان و دوستانش تبریکش می گویند و به او هدیه می دهند.
در میان سیاهپوستان آفریقا، پژوهشگر انگلیسی (الیس - Ellis) به نتایج زیر
رسیده است:

در ساحل بردگان در هر شهر، مؤسسه ای وجود دارد که دخترکان زیباروی از
سن ده تا دوازده سالگی به آن مراجعه کنند تا مدت سه سال در آنجا بمانند و طی
این مدت رقص مذهبی و قرائت اوراد مقدس را فرا گیرند و پس از پایان دوره
آموزشی در فاحشگی مقدس تخصص یابند و وقف روحانیون دینی می شوند ولی در
عمل هیچ خواهانی را رد نمی کنند آنها را به عنوان همسران الهه ها می شناسند و
فرزندانی را که از این راه حاصل می شوند فرزندان خدا تلقی می کنند. و در ساحل
طلا راهبها و کشیش های زن در شرایط بشدت پست و خفت باری به فاحشگی
مقدس می پردازند و چنانچه یکی از آنها از مردی خوشش آید و خواهان هم بستری
با او شود مرد را به خانه اش دعوت می کند و به اطلاعش می رساند که الهه ای که
زندگی خود را وقف عبادت و اطاعت او کرده است به وی الهام کرده که او را به
عنوان معشوق خود بگیرد مرد نیز خرسند و خوشحال از اینکه الهه او را برگزیده
پیش او می ماند تا سرانجام از او خسته شود و طردش کند.^۱

نزد عبریان باستان، معابد گروههایی از زنان وجود داشت که به فاحشگی
می پرداختند و بر این باور بودند که این زنان منبع خیرگی برای کسانی هستند که با
آنها نزدیکی کنند. عمل به این سنت نیز همچون سنت های دینی پابرجا بود تا
بالاخره در سفر تثنیه^۲ تحریم گردید.

۱. کتاب الاسرة و المجتمع* (خانواده و جامعه) صفحات ۱۰۳ - ۱۰۲.

۲. اصحاح ۲۳، بند ۱۷.

زن در کشورهای غربی

اروپا از زمانهای دور هرگز برای زن به عنوان یک انسان ارزشی برابر با مرد قایل نبوده و زن همچون کالایی برای چپاول جنسی و تجارت و برخوردار از ارزش مادی و شهوانی مطرح بوده است.

قاعدتا حدود یک قرن پس از قرون وسطی، زن در غرب باید سهمی از تغییر و پیشرفت برده باشد ولی چنین نشده و مثلا در دوره پادشاه هانری هشتم پایه گذار مکتب انگلیکانی^۱ (L anglicanism) که در فاصله سالهای ۱۵۰۹ تا ۱۵۴۷ میلادی بر انگلستان سلطنت کرد قانونی صادر می‌کند که براساس آن قرائت کتاب مقدس از سوی زنان تحریم می‌شود زیرا آنها ناپاک و آلوده و شیطانند و برخلاف مرد انسان نیستند اعتقادی که طی قرنهای پیش از آن هم رواج داشت.

اینک سه قرن از مرگ هانری هشتم می‌گذرد و حدود سال ۱۸۵۰ میلادی است و زن همچنان در سرزمین غرب بر همان وضعی است که بوده و قانون جاری اصولا زنان را به عنوان شهروند قبول ندارد و هیچگونه حقوق شخصی و مدنی برای آنها قایل نیست. زن حق داشتن هیچ مالی را حتی اگر خود با عرق جبین کسب کرده باشد ندارد. حتی لباس تنش را نیز مالک نیست. اروپا به لحاظ صنعتی و مادی پیشرفت کرد و زن نیز همگام با این پیشرفت‌ها در هنر عشوہ‌گری و ناز و کرشمه پیشرفت کرد و به صورت عنصر ثابتی در تبلیغ کالاها و فریبایی و جلب حریفان درآمد قوانین تمدن معاصر نیز به او آزادی مطلق داد تا هرکاری را با هرکس دلش خواست انجام دهد و زمانی که عاقل و بالغ شده که غالباً رسیدن به سن همجده

۱. "مکتب انگلیکانی". مکتبی است که در پی نزدیکی و همسویی میان دو دشمن دیرین یعنی کاتولیک‌ها و پروتستانهاست. این مکتب برای نخستین بار در فرانسه و سپس به رهبری "جان کالوین" (John G alvin, ۱۵۶۴-۱۵۰۹) شکل گرفت.

سالگی است هیچ کس حق اعتراض به او را ندارد حتی اگر پدر و مادرش باشند دیگران که جای خود دارند.

اصل آزادی مطلقی که زن به عنوان تمدن از آن برخوردار گشته همه حد و مرزها را در نوردید و همه گونه خطوط قرمز را زیر پا گذارد و در عرصه شهوت‌ها و لذت‌های گوناگون هر ممنوع و حرامی را حلال گرداند حتی اگر به صورت زندگی زناشویی مادر و پسر باشد و چه بسیار زنانی که اعتراف کرده اند بدون رضایت خود پسرانشان با آنها همخوابگی کرده اند که کار بسیار رشت و ناپسندی است.

زن فقط در دیدگاه اسلامی، انسان کاملی است

وقتی در زندگی زن از زمانهای باستان، تأمل می کنیم می بینیم که او از آن زمان تاکنون از انسانیت خود بدور مانده و در تمامی جوامع، اسیر بهره برداری‌های نامشروع بوده و به عشوه‌گری تا فاحشگی که در برخی شریعت‌ها امر مقدسی تلقی می شده است پرداخته است.

این وضع زنان در جهان تا به امروز بوده و هست و بدتر هم خواهد شد و تنها زنانی از این ورطه‌رهایی یافته اند که به اسلام و تعالیم اسلامی پناه آورده باشند: چرا؟ چون اسلام آنها را با مردان برابر ساخته و در قرآن با عبارت: **یاایهاالذین آمنوا...** خطابشان کرده است و زنان و مردان را یکجا و باتفاق خوانده است. این نکته بسی مهم است که مرد این احساس را ندارد که از جنس مذکر است پس چرا زن مؤنث بودنش را فراموش نمی کند او باید تنها انسان باشد و تنها یک نفر از این قاعده مستثنی است که همسر اوست و حق دارد مرد بودنش را یادآور شود همچنانکه شوهر نیز حق دارد زن بودن زتش را خاطر نشان سازد و دیگران باید تنها

به انسانیت زنان توجه کنند شیوه تربیتی مورد نظر اسلام چنین است، شیوه ای که به زن برابری با مرد در انسانیت را می بخشد و او را از اهانت و بهره برداری های آنچنانی رها می سازد.

زن مسلمان گرسنگی می کشد ولی تن فروشی نمی کند

آیا زن مسلمان نیازمند تقلید از زنان غربی است؟ تقلید از آنها در غریبزدگی در فریبایی و فریبندگی یا در غرقه گشتن در عشوه گری‌ها، جاذبه جنسی یا بی عفتی‌های کلامی؟ تمدن آنها همه‌ی این کارها را روا داشته و قوانینشان نیز منع نکرده است. آیا این حکمت اسلامی نیست که به زن شرافتمند مسلمان و بطور کلی به هر زن شرافتمندی می گویند: «زن آزاده، گرسنه می ماند ولی تن به خودفروشی نمی دهد»؟ این در ستایش از عفت زنان آزاده و خودداری آنان از تن دادن به خواسته‌ی هوسرانان است.

آیا این حکمت غربی‌ها نیست که می گویند: همه‌ی زنان فاحشه‌اند مگر مادرم که حرمتش می دارم آیا این حکمت گویای عمل زن غربی و سقوط اخلاقی او نیست؟ زن مسلمان هرگز چنین نیست مگر از ایمان خود دست شسته و نعمت‌های خداوندی بر خود را بفراموشی سپرده و خدای را سپاس نگفته باشد که گفته اند: هر کس نعمتی داشت و سپاس نگفت از کفش بیرون رود.

خلاصه:

زن نقش سترگ و مهمی در بنای خانواده خوشبخت و هماهنگ دارد بنای ملت‌های بیدار نیز جز با خشت خانواده‌های صالح بلندی نم‌گیرد. خانواده صالح نیز با جدیت و مسؤولیت پذیری در انتخاب زن از سوی مرد و انتخاب مرد از سوی زن آغاز می‌گردد که در سنت شریف نبوی نیز آشکارا روشن گشته و پیامبر خدا

(صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده است: زن را به چهارچیزش به نکاح درمی آورند: ثروتش، نسبش، جمالش و دینش، آن زن دیندار را برگزین.

خانواده، وظیفه سنگین ظریفی برعهده دارد که انجام موفقیت آمیز آن خالی از لطف و سعادت نیست و آن اینکه جز با زاد و ولدی که مایه ادامه حیات آن چنان که خداوند متعال به حکمت و تقدیر خود در نظر گرفته است کامل نمی گردد. و چه شادی و شمعنی بالاتر از موفقیت در تربیت فرزندان و تحویل شایستگی به جامعه که با توجه به الگوی نیکویی که خداوند در اختیار آنان قرار داده خیر و صلاح جامعه را تضمین کند. قرآن کریم در آیه ای گویا و جالب بدین شکل از آن سخن به میان آورده است: **لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة^۱**.

اسلام انسانیت زن مسلمان را به وی بازگرداند و او را همسان یا مرد و برابر با او در همه چیز با توجه به تفاوت های فطری دوجنس و ویژگی های طبیعی و متفاوت هر کدام قرار داد.

زن مسلمان در میان زنان تمدن های گوناگون جهان از آوازه تاکنون، منحصر بفرده بوده است؛ علت آن نیز کاملاً ساده و روشن است؛ زن مسلمان زنانگی خود را تنها برای همسرش عرضه می کند و با سایر مردان خواهر ایمانی است و انسانی با موجودیت مستقل و دارای نقش تکمیل کننده و حامی شرکای زندگی خویش است.

اگر خواسته باشیم برای زنان مسلمان در میان دیگر زنان جهان مشابهی بیابیم هرگز نه در گذشته و نه در حال حاضر نمی توانیم بیابیم زیرا زنان جهان زنانگی را عرضه کرده و انسانیت خود را که در آن با مردان برابرند بفراموشی سپرده اند و در نتیجه ارزش خود را از دست داده و تابع و برده شهوت گشته و با تن خود تجارت می کنند و برای مشتریان عشوهرگری می نمایند روحشان مرده و ارزش هایشان را

۱. سوره احزاب، ۲۱: بی گمان برای شما در فرستاده خداوند، سرمشق نیکوست.

از میان برده‌اند. بدین ترتیب آیا پذیرفته است که زن مسلمان از زن غریبی که در حضیض پستی و منجلاب قرار دارد تقلید کند و او را سرمشق خود قرار دهد؟ پاسخ این پرسش را زنان مسلمان خود بهتر می‌دانند.

جایگاه زن در خلقت

نازنین کریم

عضو شبکه اسلامی اهل‌البیت خواهران

ای مردم! ما همه ی شما را نخست از مرد وزنی آفریدیم و آنگاه شعبه های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، نه اینکه یکدیگر را خوار بشمارید. همانا بزرگوارترین شما نزد خدا با تقواترین مردمنند، و خدا دانا آگاه است." (حجرات: ۱۳)

مردان و زنان یکسان، لیکن، متفاوت آفریده شده‌اند و هیچک برتر یا پست تر از دیگری نیست. در کتاب استاد شهید مرتضی مطهری تحت عنوان "زن و حقوق وی در اسلام" می‌خوانیم: "در حقیقت پیشرفت علمی شگرف قرن بیستم وجود اختلافات میان زن و مرد را بوضوح اثبات نموده است. همان گونه که مشاهدات و تجارب نشان داده، وجود این اختلافات حقیقتی علمی است. قانون خلقت این اختلافات را صرفاً برای محکم تر ساختن روابط زناشویی و هر چه عمیق تر و بهتر کردن بنیان پیوند زن و شوهر مقدر کرده است. خواسته طبیعت این بوده که با دست خود حقوق و تکالیف خانوادگی را میان آنها توزیع نماید. تفاوت های میان زن و مرد در قانون خلقت، مشابه تفاوت های میان اعضای مختلف بدن می باشد."

زن و مرد مکمل یکدیگرند و هر یک در زندگی وظیفه ای بر دوش دارند. اما طبق آیه سوره مذکور در بالا وظیفه هر شخص (زن یا مرد) تلاش برای رسیدن به یک هدف یعنی تقوی می باشد. درک خلقت خداوند (سبحانه و تعالی) و شناخت وی وظیفه یکایک ماست. بنابراین آنچه مهم است اینستکه هر یک از ما یعنی زن و مرد- نه فقط مرد- باید بدنبال دانش برویم. اما امروزه منظور ما از تحصیلات و

دانش اندوزی چیست؟ آیا صرفاً دانشگاه رفتن و نائل شدن به درجات دانشگاهی ملاک است؟ وظیفه و حقوق زن و مرد هنگام تحصیلات چیست؟ اگر می‌توانستم زمان را به عقب برگردانم آرزو می‌کردم به دانشگاهی بروم که همزمان با گذراندن دوره تحصیلی تعلیمات مذهبی را نیز فرا می‌گرفتم تا هم از نظر دانشگاهی و هم از لحاظ معنوی رشد پیدا می‌کردم.

آیه‌ای دیگر از قرآن کریم: "همانا کلیه مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان اهل طاعت و عبادت، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان صابر، و مردان و زنان خداترس خاشع، و مردان و زنان خیرخواه مسکین نواز، و مردان و زنان روزه دار، و مردان و زنان با حفظ خوددارانز تمایلات حرام، و مردان و زنانی که یاد خدا بسیار کنند؛ بر همه ی آنها خدا مغفرت و پاداش بزرگ مهیا ساخته است." (احزاب: ۳۵)

در هر سطر از این آیه مسئولیتی یکسان و پاداشی برابر برای هر یک از زنان و مردان مسلمان نام برده شده است. زنان درست مانند مردان می‌توانند به ده درجه معنوی نائل شده و شامل رحمت و پاداش خداوند گردند که عبارتند از: ۱- اسلام (استسلام) ۲- ایمان ۳- اطاعت ۴- راستگویی ۵- صبر و استقامت ۶- خشوع و ترس از جلال و عقاب خداوند ۷- احسان و صدقه ۸- روزه داری ۹- خودداری از هواهای نفسانی ۱۰- ذکر خداوند.

آنجا که مردی دارای حقی است زن نیز دارای حق است. برخی چیزها از آن جایی که نمکن است برای مرد باعث ضرر و فساد گردد، منع شده است، و به طریقی مشابه برای زنان بدلیل محافظت از خود ممنوع گردیده است. هدف اسلام حفظ شأن و منزلت زنان و مردان می‌باشد. هر دوی ایشان در طلب علم و رأی دادن آزاد هستند و هر دو می‌توانند برای کلیه مقام‌ها انتخاب شوند.

دشمنان ما با استفاده از تبلیغات متضی قصد دارند تا زنان مسلمان را مظلوم و

محروم از حقوق خویش جلوه دهند. اینها همه بهانه و ادعای غلطی است و ما موظفیم از این پس طی سال های آتی از حق خود دفاع کنیم. هم زنان و هم مردان بنا بر طبیعت خویش دارای حقوق و تفاوت های مخصوص خود هستند. زنان و مردان باید خود را به درجه ای از کمال برسانند تا بتوانند خشنودی پروردگار را فراهم نمایند. بخاطر بسیاری که او عالم مطلق است و نیازی به عبادت ما ندارد. این ما هستیم که نیازمند اویم.

اسلام به زن با دیدی خاص نگاه می کند. اسلام زمانی که در شبه جزیره عرب ظهور کرد که زنان قدر و منزلت خود را از دست داده بودند. اسلام حیثیت و هویت از دست رفته ایشان را به آنها بازگرداند. بیانیه حقوق بشری نفسه دارای تناقض است زیرا از زنان و کودکان تحت شرایطی خاص حمایت می کند. این قانون سعی دارد با دادن حقوقی مساوی با مردان به زنان از ایشان حمایت نماید. اینان بجای در نظر گرفتن تفاوت های آن دو و این که چه چیز برای هر دوی ایشان در شرایط یکسان بهترین است سعی دارند صحنه برنامه ریزی و ناسازگاری این دو بگذارند.

انها می گویند: "قطعنامه ها، بیانیه ها، کنوانسیون ها و پیشنهادات ایالات متحده و آژانس های خاص که برای رفع هر گونه تبعیض و ارتقاء حقوق برابر برای مردان و زنان مطرح شده اند باید مورد توجه قرار گیرند که به تبع آن، بازشناسی کلی در قانون و حقیقت اصل تساوی زن و مرد ضروری می گردد؛ کلیه اقدامات مقتضی برای منسوخ کردن قوانین، رسوم، مقررات و آداب موجود تبعیض آمیز علیه زنان است و حمایت قانونی مناسب برای حقوق مساوی زنان و مردان می بایست صورت پذیرد".

این مسأله برای مسلمانانی که در کشورهای غیر اسلامی زندگی می کنند بسیار نگران کننده است زیرا مجبور خواهند بود از قوانین و مقررات آنها بیروی نمایند. این خانواده ها از این مسأله که حق تشبیه فرزندان خود را ندارند رنج می برند!

رفتار درست، عادت‌های فرا گرفته شده، است لذا کودکان در زمینه‌های دانش، رفتار و خویشتنداری نیاز به راهنمایی دارند تا بتوانند زندگی پر بار و خوشی را داشته باشند. این عقیده که کودکان خود می‌توانند تعیین کنند که چگونه عمل نمایند و بزرگسال‌ها حتی در اعمال هر گونه معیار رفتاری آنها ندارند، در واقع مانع توانایی ایشان در یادگیری در کلیه مسائل می‌باشد. حمایت از این باصطلاح حقوق کودکان و آزاد گذاشتن کودکان در عمل منجر می‌شود که نظام آموزشی، حق یعنی حمایت از حق یادگیری کودکان را تخریب نماید.

در اکثر کشورهای اروپایی یک معلم اجازه درآغوش گرفتن و بوسیدن حتی بچه‌های کوچک را ندارد. می‌دانیم که اسلام قوت‌آیین جامعی برای روش زندگی ارائه نموده است. بنابراین هر زمان که نیاز باشد می‌توان برای هدایت کودک برخوردی قاطعانه با وی داشت. ولی از چه طریقی می‌توان یک کودک را تأدیب کرد؟

متأسفانه در حال حاضر حتی زنانی که تقاضای طلاق دارند جهت مطالبه مایملک خویش و کمک مالی مستقیماً به دولت‌های مربوطه خود مراجعه می‌نمایند. قانون آن کشورها اگر که بخواهد بر کل زندگی آنها نظارت داشته باشد، هنگام روبرو شدن با ازدواج و کودکان ایشان دارای نقیصه‌های زیادی می‌شود. مردم برخی فرهنگ‌ها و ادیان بطور طبیعی مسائل خویش را رتق و فتق می‌کنند اما گاهی، بدلیل حرص و غرور، قضایا به دست دولت کشورهای مربوطه انجام می‌شود کشورهای که در آن یک دختر بطور طبیعی بدون مشاوره‌های اسلامی می‌تواند به آنچه می‌خواهد برسد. بعضی از این حقوق در قالب کلماتی چون آزادی زندگی و دموکراسی تهفته هستند. برخی کارها وجود دارند که یک مرد از عهده انجام آنها بر می‌آید در عین حال یک زن نمی‌تواند آنها را انجام دهد اما با ظهور حقوق مساوی همان زن یقین پیدا می‌کند که به آنچه می‌خواهد می‌تواند برسد، حتی اگر آن چیز به ضرر وی باشد. ساعات متمادی کار کردن و تلاش برای رقابت با مردان بطور

قطع یک اصل اسلامی نیست. آگاه باشید! بنیان خانواده در خطر است. زنان حق دارند از دانش معنوی برخوردار و به وظایف خود اعم از همسررداری و تربیت کودکانی درستکار عمل نمایند. زن در ایجاد هماهنگی در منزل اهتمام می‌ورزد؛ وی نقش یک راهنما، مربی، پرستار، مشاور و معلم را ایفا می‌کند و از فرزندان و همسرش حمایت می‌کند. او نیاید وظایف خود در منزل را صرفاً بدلیل تحصیل علم و یا دکتر و وکیل و ... شدن به فراموشی بسپارد. او موظف است برای فعالیت های اجتماعی زمان بگذارد و با اطرافیان خود علاوه بر همکاری، برخورد دوستانه داشته باشد. با داشتن این برنامه زمانی پر مشغله هنوز وی زمان برای رشد معنوی و نماز و دعا دارد.

اگر خواهران ما بخواهند از شان و منزلت خود دفاع کنند انتخاب دانشکده یا دانشگاه درست می‌تواند بسیار موثر باشد. مطالعات اسلامی در کشورهای مسلمان امری مسلم فرض شده اما در حال حاضر کشورهای غیر مسلمان در می‌یابند که مدرسه به تنهایی نمی‌تواند به رشد معنوی شخص کمک کند. پسران و دختران ما بواسطه جهانی شدن برای حفظ هویت خویش تلاش می‌کنند. در بسیاری از کشورها مدارس از پذیرفتن دختران محجبه ما امتناع می‌کنند. دختران ما در برابر این امر ایستادگی کرده و چنین مدرسه‌ای را به دادگاه کشانده‌اند. بطور قطع ما بعنوان مسلمان می‌توانیم دادگاهی برای رسیدگی به این موارد تشکیل دهیم. نمونه‌هایی از این دادگاه‌ها در انگلیس و فرانسه موجود است.

امروزه زنان در مقابل تجارت سنگین کالاهای تولید شده کشورهای غربی مسئول هستند. این واقعیتی غم‌انگیز است وقتی که زنان برای برخورداری از حقوق و فرصت های مساوی با مردان مبارزه می‌کنند. در واقع بدن این زنان است که کالاها را می‌فروشند. آیا هیچ گونه اثری بر آنها نمی‌گذارد؟ در عین حال این دسته از زنان به هیچکس تعلق ندارند ایشان به خاطر اینکه مورد ستایش پیر و جوان

هستند احساس برتری می‌کنند.

اینجا در کنیا تبلیغات و آگهی‌های بازرگانی یکی از بزرگترین صنایع گردیده است. با وجودی که همه روزه مصرف‌کنندگان با زنان نسبتاً برهنه در کنار تقریباً تمام محصولات مواجه می‌شوند ولی باز ارتباط مستقیم میان آگهی‌ها و سوء استفاده از زنان و کودکان را در این امر درک نمی‌کنند. این حقیقتی تأسف‌آور است که در کنیا موسسات خیریه، زنان مسلمان را برای بدست آوردن پول جهت فعالیت‌های گوناگون مورد هدف قرار داده و آنها را وادار به برداشتن حجاب و خودنمایی در مسابقات زیبایی می‌کنند. به گفته آنها رفتن به سالن نمایش مد و بیرون انداختن بدن در حضور صدها نفر تحت عنوان کارهای خیریه موردی ندارد.

حدود سه سال قبل زن ناتوان مسلمانی تحت عنوان دوشیزه از کار افتاده مورد اکرام قرار گرفت و تاجگذاری نمود. در طول مراسم تاجگذاری عکاس‌ها از وی درخواست کردند حجاب خود را که تنها بواسطه وجود ایشان حفظ کرده بود بردارد. روز بعد عکس‌های آن زن، بدون حجاب در تمام روزنامه‌ها ظاهر شد. این مساله برای مدتی باعث ناراحتی وی شد اما چون موجب شهرت و جذابیت او نیز گردیده بود مساله را بطور کلی به فراموشی سپرد. خانواده آن زن از این پاپت خوشحال نبودند و در ضمن برخی از مسلمانان نیز بسیار عصبانی شده بودند. چه کسی در آنجا وجود داشت که از آن زن دفاع کند؟ دو سال قبل کنیا میزبان تعداد بسیار زیادی خواهران مسلمان از سراسر جوامع مختلف جهت شرکت در نمایش‌های مد بود.

بیرو تبلیغات رسانه‌های غربی که بسرعت بر اذهان عموم غلبه پیدا می‌کنند، درصد سوء استفاده از زنان و تجاوزات جنسی رو به فزونی است. متأسفانه دختران ۱۸ ماهه مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند و دولت هنوز علت این همه اتفاقات را دریافته است.

در حال حاضر آنها به شدت مشغول تفکر در باره بیانیه ای برای حمایت از زن هستند؛ که اسلام این مساله را ۱۴۰۰ سال پیش حل کرده است و آن حجاب می باشد. با وجود این زنان با حجاب اینجا در کنیا و در بسیاری از کشورهای دیگر بدلیل نداشتن نقش های فعال در کارهای خارج از منزل مظلوم و بیسواد بنظر می رسند.

بنابر لایحه قانونی روابط جنسی که هنوز مورد بحث و بررسی است می توان شوهر را در صورت تجاوز جنسی به همسر خود مجازات نمود. در بسیاری از موارد، اختلافات زناشویی بین مشاوران و اعضای جامعه رتق و فتق می گردد و در نتیجه، این نوع از قانون در بسیاری از کشورها بیگانه جلوه نموده و بجای رفع مشکل بیشتر مشکل ساز می باشند. کسانی که مبادرت به ازدواج می کنند می دانند که زوجین همواره نمی توانند در کلیه امور به توافق برسند و همیشه راه صبر، بخشش و سازگاری را پیشه خود سازند. قانون هیچگاه نمی تواند این گونه روش ها را رهبری کند. در کشورهای غربی دیگر ازدواج نهادی مورد احترام نمی باشد و این طلاق، و بی بندوباری جنسی که معمول است. آیا ما ساکت خواهیم نشست و اجازه خواهیم داد که اینگونه دیدگاه ها در نسل آینده ما نفوذ کرده و رشد پیدا کند؟

نقش مادر اخیراً در غرب پررنگ شده است؛ مادری که در چارچوب خانواده سهم بسزایی ایفا می کند؛ چیزی که اسلام ۱۴۰۰ سال پیش از این مشخص کرده است سوال "شغل شما چیست؟" که اکثر مردم از یک مادر که تمام وقت خود را برای خانواده وقف کرده می پرسند بشدت مرا عصبانی می کند؛ او بهترین معلمی است که آنها می توانستند طی سال های تحصیل داشته باشند. او می بایست در برنامه های گوناگونی که وی را تبدیل به همسر، مادر و شخصی بهتر نموده است. این واقعیتی غم انگیز است که در بسیاری از کشورها والدین مردو تمام وقت مشغول کار در بیرون منزل هستند و پرورش فرزندان خود را به دست خدمتکار

خانه می‌سپارند.

با عرض معذرت باید بگویم اگر بخواهیم یک مادر استخدام کنیم و درازای خدمات وی پول پرداخت نماییم بی شک وی ثروتمندترین فرد بین اطرافیان خود خواهد بود! اما او تمام این کارها را با عشق خالص به خدای سبحان و تعالی و خانواده خود انجام می‌دهد. در بسیاری از کشورهای مسلمان خیلی مشکل است که پدر یا مادر بودن بعنوان نقشی بسیار جدی تلقی گردد؟

من ایران را بعنوان یک الگو می‌شناسم برای اینکه روزهایی را بعنوان روزمادر، پدر، خانواده و دختری که مکلف به پوشش حجاب می‌شود اختصاص داده است! این روزها باید در تقویم اسلامی سرتاسر دنیا نیز در نظر گرفته شود.

مادری که با تحمل رنج و اندوه فرزندان خود را بزرگ می‌کند، خردمندتر از آن است که مزد زحمات خود را از اجتماع بخواهد و اجتماع موظف است از طریق ارشاد معنوی تسهیلاتی مناسب جهت کمک به وی فراهم نموده و به وی اقتدار بخشد.

زنان تصمیمات بسیار موثر و مهمی می‌گیرند و آن دسته از زنان که شانس تصمیم‌گیری دارند بسیار خوشبخت هستند. زنان باید از نظر کیفی و بر اساس مهارت‌هایی که دارند شناخته شوند نه بر اساس ظاهرا گفته می‌شود "پشت هر مرد موفقیتی یک زن وجود دارد" بسیاری از روسای جمهوری از طرف همسرانشان حمایت و یاری می‌شوند.

به نظر من موقعیت زنان در خانواده از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا ایشان تنها کسانی هستند که فرزندان را از بدو تولد پرورش می‌دهند. نقش پدر از آن جهت که باید در حمایت از مادر آمادگی داشته باشد نیز بی اندازه مهم است، اما در صورتی که مادر تحصیل کرده باشد می‌تواند فرزندان بهتری بار آورد. خداوند سبحان و تعالی پرورش فرزندان خوب را به ما یعنی والدین ارزانی داشته است.

کلمه عربی "ام" که در همه جای قرآن کریم و احادیث استفاده شده اساساً به معنای ریشه و مبدأ می‌باشد؛ این بدان علت است که کودک در رحم مادر بمدت شش الی نه ماه نیازهای جسمی و روحی خود را از بدن مادر تأمین می‌کند. در واقع مادر ریشه و منبع وجود کودک و کودک بازتاب وجود جسمی و روحی مادر است. زمان اقامت کودک در صلب پدر بسیار کوتاه است اما این اقامت در رحم مادر حدود ۲۷۰ روز به طول می‌انجامد. به همین دلیل کودک پیش از همه از مادر تأثیر می‌پذیرد و از این رو اسلام توجه خاصی به مادر دارد.

زنان می‌توانند قبل از ازدواج از وظایف و حقوق اسلامی خود از طریق مطالعه اطلاعاتی کسب کنند که در این صورت می‌توانند هنگام بروز اختلافات در ارتباط با چگونگی انتظارات خود در موقعیت بهتری قرار گیرند. امروزه متأسفانه پسران و دختران جوان با توقعات بسیار متفاوت با هم ازدواج می‌کنند. کشورهای غربی شاهد بالاترین درصد طلاق (میان مسلمانان) در چهار سال اخیر بوده‌اند. (و این همان چیزی است که آنها (غربیها) می‌خواهند).

گاهی اوقات کمبود مشاوره عمومی و مذهبی از سوی یک شخص یا یک روحانی احساس می‌شود بنابراین بهتر است در طول زمان نامزدی یعنی قبل از ازدواج در پی رهنمود باشیم. ما نیاز داریم جوانانمان را از مفهوم ازدواج در اسلام و فواید آن آگاه نماییم.

این روزها انتخاب همسر هم کفو از سفرکردن به ماه هم سخت‌تر است! آنقدر درخواست‌های دختران و پسران زیاد و متنوع است که والدین ترجیح می‌دهند که ایشان اصلاً ازدواج نکنند! ازدواج در اسلام بسیار تأکید شده و نیمی از ایمان ماست. اما بواسطه "جهانی شدن" همسر ما باید ثروتمندترین، زیباترین بوده و تقریباً در همه چیز خوب باشد! این‌ها متاثر از رسانه‌هاست. جوانان ما می‌گویند: "ما می‌خواهیم اکنون با همسر آینده خود زندگی کنیم تا بفهمیم که می‌توانیم با آنها سر کنیم." این

تصور غلطی از متعه (ازدواج موقت) است.

طرز فکر متداول دیگر میان جوانان ما این است که من از عهده خودم بر می آیم چه دلیلی دارد که ازدواج کنم و بار مسئولیت شخص دیگری را نیز بدوش بکشم؟ اینها همه نجوای شیطان است و ما مسلمانان اگر قرار است از جوانان و بنیان خانواده حمایت کنیم مسئولیم که این نجواها را از بین ببریم. از آن جایی که ازدواج برای یک زن هنگامی که سن وی بالاتر رود مشکل تر می شود این وظیفه رهبران جامعه است که شخص مناسبی برای ازدواج با وی پیدا نمایند.

زن مسلمانی که طلاق می گیرد نباید تمام تقصیرها را به گردن بگیرد. برخی ازدواج ها با شکست مواجه می شوند اما متأسفانه جوامع ما بعد از طلاق نفرت و بی احترامی نسبت به دختر نشان می دهند در حالی که پسر به زندگی خود ادامه می دهد زن مسلمانی که طلاق می گیرد حق ازدواج مجدد را از دست نمی دهد. بسیاری از زنان متأسفانه بعد از ازدواج هر گونه استقلالی را از دست می دهند. هیچ کس حق ندارد شخص دیگری را برده خود کند یعنی آن شخص را محصور به خدمت برای رفع نیازهای خود نماید. محروم کردن دیگران، از آزادی و اختیار گناهی کبیره است.

زن تحصیل کرده ای که زمانی متکی به خود بوده بعد از ازدواج بطور ناخودآگاه از شغل خود دست بر می دارد تا بتواند از همسر و خانواده خود مراقبت نماید. از آن جایی که شوهر در جاه طلبی آزاد است زن احساس بی ارزشی کرده و بطور کامل وابسته به همسر خود می شود. اگر خیلی شانس بیارود ممکن است با مردی ازدواج کند که حقوق او را درک کرده و از او حمایت نماید و در کارهای روزمره در خانه و پرورش فرزندان خوب کمک حال وی شود!

اما بدبختانه در بسیاری از کشورها بدلیل عدم آگاهی طرفین از حقوق متقابل خویش موضوع به این صورت نیست. بنابراین زنان باید در بدست آوردن مشاغلی

ترغیب شوند که بتوانند در پروراندن خانواده ای بهتر به ایشان کمک نمایند. بعضی از این حرفه‌ها که به نفع کشورهای در حال توسعه است عبارتند از: پرستاری، مشاوره، جامعه‌شناسی، فیزیولوژی و تدریس. ما باید از کارفرمایان درخواست کنیم مادران و زنان متأهل را به صورت نیمه وقت استخدام کنند تا آنها بتوانند میان وظایف خانه‌داری و شغل خود موازنه برقرار کنند. مادران پرستار نیز باید از تسهیلات برخوردار گردند. درآمد کمی که یک زن بدست می‌آورد می‌تواند در ارتقاء اعتماد به نفس وی موثر بوده و او را خوشحال نماید.

هر زنی حق دارد برای امرار معاش خود سرمایه‌گذاری کند و در صورت تأهل، شوهر باید وی و فرزندان خود را تامین نماید. هر زنی حق دارد دارایی و مایملک داشته باشد. بعلاوه زن می‌تواند شرایط تعیین کند که در صورتی که شوهر اخلاق فاسدی پیدا کرد یا در صورت بدرفتاری با زن وی بتواند حق طلاق داشته باشد چنانچه اسلام چنین حقی برای وی قائل شده است.

اگر اسلام محدودیت‌هایی را برای مردان و زنان وضع کرده این بنفع خودشان است. درست همان طور که اسلام برای مردان حق طلاق قائل شده به زنان نیز این حق را داده که هنگام عقد بتوانند شرایط تعیین کنند مثلاً "اگر شما این کار و آن کار را انجام دهید حق طلاق با من باشد". در صورتی که مرد آن شرط را پذیرا شود دیگر نخواهد توانست آن را ختنی کند. از آن جایی که طلاق در اسلام توصیه نشده در صورت غیر قابل تحمل بودن برای طرفین بهتر است قبل از طلاق مشاوره‌های خاص انجام گیرد.

در صورتی که زن تمام وقت افکاری متشنج و خسته داشته باشد هرگز نمی‌تواند شاد باشد. وی نیاز دارد در خارج از منزل فعالیت داشته باشد تا از نظر جسمی و فکری سر حال شود. زن حق دارد بدن خود را برای شوهر حفظ کرده و آن را برای وی زیبا جلوه دهد. با مشارکت در فعالیت‌های خارج از خانه که منطبق بر موازین شرع

می‌باشد زن کامل تر شده و برای دست و پنجه نرم کردن با شرایط سخت آماده‌تر می‌گردد. آنها همچنین می‌توانند دوستان جدید پیدا کنند و همدیگر را بهتر درک نمایند.

زن حق تحصیل دارد و می‌تواند دانش خود را با دیگران سهیم کند. وی می‌تواند یک دانشمند، هنرمند، پزشک خوب یا هر آنچه خدا بخواهد شود. اما وی باید در هر کاری که انجام می‌دهد ارزش‌های اسلامی را حفظ کند و در صورت یافتن شغلی بهتر و یا وارد شدن به محیطی غریبی تر به سمت ارزش‌های غیراسلامی منحرف نگردد. یک راه ارتقاء استعدادها برگزاری همایش‌های زنان مسلمان در سرتاسر جهان است. تمامی کشورها می‌توانند هر ساله به توبت میزبان رویدادهای مختلف باشند. ما موظفیم خواهران مسلمان خود را بشناسیم و از یکدیگر کسب دانش کنیم.

الگوی ما سیده فاطمه (س) است که زنی اسوه بود. وی تمام کارهای خانه را بدون هیچ شکایتی انجام می‌داد و حتی کارهای خانه را بین خود و خدمتکارانش تقسیم می‌نمود. وقتی که یک دختر جوان، زن مسلمان موقمی را ببیند بطور یقین به وی مراجعه خواهد کرد! گاهی یک زن مسن تر می‌تواند برای یک دختر جوان تر الگو باشد. بنابراین ما بعنوان زن در برابر نسل جوان تر مسئول هستیم. با رعایت حجاب و حفظ منزلت خود از طریق هویت اسلامی خویش می‌توانیم به جهانیان نشان دهیم که ما با آنچه دینمان به ما آموخته، احساس امنیت و ایمنی می‌کنیم و از حفظ هویت خود هراسی نداریم. ما باید اهمیت حجاب را به دختران جوان خود نشان دهیم.

وظیفه والدین این است که برای فرزندان خود نام مناسب انتخاب کنند و آنها را مسلمانانی خوب بار آورند تا برای جامعه مفید واقع شوند. پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: "فرزند دختر نعمت است."

والدین باید اطمینان دهند که دخترانشان در محیطی امن و معنوی پرورش می‌یابد. وی باید تشویق شود دانش درست را فرا گیرد. بعلاوه هنگام انتخاب شغل و همسر یا ملائمت و نرمش هدایت شود. والدین موظفند او را مورد احترام و تکریم قرار داده و حقوق وی را محترم بشمارند.

مادر ملزم است دختر خود را مدت ۲۱ ماه با شیر خود تغذیه کند، زیرا این حق اوست. والدین موظفند عشق خود را بدون هیچ شرطی نثار فرزندان نمایند و آنها را با واگذاری کارهای سخت به زحمت نیاندازند.

آیه‌ای از قرآن کریم در ارتباط با فرزندان: "و خدای تو حکم فرموده که جز او هیچ کس را نپرستید و در باره پدر و مادر نیکویی کنید و چنانکه هر دو یا یکی از آنها پیر و سالخورده شوند زنهار کلمه ای که رنجیده خاطر شوند مگویید و کمترین آزار به آنها مرسانید و با ایشان به اکرام و احترام سخن گویند. و پر و بال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزدشان بگستران و بگو: پروردگارا! هم چنان که پدر و مادر، مرا از کودکی به مهربانی پروراندند، تو در حق آنها رحمت و مهربانی فرما."

فرزندان باید سعی کنند از والدین خود تبعیت نموده و آنها را مورد حمایت خود قرار دهند و بعد از فوت ایشان اموال آنها را خیرات کنند.

افراد در برابر سلامتی خود مسئولند و اگرچه خداوند قادر مطلق این نعمت را ارزانی داشته، این ما هستیم که با خوردن غذای حلال و انجام ورزش باید آن را حفظ و نگهداری کنیم. زنان باید در مورد مشکلاتی که در طول مراحل مختلف زندگی با آنها مواجه می‌شوند بیشتر مطالعه کنند. بسیاری از تغییرات هورمونی در طول مدت زندگی در زنان بوجود می‌آیند (همچنین در مردان)، اما مردان و زنان چون جاهل به مساله هستند نمی‌دانند با این گونه مشکلات چگونه برخورد کنند.

بیماری عمده دیگری که هر کسی را می‌تواند مبتلا کند ویروس اچ. آی. وی. و ایدز است. این افسانه‌ای پیش نیست که زنان و مردان مسلمان هرگز ایدز نمی‌گیرند،

آنها در اشتباه هستند! همه روزه بسیاری از خواهران ما در اثر ابتلا به این بیماری بدلیل فقر و بیکاری، خاموش و بیصدا از بین می‌روند. زنان همچنین باید برای معاینه عمومی بطورمدام اقدام کنند، تا در صورت وجود بیماری زودتر آشکار گردد. در این رابطه در بسیاری از روستاها تعداد معدودی خوش شانس وجود دارند که از طرف کلیسا کمک و یاری می‌شوند.

زن مسلمان حق دارد در صورت مراجعه به بیمارستان دکتر زن او را ویزیت نماید. ما بسیاری از زنان خود را مورد تشویق قرار می‌دهیم تا وارد حرفه پزشکی شوند تا تنها زنان را مورد معاینه قرار دهند. اینجا زنان بیمار بدلیل هزینه‌های بالای درمان، از رفتن برای معاینه خاص پزشکی اجتناب می‌کنند. بسیاری از مردان، بدلیل صورت‌حساب‌های کلان، همسران خود را بابت دادن پول اضافی، جهت گرفتن اشعه ایکس و تجویز دارو منع می‌کنند. زنان صرفاً بدلیل نداشتن ثبات مالی نباید از حق مداوای پزشکی محروم شوند.

طرح بیمه درمانی ارزان باید در سراسر جهان برقرار گردد (بویژه برای زنان مسلمان). لذا از آن طریق قادر خواهیم بود اطلاعاتی را که در صورت دور بودن از منزل نیاز دارند در اختیار آنها قرار دهیم. بیشتر زنان ۴۰٪ از عمرشان را صرف مراجعه به دکتر می‌کنند. اما اکثر این بیماری‌ها در ارتباط با استرس و تنش می‌باشد. در واقع اینجا در کتیا حتی یک زن از کار افتاده نیز حق دارد به درمانگاه‌های خاص، که معاینه توسط زنان صورت می‌گیرد، مراجعه نماید. این یک واقعیت است که مردم بیشتر مراقب حیوانات خانگی و اتومبیل‌های خود هستند تا خودشان! ورزش حتی در حد پیاده روی، بسیاری از بیماری‌ها را کاهش می‌دهد. این حقیقتی است که مورد تایید همگان است، اما متأسفانه در بسیاری از کشورها ورزش و سلامتی در زمره مسائل مهم گنجانده نمی‌ود.

همه ما هزینه بسیار زیادی جهت داشتن اندامی متناسب و کم وزن صرف

می‌کنیم. اما در صورت حفظ سلامتی با رژیم و ورزش تا پایان عمر بدون صرف هزینه، دارای بدنی سالم خواهیم بود انشاءالله.

کمبود استادیوم و تسهیلات ورزشی مختص خانم‌ها بسیار ناامید کننده است. من تمام عمرم را در انگلیس با ورزش گذراندم اما از زمانی که تصمیم به رعایت حجاب نمودم در واقع به زندگی ورزشی خود در کنیا پایان بخشیدم. بعد از ۱۸ سال در جشنواره ورزش بانوان در مویسای کنیا به ورزش های رقابتی پرداختم. فوائد ورزش بقدری زیاد است که زمان بسیار زیادی نیاز دارد تا به نگارش در آید. ما از ورزش یاد می‌گیریم شکست را بپذیریم، شکستی که به ما یاد داده که همه چیز همیشه بر وفق مراد ما نیست و همچنین نظم و احترام گذاردن به طرف مخالف را به ما آموخته است. اینها تنها تعداد کمی از این فوائد است در بسیاری از کشورها از ورزش‌های مختص زنان چشم پوشی شده کرده‌اند اما باز، ایران، در این مورد راه به سوی ایجاد تسهیلات برای زنان می‌گشاید.

زنان مسلمان عملاً در سیاست وارد نشده‌ند (مگر زنان مسلمان ایرانی و تعدادی از کشورهای دیگر) و بخاطر سنگین بودن کار سیاست از آن دور افتاده‌اند. ما در کنفرانس‌ها موظفیم، جاهایی را که برای زنان مسلمان تفاوت ایجاد کرده‌اند شناسایی نماییم و یقین حاصل کنیم که بقیه مردم جهان از آن آگاهی پیدا می‌کنند. نسل امروز زن برهنه و فریبنده را بعنوان الگو درک کرده؛ بنابراین باید به آنها نشان دهیم که زنان با حجاب به چه چیزهایی دست یافته‌اند.

مجلات مانند 'محبوبه' و دیگر نشریه های مذهبی گزارشات بسیار خوبی ارائه می‌کنند که لازم است به رویت غیرمسلمان ها نیز برسد. این امر ضروری است که مجلاتی با محتوای ارزش های اسلامی بر گرفته از قرآن، پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) تاسیس شود و توسط مسلمان‌ها و غیر مسلمان ها خوانده شود. در مجلات اسلامی لازم است برای نگارش آیات قرآن کریم بطور مستقیم تدبیری

خاص اتخاذ نمود، زیرا که مردم مجبورند با احترام کافی با این گونه مجلات رفتار کنند. می‌توان مسائلی مانند بهداشت، ایدز و مواد مخدر را در این نشریات معرفی نمود. ماهانه مجلات غیر اسلامی بسیار زیادی منتشر می‌شوند؛ این مجلات پسران و دختران ما را آشفته می‌کنند. ما اینجا در کنیا به مجلاتی که از خارج می‌آید دسترسی داریم که سانسور نشده‌اند.

نشریات ما باید به زبان ساده انگلیسی نوشته شوند تا برای همه قابل خواندن باشد. باید مجلات همگانی، مخصوص زنان برای تمام خوانندگان در سراسر دنیا چاپ گردد. زنان می‌توانند پایگاهی اطلاعاتی جهت ارجاع آسان داشته باشند.

بدبختانه زنان وقت و تلاش اضافی صرف نمی‌کنند تا از وقایعی که سراسر جهان در حال وقوع است مطلع شوند. ما باید بطور فشرده اخبار را پی‌گیری کنیم زیرا خواهران و برادران مسلمان ما از هر چیزی تاثیر می‌پذیرند. لازم است زنانی را نشان داده و بشناسانیم که بخاطر جنگ‌های غیر قانونی در سراسر جهان در رنج بسر می‌برند، در میان آنها زنان بیوه و طفلان یتیم یافت می‌شوند. بعلاوه زنان مسلمان در اسارت نیز نباید فراموش شوند. حتی ما می‌توانیم به دیدار آنها رفته و مدعی حقوق اساسی آنها بعنوان مسلمان باشیم.

پناهندگان زیادی پیرو جنگ‌های مدنی غیر ضروری باقی می‌مانند که بواسطه از دست دادن همه چیز خود هیچ هویتی ندارند؛ نمی‌توانند شغلی پیدا کنند زیرا کارت شناسایی یا شناسنامه ندارند. این زنان نام اسلامی خود را تغییر داده و در نتیجه به رومپیگری تن درمی‌دهند. خواهران باید از طریق *am al* با هم در تماس باشند و اجازه دهند تا هر یک، از موقعیت کشورشان و نیز خواهران مسلمانشان آگاه گردد.

اگر بخواهیم رشد جهانی پیدا کنیم می‌بایست نظام ارتباطی خوبی داشته باشیم. امروزه بزرگترین ضعف ما آشنا نبودن به بسیاری از زبان‌هاست و فکر می‌کنم که تحولی از این نظر در شرف انجام است. اگر خواهران ما تشویق شوند

و در سمینارهای کوچک شرکت کنند اعتماد به نفس و تجربه بیشتری برای کارهای بزرگتر و قدم های بعدی کسب می کنند.

باید اخبار بروز و جدید به مناطق محلی ارسال شود تا زنان از وقایع خارج از جامعه خود آگاه شوند. چند سال قبل در روزنامه ها در مقاله ای خواندیم که قطع عضو تناسلی زنان سنتی از پیامبر اکرم (ص) است. از آن جایی که این توهینی به اسلام، زنان و پیامبر اکرم (ص) محسوب می شد با نویسنده این مطلب تماس گرفته شد و از وی خواسته شد تا مطلب مربوطه را اصلاح نماید؛ بعد از آن مقاله ای دیگری با این مضمون در بسیاری از مناطق آفریقا چاپ شد، با اینحال رسانه ها سرعت عمل کردند و بسیاری از مردم خواستند از صحت و سقم آن خیر مطلع شوند زیرا مصاحبتی با ارائه تصویر با تعداد زیادی زن مسلمان سومالیایی انجام شده بود. وقوع مجدد چنین مسائلی باعث دادخواهی و تظلم از سوی همه خواهد شد.

زنان مسلمان عموماً در ارتباط با هویت خود دچار سردرگمی می شوند. زیرا آنها بسیار سعی می کنند از خواهران غیر مسلمان غربی خود که بنظر بسیار باهوش و ثروتمند هستند تقلید نمایند. در غرب معیار فرهنگی سنجش ارزش زن جاذبه ای جنسی وی می باشد. از آن جایی که وی بشدت می کوشد تا خودش را در منظر عموم لاغر و زیبا جلوه دهد بتدریج به ثباهی کشیده می شود. عجب مغایرتی با یک زن مسلمان؟!.

ما برای برگرداندن هویت زن مسلمان به برگزاری سیمینارها و سخنرانی های منظم نیاز داریم. زن مسلمان باید به سابقه خود بیالد و همزمان با درس گرفتن از این گردهمایی ها بتواند پاسخ سؤالات خود را بیابد، هم چنین می تواند دیگران را برای شرکت در این گردهمایی ها تشویق نماید. ما همه جسارت انجام چیزهایی را که نسبت به آنها جاهل هستیم نداریم اما موظفیم از گهواره تا گور در پی دانش

باشیم! اسلام روش کامل زندگی است و بنابراین ما بسیار خوشبختیم که هم از نظر اخلاقی و هم از جهت مذهبی از سوی قرآن کریم هدایت می‌شویم!

ما ملزم هستیم برای آن دسته از بزرگسالان که به علل گوناگون فرصت یادگیری را پیدا نکرده‌اند کلاس‌هایی تشکیل دهیم. بزرگسالان نباید از آموختن خجالت بکشند. اگر قرار بر این است که زنان پیشرفت کنند باید در کاری که انجام می‌دهند اعتماد به نفس و ایمان داشته باشند. من در حال حاضر با این سن سعی دارم قرأت قرآن را به زبان عربی یاد بگیرم!

بسیاری از کشورهای بزرگسالان خود را ترغیب به فراگیری دانش بیشتری کنند. ما نیز باید خواهران خود را به این کار تشویق نماییم.

از آن جایی که زنان در کنار خانواده‌های خود زندگی می‌کنند، می‌توانند افراد پاک‌پرورش دهند به طوری که بتوانند جامعه خود و حتی جوامع دیگر را هدایت کنند. در این صورت نهادی پایدار ارائه و ارزش‌های انسانی برگردانده خواهد شد.

کودک درست از همان آغاز نیاز به مادر دارد. برای اینکه غرب بتواند کودکان ما را مطابق با ارزش‌های خود، بدور از ارزش‌های اسلامی بازآورد، با تکرار و القاء این کلمات که کودکان خود را از همان سنین پایین به مهدکودک بفرستید بتدریج در افکار ما نفوذ می‌کند. و این در حالی است که نیازهای مادی ما رو به افزایش می‌یابد، در نتیجه والدین هر دو مجبور می‌شوند سخت کار کنند تا پول کافی بدست آورند آن کودک کم سن و سال نیز همواره میان گفته‌های پدر و مادر و معلمان خود دچار سرگردانی می‌شود. بنابراین این مسأله که مادر خود باید تحصیل کرده و رشد یافته باشد از اهمیت خاصی برخوردار است. قطعاً ما به مدارس بیشتری با مدیریت مسلمان شیعه نیازمندیم.

همزمان با رشد کودک تحولات روانی در افکار وی ایجاد می‌شود که بواقع خیرت انگیز است. مادران بمنظور کسب توانایی مورد لزوم برای مراقبت از فرزندان

دارای سنین مختلف، دوره های آموزشی کوتاهی را متناسب با نیازهای ایشان بگذرانند. پیامبر ما (ص) پیش از این ما را در چگونگی تربیت فرزندان در سطوح مختلف در ۱۴۰۰ سال قبل راهنمایی کرده است! آیا ما آن را بکار می بندیم؟ اگر والدین هر دو تشویق گردند که در این دوره های آموزشی شرکت کنند در حد بسیار زیادی به جامعه ما کمک می شود.

می توان کلاس های آموزشی را طوری ترتیب داد که زنان را در باز کردن مغازه های کوچک یا شروع تجارت از خانه کمک کند. زنان همچنین می توانند از وام و امتیازات کم در شروع کار برخوردار گردند. این روش در کلیه سازمان های مسیحی اعمال و بخوبی جواب داده است. زنان با استعداد بسیاری داریم که بیکار در خانه می نشینند و تمام وقت خود را به تماشای فیلم می گذرانند و ما موظفیم این وضع را تغییر دهیم. زنان در اکثر کشورها حق رأی دارند اما متأسفانه هرگز از این حق استفاده کامل نمی برند. امسال ما توانستیم تا حدود زیادی با تبلیغات زیاد و استعداد از زنان در این امر موفق شویم و زنان کنیایی بویژه زنان مسلمان دارای استفاده از رای شدند.

همه ما بعنوان یک شهروند موظفیم در امور کشور خود دخیل باشیم. تغییراتی که مورد نیاز ماست ممکن است فوراً ایجاد نشود اما حداقل ما خط مشی برای نسل آینده مطرح نموده ایم. هنگامی که پیامبر اکرم (ص) می خواستند اسلام را علنی کنند این خدیجه کبری بود که در کنار نبی اکرم آماده به خدمت ایستاد. آنچه را نباید فراموش کنیم این است که کمک های ناب و مالی وی بود که به حضرت کمک کرد تا اسلام رواج دهد. آنچه را که باید بخاطر بسپاریم این است که ایمان و پشتکاری اجر نخواهد ماند! بواسطه ی مردی بزرگ و زنی بزرگ ما دارای نسلی فوق العاده و عالی و اسلامی با پرچم برافراشته هستیم.

زنان بزرگ بسیاری داریم که در زمان جنگ و سختی در صف اول فرار داشتند،

به بانو زینب (س) در محرم و سیده فاطمه (س) زمانی که وی را از داشتن ارث خود یعنی فدک محروم کرده بودند فکر کند، این زنان والا مقام دانش سیاسی و مذهبی خود را بکار گرفتند تا به جایی که می خواستند رسیدند.

جهت حفظ حقوق بشر به ارگانی مرکزی برای کمک به ارائه قوانین و حقوق نیاز داریم. باید دفاتر اسلامی یا کادر مجرب وجود داشته باشد تا هنگامی که زنان احساس نیاز کردند به آنها کمک و راهنمایی کنند. زمان بروز اختلاف نظر در ارتباط با مسائل زناشویی یا ارث یا حتی در مورد طلاق زنان باید تنها توسط شریعت اسلامی ارشاد شوند و لا غیر. ما می توانیم از همین حالا برای تربیت اینگونه افراد اقدام نماییم. اخیراً در کنیا می خواستند دادگاه های *khahdis* (قانون اسلامی تسنن) را از قانون دادگاه اصلی خارج کنند اما موفق نشدند.

زنان مسلمان در کشورهای پیشرفته دچار مشکلات عدیده ای هستند زیرا با داشتن حجاب تحت ظلم و بیسواد انگاشته می شوند. در پیدا کردن شغلی مناسب مشکل دارند. ایشان نگران نماز و زمان انجام این فریضه می باشند. هم چنین در ارتباط با غذایی که می خورند روزهایی که نیاز به تعطیلی دارند مانند روزهای سالگرد وفات و میلاد امامان (ع) و پیامبر اکرم (ص) با مشکلات مواجه هستند. فهرست این مشکلات تمامی ندارد. اگر هیچ نوع تبعیض علیه زنان در این کشورها وجود ندارد پس چه دلیلی دارد که بسیاری از زنان شاغل در آمریکا و بریتانیا مجبور می شوند حجاب خود را بردارند. به این دلیل اینکه ایشان را تحت فشار شدید قرار می دهند تا مجبور به این کار شوند. رسانه ها بیشترین جرم را برای منفی نشان دادن اسلام بر عهده دارند. آنها هرگز جوانب مثبت مسئله را به تصویر نمی کشند و این وظیفه ما مسلمانان است که نگاه منفی که متوجه اسلام و زنان است از بین ببریم.

چنانچه زنی بخواهد در خارج از منزل کار کند باید نوع محیط کاری و افرادی که با آنها در ارتباط خواهد بود را در نظر بگیرد. دست دادن زن و مرد مسلمان با

نامحرم واقعی ساده اما نادیده انگاشته شده است و این باعث شرمساری است که در کشورهای غیر اسلامی کسی از این واقعیت اطلاعی نداشته باشد! این روزها اگر زنی بخواهد به کشور خاصی سفر کند یا پاسپورت خود را تمدید نماید باید هر چیزی که گوش و موهای وی را می پوشاند بردارد! این شرط گرفتن ویزا و پاسپورت است و این نقض کلی حقوق افراد است!

وقتی در کشوری تعدادی زن مسلمان وجود دارد ارتباط مستمر آنها با سازمانی اسلامی دارای اهمیت است. چنانچه این زنان با حقوق خود آشنایی داشته باشند قادر خواهند بود به دیگران نیز آموزش دهند اما آنها باید تحت نظارت یک یا دو سازمان دیگر باشند. ما بسیاری چیزها را پذیرفته شده فرض می کنیم، بنابراین اگر قرار باشد سرعت جهانی شدن پیش رویم باید حقوق خود را فوراً عملی نماییم.

خواسته اسلام این است که شخصیت زن حفظ شود بطوری که با وی مانند یک عروسک برخورد نشود و در عین حال بعنوان عضوی کارآمد و جدی در جامعه در نظر گرفته شود. زنان صرفاً برای مردان و لذت بردن آنها خلق نشده اند. اگر مرد و زن با هر تجربه و سابقه ای بفهمند که پیشرفت معنوی و اقتدار با هم در حرکتند دیگر چه اهمیتی دارد کجا باشیم، آن وقت است که افکار و ارزش های ما تحت تأثیر هیچ عامل خارجی قرار نخواهد گرفت. در این زمان که غریبان سعی دارند هویت ما را خدشه دار کنند لزوم کسب دانش برای زنان ما از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زنان سعی دارند به جای اینکه مکمل مردان باشند به رقابت با آنها برخیزند، جوانب مادی زندگی برای آنها مهمتر از جنبه معنوی آن است.

زنان و مردان ما دیگر تنها با نشستن در مساجد و گوش کردن چیزی یاد نمی گیرند. سوالات بسیار زیادی در اذهان برادران و خواهران ما وجود دارد که باید پاسخ داده شود و امروزه این روش دیگر منسوخ شده است. همچنین اکثر زنان در کشورهای پیشرفته بدلیل داشتن جدول کاری سنگین از رفتن برای آموزش و

یادگیری در شب بسیار خسته شده‌اند. بنابراین کلاس‌هایی باید ترتیب داده شود که در طول روز و زمان تعطیلات برگزار گردد.

به گفته امام خمینی (ره) مدارس دینی در قم باید به آموزش ادامه داده و تعداد دانشجویانی که متخصص در ارشاد مردم خواهند شد را افزایش دهند.

نیازی مبرم به فقها و دانش پژوهان اسلامی احساس می‌شود و ایشان باید به سراسر جهان رفته و مراکز برای حفظ اسلام برپا نمایند. شناخت و پیروی از یک روحانی مسلمان وظیفه‌ی دینی و الهی ماست. اگر بخواهیم هویت واقعی اسلامی خود را حفظ نماییم باید از تلفیق برخی مسائل فرهنگی در حیطه‌های مختلف عبادی پرهیز کنیم. ما برای گرفتن راهنمایی و ارشاد به روحانیون زن و مرد مسلمان نیاز داریم. اسلام تا ابد به چنین فرهیختگانی احتیاج دارد.

حجل و شرمسار هستیم از این که بگوییم در بسیاری از کشورها افراد ناتوان چه مرد و چه زن بعنوان عضوی از اجتماع در نظر گرفته نمی‌شوند. بسیاری از مردم فراموش می‌کنند که این‌ها انسان‌هایی هستند دارای احساساتی درست مانند هر شخص دیگری و ناتوانی از انسان بودن آنها چیزی کم نمی‌کند. جامعه ما باید این‌گونه افراد را شناسایی کند.

ما باید به مردم پیاموریم که چگونه از افراد ناتوان مراقبت کنند. در کنیا دختران ناتوان زیادی وجود دارند که مورد سوءاستفاده جنسی و بدرفتاری قرار می‌گیرند. این دختران بیچاره در مراقبت از خود ناتوانند و در نتیجه سکوت اختیار می‌کنند.

- مدارس مخصوص با معلمانی خاص ساخته تا در حال بداند چه باید انجام دهند.

- مراکز اسلامی ما باید این‌گونه افراد ناتوان را تامین نمایند. اگر نایبنا باشند باید از خط بریل برای خواندن قرآن و در صورت ناشنوا بودن از ضبط صوت استفاده کنند.

- کسانی که می خواهند بعنوان مبلغ کار خود را با مردم نابینا ادامه دهند لازم است زبان اشاره یاد بگیرند.

- با زنانی که از ناتوانی جسمی و فکری رنج می برند باید بهتر برخورد شود. آنها حق ارث دارند و باید مطابق با ناتوانی خویش تحصیل کنند. در صورتی که ناتوانی آنها اجازه دهد می توانند در بسیاری از فعالیت ها اعم از ورزش شرکت کنند. اگر دستانی سالم دارند، بازی های با توپ روی ویلچر هست (نقاشی و نویسندگی) که می توانند انجام دهند. می توان آنها را به انجام هنرهای دستی و نیز کار با کامپیوتر تشویق نمود. هر چند تمام این ها در بسیاری از کشورهای پیشرفته عملی و در دسترس است؛ کشورهای جهان سوم بدلیل فقدان منابع و کادر مجرب اسباب نیاز این افراد را فراهم و اجرا نکرده اند اگر ناتوانی شخص شامل دستان وی باشد باید وی را ترغیب کرد که از پاهای خود استفاده نماید.

مردم ناتوان حق بیرون رفتن و گردش دارند و ما باید به آنها این اطمینان را بدهیم که تسهیلات برای آنها فراهم است. گرچه ممکن است خرید مایحتاج برای بیرون رفتن این گروه افراد در صورت فراهم نبودن مانند یک کابوس باشد. اگر شخص ناتوانی تنها توانایی حرف زدن داشته باشد می توان وی را در نمایش های رادیویی شرکت داد و دیگران را نیز ترغیب به این کار نمود. آنها حق مداوای صحیح از طریق فیزیوتراپی مطابق با درجه ناتوانی خویش را دارا هستند.

در پاسخ به کنفرانس پکن و دیگر کنفرانس های مشابه آن نظر عموم این بود که این سند برای آزادی زنان و حمایت از آنها ضروری بود. در اینجا ما بلم تاکید کنیم که در زمان ظهور اسلام حقوق بسیار زیادی به زنان مسلمان داده شد و همزمان با آن ایشان را از دستان اشراری رهایی داد که از آنها بعنوان کالای جنسی استفاده می کردند و آنها را از حقوق اساسی خود محروم می نمودند - اسلام در مقابل بهره کشی و بدرفتاری با آنان جامعه خود حمایت کرد.

آنچه در طول کنفرانس یکن اتفاق افتاد شکل مفراطی از فمینیسم بود. زنان می‌خواهند دست به حرکتی بزنند که ایشان را در برابر آنچه که برای آنها ناشناخته است حمایت کند؛ یعنی در مقابل خطرات موجود در جامعه ای که آنها در آن زندگی می‌کنند. اگر آنها در پی مساوات جنسی هستند پس شاید بهتر باشد که این زنان خواهان منع استفاده از اندامهای خود در تبلیغات برای فروش اجناس باشند. همچنین موارد فقر و بیکاری باید به عنوان یک معضل در نظر گرفته شود اما نوعی فیسیم در سراسر جهان افزایش پیدا کرده و در برخی کشورها قانونی نیز می‌باشد! آیا این سند با توجه به اینکه زنان و کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد برای متوقف کردن روسپیگری تدوین شده است؟ آیا یک زن حق ندارد از بدن خود در برابر تجاوز و سوء استفاده دفاع کند؟ آیا یک زن حق ندارد از بدن خود در برابر تجاوز و سوء استفاده دفاع کند؟ تبعیض قائل شدن و در عین حال دادن حقوق مساوی به زن فی‌نفسه یک تناقض است! می‌توان زنان را در ایران پس از انقلاب اسلامی که در آنجا جزو مهمترین مقامات کشور هستند الگو قرار داد. بسیاری از ایشان عضو مجلس هستند و با مردم برای حل مشکلاتشان در ارتباط می‌باشند. زنان بوسیله حجاب از خود حمایت می‌کنند و در عین حال دارای تحصیلات عالی نیز هستند. زنان موظفند ابتدا در دید خداوند ارزش داشته باشند، در حقیقت مردم از آنان بعنوان عضوی از جامعه تقدیر خواهند نمود.

امروزه روزنامه‌ها و کانال‌های تلویزیونی روی کشورهایی تأکید دارند که بوسیله آنها ازدواج هم‌جنس بازنه اعلام شده است. متأسفانه اولین آنها کشور انگلیس است، کشور بعدی آفریقای جنوبی می‌باشد.

رسانه‌ها نه تنها از اعلان این عمل غیر اسلامی به خود می‌بالند بلکه با افتخار مکان‌هایی که زوجین هم‌جنس بتوانند بهترین جشن را برای خود بگیرند، را نیز معرفی می‌کنند! گردانندگان چنین پیوندها بازی دیگر راه پول در آوردن را هم

پیدا کرده‌اند! بسیار غم‌انگیز است اگر قرار باشد کودکان ما شاهد این همه عقاید فاسد باشند.

مسلمانان و غیرمسلمانان سراسر جهان باید یکپارچه شوند و ترویج ازدواج همجنس‌بازان را محکوم کنند. این پیوندها نباید به رسمیت شناخته شود. ما موظفیم قانونی شدن این عمل در کشورهای دیگر را متوقف کنیم زیرا غرب می‌خواهد بنیان خانواده و نسل آینده را تخریب نماید. اعطای حق همجنس‌خواهی بسیار ناپسند و نامعقول است.

غم‌انگیزترین بخش در حال حاضر این است که حتی هالیوود نیز شرم ندارد زدرست کردن فیلمهایی که در آن هنریشه‌ها ارتباط همجنس‌ها را "طبیعی" نمایش دهند. با بزرگترین دشمن خود یعنی تلویزیون چه برخوردی باید داشت؟

از آن جایی که قرآن کریم تاکنون خطرات این پیوند غیر شرعی را به ما یادآور شده است ما نمی‌توانیم و نباید از موضع خود عقب نشینی کنیم. ما حق داریم عقیده خود را ابراز کنیم. آیا می‌توان کودکانی را که با چنین زوج‌هایی زندگی می‌کنند تصور کرد؟ آن دسته از کودکانی که با دو مرد یا دو زن همجنس‌باز بزرگ می‌شوند از مشکلات روانی جدی رنج خواهند برد. ما موظفیم از طریق تحقیقات پزشکی، علمی و مذهبی ثابت کنیم که این گونه ارتباطات طبیعی نبوده و خطری برای نسل آینده می‌باشد. ما باید از ابزار تبلیغاتی و رسانه‌ها برای تفهیم و ارسال این پیغامها استفاده نماییم.

قرآن کریم رهنمودهایی در مسائل ازدواج، ارث و تدفین برای زنان و مردان مسلمان دارد. بنابراین تبعیض با دادن حقوق فرد به خودش تفاوت دارد. زمانی که ما قبول نداشته باشیم با شخصی، چه مرد چه زن، سیاه یا سفید، مسلمان یا غیر مسلمان، درست و منصفانه برخورد و رفتار شود، در واقع شما حق وی را از او گرفته‌اید. همه ما اهل هر جا که باشیم و هر کس که باشیم حق شهروندی و

برخورداری از رفتار منصفانه را داریم. آنچه که ما نیاز داریم انصاف و عدالت است نه مساوات.

با شروع مساوات جنسی مردان تقاضای حق بچه دار شدن و شیر دادن را خواهند داشت درست مانند زنان که حق سقط جنین را طلب خواهند کرد. در اینجا نکته دیگری را متذکر می شویم. اسلام با سقط جنین مخالف است اما اگر زن مسلمانی در یک کشور غربی ادعا کند که این حق وی می باشد. زن در سقط جنین مختار است زیرا وی استدلال می کند که بدن خودش است، اما وقتی مردان از بدن وی استفاده می کنند وی آن را آزادی انتخاب می نامد.

- وی از روی گم گشتگی حقوقی را انتخاب می کند که با شرایط وی متناسب باشد

- فاجعه ای که این عمل بیار خواهد آورد آیا قابل تصور است؟

در ارتباط با ورزش آنها می گویند نیازی به تفکیک ورزش های زنان و مردان نیست، فقط بگذاریم همه با هم مسابقه بدهند. در بیمارستان ها مردان و زنان یکسان مداوا شوند یعنی یک زن می تواند از حق ویریت شدن توسط پزشک زن بگذرد. در آخر نیز می گویند هیچ فرقی بین زن و مرد وجود ندارد، و زنان می توانند مانند مردان عمل کنند و بالعکس، که نتیجتاً ترویج همجنس بازی ایجاد خواهد شد. مردان و زنان مساوی اما متفاوت آفریده شده اند برای اینکه هماهنگی در جهان وجود داشته باشد. یک زن متفاوت فکر می کند، تیزی نیست که یک دانشمند این را ثابت کند، بنابراین زمانی که یک زن شروع می کند مانند یک مرد (تساوی جنسی) رفتار نماید فاجعه در اجتماع رخ می دهد. بدن وی نیز متفاوت است! اینجا لازم است آیه ۳۴ از سوره نسا را یادآور می شویم: "مردان را بر زنان تسلط و نگهبانی است بواسطه ی آن برتری (ثیرو) که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته و هم بواسطه ی آنکه مردان از مال خود باید به زنان نفقه دهند."

آغوش مادر اولین مکتب برای آموزش و پرورش کودکان است بنابراین در صورتی که مادر نان آور خانه شود کودکان کجا خواهند رفت؟ آنها به جامعه واگذار خواهند شد تا هر گونه که بخواهد آنها را تربیت نماید و در نهایت که نزد ما برمی گردند بیگانه ای بیش نخواهند بود. مادر داشتن حق کودک است. مگر موقعیتی پیش آید که مادر توانایی بزرگ کردن وی را نداشته باشد در آن صورت مادر باید در جستجوی مهد کودک یا پرستار کودک باشد که جایگزین وی گردد.

کودکی که توسط شخص دیگری غیر از مادر یا پدر خود تربیت شود چگونه می تواند تفاوت بین آنها که مانند والدینش رفتار می کنند را با پدر و مادر خود بفهمد؟ اینگونه استدلال می شود که زنان از حقوق خود آگاه نیستند من در تعجبم که آنها در این کنفرانس های مختلف برای کدام حقوق دستگیرند؟

اگر زنان بتوانند در زمینه های مختلف طوری آموزش ببینند که مشکل فقر را کمتر و سبک تر کنند دیگر مانعی برای آنان در رسیدن به اهدافی که در چارچوب جامعه و مذهب خود دارند وجود نخواهد داشت. اگر این کشورهای بااصطلاح پیشرفته خواهان کمک به کشور های جهان سوم هستند چرا زمانی که شرایط طوری فراهم می شود که جامعه ای با کیفیت خوب بوجود می آید به جای گلوله باران کردن آن جوامع با فرهنگ خود، ساکت نمی نشینند.

در انگلیس دولت اصرار دارد که زنان تا جایی که می توانند در خانه بمانند و تنها در موارد لزوم سر کار روند تا از فرزندان خود مراقبت نمایند. عجیب است که ما در کشورهای جهان سوم درست عکس آن را عمل می کنیم. دلیل اینکه مردان عموماً "نان آور" هستند این است که ایشان از نظر عاطفی بهتر از زنان می توانند فشار ناشی از کار را تحمل کنند. طبیعی است که زنان در صورت کار در بیرون عصبانیت خود را در خانواده و سر بچه ها خالی می کنند.

اگر زن بخواهد در خارج از خانه مشغول کار شود لازم است کودکان خود را

تحت تربیت یک خدمتکار مسلمانی که به ارزش‌ها و قوانین اسلامی آشنا باشد قرار دهد. در زمان‌های قدیم والدین ما در این امر به ما کمک می‌کردند (خانواده‌های گسترده) که در آن صورت ارزش‌های فرهنگی ما حفظ می‌شد. در این روزها زوج‌های جوان تمایل دارند بروند و تنها زندگی کنند. بسیاری از زوج‌ها هستند که هر دو در خارج از منزل کار می‌کنند و زندگی‌های خود را تمام و کمال تأمین می‌کنند؛ تعداد کمی از آنها این شانس را دارند. وضعیت ایشان کمی شبیه وضعیت اسپ و گاری است. یک گاری نیاز به یک اسپ برای کشیدن دارد و یک هواپیما برای به پرواز درآمدن به خلبان نیاز دارد و هر دوی این‌ها با هم در تعادلند. در صورت وجود دو هواپیما و نبود خلبان تکلیف پرواز چه خواهد شد؟

آیا عجیب به نظر نمی‌رسد که این کنفرانس‌های سازمان ملل بجای ارائه آگاه‌های که با استفاده از آن مردان و زنان بتوانند در تعادل زندگی کنند. هدف متفاوتی را دنبال کند تا زندگی‌های مردم را از هم بپاشد. کشمکش‌ها و جنگ‌های بسیار زیاد زندگی مردم و را مختل نموده است اما تمام این کنفرانس‌ها از آنها چشم‌پوشی می‌کنند. سخنگوها و اعضا بر این مسئله توافق دارند که داشتن جامعه‌ی دموکراسی بدون برقراری مساوات امکان‌پذیر نیست. آیا در حال حاضر کسی هست که در یک جامعه‌ی دموکراتیک زندگی کند؟ سوال من این است کدام کشور غیر اسلامی؟ آیا همه‌ی ما زندانیان دولتی نیستیم که چگونه زندگی کردن و چگونه فکر کردن را به ما دیکته می‌کنند؟

نکته‌ی دیگری که مایل‌م در مورد آن بحث کنم این است که یک زن مسلمان می‌تواند با استدلال به این که مردان حجاب ندارند درخواست نماید که حجابش را بردارد! (نسای جنسی). ما نیاز به گردهمایی‌هایی داریم که از طریق آنها در تعادل زندگی کردن را توسعه دهیم و با استفاده از آن هنگام بروز دردسر و مشکل به همدیگر کمک نماییم. این وظیفه‌ی دولت‌های مربوطه است که نیازهای اساسی

ملت را تامین کنند تا بیش از این مردم تبه نشوند. جهل و نادانی دلیل اصلی انحطاط مردم است. به نظر من سند آن کنفرانس‌ها راهی برای براندازی خانواده و ارزش‌های معنوی می باشد که برای کشوری که بخواهد به رشد معنوی دست پیدا کرده و جوانان خوبی برای نسل آینده تربیت نماید، اساس نیست. آن اسناد مانند شخصی است که ماسک زده باشد؛ نمی توان فهمید که پشت آن در واقع چه چیز پنهان است. زنان باید از مبارزه برقراری مساوات با مردان دست بردارند زیرا ما در نظر خالق خویش مساوی هستیم ولی متفاوت هستیم.

- تساوی یعنی مانند هم بودن؛ انصاف یعنی با عدالت و منصفانه رفتار کردن.

- کدام یک را برای تمام بشریت خواهانیم؟

در خاتمه، ما باید از طریق اینترنت، em ail و رسانه ها با هم متحد شویم و در مورد مشکلات و نیازهای یکدیگر تحقیق کنیم. لازم است فیلم ها و کارتون های اسلامی برای زنان و کودکان را ترویج داده و بازدیدهای منظم از مراکز گوناگون در سراسر جهان داشته باشیم. هر کشوری نیازهای متفاوتی دارد و ما باید از هر یک از آنها دیدن و بر اساس آنها کار کنیم. جوانان ما باید برای ازدواج در سنین جوانی ترغیب شوند و این وظیفه ی ماست که برای آنها همسرانی مناسب و خوب پیدا نماییم. وقتی ازدواج کردند هر دو با هم می توانند به تحصیل دانش ادامه دهند. بعنوان والدین ما مکلفیم از آنها حمایت کرده و در مراحل اولیه ازدواج آنها را یاری دهیم. بر ماست که مفهوم حجاب را گسترش داده و زنان مسلمان و کارهای ایشان را چه ایرانی و شناسایی کنیم.

مومنین باید وجاهت و احترام گذاردن خالص را در زندگی اجتماعی و معنوی گسترش دهند. مادران مؤمن باید از کرامت خود حمایت نمایند، در نتیجه تمامی زنان از مقام و منزلت خود حمایت و کرامت خویش را حفظ کنند. زمانی خواهد رسید که تمام اشرار مجازات شوند، از خدا بترسید، و همواره سخنی بگویید که

متهی به حق گردد.

در پایان از خدا می‌خواهم به ما در متحد کردن تمام مسلمین کمک کند تا در سایه اتحاد بتوانیم بر مشکلات خود فائق آییم. تمجیل در فرج امام مهدی (ع) را از خداوند خواهیم.

منابع:

- قرآن کریم ترجمه‌ی عبدالله یوسف علی
- مبانی انقلاب اسلامی (امام خمینی (ره))
- نهاد خانواده نوشته‌ی حسین انصاریان
- زن ایده آل نوشته‌ی مرحوم علامه حاجی غلامعلی